

روان شناسی و دین

سال هشتم، شماره سوم، پیاپی ۳۱، پاییز ۱۳۹۴



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصل نامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمدناصر سقایی‌ریا

سر دبیر

محمدرضا احمدی

مدیر اجرایی

سجاد سلگی

صفحه آرا

مهدی دهقان

ناظر چاپ

حمید خانی

سامانه ارسال و پیگیری مقالات

Nashriyat.ir/SendArticle

نمایه در SID / ISC

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی رضا اعرافی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

استادیار جامعه المصطفی العالمیه

محمد ناصر سقایی‌ریا

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

استادیار جامعه المصطفی العالمیه

سید محمد غروی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آشتیانی

استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی قدس سره - طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۸۰ مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۱۸۶-۳۷۱۶۵

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی

http://eshop.iki.ac.ir

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

1. مقالات ارسالی باید برخوردار از صیغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
2. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق وبگاه نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
3. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
4. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
5. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
6. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
1. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 2. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 3. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 4. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 5. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 6. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
 - آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج). یادآوری

1. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
2. مجله حداکثر پس از چهار ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
3. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
4. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
5. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا ... / ۵

کله حسین احمد برابادی / معصومه اسمعیلی / حسین سلیمی بجستانی / سیدمحمد کلانتر کوشه

ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان / ۲۷

مهناز علی اکبری دهکردی / فرهاد شفاقی / کله زهرا مردانی ولندانی / مرضیه عزیزیان / زهرا عاصمی

ساخت و اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام / ۵۳

کله سیدابوالفضل قدوسی / محمدرضا احمدی / صادق کریم‌زاده

مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب / ۷۱

کله جعفر هوشیاری / محمدمهدی صفورایی پاریزی / بهشته نیوشا

بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ... / ۹۳

کله عباسعلی هراتیان / سیدعباس ساطوریان / محمد زارعی / مسعود جان‌بزرگی / مژگان آگاه هریس

نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت‌های هیجانی منفی / ۱۱۳

یوسف رضاپور / کله بهزاد شالچی / مهرناز دادخواه / یوسف زینی‌وند

پیش‌بینی بلوغ شغلی بر اساس سبک‌های هویت و دین‌داری در میان دانشجویان ... / ۱۲۹

کله طیبه مدنی فر / کیومرث فرح‌بخش / محمود گلزاری / مرضیه مدنی‌فر

رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر / ۱۴۵

کله فریده حسین‌ثابت / مهرنوش مومی‌پور

ملخص المقالات / ۱۶۳

۱۷۸ / Abstracts

الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان شناسی دین

brabadihossiena@yahoo.com

حسین احمد برابادی / استادیار مشاوره دانشگاه بجنورد

معصومه اسمعیلی / دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

حسین سلیمی بجزستانی / استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

سیدمحمد کلانتر کوشه / استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۳ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۷

چکیده

این پژوهش به منظور تعیین ابعاد تصور از خدا، بر اساس اسماء حسنا و ارائه الگویی مفهومی برای مطالعات مربوط به سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دینی، انجام شده است. بدین‌منظور، آیات قرآن کریم و حدیث معروف پیامبر اعظم ﷺ که در آن ۹۹ اسم خداوند بیان شده، مورد بررسی قرار گرفتند. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوی بود. نتیجه پژوهش نشان داد که تصور از خدا، بر اساس اسماء حسنا، به دو بعد کلی اشاره دارند: اول، اسمایی که منشأ آنها ملاحظه ذات خداوند، بدون در نظر گرفتن غیر می‌باشد و شامل ابعاد ذات، تنزیه و عظمت و بزرگی می‌شوند. دوم، اسمایی که به ارتباط خداوند با جهان آفرینش اشاره دارند. این ارتباط، در دو زمینه است: ۱. زمینه خلق: اسمایی که مربوط به آفرینش و ساختار عمومی آفرینش هستند. این اسماء ذیل ابعاد دانایی، توانایی، کارایی، کاردانی، حفاظت، هدایت و تسلط قرار می‌گیرند. ۲. زمینه امر: اسمایی که به ربوبیت خدا و رابطه دوجانبه خدا و مخلوقات اشاره دارد. این اسماء ذیل ابعاد تدارک دهنده منافع و امکانات، بر طرف کننده موانع و آسیب‌ها، کنترل و حسابرسی، و استعانت و فریادرسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: تصور از خدا، اسماء حسنا، سبک زندگی.

مقدمه

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورت روز افزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. تغییر رویکرد چاپ چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM- IV) در سال ۱۹۹۴، مبنی بر ارائه یک طبقه (وی-کد) جدید، که مشخصاً به مشکلات دینی و معنوی اشاره دارد، دلیل این مدعا است. معرفی این کد تازه، اهمیت کسب صلاحیت و شایستگی درمانگران را در مورد مسایل اعتقادی، دینی و معنوی مطرح می‌سازد. اقتضای چنین بینشی این است که دین و معنویت، ابزارهای روان درمان بخش به شمار آیند (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۷۰۲). اظهارات ضد مذهبی، نظیر این گفته الیس (۱۹۸۸)، که «بیماران هر چه کمتر مذهبی باشند، از لحاظ عاطفی و هیجانی سالم‌تر خواهند بود»، نه تنها بی‌مبنا و مغایر با نتایج بسیاری از پژوهش‌هاست، کم‌کم رو به زوال گذاشته است. تا جایی که خود الیس، اکنون گمان می‌کند که «عقاید مذهبی، که وی زمانی آنها را نامعقول می‌دید، بالقوه برای برخی از مراجعان مفیدند. مؤمنان هم عقایدی معقول دارند که آنها را یاری می‌دهد» (الیس، ۲۰۰۰).

مفهوم «خدا»، یکی از بنیادی‌ترین مقوله‌های زندگی بشری است، که در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین، مورد توجه قرار گرفته است. تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و ادیان مختلف، متأثر از این مفهوم در تاریخ بشر به منصفه ظهور رسیده‌اند (عبدالکریمی، ۱۳۸۱؛ موحد و صفا، ۱۳۸۸) و بر سبک زندگی جوامع تأثیر گذاشته است.

امروزه «سبک زندگی» در سطح بین‌المللی، به موضوعی شناخته شده در آمده و در بیشتر علوم از جمله جامعه‌شناسی، پزشکی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و مدیریت مطرح شده و از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. به این مفهوم، گاه به معنای محدود آن، مثل نحوه نشستن، راه رفتن، و سلامت عمومی، آن‌گونه که کانسر (۲۰۰۷) در پرسش‌نامه سلامتی و سبک زندگی مطرح کرده و گاه، به معنای وسیع‌تر آن، مشی کلی فرد در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات (ر.ک: آدلر، ۱۳۷۰) و گاه، به معنای بسیار گسترده‌تر، مثل مدل سبک زندگی تجویزی اسلام (کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸) پرداخته شده است.

روان‌شناسی و علوم دیگری که به مطالعه سبک زندگی پرداخته‌اند، بیش از آنکه به شناخت‌ها و عواطف فرد به عنوان سازه‌های ذهنی توجه کنند، رفتارهای فرد را به‌طور عینی و مشهود مورد مطالعه قرار می‌دهند. ولی «سبک زندگی اسلامی»، قدری متفاوت است: از این جهت که «سبک» است، به

رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد و از این جهت که «اسلامی» است، نمی‌تواند با عواطف و شناخت‌ها بی‌ارتباط باشد. با تشبیه سبک زندگی به تسبیح، در واقع در سبک زندگی اسلامی، بر خلاف بررسی سبک زندگی در سایر علوم، که فقط به مهره‌ها (رفتارهای بیرونی) می‌پردازند، هم به مهره‌ها (رفتارها) و هم به نخ تشبیه (عقاید و باورهای درونی شده نسبت به هستی، خود و خدا) می‌پردازد (همان، ص ۱۸-۱۹).

تعالیم اسلام بر سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی قرار دارد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۴)، که در سرلوحه اصول اعتقادی اسلام، اعتقاد به خداوند و توحید است. علامه مصباح یزدی (۱۳۶۹)، طبقه‌بندی مطلوب معارف اسلامی را بر اساس و محور «الله» می‌داند و سایر معارف دین را منشعب از این محور اساسی در نظر می‌گیرد. بنابراین، مفهوم خدا و تصویری که افراد از خدا دارند، به این دلیل که در همه جنبه‌های زندگی فرد تأثیرگذار است، یک مفهوم محوری در مطالعات مربوط به سبک زندگی می‌باشد. از آنجاکه این پژوهش بر مبنای هستی‌شناسی اسلامی انجام شده است، این سؤال مطرح شود که آیا تصور از خدا در هستی‌شناسی اسلامی جایگاهی دارد؟

شهید مطهری معتقد است: پیش‌نیاز اعتقاد و معرفت خداوند تصدیق بوده، و تصدیق فرع بر تصور است. اگر تصور خدا غیرممکن باشد، تصدیق و اعتقاد به او نیز غیرممکن خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۱۰۰۸). ممکن است گفته شود: چون بر خدا احاطه نداریم، تصورش غیرممکن است. علامه مطهری برای حل این مسئله می‌گوید: چند راه وجود دارد: ۱. از شکاکان پیروی کنیم که می‌گویند: خداوند فرضاً وجود داشته باشد، از دسترس فکر بشر که بتواند درباره او نغیاً یا اثباتاً حکم کند، خارج است؛ ۲. یا عقیده «معطله» را بپذیریم که منکر معرفت به ذات باری می‌باشند و می‌گویند: خداوند را با عقل نمی‌توان شناخت، کمیت عقل در این میدان لنگ است. حداکثر معرفت همان اعتقاد عوام‌الناس است که یک عقیده مبهم در این زمینه پیدا کرده‌اند؛ ۳. یا عقیده عرفا را بپذیریم که به نوعی دیگر، منکر معرفت عقلی می‌باشند، ولی آنها منکر معرفت نیستند، بلکه طرفدار معرفت قلبی و شهودی می‌باشند و برای آن ارزش فوق‌العاده قائلند؛ ۴. بپذیریم که خدا قابل تصور است، ولی چگونه؟

از مقاله شهید مطهری با عنوان «پیدایش کثرت در ادراکات»، چنین استنباط می‌شود که تصور خداوند از نوع تصور ماهیات نیست تا لازم آید ذهن قبلاً به فرد و مصداق آن از راه حواس ظاهره یا باطنه رسیده باشد، تا بتواند آن را تخیل و سپس تعقل نماید، بلکه این تصور از نوع تصور آن سلسله معانی و مفاهیم است که «معقولات ثانیة فلسفی» نامیده می‌شود. از قبیل مفهوم «وجود»، «وجوب»،

«قدم»، «علیت» و امثال اینها. این گونه تصورات که انتزاعی می‌باشند، نه مسبوقند به صورت حسی و نه به صورت خیالی، بلکه عقل مستقیماً آنها را از صور حسی و خیالی انتزاع می‌کند. این گونه تصورات، همواره به صورت کلی در ذهن وجود دارند. بنابراین، تصور ذات باری از قبیل تصور مفهوم وجود و مفهوم وجوب و امثال اینهاست، با این تفاوت که تصور خداوند از ناحیه ترکیب چند مفهوم از این مفاهیم، یا یکی از این مفاهیم با مفهومی از نوع ماهیات صورت می‌گیرد. از قبیل مفهوم «واجب الوجود»، «علت نخستین»، «خالق» و غیره.

عنان‌پور خیرآبادی (۱۳۹۱)، مبانی سبک زندگی اسلامی را از منظر قرآن بررسی کرده است. وی در ارائه مبانی اعتقادی مسلمانان اصولی را مطرح می‌کند: ۱. اصل خالقیت و ربوبیت الهی، ۲. اصل مالکیت الهی، ۳. اصل هدفداری جهان آفرینش، ۴. اصل اعتقاد به معاد، ۵. اصل خلافت و جانشینی انسان بر روی زمین، ۶. اصل مسئولیت‌پذیری انسان، ۷. اصل اختیار انسان. این اصول در حقیقت، به همان باورهای درونی شده درباره خدا، هستی و انسان اشاره دارد که در حقیقت، جهت‌دهنده سبک زندگی مؤمنان قرار می‌گیرد. به دلیل اهمیت اعتقادات در سبک زندگی اسلامی، کاوینانی (۱۳۹۱) یکی از مؤلفه‌های پرسش‌نامه سبک زندگی اسلامی را به مؤلفه باورها اختصاص داده است.

برای داشتن یک الگو، از سبک زندگی اسلامی، در گام نخست، نیازمند نظریه‌پردازی‌های مفهومی درباره اعتقادات اسلامی، به‌ویژه در مورد خدا هستیم. به نظر می‌رسد، اسماء حسناى الهی، قابلیت آن را دارند که در ارائه یک تصور صحیح و جامع از خداوند، به منظور ارائه یک الگوی مفهومی به کار روند. این مطالعه تلاشی است برای رسیدن به این هدف.

مفهوم «خدا» و تصویری که افراد درباره خدا دارند، علاوه بر اهمیتی که در مطالعات مربوط به سبک زندگی دارد، جای خود را در پژوهش‌های روان‌شناسی معاصر باز کرده است. مفهوم «خدا»، یعنی درک عقلانی و اعتقاداتی که فرد نسبت به خدا دارد. تصور از خداوند، حالتی روان‌شناسی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۷). تصور از خدا، یک مدل کارکرد درون روانی است که فرد، «خدا» را بدان گونه و در آن قالب تصور می‌کند (گاتیس، ۲۰۰۱، ص ۴۷).

مفهوم تصور از خدا، در مکتب روان‌شناسی تحلیلی ریشه دارد. هرتل (۱۹۹۵) درباره تصور از خدا که به تعبیر ادیان یک موهبت و راهنمای درونی و ذاتی است، معتقد است که تصور از خدا یک الگوی شناختی - عاطفی است که از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبتش شکل

گرفته و در سراسر زندگی همراه با رشد و بلوغ فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد. این الگو جهت‌گیری، رفتار و احساس فرد در ارتباط با خدا را هدایت می‌کند. به همین دلیل، ادراک خدا مجموعه‌ای منسجم از آخرین سطح ادراکی فرد در مسائل انتزاعی و امور ماورایی است.

این متغیر روانی (تصور از خدا)، حکایت از کیفیت ارتباط با خدا دارد که یکی از مهم‌ترین ارتباطات فرد بوده و بررسی آن می‌تواند کیفیت دیگر ارتباطات مهم زندگی روانی فرد را به ما بشناساند (لاندين، ۱۹۹۶، ص ۷۴). همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، ادراک فرد از خدا و تصویری که به آن دست یافته، بسیار مهم خواهد بود (لاورنس، ۱۹۹۷، ص ۲۱۷؛ ریزوتو، ۲۰۰۵، ص ۳۵؛ دیروس، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱؛ پلوسو، ۲۰۰۸، ص ۱۷؛ کلیستون و استراب، ۲۰۱۰، ص ۱۰۳؛ گروسمن، ۲۰۱۰، ص ۱۹۰).

بسیاری از پژوهش‌ها، به بررسی رابطه تصور از خدا با سایر متغیرهای روان‌شناختی پرداخته‌اند که نشانه اهمیت این مفهوم در دنیای روان‌شناسی است. از جمله، تصور از خدا و امید به بهبودی در بیماران سرطانی (شرایبر و کتاکي، ۲۰۰۹)، تصور از خدا و وحدت شخصیت (بامن، ۲۰۱۰)، دل‌بستگی به خدا و سلامت روان (اکوزی، ۲۰۱۰)، تصور از خدا و شکایت جسمانی، وسواس - بی‌اختیاری، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی (برادشاو و همکاران، ۲۰۰۸)، مقابله‌های روان‌شناختی و تصور از خدا (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۹)، تصور از خدا با ناامیدی و افسردگی (برام و همکاران، ۲۰۰۸ الف). تحقیقات نشان می‌دهد که انگاره ذهنی مثبت به خدا داشتن و ارتباط نزدیک با خداوند را حفظ کردن موجب افزایش سلامت روان می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۱).

در حقیقت، معنویت و تصور از خدا امری همگانی است که ممکن است هوشیار یا ناهوشیار، رشد یافته یا رشد نیافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، و مفید یا خطرناک باشد (واگان، ۲۰۰۲). بنابراین، تصور غلط و بیمارگونه از خدا به هر دلیل، آسیب‌زا است. بنابراین، ضرورت دارد این مفهوم در ارزیابی‌ها و مداخلات مشاوران و روان‌شناسان مورد توجه جدی قرار گرفته و پژوهش‌هایی در حوزه نظری و عملی را به خود اختصاص دهد.

اصلاح تصور از خدا در ادیان توحیدی، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده و هر یک از کتب آسمانی، در آیات خود سیمای ویژه‌ای از خداوند به دست می‌دهد که شناخت آن، نقش بسیار مهمی در

فهم سایر معارف دینی و میزان تعهد به دستورهای الهی دارد. کامل‌ترین سیمای خداوند در قرآن ظهور یافته است. قرآن ظرف تجلی کامل اسما و صفات پروردگار است.

اسماء حسنی یا نام‌های نیکوی خداوند، نام‌هایی هستند که در اسلام برای «الله» به کار رفته است. غالباً شمار این نام‌ها را ۹۹ نام دانسته‌اند که بیشتر آن در قرآن آمده است. برخی دیگر براین باورند که شمار آنها بیشتر است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۲؛ شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). موضوع نام‌های نیکوی خداوند از دیر باز مورد توجه اندیشمندان تاریخ تمدن اسلامی بوده است و شروح گوناگون از منظرهای متفاوت (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۵۴۳؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۲۶۳؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۶؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰، ص ۳۷-۳۸؛ منصوری لاریجانی، ۱۳۹۰، ص ۱ و ۹۰؛ آینه‌وند و نیازی، ۱۳۷۹؛ شهیدی، ۱۳۹۱؛ شنکایی، ۱۳۸۸) بر اسماء الهی نگاشته شده است. براساس هستی‌شناسی اسلامی، رابطه خدا با جهان و انسان مشخص شده است (اسمعیلی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد، بتوان کیفیت این ارتباط را در الگوی اسماء حسنا یافت.

آنجا که رویکردهای انسان‌گرایانه مشاوره و روان‌درمانی نهایت رشد انسان را خود شکوفایی در نظر می‌گیرند، رویکرد خدا‌گرایانه اسلامی، نهایت رشد انسان را خلیفه الهی در نظر می‌گیرد و تعلیم اسماء الهی سرآغاز این خلیفه الهی است (بقره: ۳۰ و ۳۱). علامه جوادی آملی، جریان خلافت و جانشینی انسان و ارتباط آن با اسماء حسنا و اهمیت تعلیم اسماء برای پرورش انسان و تعیین مسیر زندگی‌اش را مورد تأکید قرار داده، نتیجه می‌گیرد که خلافت انسان از راه تعلیم اسماء به دست می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۰-۲۸۱). بنابراین، انسان برای رسیدن به خلافت الهی، نخست باید اسماء الهی را یاد بگیرد و معانی آنها را بفهمد و سپس حقایق آنها را در جان خود پیاده کند. پس امکان اتصاف به اوصاف الهی برای همه انسان‌ها وجود دارد و هر کسی به اندازه هستی خود، می‌تواند به اسماء و صفات الهی دسترسی داشته باشد.

در بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا، بسیاری از این پژوهش‌ها در خارج و یا داخل کشور، مبتنی بر مبانی نظری روانکاوی و روابط ابژه شکل گرفته است که عمدتاً متأثر از نگاه جسمانی به خدا در مکتب مسیحیت و فرهنگ غیراسلامی است. در دیدگاه اسلام، خداوند ذاتی حقیقی است (حج: ۶۲؛ یونس: ۳۲)، و تصورات انسان‌ها با وجود متعالی خداوند یکسان نیست. بنابراین، ضرورت دارد این مفهوم بر اساس آموزه‌های متعالی اسلام برای استفاده در فرهنگ اسلامی-ایرانی، وارد حوزه روان‌شناسی و مشاوره گردد. از سوی دیگر، اکثر این پژوهش‌ها در حد

توصیفی و بررسی رابطه بین تصور از خدا و سایر متغیرها بوده و هیچ نگاه تجویزی برای اصلاح تصورات ناکارآمد از خدا ارائه نکرده‌اند. این پژوهش، گامی در جهت مرتفع کردن این خلأ در عرصه پژوهش‌های روان‌شناسی مرتبط با تصور از خداست.

عامل دیگری که اهمیت پرداختن به اسماء حسنا را در تدوین الگوی تصور از خدا آشکار می‌سازد، ضرورت وجود معیاری برای تشخیص تصور درست از نادرست درباره خداوند است. بنابراین، ضروری است روان‌شناسان و مشاورانی که با مراجعان خدا باور مسلمان کار می‌کنند، معیاری برای تشخیص و ارزیابی تصور از خدای مراجعان خود داشته باشند. تدوین این الگو، می‌تواند با ارائه این معیار به جامعه مشاوران و روان‌شناسان خلأ موجود را پر کرده و خدمات ارزنده‌ای هم در جهت تشخیص، هم در جهت اصلاح تصورات ناکارآمد و هم بهبود و ارتقاء تصورات فرد از خدا ارائه دهد.

به نظر می‌رسد، از میان اسماء حسنایی که در قرآن و حدیث معروف پیامبر ﷺ - که در آن ۹۹ اسم تصریح شده - آمده، علاوه بر قابلیت‌ها و کاربردهای متعدد آنها، بتوان الگوی مفهومی یکپارچه‌ای را استخراج نمود که بیانگر دیدگاه اسلام درباره تصور از خدا باشد.

با عنایت به موارد فوق و نقش تصور از خدا در شکل‌دهی سبک زندگی و سلامت روان و اهمیت اصلاح تصاویر ناکارآمد از خدا و جایگاه مهم این مفهوم در تعالیم دینی، از جمله مکتب اسلام، محقق به دنبال آن است که الگویی مفهومی تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا را طراحی نماید تا در مطالعات روان‌شناسی مرتبط با حوزه تصور از خدا و سبک زندگی مورد استفاده قرار گیرد و همچنین ابعاد این الگو را مشخص نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش‌شناسی از نوع مطالعات کیفی است. برای تعیین ابعاد تصور از خدا براساس اسماء حسنا، از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، اسماء حسنا به لحاظ معنایی با روش تحلیل محتوا بررسی شد. پس از مشخص کردن مسئله پژوهشی، انتخاب منابع تحلیل (قرآن و حدیث) و تعریف و مشخص کردن متغیر تحقیق (اسماء حسنا)، واحدهای تحلیل (کلمه‌ها و موضوعات مرتبط با اسماء حسنا) انتخاب شد و درنهایت، واحدهای تحلیل مقوله‌بندی شد.

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، تدوین الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا بود تا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین، بخصوص در حوزه تصور از خدا، پیشنهاد دهد. نتایج این پژوهش نشان داد که تصور از خدا، بر اساس اسماء حسنا دارای ابعاد گوناگونی به شرح ذیل می‌باشد: اما پیش از پرداختن به این ابعاد، لازم به یادآوری است که لفظ «الله» جامع‌ترین اسم برای تمامی اسماء حسنا می‌باشد. کلمه «الله» در زبان عربی، اسم خاص است که برای ذات پاک پروردگار جهان به کار می‌رود. «الله»، جامع همه صفات کمال و منزّه از هر نوع نقص و کم و کاست است. بنابراین، جایز نیست که نام الله- و رحمان- بر کسی جز خدا گذاشته شود. از خصوصیات اسم «الله»، این است که سایر صفات به آن اضافه می‌گردند. مثلاً «الله»، رحمان و رحیم است. درحالی‌که این اسم به اسماء دیگر اضافه نمی‌شود. «الله» اسمی است که بر ذات الله، که صفات به او قیام یافته‌اند، دلالت می‌کند (سامی محمود، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

ابعاد تصور از خدا

بعد ذاتی: در این بعد، اسمایی از خداوند قرار می‌گیرند که به صفات ذاتی خدا اشاره دارند. صفات ذات، صفاتی هستند که منشأ آنها تنها ملاحظه ذات خداوند، بدون دخالت و ملاحظه غیر باشد، صفاتی هستند که همیشه، مقابل آن صفت، از خدا نفی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰). این صفات عبارتند از قدرت، اراده، علم، حیات و وحدانیت.

جدول ۱. بعد ذات

صفاتی/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارد
وجود	الحق، التور، الظاهر، الباطن
قدرت	القوی، المتین، القادر، المقتدر، الواجد، العزیز، المقیت، مالک الملک، الوارث
اراده	المرید
علم	العلیم، اللطیف، الخیر، الشهدید، الحسیب، المحصی، الواجد، السمع، البصر، الرقیب، المهیم، الواسع
حیات	الحی
وحدانیت	الواحد، الاحد

بعد تنزیه: این بعد از اسماء، به صفاتی / مفاهیمی از خدای سبحان اشاره دارد که با تسبیح و تقدیس همراه است. تسبیح از داشتن هر اسم قبیح و غیرحسَن و تقدیس از هر نوع وصفِ

کمالی محدود و آمیخته با نقص و عدم. این بعد از اسماء الله خداوند را از هر قبیح و ناروا تنزیه و سپس، از هر کمال محدود و جمال مقید و جلال نسبی تقدیس می‌گرداند؛ زیرا همه کمال و جمال و جلال او، نفسی، مطلق و نامحدود است (همان، ص ۲۳۹).

جدول ۲. بعد تنزیه

بعد تنزیه	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارند
	درستی (بی نقص بودن)	السلام، القدوس
	بی نیازی	الغنی، الصمد
	ازلی و پابندگی	الاول، الآخر، الباقي

بعد عظمت و بزرگی: در این بعد از اسماء، به صفاتی / مفاهیمی از خداوند اشاره می‌شود که نهایت عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی، مجد، شکوه، والایی اوج سیادت، شرف، بخشش پروردگار را نشان می‌دهد.

جدول ۳. بعد عظمت و بزرگی

بعد عظمت و بزرگی (مادی و معنوی)	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارند
	فراتر از درک و احساس	الکبیر، المتکبر، العظیم
	بزرگواری بی‌نهایت	الماجد، المجید
	دارای برترین کمالات	الجلیل، ذوالجلال والاکرام، الکریم
	مرتبه وجودی فوق تصور	العلی، المتعالی
	سزاوار هر گونه حمد و ثنا	الحمید، المجید

بعد فعلی: این بعد از اسماء الهی، صفاتی / مفاهیمی را که از مقام فعل خدا انتزاع می‌شود، نشان می‌دهد. همان‌گونه که از تحلیل صفت فعل بر می‌آید، در انتزاع چنین اوصافی، غیر از ذات خدا، چیز دیگری دخیل است. صفات فعلی خدا، اوصاف کمالی است که از نوعی نسبت و اضافه بین خدا و مخلوقات او حکایت دارد. یک طرف این اضافه، خداست و طرف دیگر، مخلوقات که فعل خود اوست (همان، ص ۲۹۱). در یک نگاه کلی، آنچه از هدایت قرآنی بر می‌آید، ارتباط خداوند با مخلوقات او و جهان آفرینش در دو زمینه است (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹)، عالم خلق و عالم امر: الاله الخلق والامر (اعراف: ۵۴).

الف. زمینه خلق: آنچه مربوط به آفرینش، ایجاد و ساختار عمومی جهان است، در زمینه خلق مورد بررسی قرار می‌گیرد. افعال خداوند در زمینه خلق به صفات / مفاهیم خالقیت، دانایی، توانایی، کارایی، کاردانی، حفاظت، هدایت و تسلط اشاره دارد.

جدول ۴. ابعاد فعل خداوند در زمینه خلق

نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند	صفات/ مفاهیم	ابعاد فعل خداوند (زمینه خلق)
الخالق، الباری، البديع، المصور، البديع، المبدء	خالقیت	
العلیم، اللطیف، الخبیر، الشهد، السمع، البصیر، الواسع	دانایی	
القوی، المتین، القادر	توانایی	
العزیز، القیوم، المقتدر، الواجد	کارآیی	
الحکیم، اللطیف، المقدم، الموخر، الحسیب	کاردانی	
الحافظ، الحقیظ	حفاظت	
المهیمن، المقیت، مالک الملک، المحصی، الرقیب، الوارث	تسلط	
الهادی	هدایت	

ب. زمینه امر: بعد از اینکه هر موجود با اندازه‌ای مشخص و ویژگی‌های معینی برابر با طرح موجود در علم خداوند خلق شد، نوبت به امر می‌رسد. یک طرف این رابطه، امر و در طرف دیگر، مأمور وجود دارد. مخلوقات (مأموران) خداوند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: مخلوقات فاقد علم و اراده و مخلوقات واجد علم و اراده. امر خداوند در مورد موجودات فاقد علم و اراده، به امر تسخیری (جبر) معروف است که این موجودات بعد از خلقت، مطابق اصل هدایت عامه در مسیر تکوینی خود حرکت می‌کنند. از امر خداوند در مورد انسان، که دارای علم و اراده است، به امر ابتلایی (اختیار) یاد می‌شود. امر در مورد انسان، به ربوبیت نیز تعبیر می‌شود (همان، ص ۶۱).

در یک طرف، این رابطه خداوند به عنوان رب العالمین قرار دارد و صفت رحمتش (الرحمن الرحیم)، اقتضاء می‌کند در مسیر رشد انسان همه منافع و امکانات لازمۀ رشد را در اختیارش قرار دهد و همه موانع رشد را از سر راهش بر دارد. همچنین مریی بودن خداوند، با صفاتی که ذیل مالک یا مالک یوم الدین (کنترل‌کننده و بازرس) قرار می‌گیرند، اقتضاء می‌کند در برابر امکاناتی که به انسان داده از او مسئولیت بخواهد و انسان باید در برابرش پاسخ‌گو باشد. رب العالمین، به دلیل همه صفات کمالی که دارد، شایستگی قانون‌گذاری و فرمان‌مطاع صادر کردن (ایاک نعبد، معبود) را دارد و به دلیل تمام صفات کمالش شایستگی یاری دادن انسان (ایاک نستعین، معین) را دارد. در طرف دیگر این رابطه، انسان قرار دارد که باید خدا را با موضع‌گیری‌های درستش «حمد» کند. موضع‌گیری‌هایی چون معرفت و شناخت اسماء حسنا، مملو شدن از رغبت و رهبت نسبت به صاحب صفات مذکور در نتیجه، شناخت و معرفت آنها، و بعد اطاعت و استعانت به معنای کامل آن (همان، ص ۶۶).

بر این اساس، اسما الهی به چند مقوله اشاره دارند:

الف. تدارک‌دهنده منافع و امکانات: اسما خدا در این مقوله، به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که بیانگر این است که خداوند اسباب آنچه برای رشد مادی و معنوی انسان‌ها لازم است، در اختیارش می‌گذارد. و انسان می‌تواند از آنها بهره‌برداری کند. صفات و مفاهیم رحمت و عطف و بخشندگی و عطا، ولایت و تصرف، رزاقیت و قدردانی در این مقوله جای می‌گیرند.

جدول ۵. ابعاد فعل خداوند در زمینه امر (مقوله جلب منافع و امکانات)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت) تدارک دهنده منافع و امکانات رشد	رحمت و عطف	الرحمان، الرحیم، الفتح، اللطیف، الرؤوف، الودود، الهادی
	بخشندگی و عطا	الوهاب، البر، الکریم، الواسع
	ولایت و تصرف	الوالی، الولی، الوکیل، الحسیب، الفتح، الصمد
	رزاقیت	الرزاق، المقیت، المعنی، القابض، الباسط
	قدردانی	الشکور، الحمید

ب. برطرف کننده موانع و آسیب‌های رشد: انسان در مسیر رشد مطلوب خود، نه تنها به امکانات ایجابی نیاز دارد، بلکه امکانات سلبی را نیز می‌خواهد و در صورتی که با مانع یا آسیبی در مسیر رشدش مواجه شد، بتواند از آنها استفاده کند. یک مجموعه از نام‌های نیکوی خداوند به این موضوع اشاره دارند. در همان امکاناتی که خدا برای رشد او قرار داده، وسیله دفع هر مانعی که مسیر رشد او را تهدید می‌کند، وجود دارد. این مقوله به صفات و مفاهیم مراقبت و محافظت، بخشودگی و عذرپذیری اشاره می‌کند.

جدول ۶. بعد فعل خداوند در زمینه امر (دفع موانع و آسیب‌ها)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت) برطرف کننده موانع و آسیب‌های رشد	مراقبت و محافظت	الحفیظ، السلام، المومن، الحلیم، الصبور، المانع
	بخشودگی و عذرپذیری	العفار، المغفور، العفو، التواب

ج. کنترل و حسابرسی: این مقوله به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که انسان را متوجه مسئولیت‌پذیری خود در قبال امکاناتی که خداوند به صورت سلبی یا ایجابی در اختیارش گذاشته، می‌نماید. صفات و مفاهیمی که به این مقوله دلالت می‌کنند، عبارتند از: حسابگری و حسابرسی، تسلط، نظارت، انتقام‌گیری، کارایی.

جدول ۷. بعد فعل خداوند در زمینه امر (کنترل و حسابرسی)

مقوله	صفات / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت / مفهوم اشاره دارند
کنترل و حسابرسی بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت)	حسابگری و حسابرسی	الحسیب، الحكم، المقدم، الموخر، المحصى، المعید، الباعث، الجامع
	تسلط و کنترل	الحفیظ، القیوم، المقتب، المالك الملك
	نظارت	المهیمن، الرقیب، الشهد
	انتقام‌گیری	المتقم، المذل، الفهار، الخافض
	کارآیی	العزیز، القوی، المتین، المقندر

د. استعانت و فریادرسی: انسان از نظر قرآن، موجودی ضعیف و نیازمند است. برای برطرف کردن مشکلات خود، به ذاتی قوی و بی‌نیاز، محتاج است (فاطر: ۱۵). این مقوله به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که خداوند پاسخ‌گویی و یاری دادن به انسان‌ها را برای رسیدن به اهداف و رفع مشکلات تضمین می‌کند.

جدول ۸. بعد فعل خداوند در زمینه امر (یاری دادن و فریاد رسی)

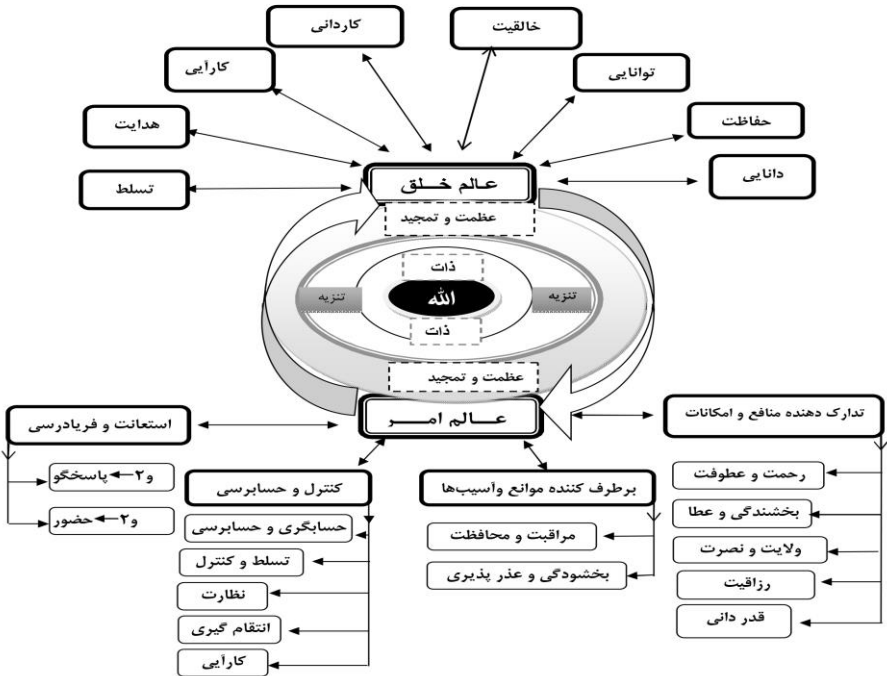
مقوله	صفات / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت / مفهوم اشاره دارند
یاری دادن و فریادرسی بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت)	حضور و دسترس‌پذیری	العلیم، السميع، البصیر، اللطیف، الخیر، الرقیب، الشهد
	پاسخ‌گو	المجیب، الناصر

الگوی مفهومی تصور از خدا

پس از مشخص شدن ابعاد مختلف تصور از خدا براساس اسماء حسنا، به یک الگوی مفهومی دست یافتیم. منظور از تصور از خدا در این الگو این نیست که خداوند را به شکل موجودی تصور کنیم، تصور و تصویر خداوند محال است؛ زیرا خداوند دارای صورتی قابل تصویر نیست. هر تصویری از او تصور کنیم، ساخته و پرداخته ذهن ما خواهد بود. خداوند که خالق هستی است، نمی‌تواند مخلوق ذهن بشر باشد.

منظور از تصور از خدا در این الگو، شناختی جامع و در همه ابعاد از خداوند است؛ شناختی که به اندازه گستره وجودی و سطح دانش خود، در آینه اسماء حسنا بدان دست یافته‌ایم. با توجه به شکل زیر، الگوی برآمده از هستی‌شناسی اسلامی دارای بخش‌های مختلفی به شرح ذیل است:

الگوی تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا



ذات الله: در هستی‌شناسی اسلامی، «الله» به عنوان ذاتی واجب‌الوجود، قائم به ذات و هستی‌آفرین و به عنوان حقیقتی ثابت پذیرفته شده است. ذات خداوند، مشهود هیچ عارف و معلوم هیچ فیلسوفی واقع نمی‌شود. عارفانِ اصل هم معترف به عجزند و نه تنها به قصور عبادی اعتراف کرده‌اند (ما عبدناک حق عبادتک)، بلکه به عجز عرفانی نیز اقرار دارند (ما عرفناک حق معرفتک). به دلیل این عدم امکان شناخت ذات خدا، دایره مرکزی شکل با رنگ تیره مشخص شده است.

روشن است که خداوند چون موجودی نامتناهی است و ما موجودی متناهی و محدود هستیم، هرگز متناهی و محدود، احاطه کامل به وجود غیرمتناهی و نامحدود پیدا نخواهد کرد و همواره شناخت ما ناقص خواهد بود. ولی این امر موجب نمی‌شود که نتوان هیچ‌گونه شناختی از خدا داشت؛ زیرا از نظر دین، برخی درجات معرفت و خدا‌شناسی ممکن است، هر چند معرفت تام و احاطه کامل ممکن نیست. بنابراین، انسان از راه پدیده‌های عالم و از راه تفکر عقلانی، می‌تواند به اوصاف الهی مانند علم و قدرت راه یابد. خداوند برای انسان مجهول مطلق نیست، اگر چه معلوم مطلق هم نخواهد بود: «لم یطلع العقول علی تحدید صفتہ و لم یحجبها عن واجب معرفه» (نهج‌البلاغه، خ ۴۹، ص ۱۶۰)؛ «عقول را

به تعیین نمودن صفات الهی (درک تمام حقیقت آن) راه نیست، اما از مقدار لازم از معرفت نیز بی بهره نیست و مانعی برای آن وجود ندارد. در میان اسماء حسناى الهی، اسمایی وجود دارند که به تصور درست از ذات خدا و تصور درست از ارتباط خدا با مخلوقاتش اشاره می نمایند.

الف: اسمای حسناىی که به تصور از ذات خدا مربوط می شوند، عبارتند از:

- اسماء ذات: دایره دوم الگو (بعد از الله)، مربوط به اسمائی هستند که به شناخت انسان از ذات خدا کمک می کنند. صفات و مفاهیمی چون وجود، علم، قدرت، اراده و حیات در این قسمت قرار می گیرند.

- اسماء تنزیه: دایره سوم به اسماء تنزیه اشاره دارد. اسماء تنزیه، در حقیقت خدا را از نقص یا کمال محدود میرا می سازد. این دایره، در حقیقت روشن می سازد که مثلاً گر چه خداوند دارای علم، قدرت، اراده و غیره است، اما علم، قدرت و اراده پروردگار مثل انسان نیست که دارای محدودیت و نقص باشد. یا زمانی متصور باشد که عالم نبوده یا علمش ذایل شود. مفاهیم و صفاتی که در این دایره قرار می گیرند، عبارتند از: درستی (عدم نقص)، بی نیازی، ازلی و پایداری. اسماء مدلول آن عبارتند از: السلام، القدوس، الغنی، الصمد، الاول، الاخر، الباقي.

اسمائی که به عظمت و بزرگی خدا اشاره دارند: در دایره سوم صفاتی از خداوند مد نظر است که بیانگر عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی، مجد، شکوه، والایی، سیادت، شرف و بخشش پروردگار را حد و مرزی نیست. اسماء مدلول آن عبارتند از: الکبیر، المتکبر، العظیم، الماجد، المجید، الجلیل، ذوالجلال والاکرام، الکریم، العلی، المتعالی، الحمید، المجید.

ب: اسمای حسناىی که به تصور ارتباط خدا با مخلوقاتش اشاره دارد:

ارتباط خداوند با مخلوقات او و جهان آفرینش در دو زمینه است: عالم خلق و عالم امر؛ «الاله الخلق والامر» (اعراف: ۵۴).

۱. عالم خلق: نیمه بالای الگو به زمینه خلق مربوط است و به اسمایی از خدا اشاره دارد که به آفرینش، ایجاد و ساختار عمومی جهان اشاره دارد. خداوند با علم، قدرت، اراده و تدبیر حکیمانه خود هستی را خلق نموده و او با تسلط و چیرگی خاص خود عالم را محافظت می کند و در مسیری که خودش اراده فرموده، هدایت می کند. این هدایت، برای موجودات فاقد علم و اراده طبق اصل هدایت عامه صورت می گیرد. اسمایی که مدلول این صفات هستند در جدول ۴ آمده است.

۲. عالم امر: نیمه پایین الگو، به زمینه امر مربوط است و به اسمائی از خدا اشاره دارد که به ارتباط انسان ها با خدا و بعکس مربوط می شود. در این قسمت چند مقوله مطرح است:

۱. تدارک دهنده منافع و امکانات: ذیل این مقوله، مفاهیم رحمت و عظوفت، بخشندگی و عطا، ولایت و نصرت، رزق و روزی، و قدردانی قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۵ آمده است.

۲. برطرف کننده موانع و آسیب‌ها: ذیل این مقوله، مفاهیم مراقبت و محافظت و بخشودگی و عذرپذیری قرار می‌گیرد. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۶ آمده است.

۳. کنترل و حسابرسی: ذیل این مقوله، مفاهیم حسابگری و حسابرسی، نظارت، تسلط، کارآیی و انتقام‌گیری قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۷ آمده است.

۴. استعانت و فریاد رسی: ذیل این مقوله، مفاهیم پاسخ‌گویی و حضور قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۸ آمده است.

لازم به یادآوری است هر یک از اسما الهی، دارای معانی مختلفی هستند که ممکن است هر اسم، با توجه به تناسب معنایی در ابعاد و مقوله‌های مختلفی قرار گیرد. علاوه بر این، همان‌گونه که الگو نشان می‌دهد، عالم خلق و امر از هم جدا نبوده و دائماً در ارتباطند. پیکان‌های دوسویه ابعاد مختلف با همدیگر و با عالم خلق و امر، نشانه این است که هیچ یک از این ابعاد، بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد امکان‌پذیر نیست. این جدایی و تقسیم برای درک و فهم بهتر از تصور از خدا بر اساس اسما الله انجام گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

«دین» عمیقاً زندگی روزمره شخصی و اجتماعی انسان‌ها را در گستره حیات تحت تأثیر قرار داده است و سبک خاصی به زندگی آنها می‌بخشد. این امر می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای مطالعه آن باشد؛ زیرا هدف اصلی علم روان‌شناسی، شناخت، توضیح و تبیین رفتار انسان است. بدین ترتیب، هر تغییری که به دستیابی به این هدف کمک کند، باید در حد تأثیر خود به طور متناسب مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. وظیفه روان‌شناسی دین، توضیح اشکال متعددی است که اعتقادات و باورهای یک شخص در دنیای خاص وی عمل می‌کند و مؤثر واقع می‌شود (مظاهری و پسندیده، ۱۳۹۰، ص ۲۵). این مقاله، با تأکید بر مفهوم تصور از خدا، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی دین و سبک زندگی، به بررسی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسما حسنا و درنهایت، ارائه یک الگوی مفهومی پرداخته است. این موضوع از منظر ابعاد گوناگون فعالیت‌های پژوهشی در حوزه روان‌شناسی دین و در نهایت، تربیت دینی و تأثیر آن بر سبک زندگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در یک جمع‌بندی کلی، اقدامات پژوهشی و نظریه‌پردازی‌هایی که روان‌شناسان در خصوص دین ارائه کرده‌اند، در چهار قلمرو قرار می‌گیرد. اول. پیگیری و تلاش برای توجیه، تبیین و تفسیر دین از لحاظ روان‌شناختی. مثلاً، ماهیت روان‌شناختی دین چیست؟ چرا انسان‌ها به دین اعتقاد دارند؟ اجزای روان‌شناختی دین چیست؟ این قلمرو یک قلمرو نظری و بنیادی است. نظریه‌پردازان بسیاری از فروید تا آدلر، یونگ، فروم، الیس، کرکپاتریک را شامل می‌شود. قلمرو دوم، به توصیف دین سالم و ناسالم پرداخته و هدف آن، تفکیک و تمایز بین لایه‌های مختلف سالم و ناسالم دین بوده است. قلمرو سوم، به مطالعه و بررسی آثار و پیامدهای روان‌شناختی دین متمرکز شده و رابطه آن را با سلامت روان، بیماری روانی، رفتارها و نگرش‌ها بررسی کرده است و عمدتاً نگاهی کارگردگرایانه به دین داشته است و جزء فعال‌ترین حوزه روان‌شناسی دین به لحاظ پژوهشی بوده است. در نهایت، قلمرو چهارم به تهیه و طراحی ابزارهای معتبر و مناسب برای سنجش باورها، اعتقادات، انگیزه‌ها و رفتارهای دینی متمرکز داشته است (همان، ص ۳۵). مفهوم «خدا» و باورها و تصوراتی که افراد از خدا دارند، حجم وسیعی از مطالعات را در این چهار قلمرو به خود اختصاص داده و در قلب مطالعات روان‌شناسی دین قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش، در قلمرو سوم و چهارم قابل بررسی می‌باشد.

در قلمرو سوم، که به بررسی پیامدهای روان‌شناختی باورهای دینی می‌پردازد، متغیر تصور از خدا پژوهش‌های زیادی را برانگیخته است. مطالعات زیادی در مورد تصور از خدا انجام شده (شرایب و کتناکی، ۲۰۰۹؛ اوکوزی، ۲۰۱۰؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۱؛ براد شاو و همکاران، ۲۰۰۸؛ برام و همکاران، ۲۰۰۸a)، که تأیید می‌کنند بیماران مختلف تصور مخدوش، تحریف شده و نادرستی از خدا دارند. این تصور منتج به احساسات ناخوشایند و رفتارهای ناکارآمد می‌شود. در مقابل تصویر مثبت از خدا به سلامت روان منجر می‌شود. ابعاد مشخص دراین‌الگو، می‌تواند به عنوان معیار تصور از خدا در ارزیابی‌های روان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد و با تشخیص ابعادی از تصور از خدا، که توسط مراجع مورد غفلت یا تحریف قرار گرفته، مسیر درمان را طرح‌ریزی نمود. همچنین در حوزه روان‌شناسی سلامت‌نگر، برای ارتقاء سلامت روان از یافته‌های این پژوهش می‌توان استفاده کرد.

در ارتباط با قلمرو چهارم نیز نتایج این پژوهش قابل تأمل است. در ایران، مطالعات زیادی در حوزه تصور از خدا انجام شده است. مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزار سنجش آنهاست که عمدتاً محدود به دین مسیحیت است و برای پیروان سایر ادیان، حداقل به سادگی قابل تعمیم نیست. از این رو، ضرورت تلاش برای ساخت ابزار مناسب جهت سنجش تصور از خدا،

مطابق با دین اسلام و فرهنگ ایرانی احساس می‌شود. این پژوهش، با تعیین ابعاد تصور از خدا و ارائه یک الگوی یکپارچه در مورد تصور از خدا، می‌تواند به عنوان یک مبنای نظری برای تهیه پرسش‌نامه‌هایی قرار گیرد که می‌خواهند مطالعاتی درباره تصور از خدا در فرهنگ ایرانی - اسلامی داشته باشند.

اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، درباره خاستگاه‌های مفهوم تصور از خدا، دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند (صفا، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). در رهیافت روان‌شناسی، منشأ مفهوم خدا و تصویری که افراد از خدا دارند، در انواع گوناگون عواطف و احساسات فردی و جمعی، الگوهای رابطه‌ای فرد در دوران کودکی و فراق‌کنی آن در بزرگسالی و همچنین در تجربیاتی که انسان‌ها در مواجهه با امور معنوی یا قدسی دارند، جست‌وجو می‌شود. همچنین آموزش‌هایی که فرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از مجراهای مختلف (والدین، مدرسه، کتاب‌ها، رسانه‌ها) دریافت نموده، در ایجاد تصور فرد از خدا مؤثرند. به هر حال، تصور از خدا به هر دلیل که در افراد شکل گرفته باشند، بحث «تربیت دینی» در آن مطرح است. در حقیقت، افراد متأثر از جهان‌بینی دینی خانواده و جامعه، تربیتی را دریافت می‌کنند که سبک زندگی آنها را شکل می‌دهد.

تربیت دینی، در معنای عام شامل فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است که در چارچوب دین تحقق می‌یابد و می‌تواند در هر دینی مطرح باشد (عسکری، ۱۳۸۹، ص ۲). در این قسمت، یافته‌های حاصل از بررسی، تقسیم‌بندی و تدوی الگوی مفهومی تصور از خدا مستخرج از اسماء حسنی، در ارتباط با تربیت دینی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مبنای تربیت هستند که در تعیین اهداف، اتخاذ اصول و قواعد تربیتی و تعیین شیوه‌های تعلیم و تربیت نقش اساسی دارند (همان، ص ۵). از سوی دیگر، برای سیر به سوی غایت تربیت، باید به اهدافی دست یافت که با هدف غایی تربیت رابطه‌ای طولی داشته باشد که وصول به این اهداف، اتصال به آن غایت را ممکن سازد. یکی از این اهداف، اصلاح رابطه انسان با خدا، خود، جامعه و تاریخ است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

«معرفت‌شناسی» درباره آگاهی‌ها و شناخت‌های انسان، امکان شناخت، ابزار و منابع شناخت، ارزیابی انواع شناخت و تعیین ملاک درستی و نادرستی آن بحث می‌کند. آموزه‌های اسلام بیانگر این است که امکان این معرفت‌ها و ابزار آن، هم در درون (سمع، بصر و فؤاد) و هم در برون (ارسال رسل، کتاب‌های آسمانی و مسخر نمودن آسمان و زمین) انسان وجود دارد. از صفاتی که زیر مجموعه افعال فعل خداوند در زمینه خلق (جدول ۴) و ابعاد فعل خداوند در زمینه امر

(مقوله تدارک‌دهنده منافع و امکانات رشد، جدول ۵) قرار می‌گیرند، می‌توان مبنای معرفت‌شناسی تربیت دینی را از اسماء حسنا انتزاع نمود. علاوه بر این با توجه به جداول ۱، ۲ و ۳، می‌توان به شناخت ویژگی‌های ذاتی خداوند دست یافت.

«هستی‌شناسی» تربیت اسلامی، خدا را ذاتی غنی و سایر موجودات از جمله انسان را نیازمند و فقیر به سوی خدا معرفی می‌کند. در حقیقت، نوع رابطه انسان با خدا را مشخص می‌سازد. اصلاح رابطه انسان با خدا، غایت تربیت دینی است. همه تلاش انبیاء این بوده که انسان را به سوی خدا هدایت کند. شکوفایی استعدادهاى انسان در «بندگی»، یعنی اتصاف به صفات و اسماء خدا قرار دارد. انسان با مظهر اسماء و صفات خداوند شدن، به غایت تربیت می‌رسد. سخن مشهور پیامبر، مبنی بر اینکه «به اخلاق خدا متخلق شوید»، دعوت به الهی شدن و ربانی شدن است (همان، ص ۴۵). جداول ۲، ۱ و ۳ به ابعاد ذات، تنزیه و عظمت خداوند اشاره دارد. شناخت این اسامی و رغبت و رهبت ایجاد شده از یک سو، و درک فقر ذاتی انسان، در او موضع «بندگی و معرفت» را ایجاد می‌کند. انسان در می‌یابد که در مسیر زندگی، دائماً به خدا نیاز دارد و باید از او استعانت و یاری جوید (جداول ۷ و ۸). از سوی دیگر، این رابطه خدای غنی، پاسخ‌گو، در دسترس و یاریگر وجود دارد.

برخی اسامی خداوند، که زیر مجموعه بعد کنترل و حساب‌رسی است، در جدول ۷ آمده و به «مسئولیت» انسان در قبال خداوند تأکید دارند و انسان را متوجه عواقب عدم استفاده صحیح از امکانات زندگی می‌کند که خود به اصلاح رابطه انسان با خدا کمک می‌کند.

«هستی‌شناسی» اسلامی، همه موجودات عالم را دارای ادراک و شعور می‌داند. آنها می‌توانند مسخر انسان گردند. اگر روح کامل شود و صاحب اسم «ولی» شود، به قدرتی دست می‌یابد که می‌تواند در عالم تصرف نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۲). جدول شماره ۴، که به ابعاد فعل خداوند در زمینه خلق اشاره دارد، جهان هستی را دارای ادراک و شعور می‌داند که تحت نظارت، حفاظت و قدرت و هدایت عامه خداوند به سوی مقصدی هدفمند در حرکت است. بینش بر آمده از این اسماء، نه تنها ارتباط انسان با موجودات را معنای خاص می‌بخشد، بلکه تسخیر و بهره‌مندی از آن را هدفمند و مسئولانه می‌گرداند.

«انسان‌شناسی» تربیت دینی، انسان را موضوع تربیت می‌داند. تا ابعاد وجودی انسان شناخته نشود، شناخت عناصر تربیتی ممکن نیست. انسان‌شناسی تربیت اسلامی، انسان را دو ساحتی (جسم و روح)، کمال‌جو، خواهان جاودانگی و فطرتاً خداپرست می‌داند. با توجه به آیه ۳۰ سوره بقره، ارتباط اسماء

حسنى و انسان‌شناسى قابل تبیین است. مزیت انسان مربوط به ساحت روحانى او و علم به اسما الهى است. بنا بر آیه فوق، هدف تربیت دینی خلیفه الهی است. انسان برای طی مسیر رشدی تا خلیفه الهی باید تحت تربیت الهی قرار گرفته؛ یعنی خدا را با یکایک اسما و صفاتش بشناسد و موضع‌گیری درونی و قلبی متناسب با آن اسم اتخاذ نموده و سپس، واقعیت زندگی‌اش را با این موضع‌گیری که سبک زندگی‌اش را شکل می‌دهد، تطبیق دهد. ارتباط انسان با خودش، یعنی پرداختن به اصلاح نفس و متصف شدن به صفات الهی و متخلق شدن به اخلاق الهی و کنترل صفات رذیله، که از مهم‌ترین اهداف تربیتی می‌باشد، در اینجا مطرح است.

اصلاح رابطه انسان با جامعه و تجلی صفات مهربانی، مراقبت، محافظت از دیگران، بخشودگی و عذرپذیری، یاری دادن و پاسخ‌گو بودن نسبت به دیگران، به‌عنوان بخش رفتاری سبک زندگی اجتماعی با توجه به جداول ۵، ۶، ۷ و ۸ قابل انتزاع است.

اصلاح رابطه انسان با تاریخ نیز که از اهداف تربیت دینی است و می‌تواند سبک زندگی حال و آینده انسان را اصلاح نماید، با توجه به برخی از اسامی خداوند، که در جدول ۷ آمده، قابل تأمل است. اسامی این قسمت به امر کنترل و حسابرسی خداوند مربوط می‌شود. درک درست آنها انسان را متوجه عواقب و پیامدهای رفتاری‌اش در گستره تاریخ می‌کند. دعوت قرآن کریم نیز به مطالعه تاریخ گذشتگان و سنت‌های حاکم خداوند بر آنها یک امر تربیتی است.

نظام آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت (رسمی یا غیررسمی)، که در ایجاد تصور از خداوند در مخاطبانش و به تبع آن، در سبک زندگی آنها نقش مؤثری دارد، می‌تواند از یافته‌های این پژوهش در تربیت دینی استفاده نمایند. مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۸۶)، بر نقش بی‌بدیل روش‌های تربیتی خانواده و بخصوص والدین در تحول نگرش‌های دینی فرزندان‌شان صحنه گذاشته‌اند. متخصصان حوزه روان‌شناسی رشد و تعلیم و تربیت، می‌توانند به بررسی این موضوع بپردازند که در هر مرحله رشدی، باید کدام بُعد از اسما الله را به مخاطبان آموزش داد تا به ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان کمک نماید. همچنین در هویت‌یابی و حفظ انسجام روانی «خود»، همان‌طور که فرد با تجربیات جدیدی روبه‌رو می‌شود، مفهوم خدا را نیز به‌طور مستمر مورد بازبینی قرار می‌دهد. ارائه اطلاعات درست و آموزش به موقع در مورد خدا، به انسجام هویت افراد کمک می‌کند. یافته‌های این پژوهش برای استفاده در این حوزه می‌تواند کارایی داشته باشد.

منابع

- نوح‌البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه علامه جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۹۰، *اسماء و صفات حق*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- آذر، آلفرد، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران، تصویر.
- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۷، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران، ۲۰۰۳، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- اسمعیلی، معصومه، ۱۳۸۶، «بررسی تأثیر گسترش هستی‌شناسی اسلامی بر افزایش سلامت روان»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۴، ص ۴۱-۵۲.
- آینه‌وند، صادق و شهیار نیازی، ۱۳۷۹، «معنی‌شناسی اسماء حسنا»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۵۳ و ۱۵۴، ص ۱-۱۸.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء.
- ، ۱۳۹۱، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- داوودی، محمد، ۱۳۸۳، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۷، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، دریا.
- سامی محمود، سلیمان، ۱۳۸۷، *اسماء الحسنی*، ترجمه مجتبی دوروزی، تهران، احسان.
- سبحانی، ناصر، ۱۳۸۷، *اسماء الحسنی (نام‌های نیکوی خداوند)*، تهران، مردم سالاری.
- سنت کلر، مایکل، ۲۰۰۰، *درآمدی بر روابط موضوعی و روان‌شناسی خود*، ترجمه علیرضا طهماسب و علی آقایی، تهران، نی.
- شجاعی، محمد، ۱۳۹۰، *اسماء حسنی*، تهران، سروش.
- شنکایی، مرضیه، ۱۳۸۸، *بررسی تطبیقی اسماء الهی*، چ دوم، تهران، سروش.
- شهیدی، خدیجه‌سادات، ۱۳۹۱، *اسماء و صفات الهی در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صادقی، منصوره‌سادات و همکاران، ۱۳۸۶، «تصور از خدا در روش‌های تربیتی متفاوت»، *روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۶۲-۳۸۰.
- عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۸۱، «خدا در اندیشه غرب»، *نشریه اینترنتی درگاه پاسخگویی به سؤالات دینی*، ش ۱۴۱، ص ۱۸-۲۵.
- عسگری، علی، ۱۳۸۹، *مبانی تربیت دینی*، سایت گروه پرورشی شهرستان اسدآباد.
- عنان‌پور خیرآبادی، محمد، ۱۳۹۱، «بررسی مبانی و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم»، *دوفصلنامه علمی تخصصی اسلامی و علوم اجتماعی*، سال چهارم، ش ۸، ص ۹۳-۱۱۲.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ارتباط ادراک خدا با خود‌پنداره و خود‌کارآمدی با توجه به متغیرهای فردی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ش ۱(۲)، ص ۱۶۵-۱۸۰.

- کاویانی، محمد، ۱۳۹۱، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ۱۹۸۷، ترجمه انجمن کتاب مقدس، ج دوم، تهران، فرهنگ.
- لاندین، رابرت ویلیام، ۱۹۹۶، *نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی*، ترجمه یحیا سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- محمدپور، احمد، ۱۳۹۰، *ضد روش*، تهران، جامعه‌شناسان.
- مسعودی، جهانگیر، ۱۳۸۶، «هرمنوتیک به مثابه روش تحقیق در علوم دینی»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی دانشگاه قم*، سال هشتم، ش ۳ و ۴، ص ۲۵-۵۷.
- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین، ۱۳۸۰، *مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۹، *بخشی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- _____، ۱۳۶۹، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- مظاهری، محمدعلی و عباس پسندیده، ۱۳۹۰، *مثلث ایمان، الگوی ابعدی رابطه انسان با خدا*، قم، دارالحدیث.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و دل‌بستگی به خدا با تصور از خدا»، چاپ نشده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۹۰، *درمان روان با اسماء الله*، تهران، بین‌الملل.
- موحد، مجید و مینا صفا، ۱۳۸۸، «رویکردی جامعه‌شناختی به مفهوم خدا»، *فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت*، سال هشتم، ش ۲۱، ص ۱۳۸-۱۷۵.
- موسی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۱، *شرح دعای سحر*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۵ الف، *آداب الصلوه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۵ ب، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۵ ج، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۵ د، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نجات، آسیه و فاطمه شهابی‌زاده، ۱۳۹۱، *الگوی سلامت روانی در ارتباط با تصور خدا با توجه به نقش جنسیتی*، در: ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- هایدگر، مارتین، ۱۹۶۲، *هستی و زمان*، ترجمه عبدالکریم رشیدی، تهران، نی.

Baumann, Eddie K, 2009, The Essentials of Integration: Developing the Image of God, *Journal of SE*, v. 13, N. 4, p. 32-34.

Braam, A. W, & et al, 2008a, God image and mood in old age: Results from a community based pilot study in the Netherlands, *Health, Religion & Culture*, v. 11(2), p. 221-237.

Braam, A. W, & et al, 2008, God image and Five-Factor Model personality characteristics in later life: A study among inhabitants of Sassenheim in The Netherlands, *Mental Health, Religion & Culture*, v. 11(6), p. 547-559.

- Bradshaw, M, & et al, 2008, Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 47(4), p. 644-659.
- Cancer Board, 2007, *Health and Life Style Questionnaire*, Available at: [http:// www.Lifestylesurvey.Org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey](http://www.Lifestylesurvey.Org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey), Pdf(Accessed 25 April 2007).
- Clinton, T, & Straub, J, 2010, God attachment: Why you believe, act, and feel the way you do about God, New York: Howard Books.
- De Roos, S. A, 2006, Young children's God concepts: Influences of attachment and religious socialization in a family and school context, *Religious Education*, v. 101(1), p. 84-103.
- Ellis, A, 1988, Psychotherapy and atheistic values: A response to A. E. Bergins "psychotherapy and religious issue", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. 48, p. 635-639.
- Ellis, A, 2000, Spiritual goals and spirited values in psychotherapy, *Journal of individual psychology*, v. 56, p. 277-284.
- Flannelly, K. J, & et al, 2009, Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry, *Journal of Religion and Health*, v. 49 (1), p. 246-261.
- Gattis, Jay Paul, 2001, DEVELOPING A WEB-BASED SCORING PROGRAM FOR THE GOD IMAGE INVENTORY, Presented to the Faculty of the Rosemead School of Psychology, Biola University.
- Grimes, 2007, In G. Moriarty & L. Hoffman (Ed.), The God image handbook for spiritual counseling and psychotherapy (pp. 139-155), Binghamton, NY: Haworth Press.
- Grossman, C. L, 2010, *How America sees God*, USA Today, p. 1, 2A.
- Hertel, B. R, & Donahue, M. J, 1995, Parental influences on God images among children: testing Durkheim's metaphoric parallelism, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 34, p. 186-199.
- http://uknowledge.uky.edu/gradschool_diss/727.
- Lawrence, R. T, 1997, Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and Theology*, v. 25(2), p. 214-226.
- Okozi, Innocent, F, 2010, attachment to god: its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Seton Hall University.
- Peloso, J. M, 2008, Adult images of God: Implications for pastoral counseling, *Journal of Pastoral Counseling*, v. 43, p. 15-31.
- Rizzuto, A, 2005, Psychoanalytic considerations about spiritually oriented psychotherapy, In L. Sperry & E. Shafranske (Ed.), Spiritually oriented psychotherapy (pp. 31-50), Washington, DC: American Psychological Association.
- Schreiber, Judith Anne, & Kentucky, Lexington, 2009, Image of god effect on coping, psycho-spiritual well-being and fear of recurrence in early breast cancer survivors, A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the College of Nursing at the University of Kentucky, *Society*, v. 23, p. 29-56.
- Vaughan, F, 2002, What is Spiritual Intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, v. 42, N. 2, p. 16-33.

ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان

مهناز علی‌اکبری دهکردی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

فرهاد شقاقی / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اهر

زهرا مردانی ولدانی / دانشجوی دکتری و مربی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

مرضیه عزیزیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

زهرا عاصمی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر به اعتباریابی و پایایی‌سنجی مقیاس محقق‌ساخته «هویت اخلاقی - اسلامی» در دانش‌آموزان نوجوان پرداخته است. ابتدا مخزنی ۱۵۰ سؤالی با توجه به فضایل اخلاقی، که به صورت مستقیم، آیه‌ای در قرآن کریم برایش آمده است تهیه و پس از احراز اعتبار صوری پرسش‌نامه توسط استادان، نمونه نهایی به‌منظور اجرا آماده شد. برای اجرا، ۷۰۰ تن از دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستانی شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری «تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از SPSS و AMOS صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده در زیرمقیاس‌ها حاکی از پایایی مناسب مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان است. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی سازه‌عاملی مقیاس، نشان داد که هفت عامل بیانگر ۴۹/۰۷ واریانس بودند. همچنین شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از برازش مناسب الگوی هویت اخلاقی - اسلامی است. با توجه به اینکه تمامی سؤالات مقیاس هویت اخلاقی مبتنی بر آیات شریف قرآن کریم است، ابزاری مناسب برای سنجش ویژگی‌های اخلاقی تأیید شده در حوزه اسلامی به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: روان‌سنجی، هویت اخلاقی - اسلامی، نوجوانان.

«هویت اخلاقی» یکی از متغیرهای واسطه‌ای برای پرکردن خلأ بین استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی است که با استنتاج از نظریه‌های هویت و به‌ویژه نظریه «هویت اجتماعی» توسط پژوهشگران (بلاسی (Blasi)، ۱۹۸۳ و ۲۰۰۴؛ نیسن (Nisan)، ۲۰۰۴) پیشنهاد گردیده است. درک انگیزش اخلاقی با توجه به نقش خود در اخلاق، که غالباً «خود اخلاقی» یا «هویت اخلاقی» نامیده می‌شود، امکان‌پذیر است.

«هویت» خودپنداره فرد یا تعریف وی از خویشتن، و «هویت اخلاقی» بعدی از هویت با محوریت صفات اخلاقی فرد است. «هویت اخلاقی» علاقه فرد نسبت به بایدها و نبایدها و کنترل‌کننده تعارض بین خواسته‌های شخصی و تعهدات اجتماعی است (جانسون (Johnston) و همکاران، ۲۰۱۳). برخی دیگر «هویت اخلاقی» را مستلزم وحدت خود و نظام اخلاقی بر اساس احترام و توجه به حقوق و رفاه دیگران می‌دانند (هارت و اتکینز (Hart & Atkins)، ۲۰۰۴؛ موشمن (Moshman)، ۲۰۰۹).

بلاسی «هویت اخلاقی» را مجموعه‌ای از صفات اخلاقی می‌داند که در محتوا و اهمیت، از فردی به فرد دیگر متفاوت است و در واقع، نوعی سازوکار خودتنظیمی است که انگیزه رفتار اخلاقی می‌شود (بلاسی، ۱۹۸۴، ص ۱۳۰). در واقع، «هویت اخلاقی» را می‌توان جزئی از ساختار فردی تعریف کرد که بدون آن، استدلال اخلاقی الزاماً به رفتار اخلاقی نمی‌انجامد (آکینو و رید (Aquino & Reed)، ۲۰۰۲) و شامل دو بعد درونی‌سازی (میزان اهمیت یا محوریت صفات اخلاقی در خودپنداره) و نمادی کردن یا تحقق این صفات در رفتارهای فرد است. به عبارت دیگر، «هویت اخلاقی» سازوکار خودگردانی است که شاخص‌هایی برای رفتار فرد تعیین می‌کند و عامل انگیزش او در انجام اعمال اخلاقی به شمار می‌رود (مولدر و آکینو، ۲۰۱۳).

نیروی انگیزشی هویت اخلاقی به‌وسیله اصل «همسازی» یا «همسانی» این‌گونه تبیین می‌شود: هویت با ایجاد نیاز وفاداری به خود، به همسانی رفتار و هویت منجر می‌شود (رینولدز و سرانیک (Reynolds & Ceranic)، ۲۰۰۷). در رشد هویت اخلاقی، عوامل شخصی و بافتی دخالت دارند. در سطح شخصی، مهم‌ترین عوامل عبارتند از: شخصیت، رشد شناختی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و خودپنداره، و تحول هویت. عوامل زمینه‌ای شامل خانواده، دوستان، مدرسه، و نهادهای مذهبی و اجتماعی می‌شود (হারدی (Hardy)، ۲۰۰۶). پنج عامل شناخت اخلاقی، خود ادراکی و احساسات اخلاقی، شخصیت، تأثیر خانواده، ارتباط با نهادهای اجتماعی و مذهبی نیز به عنوان عوامل ارتقادهنده هویت اخلاقی نوجوانان مطرح شده‌اند (لئونارد (Leonard)، ۲۰۱۰، ص ۲۸). مطابق الگوهای نظری موجود، «هویت» و

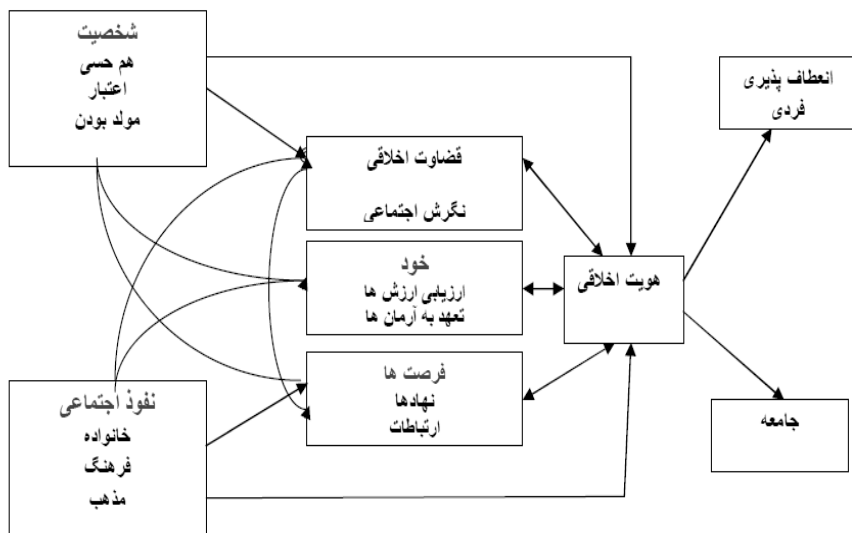
«اخلاق» ابتدا به صورت دو نظام مجزا در کودکی پدیدار می‌شوند. سپس در نوجوانی این دو نظام همگرا می‌شوند، به‌گونه‌ای که درک اخلاقی نوجوانان برای احساس هویت در آنان مهم می‌شود. همزمان با یکپارچگی فزاینده اخلاق و خود، هویت اخلاقی در نوجوانی و حتی در بزرگسالی رشد و توسعه می‌یابد (هاردی و کارلو (Hardy & Carlo)، ۲۰۱۱).

در پژوهش‌های هارت و اتکینز (۲۰۰۴)، و مک‌کلین (Maclean) و همکاران (۲۰۰۴)، آزمودنی‌های مذهبی در سنجش مستقیم هویت اخلاقی، عملکرد قابل توجهی داشتند. شاید به علت مواجهه بیشتر افراد مذهبی با مطالبات اخلاقی، مذهب زمینه تعمق یا تأمل بیشتر روی موضوعات اخلاقی را فراهم می‌سازد. واکر و پیتز (۱۹۹۸) با این استدلال که ارزش‌های اخلاقی شبیه صفاتی هستند که در یک انسان مذهبی متجلی می‌شوند، دینداری را زمینه‌ساز هویت اخلاقی می‌داند. این فرضیه در پژوهش ویتل و همکاران (۲۰۰۹) تأیید شد. مطابق الگوی پیشنهادی هارت و اتکینز (۲۰۰۴) منابع دوربرد یا درازمدت (سمت چپ) و مجاور یا مبدئی در تکوین هویت اخلاقی نقش دارند (ص ۱۶۱). در این الگو، نقش دین در رشد و تحول هویت اخلاقی به دو صورت ممکن است:

الف. تأکید مذهب بر مباحث اخلاقی و سفارش به انجام رفتارهای اخلاقی بر اساس تبیین‌هایی غیر از قراردادهای اجتماعی یا منافع شخصی؛

ب. تحول قضاوت اخلاقی به واسطه تأمل دقیق در باب مسائل اخلاقی در بستری دینی.

شکل ۱. الگوی تکوین هویت اخلاقی (اقتباس از: هارت و اتکینز، ۲۰۰۴)



طبق دیدگاه اسلام، چگونگی اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان در کشورهایمانند ایران، غالباً مبتنی بر سنن فرهنگی، دینی و اخلاق سنتی کلاسیک است و بیشتر مردم با وجود کمبودهای کوناگون، به اصول انتزاعی اخلاقی (مانند کمال‌جویی، عدالت، محبت، مروت و شجاعت) وفاداری نشان می‌دهند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴). همچنین جاودانگی خیر، فطرت اخلاقی انسان، کرامت ذاتی انسانی، عشق و عواطف انسانی و گرایش وجدانی به فضایل اخلاقی به مثابه مبانی رشد اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند که متأسفانه در دیدگاه‌های غربی شناختی، تحلیل روانی و رفتاری-اجتماعی، به این مبانی اخلاقی توجه نشده است.

اصولاً در اسلام، جنبه روان‌شناختی اخلاق مربوط است به «فطری بودن امور اخلاقی» یا حس اخلاقی و نیز «خلقیات یا ملکات نفسانی». انسان دارای فطرتی است که در جنبه عملی، او را به اعمالی فرامی‌خواند که سعادت او را تأمین کند. این مورد، همان بایدها و نبایدهایی است که از درون انسان برمی‌خیزد و حس اخلاقی او را تشکیل می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱۹، ص ۵۴۶؛ ج ۱، ص ۵۳۵).

اما فطرت در صورتی می‌تواند ضامن سعادت شود که در مسیر اصلی خود قرار داشته باشد و برای این امر، به یک نظام تربیتی درست نیاز دارد تا انسان را با وجود اختیار، انتخاب و شرایط گوناگون برای رشد، به مسیر فطری و حقیقی خود راهنمایی کند. کسی صلاحیت طرح‌ریزی این ساختار را دارد که خود به‌وجودآورنده فطرت و خلقت باشد؛ زیرا او از نیازهای مخلوقاتش باخبر است و در نهایت، با ایجاد یک نظام دینی مبتنی بر فطرت، بشر را به کمال مطلوب می‌رساند.

اسلام بهتر از هر دین دیگری، سعادت زندگی بشر را از راه قرآن مجید تأمین و تضمین می‌کند؛ لیکن آنچه اسلام را از سایر ادیان متمایز می‌کند عبارت است از: رویکرد خاص اسلام در زمینه تربیت؛ به این صورت که اساس تربیتش بر پایه توحید خالص قرار دارد که نتیجه آن، هم عبودیت و بندگی خالص است و هم ارائه یک ضامن اجرا برای قوانین اخلاق و هم ارائه یک برنامه دقیق و متقن. پس اخلاق واقعی باید انسان را به صفات الهی نایل کند و آن بدون دین ممکن نیست. به عبارت دیگر، دین بهترین پرورش‌دهنده اخلاق به‌منزله یکی از انگیزه‌های فطری و نقشه راه رسیدن به هویت اخلاقی است.

انسان در جریان عمل به باید و نبایدها و گام نهادن در مسیر اخلاق، واجد خلقیات و ملکات نفسانی خاصی می‌گردد. نفس انسان در این حالت، به تدریج به صفات رسوخ یافته‌ای مزین می‌شود. پس اخلاق مجموع منش‌ها و حالات روحی یک انسان است. این معنا از اخلاق نشانگر

مرتبه‌ای از وجود آدمی است که همان ملکات نفسانی است. این ملکات همواره منشأ صدور افعال خاصی است و ظهور و بروز آن رفتارهای خاص راه شناخت و کشف آن ملکات است (افشارکرمانی، ۱۳۹۰).

این شاکله‌های خلقی، که شامل ویژگی‌ها و عادات منش و روانی فردی است، در درون انسان جاگیر شده و در موقع مناسب، در درون انسان جلوه می‌کند و او را به اراده عمل وادار می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر، «خلق» اعتقاد به خوب و بی‌مانع بودن فعل است که وقتی در نفس ثبوت و استمرار یافت منشأ اراده به فعل می‌شود. به معنای دیگر، وقتی برای انسان صفت درونی شد «خلق» نامیده می‌شود (همان، ص ۱۱۵). با توجه به تعاریف «خلق» می‌توان گفت: «خلق» حلقه واسط میان عقیده یا اعتقاد (صورت فکری که انسان به آن ایمان و تصدیق دارد) و عمل (مجموعه‌ای از حرکات و سکانات که انسان با شعور و اراده برای رسیدن به یکی از مقاصد خود انجام می‌دهد) است.

همچنین شناخت فضایل اخلاقی - محمول‌ها و موضوعات اخلاقی - (محمول‌ها مانند خوب و بد، حسن و قبح و موضوعاتی مانند صداقت، امانت، خیرخواهی، وفای به عهد و عدالت) لازمه تحقق فعل اخلاقی است؛ زیرا در موقعیت‌های اخلاقی، به کمک آنها قادر به شناخت مصادیق خواهیم بود. بدون این آگاهی، فعل به صورت یک فعالیت تصادفی غیر ارادی در خواهد آمد (حسنی، ۱۳۸۳). آدمی زمانی هنجار و ارزشی را می‌پذیرد که این اعتبارها از یک‌سو، با نیازها و خواسته‌های فرد و اجتماع تناسب داشته باشد، و از سوی دیگر، نتایجش این نیازها را برطرف سازد. ذهن در تماس با نیازها و خواسته‌ها و با عاریت گرفتن مفاهیم حقیقی و اعتباری، احکام و مفاهیم عملی را تولید می‌کند که قادر است براساس آن، فرد را به صلاح و کمال دعوت نماید و به خوبی و بدی امور حکم نماید (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۱۴). به این دستگاه شناختی «عقل عملی» گفته می‌شود.

بررسی متون پژوهشی نشان داد که مقیاس‌های خارجی هویت اخلاقی بر اساس نظریه‌های هویت اخلاقی - که ابزارهایی برای تبیین رابطه بین آنچه افراد فکر می‌کنند باید انجام دهند و رفتارهای واقعی است - ساخته شده‌اند. از این دیدگاه، همراه با رشد شناخت خود و هویت خود، فرد به تدریج، تصویری از خود در میان دیگران و در ارتباط با دیگران پیدا می‌کند که این تصور یکی از پایه‌های شکل‌دهنده مناسبات اجتماعی و اخلاقی او با دیگران است (سانتروک (sanrock)، ۲۰۰۱، ص ۴۴۰) و فشارهای

اجتماعی تعیین‌کننده صفات نهفته در این ساختار اخلاقی - اجتماعی است (بلاک (Black)، ۲۰۱۲، ص ۴۲)؛ مانند مقیاس ۱۰ گویه‌ای «هویت اخلاقی» (MIS) که میزان شمول ارزش‌های اخلاقی در خودپنداره افراد را در قالب دو مؤلفه «هویت اخلاقی درونی» (نگرش افراد نسبت به خودشان از لحاظ دارا بودن صفات بنیادین هویت اخلاقی) و هویت اخلاقی نمادین (شامل صفاتی که رفتار فرد را در ارتباط با دیگران منعکس می‌کند یا خود اخلاقی با استناد به گروه‌های اجتماعی و انگاره بیرونی) ارزیابی می‌کند (اکینو و همکاران، ۲۰۰۹).

اینکه «دارای این صفات (مراقب، دلسوز، عادل، صمیمی، بخشنده، سخت‌کوش، مفید، صادق و مهربان) باشم، احساس خوبی به من می‌دهد»، نمونه‌ای از گویه «هویت اخلاقی درونی» و «انواع کتاب‌ها و مجلاتی را که می‌خوانم، مرا به‌عنوان دارنده این صفات معرفی می‌کند»، از گویه‌های «هویت اخلاقی نمادین» است (اکینو و رید، ۲۰۰۲). همچنین مقیاس ۱۸ گویه‌ای «کمال» (Integrity Scale) توسط سلنگر در سال ۲۰۰۸ برای سنجش میزان تعهد افراد به اصول اخلاقی (مانند عدالت، انصاف و صداقت) و شاخص رفتار اخلاقی در ارتباط با دیگران، ساخته شد (بلاک، ۲۰۱۲، ص ۴۱).

پژوهش حاضر می‌کوشد در مقایسه با دو مقیاس یاد شده، ابعاد بیشتری از هویت اخلاقی دینی - و نه صرفاً هویت اخلاقی - را با استناد به فضایل و صفات اخلاقی مطرح شده در آیات قرآن کریم بسنجد.

طبق نظریه هفت مرحله‌ای «تحول اخلاقی، ارزشی و دینی» لطف‌آبادی (۱۳۸۰)، فرد در دوره نوجوانی به آغاز رشد تفکر عملیات صوری می‌رسد و سعی می‌کند آنچه را درباره مذهب (مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌هایی که در خصوص عقاید و اخلاق و احکام) آموخته است، به هم مربوط کند و یک نظام اعتقادی برای خود به وجود آورد. ایمان دینی برای نوجوان از یک‌سو، راه یافتن به سوی خیر است، و از سوی دیگر، راهی است برای اثبات شخصیت خویش یا همان هویت.

از سوی دیگر، تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه نوجوانان با مقتضیات زندگی و انتظارات والدین، دوستان و اطرافیان و تجارب تازه حاصل شده از مناسبات اجتماعی و فرهنگی، درگیری آنان را با مسائل ارزشی و استناداردهای اخلاقی بیشتر می‌کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰) و اگر آنها به درک درستی از هویت دینی خود برسند، توان مقابله با تهدید انحلال ارزش‌ها و رفتارهای ضد اخلاقی و دینی در اثر هویت‌های ساختگی جهان در حال دگرگونی معاصر را خواهند داشت. در

سایه هویت دینی، می‌توان به هویت‌های دیگر، مانند هویت اخلاقی، شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و تمدنی جهت داد. این بدان روست که دین روش و برنامه زندگی است و می‌تواند با شایستگی کامل، همه هویت‌ها را پیرامون خود گرد آورد.

از سوی دیگر، محدودیت تحقیق جامع و علمی در زمینه هویت اخلاقی و تأثیر اعتقادات دینی نوجوانان و جوانان بر آن، در بحبوه تلاش مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی در جهت رشد فضایل معنوی و ترویج سبک زندگی اسلامی در مواجهه مؤثر با تبلیغات جنگ نرم دشمنان، ضرورت دین‌پژوهی را آشکارتر می‌سازد. بنابراین، با توجه به اهمیت مفاهیم قرآنی در نظر اندیشمندان مسلمان و در راستای تلاش گسترده برای شناساندن معارف قرآنی و معرفی فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی به جوامع غربی، پژوهشگران اقدام به ساخت پرسش‌نامه‌ای کردند که سازه‌های هویت اخلاقی - اسلامی نوجوانان دبیرستانی را می‌سنجد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از دو روش «توصیفی» و «پیمایشی» استفاده شده است. محقق ابتدا پژوهش‌ها و مقیاس‌های خارجی هویت اخلاقی را مطالعه و متون دینی، اعم از قرآن، تفاسیر و کتب اخلاقی را بررسی کرد.

به منظور ساخت پرسش‌نامه «هویت اخلاقی - اسلامی»، فضایل اخلاقی، که به صورت مستقیم، آیه‌ای در قرآن کریم برایش آمده است و نیز بیشترین ارتباط و همبستگی را با زندگی روزمره نوجوانان داشت، بررسی شد و در این زمینه، از منابع متعدد اخلاقی، تفسیری و روایی استفاده شد، از جمله: اخلاق در قرآن کریم، قلب سلیم، تفسیر نمونه و تفسیر المیزان، کتاب‌های تقوا در قرآن، گذشت عالی‌ترین نشانه کرامت انسانی، دایره‌المعارف قرآن کریم، ده گفتار و بهشت اخلاق. پس از شناسایی ویژگی‌ها و صفات مطرح در آیات قرآن، مخزنی ۱۵۰ گویه‌ای برای بررسی این عوامل تهیه شد. با درهم ریختن جملات طراحی شده و تنظیم تصادفی آنها، در نهایت نمونه اولیه با ۱۵۰ گویه تهیه شد.

برای بررسی روایی محتوایی (توافق متخصصان) پرسش‌نامه، در مقابل هر گویه مستند، پنج گزینه «بسیار مرتبط» با نمره ۸۰-۱۰۰، «مرتبط» با نمره ۶۱-۸۰، «تا حدی مرتبط» با نمره ۴۱-۶۰، «کمی مرتبط» با نمره ۲۱-۴۰ و «نامرتبط» با نمره ۰-۲۰ گنجانده شد و ساختار و تطابق محتوای هر گویه با ارزش‌های اخلاقی دیدگاه اسلام، توسط ۱۰ تن از روان‌شناسان آگاه به

علوم اسلامی در قالب مقیاس لیکرت ارزیابی گردید. کارشناسان ضمن ارزیابی ساختار و محتوای هر سؤال و مطابقت آن با مستندات ارائه شده (آیات قرآن)، پیشنهادهایی نیز برای اصلاح برخی سؤال‌ها ارائه کردند. در نهایت، پس از انجام اصلاحات و حذف تعدادی از پرسش‌ها، مقیاسی شامل ۵۸ سؤال، که ۸۰ درصد از متخصصان آنها را مناسب تشخیص داده بودند، برای اعتباریابی تهیه گردید.

برای تحلیل آماری، در دو بخش، یعنی «تحلیل عاملی اکتشافی» و «تأییدی» از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۰ استفاده شد. ابتدا برای تعیین ساختار عاملی پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی در دانش‌آموزان از روش «تحلیل عامل اکتشافی» (EFA) استفاده شد. در روش مزبور، هدف کاوش در زمینه‌های مربوط به متغیر، شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه‌ساز متغیرهاست (کرلینجر، ۱۳۹۰، ص ۳۶۷). برای «تحلیل عامل اکتشافی»، بارهای عاملی بالای ۰/۳۰ و مقدار ویژه بالاتر از ۱ مد نظر قرار گرفت. برای بررسی ساختار عاملی، پرسش‌نامه «تحلیل عامل تأییدی» (CFA) به کار برده شد. در تحلیل عامل تأییدی، هدف پژوهشگر تأیید یک ساختار عاملی ویژه است و درباره شمار عامل‌ها به‌طور آشکار، فرضیه بیان می‌شود و برازش ساختار عاملی مورد نظر در فرضیه، با ساختار کوواریانس متغیرهای اندازه‌گیری شده بررسی می‌گردد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹). در تحلیل عامل تأییدی، از شاخص‌های «نسبت مجذور کای» به درجه آزادی، شاخص «نیکویی برازش» (GFI) و «RMSEA» استفاده شد.

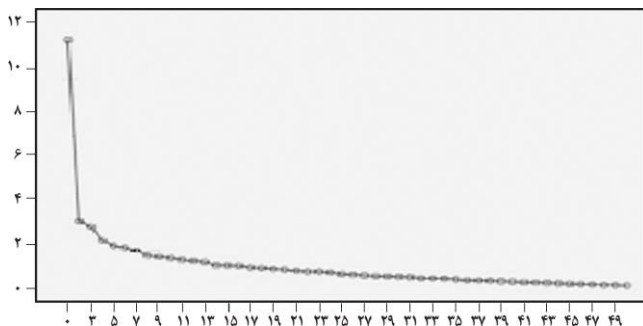
نمونه و جامعه آماری: مطالعه حاضر یک طرح مطالعاتی توصیفی - زمینه‌یابی است. جامعه آماری مطالعه حاضر را تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه نواحی آموزشی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ تشکیل دادند. با توجه به نظر کامری در خصوص برآورد حجم نمونه اعتباریابی و تحلیل عاملی، گروه نمونه ۱۰۰ نفری ضعیف است، ۲۰۰ نفری بد نیست (نسبتاً مناسب است)، ۳۰۰ نفری خوب، ۵۰۰ نفری خیلی خوب و ۱۰۰۰ نفری عالی است (هومن، ۱۳۹۰، ص ۳۸۰). بدین‌روی، در مطالعه حاضر، تعداد ۷۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و با روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» تعداد نمونه لازم انتخاب شد. نمونه‌گیری بدین‌صورت انجام شد که در مرحله اول، از بین نواحی آموزشی، دو ناحیه ۳ و ۱ به صورت تصادفی انتخاب، و در مرحله دوم از بین مدارس این نواحی، ۱۰ دبیرستان و هنرستان انتخاب و از هر مدرسه ۷۰ تن به صورت تصادفی انتخاب شدند که به سؤالات پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی پاسخ دادند.

یافته‌های پژوهش ۱. تحلیل عامل اکتشافی

ابتدا امکان انجام تحلیل بر نمونه تحقیق، با استفاده از آزمون بارتلت و KMO بررسی شد. اگر آزمون بارتلت معنادار ($p < 0/05$) و ضریب KMO بزرگ‌تر از $0/6$ باشد، شروط لازم برای کفایت نمونه و اجرای تحلیل عاملی مهیاست. آزمون بارتلت با درجه آزادی 1276 و مجذور کای $3393/746$ χ^2 در سطح $p = 0/001$ معنادار بود و شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO، برابر با $0/80$ به دست آمد و بنابراین، داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب بود. در تحلیل عاملی، از روش «تحلیل مؤلفه‌های اصلی»، آزمون «اسکری»، «چرخش متعامد از نوع واریماکس» و «بارهای عاملی $0/30$ » برای حداقل همبستگی قابل قبول میان هر سؤال و عامل استخراج شده استفاده شد. تحلیل عوامل با روش مؤلفه‌های اصلی به 13 عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک ختم شد که بر روی هم، 65 درصد واریانس مقیاس را تبیین می‌کند.

ملاحظه ارزش‌های ویژه و نمودار اسکری (شکل ۲) نشان داد که نقطه عطف نمودار را می‌توان از عامل هفتم به بعد تعیین کرد. در حقیقت، منحنی یا تفاوت‌های ارزش‌های ویژه است که نقطه عطف نمودار اسکری یا صخره‌ای را تعریف می‌کند؛ یا همان نقطه‌ای که در آن شکل منحنی افقی می‌شود (هومن، 1390 ، ص 437). بنابراین، تحلیل عوامل بعدی بر مبنای 7 عامل و چرخش متعامد واریماکس صورت گرفت که نشان داد این هفت عامل در مجموع، $49/07$ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. این مقدار برای هر یک از عوامل، به ترتیب $9/79$ ، $8/29$ ، $8/26$ ، $7/62$ ، $5/48$ ، $5/01$ و $4/62$ بود. ضریب همبستگی هر سؤال با کل آزمون و عامل‌های تشکیل دهنده، ارزش‌های ویژه 7 عامل و مقدار واریانس تبیین شده آزمون توسط آنها پس از چرخش - به ترتیب - در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

شکل ۲. نمودار صخره‌ای عامل‌های آزمون هویت اخلاقی - اسلامی



جدول ۱. نام‌گذاری عوامل آزمون و مقدار واریانس تبیین شده

مجموع ضرایب عوامل چرخش نیافته			مجموع ضرایب عوامل چرخش نیافته			عوامل انتخابی
درصد واریانس تراکمی	درصد واریانس	ارزش ویژه	درصد واریانس تراکمی	درصد واریانس	ارزش ویژه	
۹/۷۹	۹/۷۹	۴/۹	۲۲/۲۶	۲۲/۲۶	۱۱/۳۵	۱. نوع دوستی
۱۸/۰۸	۸/۲۹	۴/۱۶	۲۸/۵۶	۶/۳۰	۳/۰۷	۲. توکل
۲۶/۳۴	۸/۲۶	۴/۰۷	۳۴/۰۳	۵/۴۷	۲/۸۹	۳. درستکاری
۳۳/۹۶	۷/۶۲	۳/۸۴	۳۸/۲۹	۴/۲۶	۲/۱۶	۴. بخشش
۳۹/۴۴	۵/۴۸	۲/۹۳	۴۲/۰۷	۳/۷۸	۱/۹۳	۵. خوش بینی
۴۴/۴۵	۵/۰۱	۲/۷۵	۴۵/۷۴	۳/۶۷	۱/۸۷	۶. تقوا
۴۹/۰۷	۴/۶۲	۲/۳۲	۴۹/۰۷	۳/۳۳	۱/۷۰	۷. فروتنی

در جدول ۱ عوامل استخراج شده با توجه به ماهیت پرسش‌های تشکیل‌دهنده هر عامل - به ترتیب - تحت عناوین «نوع دوستی»، «توکل»، «درستکاری»، «بخشش»، «خوش بینی»، «تقوا» و «فروتنی» نام‌گذاری شد.

جدول ۲. ماتریس عاملی پرسش‌نامه هویت اخلاقی - اسلامی با استفاده از چرخش واریماکس

بار عاملی	عامل اول (نوع دوستی)	گویه	ردیف
۰/۷۵	در اتوبوس یا در صف‌های طولانی، جای خود را به افراد مسن که ایستاده‌اند، تعارف می‌کنم.	۳۳	۱
۰/۷۲	وسایل و اشیای را که دوست دارم به دیگران می‌بخشم.	۹	۲
۰/۶۸	با کمک کردن به دیگران احساس آرامش می‌کنم.	۱۸	۳
۰/۶۳	برای استحکام دوستی‌ها و صمیمیت‌ها به دیگران کمک می‌کنم.	۴۵	۴
۰/۶۲	به نیازهای (مالی و عاطفی) نیازمندان توجه می‌کنم.	۳	۵
۰/۵۷	کار خیر انجام می‌دهم بدون اینکه منتظر پاداش باشم.	۴۲	۶
۰/۵۱	بخشی از پول خود را صرف کمک به نیازمندان می‌کنم.	۲۴	۷
۰/۴۱	در جمع‌آوری غذا، لباس و پول برای نیازمندان مشارکت می‌کنم.	۴۹	۸
عامل دوم (توکل)			
۰/۸۹	به خدا توکل می‌کنم؛ چون اختیار همه امور به دست اوست.	۱	۹
۰/۷۶	مطمئنم خداوند مرا در رسیدن به خواسته‌هایم کمک می‌کند.	۴۰	۱۰
۰/۶۴	هنگام تصمیم‌گیری نهایی از خداوند متعال استمداد می‌جویم.	۱۶	۱۱
۰/۶۱	هر پیشامدی را تقدیر الهی می‌دانم و تابع فرمان او هستم.	۲۵	۱۲
۰/۵۹	در فقر، بیماری و پیشامدهای ناگوار با توکل بر خدا، به دنبال چاره‌جویی هستم.	۱۱	۱۳

عامل سوم (درستکاری و صداقت)			
۰/۸۲	برای مخفی کردن اشتباهاتم دروغ گفته‌ام.	۱۳	۱۴
۰/۸۱	در حد توانم مسئولیت قبول می‌کنم.	۳۵	۱۵
۰/۸۶	من طبق باورهام رفتار می‌کنم.	۲۲	۱۶
۰/۶۹	سعی می‌کنم امانتدار خوبی باشم	۴	۱۷
۰/۶۷	به قول و قرار خود پایبندم.	۲۶	۱۸
۰/۶۲	برای رسیدن به هدفم، از هر وسیله‌ای (قسم دروغ یا گریه) استفاده می‌کنم.	۳۰	۱۹
۰/۵۷	کاری را که به عهده من گذاشته شده است به‌خوبی انجام می‌دهم.	۳۸	۲۰
۰/۵۵	در برابر تعهدات خویش، احساس مسئولیت می‌کنم.	۸	۲۱
۰/۴۴	برای خوشایند دیگران، حرف‌های خلاف واقعیت می‌زنم.	۵۶	۲۲
۰/۳۸	رک و بی‌پرده به دیگران می‌گویم که درباره‌شان چه احساسی دارم.	۴۵	۲۳
۰/۳۵	آن کسی نیستم که ادعا می‌کنم.	۱۵	۲۴
عامل چهارم (بخشش)			
۰/۸۶	باور دارم که عفو و گذشت موجب بهتر شدن روابط بین‌فردی می‌شود.	۱۷	۲۵
۰/۷۳	اشتباهات دیگران را می‌بخشم؛ چون دوست دارم خدا هم مرا ببخشد.	۵۱	۲۶
۰/۶۱	مطمئنم کینه‌جویی به نفع هیچ‌کس نیست.	۲۹	۲۷
۰/۵۸	عذرخواهی دیگران را می‌پذیرم.	۵	۲۸
۰/۵۵	وقتی دیگران را می‌بخشم احساس آرامش می‌کنم.	۱۲	۲۹
۰/۵۲	سعی می‌کنم از صحبت‌های بی‌پایه و اساس دیگران درباره خودم ناراحت نشوم و آنها را ببخشم.	۳۹	۳۰
۰/۴۹	بدون اینکه دیگران را به‌خاطر اشتباهات گذشته‌شان سرزنش کنم، آنها را می‌بخشم.	۳۶	۳۱
۰/۴۰	برای آشتی کردن پیش‌قدم می‌شوم.	۴۷	۳۲
عامل پنجم (خوش‌بینی)			
۰/۸۶	به آینده‌ام خوش‌بین هستم.	۲۱	۳۳
۰/۷۰	باور دارم که خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد و همیشه در پناه او هستم.	۳۲	۳۴
۰/۶۷	مشکلات موجود در زندگی من می‌تواند نتایج مثبتی هم داشته باشد.	۴۱	۳۵
۰/۵۶	غالباً به موفقیت فکر می‌کنم تا شکست.	۵۳	۳۶
۰/۵۲	فکر می‌کنم بیشتر مردم با من منصفانه رفتار می‌کنند.	۱۴	۳۷
۰/۴۵	به‌کارگیری درست استعدادهای توانایی‌ها باعث موفقیت من می‌شود.	۱۰	۳۸
عامل ششم (تقوا)			
۰/۶۶	الگوی رفتاری من در زندگی پیامبر ﷺ، ائمه اطهار و بزرگان دینی هستند.	۲	۳۹
۰/۶۴	سعی می‌کنم کسی را با گفتار یا رفتارم آزار ندهم.	۵۷	۴۰
۰/۵۲	چون منشأ همه امور را خدا می‌دانم، همیشه احساس آرامش می‌کنم.	۴۸	۴۱
۰/۴۹	از گناه (دروغ‌گویی، تقلب در امتحان، مسخره کردن، غیبت کردن و...) پرهیز می‌کنم.	۳۱	۴۲
۰/۳۸	هرچه پیش‌آید در برابر خدا تسلیم و به قضای او راضی هستم.	۶	۴۳
۰/۳۳	در صورتی که مرتکب گناه شوم احساس پشیمانی می‌کنم.	۵۴	۴۴

عامل هفتم (فروتنی)			
۰/۵۴	با پدر و مادرم متواضع و مهربان رفتار می‌کنم.	۲۸	۴۵
۰/۴۸	پیشنهادات و انتقادات سازنده دیگران برای اصلاح رفتارم را به راحتی می‌پذیرم.	۴۴	۴۶
۰/۴۶	هنگام ورود به هر مکانی به همه سلام می‌کنم.	۷	۴۷
۰/۴۱	رفتارم با همه (بزرگ یا کوچک، ثروتمند یا فقیر) محترمانه است.	۳۷	۴۸
۰/۳۹	پیش از ورود به هر مکانی اجازه می‌گیرم.	۲۰	۴۹
۰/۳۵	در انجام کارها به عقاید و نظرات دیگران هم توجه می‌کنم.	۵۰	۵۰

همان‌گونه که جدول ۲ بیان می‌کند، بار عاملی گویه‌ها بین ۰/۳۳ تا ۰/۸۹ قرار دارد و نمایانگر ۷ عامل است. عامل اول ۸ گویه را به خود اختصاص داده است که بار عاملی آنها در دامنه ۰/۴۱ تا ۰/۷۵ قرار داد. با توجه به ماهیت پرسش‌های تشکیل دهنده عامل اول، بر اساس آیات قرآنی، این عامل را می‌توان با عنوان «نوع دوستی» نام‌گذاری کرد.

عامل دوم با ۵ گویه، کم حجم‌ترین عامل است که بار عاملی بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۹ دارد که می‌توان آن را «توکل» نامید. عامل سوم، که بیشترین گویه‌های مقیاس (۱۱ گویه) را داراست، دامنه بار عاملی‌اش از ۰/۳۵ تا ۰/۸۲ در نوسان است که آن را «درستکاری و صداقت» می‌نامیم. عامل چهارم از ۸ گویه با بار عاملی ۰/۴۰ تا ۰/۷۶ تشکیل شده که بر اساس گویه‌ها، «بخشش» نامیده می‌شود. عوامل ۵ و ۶ و ۷ هر کدام با ۶ گویه، دامنه بار عاملی ۰/۳۳ تا ۰/۷۶ را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به ماهیت پرسش‌هایی که در زیر این عوامل قرار می‌گیرد، می‌توان آنها به ترتیب «خوش‌بینی»، «تقوا» و «فروتنی» نام گذاشت. گویه‌های شماره ۱۹ (برای رسیدن به خواسته‌ام در برابر صاحبان قدرت تعظیم می‌کنم)، ۴۳ (در اثبات ادعاهای خود، شواهد محکم و کافی می‌آورم)، ۵۲ (با کمک به دیگران سعی می‌کنم رذایل اخلاقی مثل حرص و بخل را کنترل کنم)، ۵۸ (مخفیانه به نیازمندان کمک می‌کنم) و ۲۳ (هیچ حکمی جز حکم خدا را نمی‌پذیرم) به سبب نداشتن بار عاملی، و گویه‌های شماره ۲۷ (حرف‌هایم با باورها و رفتارم هماهنگ است)، ۳۴ (هرگز خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنم) و ۵۵ (از هر چیزی که دارم خسته و دل‌زده شده‌ام) به علت داشتن همبستگی کمتر از ۰/۳۰ با کل آزمون، از نمونه نهایی حذف شدند.

به منظور سنجش اعتبار یا پایایی درونی، پرسش‌نامه‌های اجرا شده بر نمونه، برای محاسبه آلفای کرونباخ، به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

جدول ۳. پایایی و شاخص‌های توصیفی عامل‌ها و کل آزمون هویت اخلاقی - اسلامی

عامل	تعداد سؤال	پایایی	میانگین	انحراف استاندارد
نمونه مقدماتی	۵۸	۰/۹۱	۲۰۴/۶۶۵	۳۶/۵۳۶
۱	۸	۰/۸۳	۲۸/۱۷۰	۴/۳۷۴
۲	۵	۰/۷۸	۱۸/۴۲۷	۳/۴۶۹
۳	۱۱	۰/۷۵	۳۵/۷۴۷	۶/۰۹۷
۴	۸	۰/۷۵	۲۹/۴۵۶	۴/۸۲۳
۵	۶	۰/۷۲	۲۲/۱۰۰	۳/۳۷۲
۶	۶	۰/۷۲	۲۰/۵۲۷	۳/۴۳۹
۷	۶	۰/۷۰	۲۱/۷۳۲	۳/۷۰۳
نمونه نهایی	۵۰	۰/۹۳	۱۷۸/۰۷۰	۲۳/۰۰۵

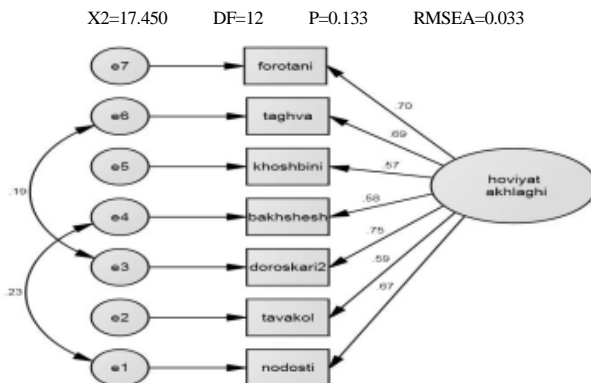
ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در نمونه مقدماتی برابر ۰/۹۱ و در نمونه نهایی برابر ۰/۹۳ محاسبه شد که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای هفت عامل (نوع دوستی)، «توکل»، «درستکاری»، «بخشش»، «خوش بینی»، «تقوا» و «فروتنی» به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۵، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۲ و ۰/۷۰ است.

۲. تحلیل عامل تأییدی

در مرحله دوم، از طریق روش «تحلیل عامل تأییدی»، برازش الگوی هفت عاملی بر روی نمونه بررسی شد (شکل ۳). نتایج برازش این مدل در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

شکل ۳. الگوی هفت عاملی مقیاس هویت اخلاقی - اسلامی

تحلیل عاملی هویت اخلاقی



جدول ۴: شاخص‌های نیکویی برازش برای عامل‌های استخراج شده در تحلیل عامل اکتشافی

Chi-Square	df	GFI	P	Chi-Square/df	RMSEA
۱۷/۴۵	۱۲	۰/۹۸۸	۰/۱۳۳	۱/۴۵	۰/۰۳۳

با توجه به نتایج جدول ۴ این الگو برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه مناسب تشخیص داده شد. وجود کای‌اسکوئر (خی دو) غیرمعنادار، نظیر موقعیتی که در آن قرار داریم به خودی خود نتیجه‌ای مطلوب است؛ زیرا نشانه نزدیک بودن مقادیر قرارگرفته در ماتریس کوواریانس مشاهده و باز تولید شده است. نسبت کای‌اسکوئر به درجه آزادی (Chi-Square/df)، که «کای‌اسکوئر» نسبی نامیده می‌شود، به سبب قضاوت درباره الگوی تدوین شده و حمایت داده‌ها از آن شاخص مناسب‌تری است. در این شاخص، مقادیر ۱ تا ۵ برای آن مناسب و مقادیر نزدیک به ۲ تا ۳ بسیار خوب تفسیر می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)، در این جدول مقدار (۱/۴۵) حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای الگوست. همچنین شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۵ نیز برازش الگو را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی «مقیاس هویت اخلاقی-اسلامی» بر اساس شاخص‌ها و فضایل اخلاقی استخراج شده از آیات قرآنی اجرا شد، که حاصل آن تهیه ۵۸ گزاره بود که در مقیاس لیکرت نمره داده می‌شود. بررسی اولیه گویه‌های «مقیاس هویت اخلاقی-اسلامی» حاکی از اعتبار مقدماتی بالایی (۰/۹۱) بود.

برای برآورد اعتبار سازه مقیاس منظور، «تحلیل عامل اکتشافی» صورت گرفت. در بررسی اولیه، ۱۳ عامل در این مقیاس نشان داده شد که پس از چرخش و با در نظر گرفتن نمودار خط شیب‌دار و ارزش ویژه، تعداد ۷ عامل مهم و برجسته پیدا شدند که ۴۹/۰۷ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص می‌دادند.

عوامل هفت‌گانه هویت اخلاقی-اسلامی به‌عنوان شاخص انجام رفتار اخلاقی، مجموعه‌ای از صفات اخلاقی قرآنی مرتبط با فعالیت‌های روزمره و تأثیرگذار در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است:

عامل اول، یعنی «نوع‌دوستی» شامل گویه‌های معرف کم‌کسانی با هدف افزایش رفاه دیگران، بدون داشتن انتظار جبران و ناشی از نیت خالص و فقط برای خدا، همدلی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، و رفتارهای جامعه‌پسند است. یکی از محوری‌ترین مسائل قرآن کریم توجه به احسان و

نیکوکاری و انفاق در راه خداست که بیش از ۱۰۰ آیه دربارهٔ این موضوعات نازل شده است. «احسان» در متون اخلاقی و دینی ما، یکی از فضایل اخلاقی دانسته شده است، مشروط بر اینکه از رنگ و ربا و حب غیرخدا به دور و از سر طاعت و نیک سیرتی باشد (مردانی نوکنده، ۱۳۸۲). فضیلت قرآنی «احسان» به اشکال ذیل تعریف شده است: رساندن نفع و سود نیکو به دیگری؛ کاری که از سر آگاهی و به شکل شایسته انجام گیرد؛ و نیز انجام کاری به شکل نیکو و با انگیزهٔ خدایی؛ و رساندن سود به دیگری بی چشم‌داشت هرگونه پاداش و جبران کردنی (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۰).

«توکل» به‌عنوان عامل دوم دربر گیرندهٔ گویه‌های آرامش کامل در همهٔ امور و حواله‌کردن کارها است به خدا و تکیه نکردن به هر نیرویی بجز خدا و قطع امید از آنچه در دست مردم قرار دارد. از جمله صفات اخلاقی تأکید شده در قرآن، مسئلهٔ توکل و توجه دادن انسان غفلت زده به مسبب‌الاسباب واقعی، یعنی خداوند است (حیدری، ۱۳۹۰). «توکل» در لغت، یعنی: اعتماد کردن و تکیه کردن (زمانی جعفری، ۱۳۶۷، ص ۴۸۲). گویی این آدمی، همه چیز را در اسباب ظاهری دنیا خلاصه می‌کند و هیچ جایگاهی برای ارادهٔ خدا در نظر نمی‌گیرد و فقط به تلاش و تدبیر خود تکیه می‌کند و می‌انگارد که توکل با کار و تلاش تضاد دارد، و حال آنکه هستی و قوانین حاکم بر آن، همه به اراده و اذن اوست (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۹۶). «توکل» به‌معنای آماده‌سازی مقدمات کار و تلاش کامل و سپس تکیه و اعتماد بر قدرت بیکران الهی است، نه به‌معنای رها کردن کارها (بهجت‌پور و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۹۶). از جمله آیات معروف در این باب، آیهٔ ۳ سورهٔ طلاق است: «هرکه بر خدا اعتماد و توکل کند، وی او را بس است». واژهٔ «توکل» و مشتقات آن در قرآن کریم ۷۰ مرتبه در ۲۹ سوره و در ۶۱ آیه آمده است.

گویه‌های سومین عامل یعنی «درستکاری و صداقت» شامل صدق در گفتار (اینکه قول و خبر مطابق آن چیزی باشد که از آن خبر می‌دهد و بدون اختلاف باشد)؛ راستی و صدق در اعتقاد (اظهار اعتقاد و یکسانی ظاهر و باطن بدون نفاق)؛ صدق در احساس (احساس کاملاً صحیح و مطابق باشد با آنچه در باطن است)؛ و صداقت در عمل است؛ یعنی عمل از تمام جهات و شرایط کامل و تمام باشد که در این معنا، «صدق» از یک‌سو، در کنار مفاهیمی همچون وفای به تعهدات، اعتمادسازی و احساس امنیت در روابط، امانت‌داری، آمادگی برای پاسخ‌گویی نسبت به وظایف، افکار و رفتار نسبت به دیگران، وظیفه‌شناسی، و التزام در قبال تعهدات فردی، خانوادگی و اجتماعی است. از سوی دیگر، در تقابل با مفاهیمی نظیر نقض عهد، خیانت، فریب، نفاق و فرار از مسئولیت قرار می‌گیرد. یکی

دیگر از بارزترین صفات اخلاقی قرآن، «صداقت و راستی» است که هرگاه با «امانت» همراه باشد مجموعه شخصیت انسان را نشان می‌دهد. «صدق» در لغت، به معنای راست گفتن و راست وعده کردن است و در اینجا، منظور راستی در گفتار و نیت و عزم است، معنای دیگر «صدق» در لغت، تمام بودن و صحیح بودن عمل است و اینکه بر حق باشد، و «صدیق» کسی است که همه این حالات را دارا بوده و البته این صفت در او ملکه شده باشد. راستی و راست‌گویی در چندین آیه قرآن آمده است: صدق در اعتقاد (قلم: ۴۱)؛ صدق در اظهار اعتقاد (جمعه: ۶)؛ صداقت در قول و خبر (نساء: ۸۷)؛ صدق در احساس (بقره: ۳۱)؛ و صداقت در عمل (حجرات: ۱۵)؛ توبه: ۱۱۹؛ احزاب: ۲۳؛ زمر: ۳۳. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت: شخص باید در همه امور صادق باشد؛ هم در اعتقاد و هم در قول و فعل: «وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ» (اسراء: ۸۰؛ بهرام ارجاوند، ۱۳۹۱).

۸ گویه عامل چهارم، «بخشش یا گذشت و اغماض از حقوق جانی و مالی» (مانند قصاص یا غرامت و جریمه مالی) و «فراموش کردن خطاهای گفتاری یا رفتاری دیگران» را به‌عنوان آزاد کردن عواطف منفی مانند تنفر، کینه و دشمنی؛ «شناخت‌های منفی» مانند افکار آزاردهنده و مزاحم مربوط به انتقام؛ «رفتارهای منفی» نظیر پرخاشگری کلامی؛ «تمایل به هیجانات مثبت»، نظیر عشق، همدلی، شفقت یا همدردی؛ «آرامش درون‌فردی»؛ «تجربه رنجش فردی کمتر»، و «روابط صمیمانه‌تر با دیگران» توصیف می‌کند. «بخشودن و بخشش» یک فضیلت اخلاقی است که در برابر خطای دیگران انجام می‌شود و قابل آموزش دادن است (انزایت، ۲۰۱۱، ص ۲۸).

واژه «عفو» با مشتقاتش ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است: اعراف: ۱۹۹؛ نور: ۲۲؛ شوری: ۴۰؛ بقره: ۱۸۷؛ مائده: ۹۵ و آل‌عمران: ۱۳۴. بخشش شاه‌راه سلامت روانی است که یا به علت انگیزه آرامش درونی یا بهبود روابط با خاطی و یا به‌منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد. با توجه به اسلامی بودن جامعه ما و لزوم رعایت اصول اخلاقی، به‌ویژه در روابط با دیگران، که مورد تأکید آیات قرآن مجید است، اهمیت بخشش در زندگی شخصی و اجتماعی مشخص می‌شود (ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱).

پنجمین عامل «خوش‌بینی یا مثبت‌اندیشی و تفاعل خیر به خداوند و جهان و دیگر انسان‌ها» است. گویه‌های این عامل شامل «خوش‌بینی به آینده» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان، «حسن ظن نسبت به خداوند متعال و خلق» و تنظیم اعمال و رفتار بر اساس آن، «اجتناب از پیش‌داوری»، «پرهیز از قضاوت عجولانه» و خطای اسناد درباره رفتارهای دیگران، «جهت‌گیری خوش‌بینانه یا اطمینان به‌منظور رسیدن به هدف‌های مطلوب» و داشتن این انتظار است که کارها در مجموع، خوب

پیش خواهد رفت. «حسن‌ظن» از فضائل اخلاقی است که توصیه‌های فراوانی در قرآن کریم، روایات اسلامی و سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در این خصوص مشاهده می‌شود. «حسن‌ظن» در لغت، به معنای «گمان نیک و خوش‌بینی»، در مقابل «سوء‌ظن» به معنای «بدگمانی و بدبینی» است. در تعریف اصطلاحی، «نیک‌انگاری درباره‌ی خداوند، فعل و انفعالات جهان و نیز پندار، گفتار و کردار انسان‌ها» خوش‌بینی، مثبت‌نگری» یا به تعبیر روایات اسلامی، «حسن‌ظن» نام دارد. در بررسی متون اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، به نظر می‌رسد که بیشتر تأکیدها بر خوبی‌ها و نقاط قوت افراد است. برای نمونه، حجر: ۹؛ تین: ۴؛ حجرات: ۱۲ و فتح: ۶. سوء‌ظن نسبت به مردم؛ فتح: ۱۲؛ احزاب: ۱۰ و آل‌عمران: ۵۴. سوء‌ظن نسبت به ساحت قدس پروردگار عالم یا وعده‌های الهی؛ نور: ۱۲. مذمت از سوء‌ظن به‌طور عام و دعوت به حسن‌ظن (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۲)؛ و مؤمنون: ۸۵ و ۱۰۶؛ مائده: ۱۸. حسن‌ظن به خدا (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

«تقوا» به عنوان ششمین عامل، معرف پیروی از قرآن و پیشوایان دینی، اعتماد صرف به خدا، تسلیم حق بودن و ترک اعراض از احکام الهی، داشتن امکان کنترل درونی و خویش‌داری در برابر گناهان و ارتکاب امور ناشایست، و پشیمانی و توبه در صورت ارتکاب گناه است. همسو با این عامل، تحقیقات قبلی نیز خویش‌داری را یکی از پیشایندهای (سازه‌ها یا صفات اخلاقی) مهم هویت اخلاقی می‌داند؛ یعنی فردی با خودکنترلی قوی‌تر احتمالاً اخلاقی‌تر رفتار می‌کند (بولین (Bolin)، ۲۰۰۴؛ بومیستر و اکسلن (Baumeister & Exline)، ۱۹۹۹). «تقوا» یکی از سجایای نیک اخلاق است و از نظر دسته‌بندی، جزو ملکه عفت محسوب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۷۲). «تقوا» از ماده «وقی» به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. شهید مطهری پس از بررسی واژه «تقوا» در لغت و استعمال آن، می‌نویسد:

«تقوا» به معنای عام کلمه، زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از اصول معینی پیروی نماید. «تقوای دینی و الهی» یعنی اینکه انسان خود را آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷).

حقیقت تقوا از نظر شهید دستغیب این‌گونه توصیف شده است:

«تقوا» از «وقایه» به معنای نگه داشتن و پرهیز است و از نظر شرعی، به معنای بازداشتن خود است از هر چه زیان‌آخرتی داشته باشد، و نیز دوری کردن از مخالفت با پروردگار در اوامر و نواهی (دستغیب، ۱۳۸۳).

واژه «تقوا» و کلمات هم‌خانواده آن در مجموع، ۲۵۸ بار به دو گونه فعلی و اسمی در قرآن استعمال شده و ۲۰۶ آیه قرآن با موضوع «تقوا» است (دیانی، ۱۳۷۸، ص ۴۶).

شش گویه آخرین عامل یعنی «فروتنی» بیانگر حالتی است که انسان با حفظ شخصیت اجتماعی، خود را بالاتر و برتر از دیگران نبیند و افعال و اقوالش موجب بزرگداشت و تکریم کسانی باشد که شایستگی و حق احترام دارند؛ ابتدا به سلام کردن؛ رفاقت و همنشینی و بهره‌گیری از تجارب دیگران در قالب مشورت به‌عنوان منبع مهمی از «علم» به‌شمار می‌رود. «تواضع» در زبان قرآن، از صفات برجسته و ارزشمند انسانی است که در عین قدرت، خود را کوچک می‌شمارد و رفتار محبت‌آمیز و ملایم با دیگران دارد. رعایت این حالت در برخورد با مردم، در تحکیم روابط اجتماعی تأثیر بسزا دارد (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). «تواضع» از ماده «وضع» در اصل، به‌معنای «فرو نهادن» است و به‌عنوان یک صفت اخلاقی، مفهومش این است که انسان خود را پایین‌تر از آنچه موقعیت اجتماعی اوست قرار دهد، بعکس تکبر. تعبیر به «فروتنی» در فارسی، دقیقاً همین معنا را می‌رساند و این مسئله از خلال گفتار و رفتار انسان‌ها نمایان می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۷). آیه‌های ۵۴ سوره مائده، ۶۳ سوره فرقان، ۳۷ سوره اسراء، ۲۱۵ سوره شعراء و ۸۸ سوره حجر به این فضیلت اخلاقی مربوطند (همان، ص ۷۰).

برازش هفت عامل در تحلیل عامل تأییدی نیز مناسب بود. افزون بر آن، همبستگی تمامی گویه‌ها و عوامل با نمره کل مقیاس، مثبت و معنادار بود.

این پژوهش در گسترش ادبیات روان‌شناسی دین نیز سهم است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل نوع دوستی، توکل، درستکاری، بخشش، خوش‌بینی، تقوا و فروتنی از مهم‌ترین سازه‌های هویت اخلاقی - اسلامی است. این یافته‌ها با توجه به توصیه و تأکید آیات قرآن به استلزام اکتساب این فضیلت‌ها برای افراد متدین دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد صفات اخلاقی دوستی، توکل، درستکاری، بخشش، خوش‌بینی، تقوا و فروتنی با انواع سازگارتری از تعهد به دین، مانند جهت‌گیری دینی درونی، رابطه‌ای قوی‌تری دارد. «جهت‌گیری دینی» به نوع انگیزش افراد در گرایش به دین اشاره دارد. ویلیام جیمز دو نوع تجربه دینی را تشریح کرد که پایه مفهوم‌سازی‌های جدیدتر از جهت‌گیری دینی شد. آلپورت این دو نوع رفتار دینی را جهت‌گیری‌های دینی درونی و بیرونی نامید. کسی که دین را هدف و مؤلفه اصلی هویت خود می‌بیند دارای جهت‌گیری درونی است؛ اما کسی که دین را ابزاری برای اهداف دیگر می‌بیند دارای جهت‌گیری بیرونی است. بنابراین، کسانی که خودپنداره‌شان پیرامون

باورهای اخلاقی - اسلامی آنها سازمان داده شده است، غالباً به‌طور منظم این باورها را در تمام دوران زندگی به شیوه رفتار و عمل خود منتقل می‌کنند. کولبی و دامون هم در بررسی الگوهای اخلاقی بزرگسال، به این نتیجه رسیدند که تعهد اخلاقی مداوم مستلزم یکپارچه کردن خود، اخلاق و معنویت است، نه توانایی‌های پیچیده استدلال اخلاقی (کولبی و دامون، ۱۹۹۲).

تمام سؤالات مقیاس با الهام از آیات مقدس قرآن حاصل شده است. این پرسش‌نامه ابزاری مناسب برای سنجش هویت اخلاقی - اسلامی دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی به‌شمار آید است و این پژوهش مهر تأییدی بر این موضوع است؛ اما اجرای پژوهشی مشابه با در نظر گرفتن زنان و مردان و نمونه‌های گسترده در رده‌های سنی، چارچوب دانشگاهی و مراتب گوناگون شغلی در وسعت بخشیدن به این موضوع، سودمند خواهد بود. همچنین بررسی متغیرهای تأثیرگذار احتمالی مانند رشد شناختی، نگرش‌ها و ارزش‌ها و محدودیت‌ها در شکل‌گیری هویت اخلاقی می‌تواند نقش مؤثری در فهم هرچه بیشتر ماهیت پیچیده کارکردهای اخلاقی داشته باشد.

امید است این مجموعه بتواند با روشن ساختن اهمیت، زاویه‌ها و عوامل شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی در کودکان و نوجوانان، در پرورش نسل جوانی برخوردار از هویت دینی مطلوب، گامی مؤثر بردارد.

منابع

- افشار کرمانی، عزیزاله، ۱۳۹۰، «مراتب فضیلت و اخلاق»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، ش ۸، ص ۶۱-۷۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۸، *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
- ایمانی فر، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۹۱، «بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم»، *انسان پژوهی دینی*، دوره نهم، ش ۲۷، ص ۱۴۹-۱۷۵.
- بهجت پور، عبدالکریم و همکاران، ۱۳۸۵، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم، معارف.
- بهرام ارجاوند، روح‌الله، ۱۳۹۱، *بررسی محاسن اخلاقی در قرآن*، سایت راسخون <https://rasekhon.net/article/print/154514>
- جعفری، محمدمتقی، ۱۳۷۶، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، چ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *مبانی اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- حسینی، محمد، ۱۳۸۳، «بررسی دیدگاه‌های ارزش‌شناسی علامه طباطبائی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال سی و چهارم، ش ۲، ص ۲۲۴-۱۹۹-۲۲۴.
- حیدری، علی جمعه، ۱۳۹۰، *زمینه‌ها و انحصار توکل بر خدا در قرآن*، قابل دسترسی در سایت راسخون. <http://www.rasekhon.net/article/print-101002.aspx>
- دائرةالمعارف قرآن کریم، جلد دوم، بخش احسان، قابل دسترسی در پایگاه مرکز فرهنگ و معارف قرآن به آدرس: www.maarefquran.com
- دستغیب، عبدالحسین، ۱۳۸۳، *گناهان کبیره*، قم، جامعه مدرسین.
- دیانی، محبوبه، ۱۳۷۸، *تقوا در قرآن*، آیات تقوا در قرآن، تهران، به دید.
- زمانی جعفری، کریم، ۱۳۶۷، *سیری در فرهنگ لغات نهج البلاغه*، تهران، کیهان.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۸۰، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۱، *مجموعه مقالات*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۳۸۶، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- قاسمی، وحید، ۱۳۸۹، *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، تهران، جامعه‌شناسان.
- کرلینجر، فردریک نیکلز، ۱۳۹۰، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه حسن پاشاشریفی و جعفر نجفی زند، تهران، آوای نور.
- لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۰، «روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی»، *قسمت اول فصلنامه حوزه و دانشگاه*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۶۱-۹۶.
- _____، ۱۳۸۴، «نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیاژه و کلبِرگ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ایرانی»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۸۰-۱۰۷.

مردانی نوکنده، محمدحسین، ۱۳۸۲، «احسان و انفاق از منظر آیات و روایات، **کیهان فرهنگ**، ش ۲۰۵، ص ۳۲-۳۵.
 مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، **اخلاق در قرآن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، **ده گفتار**، چ پنجم، تهران، صدرا.
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، **اخلاق در قرآن کریم**، قم، مدرسه علی بن ابیطالب علیه السلام.
 هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۰، **تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری**، چ سوم، تهران، پیک فرهنگ.

- Aquino, K, & et al, 2009, Testing a social-cognitive model of moral behavior: the interactive influence of situations and moral identity centrality, **Journal of personality and social psychology**, v. 97(1), p. 123-141.
- Aquino, K, & Reed, A, 2002, The self-importance of moral identity, **Journal of personality and social psychology**, v. 83(6), p. 1423-1440.
- Baumeister, R. F, & Juola Exline, J, 1999, Virtue, Personality, and Social Relations: Self-Control as the Moral Muscle, **Journal of personality**, v. 67(6), p. 1165-1194.
- Black, J, 2012, Initial development and psychometric characteristics of the moral cognition inventory (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Blasi, A, 1983, Moral cognition and moral action: A theoretical perspective, **Developmental review**, v. 3(2), p. 178-210.
- Blasi, A, 1984, Moral identity: Its role in moral functioning. In W. Kurtines & J. Gewirtz Eds.), **Morality, moral behavior and moral development** (p. 128-139). New York: Wiley.
- Blasi, A, 2004, Moral Functioning: Moral Understanding and Personality. in D.lapsley and D.Narvaez(Eds), **Moral development, self, and identity**. (Erlbaum.Mahwah,NJ), p. 335-347.
- Bolin, A. U, 2004, Self-control, perceived opportunity, and attitudes as predictors of academic dishonesty, **The Journal of Psychology**, v. 138(2), p. 101-114.
- Colby, & Damon, 1992, **Some do care: Contemporary lives of moral commitment**, New York: Free Press.
- Hardy, S. A, 2006, Identity, reasoning, and emotion: An empirical comparison of three sources of moral motivation, **Motivation and Emotion**, v. 30(3), p. 205-213.
- Hardy, S. A, & Carlo, G, 2011, Moral identity: What is it, how does it develop, and is it linked to moral action?, **Child Development Perspectives**, v. 5(3), p. 212-218.
- Hart, D, & Atkins, R, 2004, **Religious participation and the development of moral identity in adolescence**, In Nurturing morality (pp. 157-172).
- Johnston, M. E, & et al, 2013, Predicting moral outrage and religiosity with an implicit measure of moral identity, **Journal of Research in Personality**, v. 47, p. 209-217.
- Leonard, R. J, 2010, Moral identity in adolescence: A literature review, Azusa pacific university.
- Macleane, A. M, & et al, 2004, Transcendence and the moral self: Identity integration, religion, and moral life, **Journal for the scientific study of religion**, v. 43(3), p. 429-437.

- Mulder, L. B, & Aquino, K, 2013, The role of moral identity in the aftermath of dishonesty, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, v. 121(2), p. 219-230.
- Moshman, D, 2009, Identity , morality, and adolescent development, *Human Development*, v. 52(5), p. 287-290.
- Narvaez, D, & Lapsley, D. K, 2009, Moral identity, moral functioning, and the development of moral character, *Psychology of Learning and Motivation*, v. 50, p. 237-274.
- Nisan, M, 2004, *Judgment and choice in moral functioning, Moral development, self, and identity*, Mahwah, NJ:Erlbaum, 133-160.
- Reed, & Aquino, 2003, Moral identity and the expanding circle of moral regard toward out-groups, *Journal of personality and social psychology*, v. 84(6), p. 1270-1286.
- Reynolds, S. J, & Ceranic, T. L, 2007, The effects of moral judgment and moral identity on moral behavior: an empirical examination of the moral individual, *Journal of Applied Psychology*, v. 92(6), p. 1610-1624.
- Santrock, J.W, 2001, *Child development.6th Edition*, Toronto: McGrawHill.
- Vitell, S. J, & et al, 2009, Religiosity and moral identity: The mediating role of self-control, *Journal of Business Ethics*, v. 88(4), p. 601-613.
- Walker, L. J, & Pitts, R. C, 1998, Naturalistic conceptions of moral maturity, *Developmental Psychology*, v. 34 (3), p. 403-419.

پیوست: مخزن سؤالات

نامرتبط ۰-۲۰	کمی مرتبط ۲۱-۴۰	تا اندازه‌ای مرتبط ۴۱-۶۰	مرتبط ۶۱-۸۰	بسیار مرتبط ۸۱-۱۰۰	
					۱. وقتی دیگران را می‌بخشم احساس آرامش می‌کنم (تغابن: ۱۴؛ آل‌عمران: ۱۳۴؛ بقره: ۵۲؛ شوری: ۳۷)
					۲. باور دارم که کینه‌جویی به نفع هیچ کس نیست (شوری: ۳۰).
					۳. طبق باورهایم رفتار می‌کنم (جمعه: ۶).
					۴. در اثبات ادعاهای خود شواهد کافی و محکم می‌آورم (نور: ۱۳).
					۵. نماز و روزه قضا شده خود را به جای می‌آورم (آل‌عمران: ۱۳۵).
					۶. هر چه پیش آید در برابر خدا تسلیم و به قضای او راضی هستم (طلاق: ۲ و ۳).
					۷. باور دارم که خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد و همیشه در پناه او هستم (حجر: ۴۹؛ ضحی: ۲).
					۸. صداقت و صمیمیت مرا نزد دیگران محبوب می‌سازد (حجرات: ۱۲).
					۹. هر پیش‌آمدی را تقدیر الهی می‌دانم و تابع فرمان او هستم (ابراهیم: ۱۲).
					۱۰. همیشه و در هر کاری به خدا توکل می‌کنم (آل‌عمران: ۱۲۲؛ نحل: ۴۲؛ مجادله: ۱۰).
					۱۱. در جمع آوری غذا، لباس و پول برای نیازمندان مشارکت می‌کنم (بقره: ۸۳).
					۱۲. چیزهایی را که خودم دوست دارم به دیگران می‌بخشم (آل‌عمران: ۹۲).
					۱۳. رفتارم با پدر و مادرم متواضعانه و همراه با احترام و محبت است (اسراء: ۲۴).
					۱۴. فکر می‌کنم از دیگران خیلی بهترم (لقمان: ۱۸).
					۱۵. به هنگام تصمیم‌گیری نهایی از قدرت بی‌پایان پروردگار استمداد می‌جویم (آل‌عمران: ۱۵۹).
					۱۶. همه امور و کارهای خدا را به خدا واگذار می‌کنم (انفال: ۶۱).
					۱۷. بخشی از پول خود را به نیازمندان می‌بخشم (ذاریات: ۹).
					۱۸. وقتی کار خیر انجام می‌دهم حتی بدون پاداش هم احساس رضایت خاطر می‌کنم (بقره: ۲۶۵؛ نساء: ۱۲۵).
					۱۹. کاری که به عهده من گذاشته شده را به خوبی انجام می‌دهم (احزاب: ۲۳؛ حجرات: ۱۵).
					۲۰. برای مخفی کردن اشتباهاتم دروغ گفته‌ام (یوسف: ۱۶ و ۱۷).
					۲۱. وقتی تکالیف مذهبی‌ام را انجام نمی‌دهم احساس گناه می‌کنم (طلاق: ۵؛ اعراف: ۲۰۱).
					۲۲. رسول خدا و ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small> را الگوی رفتاری خود قرار داده‌ام (نور: ۵۲).
					۲۳. باور دارم که گذشت و بخشش باعث بهتر شدن روابط بین‌فردی می‌شود (شوری: ۴۰؛ فصلت: ۳۴).
					۲۴. بخشیدن دیگران را نوعی اتفاق می‌دانم (بقره: ۲۱۹).
					۲۵. از هر چیزی که دارم خسته و دل‌زده شده‌ام (فتح: ۱۲).
					۲۶. بعد از هر شکست از دنبال کردن خط رفتاری خود مأیوس نمی‌شوم (احزاب: ۱۰).
					۲۷. بدون اینکه کسی سؤال کند از موفقیت‌های ورزشی، تحصیلی و هنری خود صحبت می‌کنم (لقمان: ۹).
					۲۸. تواضع و فروتنی را لازمه بنده خوب خدا بودن می‌دانم (فرقان: ۶۳).
					۲۹. باور دارم که تقوا و خود نگهداری مرا از سختی‌ها و بلاها نجات می‌دهد (طلاق: ۲؛ یوسف: ۹۰).
					۳۰. از انجام کارهای خلاف پرهیز می‌کنم (انفال: ۲۹).
					۳۱. معیارم برای احترام گذاشتن به افراد ثروت آنهاست (هود: ۲۹).
					۳۲. سعی می‌کنم متواضعانه و با احترام با دیگران رفتار می‌کنم (اسراء: ۳۸۷).

				۳۳. آن کسی که ادعا می‌کنم نیستم (جمعه: ۶).
				۳۴. رک و بی‌پرده به دیگران می‌گویم که در موردشان چه احساسی دارم (بقره: ۳۱).
				۳۵. به خدا توکل می‌کنم و او مرا به خواسته‌هایم می‌رساند (آل‌عمران: ۱۵۴؛ لقمان: ۲۲).
				۳۶. با محبت کردن به دیگران همواره مورد محبت واقع می‌شوم (حجرات: ۱۲؛ نور: ۱۲).
				۳۷. به نیازهای دیگران (مالی یا عاطفی) توجه می‌کنم (نساء: ۳۶).
				۳۸. مخفیانه به نیازمندان کمک می‌کنم (بقره: ۲۷۱).
				۳۹. برای آشتی کردن پیش قدم می‌شوم (شوری: ۴۰).
				۴۰. دیگران را می‌بخشم تا خدا هم مرا ببخشد (نور: ۲۲؛ نساء: ۱۴۹).
				۴۱. برای رسیدن به خواسته‌ام در برابر صاحبان قدرت تعظیم می‌کنم (یوسف: ۶۷).
				۴۲. در فقر و بیماری و پیش آمدهای ناگوار با توکل بر خدا به دنبال چاره‌جویی هستم (ابراهیم: ۱۲).
				۴۳. هنگام دعا و نیایش در وجود خود احساس آرامش می‌کنم (بقره: ۲۱).
				۴۴. با پدر و مادر و احترام با اکرام صحبت می‌کنم (اسراء: ۲۳).
				۴۵. بدون سرزنش و ملامت کردن دیگران اشتباهاتشان را می‌بخشم (حجرت: ۸۵).
				۴۶. در برابر تعهدات خویش احساس مسئولیت می‌کنم (حجرات: ۱۵).
				۴۷. به توانایی‌هایی خودم ایمان دارم و موفق می‌شوم (فتح: ۱۲).
				۴۸. فقط به خاطر رضای خدا به نیازمندان کمک می‌کنم (بقره: ۲۶۵؛ نساء: ۲۵).
				۴۹. هرگاه به خدا توکل می‌کنم، او مرا کمک می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۹).
				۵۰. در صورتی که مرتکب گناه شوم احساس پشیمانی می‌کنم (اعراف: ۲۰۱؛ طلاق: ۵؛ آل‌عمران: ۱۳۵).
				۵۱. از دروغ‌گویی پرهیز می‌کنم (انفال: ۲۹).
				۵۲. هیچ حکمی جز حکم خدا را نمی‌پذیرم (طلاق: ۲ و ۳).
				۵۳. خدا ترسی و پرهیزگاری به من آرامش می‌بخشد (طلاق: ۲).
				۵۴. با مردم با خوشرویی رفتار می‌کنم (لقمان: ۱۸؛ شعراء: ۲۱۵).
				۵۵. پیشنهادات و انتقادات دیگران را به راحتی می‌پذیرم (بقره: ۲۰۶؛ اسراء: ۸۵).
				۵۶. با همه (بزرگ یا کوچک، ثروتمند یا فقیر) محترمانه رفتار می‌کنم (هود: ۲۹).
				۵۷. باور دارم که خداوند انسان‌های متواضع و فروتن را دوست دارد (مائده: ۵۴).
				۵۸. از سخنان بی‌پایه و اساس دیگران درباره خودم ناراحت نمی‌شوم و آنها را می‌بخشم (آل‌عمران: ۱۵۹).
				۵۹. سخنان اهانت‌بار و خشونت‌آمیز افراد نیازمند و گرفتار را تحمل کرده و آنها را می‌بخشم (بقره: ۲۶۳).
				۶۰. عذرخواهی دیگران را می‌بخشم و آنها را به خاطر اشتباهاتشان سرزنش نمی‌کنم (اعراف: ۱۹۹).
				۶۱. باور دارم خداوند نسبت به اهل ایمان بخشنده و غفور است (بقره: ۵۲).
				۶۲. برای خوشایند دیگران خلاف واقعیت حرف می‌زنم (قلم: ۴۱).
				۶۳. به نظرم دروغ گفتن باعث می‌شود افراد کمتر به هم اعتماد کنند (نور: ۱۲).
				۶۴. هیچ خبری را بدون تحقیق تأیید نمی‌کنم (حجرات: ۶؛ نمل: ۲۷).
				۶۵. مطالبی را که کاملاً از درستی‌شان اطمینان ندارم نقل نمی‌کنم (نور: ۱۵).
				۶۶. در صورت استفاده از استعدادها و توانایی‌هایم حتماً موفق می‌شوم (فتح: ۱۲).
				۶۷. شکست و اشتباهات خودم را به منظور کسب تجربه تحلیل می‌کنم (احزاب: ۱۰).
				۶۸. هرگز خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنم (حجرات: ۱۲).
				۶۹. احساس می‌کنم به درد هیچ کاری نمی‌خورم و در زندگی هرگز موفق نخواهم شد (فتح: ۶ و ۱۲).
				۷۰. بدون منت به دیگران کمک می‌کنم (بقره: ۲۶۴).
				۷۱. حتی اگر خود نیاز داشته باشم اول به دیگران کمک می‌کنم (حشر: ۹).

					۷۲. با کمک کردن به دیگران احساس آرامش می‌کنم (آل‌عمران: ۱۴۸؛ فصلت: ۳۴).
					۷۳. کار خیر انجام می‌دهم بدون اینکه انتظار پاداش داشته باشم (نساء: ۱۲۵).
					۷۴. با توکل به خدا در خود نیروی فوق‌العاده‌ای احساس می‌کنم (آل‌عمران: ۱۷۳).
					۷۵. به خدا توکل می‌کنم چون خودش راه درست را به ما نشان می‌دهد (ابراهیم: ۱۲).
					۷۶. فقط به خدای توانا توکل می‌کنم (نمل: ۷۹).
					۷۷. اطمینان دارم خداوند مرا در رسیدن به خواسته‌هایم کمک می‌کند (انفال: ۴۹).
					۷۸. مانند مؤمنان سعی می‌کنم خودنگهدار و پرهیزگار باشم (حدید: ۲۸).
					۷۹. برای رسیدن به اهدافم از هر روشی (قسم دروغ یا گریه) استفاده می‌کنم (قلم: ۱۰؛ یوسف: ۱۶).
					۸۰. نسبت به سخنان بی‌پایه و اساس و نادرست درباره خودم بی‌اعتنا هستم (فرقان: ۶۳).
					۸۱. باور دارم بخشیدن دیگران نشانه تقوی و خداپرستی است (بقره: ۲۳۷).
					۸۲. برای استحکام دوستی و صمیمیت به دیگران کمک می‌کنم (فصلت: ۳۴).
					۸۳. بیشتر به موفقیت فکر می‌کنم تا شکست (فتح: ۱۲).
					۸۴. با توکل به خدا از او طلب توفیق می‌کنم (هود: ۸۸).
					۸۵. سعی می‌کنم توانایی خود را برای فهم حقایق جدید متحول سازم (انفال: ۲۹).
					۸۶. نسبت به اعتقادتم باور قلبی دارم (جمعه: ۶).
					۸۷. فروتنی و تواضع کردن محبوب مردم می‌شوم (آل‌عمران: ۱۵۹).
					۸۸. بخشش دیگران را زمینه‌ساز آموزش و محبت الهی می‌دانم (مائده: ۱۳).
					۸۹. در اتوبوس جای خود را به افراد مسن تعارف می‌کنم (یوسف: ۷۸).
					۹۰. من به آینده زیبایی که در انتظارم است ایمان دارم (ضحی: ۵؛ اعراف: ۱۲۸؛ نور: ۵۵؛ انبیاء: ۱۵۵؛ قصص: ۵).
					۹۱. به خدا توکل می‌کنم چون همه چیز به دست قدرت اوست (هود: ۱۲۳).
					۹۲. باور دارم پرهیزگاری و خداترسی باعث اصلاح امور می‌شود (بقره: ۲۸۲).
					۹۳. در حد توانم مسئولیت قبول می‌کنم (عنکبوت: ۳).
					۹۴. قبل از ورود به هر مکان اجازه می‌گیرم (نور: ۲۷).
					۹۵. مانند مؤمنان هنگام خشم دیگران را می‌بخشم (شوری: ۳۷).
					۹۶. به‌منظور استحکام دوستی‌ها به دیگران هدیه می‌دهم (بقره: ۲۳۶).
					۹۷. فکر می‌کنم مشکلات موجود پیامدهای مثبت هم دارد (احزاب: ۱۰).
					۹۸. برای حفظ خود از هر شر و بدی به خدا توکل می‌کنم (یونس: ۸۴).
					۹۹. تقوی و خودنگهداری را راه خروج از بن‌بست‌های اخلاق و اجتماعی می‌دانم (طلاق: ۴).
					۱۰۰. به قول و قرار خود پایبندم (معاراج: ۳۲؛ بقره: ۱۷۷).
					۱۰۱. در انجام کارها به عقاید و نظرات دیگران توجه می‌کنم (آل‌عمران: ۱۵۹؛ اعام: ۵۴؛ زخرف: ۸۹).
					۱۰۲. بخشش از جانب صاحبان قدرت را ارزشمند می‌دانم (بقره: ۲۳۷؛ شوری: ۴۰).
					۱۰۳. به خویشان و بستگان رسیدگی می‌کنم (بقره: ۲۷؛ رعد: ۲۱؛ نحل: ۹۰).
					۱۰۴. نزدیکی به خدا امید به زندگی را در من زنده می‌کند (ق: ۱۶).
					۱۰۵. باور دارم که مؤمن واقعی فقط به خدا توکل می‌کند (یونس: ۸۴).
					۱۰۶. معیارم برای ارزشمندی هر انسان فقط تقوا و پرهیزگاری است (حجرات: ۱۳۰).
					۱۰۷. برای فریب دادن دیگران دروغ می‌گویم (اعراف: ۲۹).
					۱۰۸. هنگام ورود به هر مکانی سلام می‌کنم (نور: ۶۱).
					۱۰۹. عفو و بخشش را زمانی ارزشمند می‌دانم که قدرت انتقام گرفتن داریم (نساء: ۱۴۹).
					۱۱۰. به پدر و مادرم احترام می‌گذارم (آل‌عمران: ۱۳۴؛ مائده: ۱۳؛ اسراء: ۲۳؛ احقاف: ۱۵).
					۱۱۱. پیروی از خدا و پیامبر موجب امیدواری من به آینده‌ای روشن می‌شود (مجادله: ۲۱).

	۱۱۲. خداوند در هر لحظه به من عنایت دارد همیشه در پناه او هستم (آل‌عمران: ۱۰۲).
	۱۱۳. خودنگهداری از گناهان و پرهیزگاری به زندگیم برکت می‌بخشد (اعراف: ۹۶).
	۱۱۴. حرفهایم با اعتقادات و اعمالم هماهنگ است (بقره: ۱۷۷).
	۱۱۵. در برابر انسان‌های خودبین و متکبر، سخت‌گیر هستم (فتح: ۲۹).
	۱۱۶. صبر و شکیبایی را لازمه عفو و گذشت می‌دانم (فصلت: ۳۵).
	۱۱۷. وقتی به دیگران کمک می‌کنم خداوند گناهان و بدی‌هایم را می‌بخشد (هود: ۱۱۴).
	۱۱۸. باور دارم بعد از هر سختی آسانی است (انشراح: ۵ و ۶).
	۱۱۹. تنها به خدا توکل می‌کنم (یونس: ۷۱).
	۱۲۰. تقوی و پرهیزگاری باعث سهولت و آسانی در کار می‌شود (طلاق: ۴).
	۱۲۱. برای اعتقادات خویش برهان و دلیل کافی دارم (بقره: ۱۱۱).
	۱۲۲. افراد متکبر را دوست ندارم (نحل: ۲۲).
	۱۲۳. نیکی کردن به دیگران باعث آرامش روحی و آسودگی خاطر من می‌گردد (آل‌عمران: ۱۴۷ و ۱۴۸؛ لقمان: ۳ و ۵).
	۱۲۴. عذرخواهی دیگران را حتی اگر دروغین باشد می‌بخشم (توبه: ۶۱).
	۱۲۵. مانند اهل ایمان در همه امور زندگی به خدا توکل می‌کنم (شوری: ۳۶؛ توبه: ۵۱).
	۱۲۶. کسی را مسخره نمی‌کنم (حجرات: ۱۱).
	۱۲۷. به حکمت و فرزنگی خدا در همه امور ایمان دارم (اعراف: ۳۵).
	۱۲۸. به نظرم مؤمن همیشه راستگوست (احزاب: ۷۰).
	۱۲۹. برای تقویت خصلت خضوع و فروتنی خویش قرآن تلاوت می‌کنم (انشقاق: ۲۱).
	۱۳۰. با کمک به دیگران سعی می‌کنم ردایل اخلاقی مثل حرص و بخل را کنترل کنم (معرج: ۱۹ و ۲۶).
	۱۳۱. به آنچه هستم و آنچه خواهم شد افتخار می‌کنم (نور: ۵۵).
	۱۳۲. به خدای زنده ابدی توکل می‌کنم (فرقان: ۵۸).
	۱۳۳. سعی می‌کنم امانت‌دار خوبی باشم (مؤمنون: ۸).
	۱۳۴. چون منشأ همه امور را خدا می‌دانم همیشه احساس آرامش می‌کنم (آل‌عمران: ۱۲۵ و ۱۲۶).
	۱۳۵. بین ظاهر و اعتقادات درونی من تفاوت وجود دارد (احزاب: ۲۴).
	۱۳۶. با کمک به دیگران منزلت اجتماعی کسب می‌کنم (یوسف: ۵۶).
	۱۳۷. بدون ملامت کردن دیگران آنها را می‌بخشم (حجر: ۸۵).
	۱۳۸. فکر می‌کنم بیشتر مردم با من منصفانه رفتار می‌کنند (نور: ۱۲).
	۱۳۹. غیبت نمی‌کنم (حجرات: ۱۲).
	۱۴۰. از خودم رضایت دارم و احساس می‌کنم توانایی‌هایم به اندازه دیگران است (حجرات: ۱۲).
	۱۴۱. باورم این است که مؤمن باید در هر کاری به خدای خود توکل کند (انفال: ۲؛ ملک: ۲۹؛ مائده: ۱۱؛ تغابن: ۱۳؛ عنکبوت: ۵۹).
	۱۴۲. سعی می‌کنم کسی را با رفتار یا گفتارم آزار ندهم (احزاب: ۶۷ و ۷۰).
	۱۴۳. سعی می‌کنم در هر موقعیتی راست بگویم (مائده: ۱۱۹).
	۱۴۴. به‌خاطر جلب محبت و دوستی خداوند به دیگران کمک می‌کنم (بقره: ۱۵۹؛ آل‌عمران: ۱۳۴).
	۱۴۵. به نظرم افراط در بخشش نوعی نادانی است (اعراف: ۱۹۹).
	۱۴۶. به خدا توکل می‌کنم چون زمام اختیار همه به دست اوست (هود: ۵۶).
	۱۴۷. از هتک حرمت و آبروی دیگران پرهیز می‌کنم (حجر: ۶۸؛ هود: ۷۸).
	۱۴۸. بعد از ارتکاب گناه توبه می‌کنم (انفال: ۲۹).
	۱۴۹. به خدا توکل کرده و از او می‌خواهم مرا در کارهایم موفق کند (اعراف: ۸۹).
	۱۵۰. خود را برتر از دیگران نمی‌بینم و نسبت به آنها تکبر نمی‌کنم (حجرات: ۱۳).

ساخت و اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسر داری اسلام

سید ابوالفضل قدوسی / کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ aghodosy@gmail.com
 محمدرضا احمدی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ m.r.Ahmadi313@gmail.com
 صادق کریم‌زاده / استادیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉
 دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسر داری در اسلام انجام گرفت. آموزه‌های همسر داری در اسلام مربوط به زنان به روش تحلیل محتوا، استخراج شد و ارزیابی روایی محتوا، روایی سازه و اعتبار آزمون به روش پیمایشی با انتخاب خوشه‌ای، از نمونه ۳۷۴ نفر از جامعه زنان متأهل اصفهان انجام شد. ۸۰ گویه از ۱۲۳ گویه اولیه پیشنهادی از نظر کارشناسان دارای روایی محتوایی بالایی بودند. در روایی سازه به روش تحلیل عاملی، شش عامل به دست آمد که شاخص کفایت نمونه‌برداری ۰/۸۴۷ و نتیجه آزمون بار تلت، نشان داد حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. از سوی دیگر، همبستگی مثبت و معنی‌دار هریک از سؤالات پرسش‌نامه با نمره کل پرسش‌نامه و هریک از عامل‌ها و کل پرسش‌نامه، بیانگر روایی سازه به روش همسانی درونی است. ضریب آلفای کرونباخ در مرحله آزمایشی و نهایی به ترتیب (۰/۸۲۷ و ۰/۸۹۵) نشان‌دهنده اعتبار پرسش‌نامه است. میزان همسانی درونی بر اساس ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن و همبستگی دو فرم در مرحله آزمایشی و در مرحله نهایی معنی‌دار است و ضریب آلفای نیمه اول و نیمه دوم در مرحله نهایی به ترتیب ۰/۸۳۹ و ۰/۸۱۸ است. ضریب همبستگی آزمون - باز آزمون در نمونه ۳۱ نفری به فاصله زمانی یک ماه ۰/۹۲۷ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمد. بنابراین پرسش‌نامه، از روایی و اعتبار مطلوبی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: پابندی زنان، آموزه‌های همسر داری، پرسش‌نامه، روایی و اعتبار.

مقدمه

ساحت‌های گوناگون زندگی بشر در قلمرو دین قرار می‌گیرد؛ هیچ شأنی از شئون زندگی انسان، اعم از زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی، روابط زن و شوهر، روابط پدر و فرزند، روابط امت و امام و حتی روابط با سایر ملل که با آنها چگونه رفتار کنیم و با چه کسانی می‌توانیم روابط سالم داشته باشیم و با چه کسانی نباید رابطه داشته باشیم، خارج از قلمرو دین نیست (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۳). از این رو، اسلام از روزهای آغازین بعثت پیامبر گرامی ﷺ، زیربنایی‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را مورد خطاب قرار داده است و اولین پیام آشکار الهی خطاب به خانواده بوده است (شعراء: ۲۱۴). این امر شروعی مبارک برای تحول عظیم اجتماعی اسلام بوده است؛ تحولی که آموزه‌های اسلامی ایجاد می‌کند. آن قدر گسترده و عمیق باشد که پس از گذشت سالیانی متمادی، هنوز پاسخ‌گوی نیازهای بشری است. از این رو، بسیاری از جوامع علمی به توانایی بالای ادیان، بخصوص اسلام برای اصلاح خانواده اذعان دارند (والش، ۲۰۰۹، ص ۱۵۷). دلایل رجوع به این آموزه‌ها را می‌توان این گونه برشمرد:

اسلام، انسان را دارای دو ساحت و مرکب از جسم و روح (بخش مادی و غیرمادی) می‌داند (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

در طراحی آموزه‌های اسلام، به سعادت نهایی و زندگی پس از مرگ توجه شده است. موضوعی که تجربه راهی به آن ندارد (همان، ص ۲۴۲).

نگرش دین اسلام به خانواده، مثبت است تا جایی که قداست خاصی برای خانواده قائل است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳).

آموزه‌های اسلام، اهدافی بالا را برای تشکیل خانواده در نظر گرفته‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴)؛ اهدافی نظیر آرامش روان (فقیهی، ۱۳۸۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۶۶)، فرزندخواهی و امکان بقای نسل (فیض کاشانی، ۱۳۳۹ق، ج ۳، ص ۵۳)، کانون آرامش زندگی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶)، ایجاد کانون مودت و رحمت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۲)، سازندگی اخلاقی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶)، سازندگی اجتماعی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۷۳)، رشد دین‌داری (متقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۳۰۱)، جلب کمک و نصرت الهی (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳)، گسترش آرمان توحید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۲).

آموزه‌های اسلام براساس توجه به ویژگی‌هایی فطری زن و مرد (میل جنسی، زیبادوستی، تمایل به معنویت، گرایش به محبت و انس)، وضع شده‌اند (فقیهی، ۱۳۸۶).

راهکار تربیتی و روان‌شناختی در متون حدیثی مبتنی بر نظریه وحیانی بوده و از اعتبار و حجیت برخوردار است [قابل اعتماد است] (همان).

در متون قرآنی و حدیثی، عوامل تنش‌زا در خانواده و راه درمان آنها تبیین شده است (همان، ص ۹۲). آموزه‌های اسلام دارای یکپارچگی است، به این معنا که وقتی آموزه‌ای به زن یا مرد داده می‌شود، به دیگر نقش‌های او نیز توجه شده است. به عبارت دیگر، وقتی بر اساس آموزه‌ای، رابطه زن و مرد تنظیم می‌شود، این اعتماد وجود دارد که کاربرد این آموزه تأثیر نابهنجاری برای فرزندان ندارد.

آموزه‌های اسلام از تنوع بسیار بالایی برخوردار هستند که تمام نیازهای افراد از دامنه زمانی قبل از تولد و بعد از مرگ را دربرمی‌گیرد.

این آموزه‌ها با توجه به نیازها، خواسته‌های متفاوت زن و مرد وضع شده‌اند (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۵۵). در آموزه‌های اسلام به تفاوت زن و مرد توجه خاصی شده است (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۵۵؛ احمدی، ۱۳۸۴).

آموزه‌های اسلام متناسب با توانایی افراد است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۳). در محیط خانواده، روابط گوناگونی وجود دارد: روابط میان زن و شوهر، روابط پدر و مادر با فرزندان و فرزندان با پدر و مادر و روابط بین فرزندان. درباره این روابط، در روایات، مسائل بسیار مفصل و مهمی مطرح شده است (همان، ص ۵۶).

اولین رابطه‌ای که در خانواده شکل می‌گیرد، رابطه زن و شوهر است. در منابع اسلامی، سه دسته از آموزه‌های در این موضوع، مطرح است: آموزه‌های مشترک، آموزه‌های خاص زنان و آموزه‌های خاص مردان (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۶۱۲). آموزه‌های مشترک مانند محبت و مهربانی و عطفوت بین زوجین، داشتن خوی‌های والا و کردارهای نیکو، اهتمام به تربیت دینی، پاسداشت حقوق، تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، پاسخ دادن به غرایز جنسی، دعا کردن (همان، ص ۱۹۱).

آموزه‌های همسرمداری مردان، مانند تأمین نیازهای فردی همسر (محبت، معاشرت و برخورد نیکو، خدمت به همسر، صبر بر بداخلاقی‌ها، گذشت از خطاها، رعایت نظافت، زینت، پرهیز از آزردهن همسر و برآوردن نیازهای جنسی)، تأمین نیازهای اجتماعی (عدم تحقیر، عدم قذف، پرهیز از تنوع‌طلبی، غیرت‌ورزی، تکیه‌گاه خوبی بودن)، تأمین نیازهای مالی همسر (سخاوت و گشاده‌دستی، پرهیز از بخل‌ورزی، پرهیز از تصرف بدون اذن در اموال و اشیاء، نفقه دادن (طعام، پوشاک و مسکن))، تأمین نیازهای معنوی (تعلیم نماز، روزه و زکات، حفظ از آسیب‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری) (حیدری، ۱۳۹۳، ص ۸۲)

آموزه‌های همسرداری اسلامی در رابطه با زنان

بر مبنای آیات قرآنی و روایات ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، این آموزه‌ها در شش محور اساسی مورد توجه است:

۱. **واکنش‌های هیجانی و عاطفی:** با توجه به منابع اسلامی، واکنش‌های هیجانی عاطفی شامل این موارد می‌شود: مهرورزی و ابراز محبت به همسر (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۸)، از بین بردن اضطراب و آرامش‌بخش بودن (انس آفرینی) (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۹)، شادی‌بخش بودن (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۶۹)، جلب رضایت همسر (همان، ۲۳۸)، فراهم نکردن اسباب ناراحتی همسر (متقی‌هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۴۰۳)، کنترل خشم همسر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸) که در درجه اول، سعی کند خشم همسر به وجود نیاید (همان) و اگر به وجود آمد، از ادامه یافتن آن جلوگیری کند (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۸)، کنترل پرخاشگری دیداری نسبت به همسر (نگاه غضب‌آلود) (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸) و کنترل پرخاشگری فیزیکی (همان).

۲. **رابطه جنسی:** در روابط جنسی، این آموزه‌ها مورد توجه است: آمادگی برای رابطه جنسی به هر نحو متعارفی که همسر می‌پسندد (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۸)، آمادگی برای رابطه جنسی در هر مکان که امکانش باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، ابراز تمایل در صورت میل همسر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۴؛ ابن‌الاثیر ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۸۲)، به صورت غیرمستقیم آمادگی برای رابطه جنسی را به همسر اعلام کند، حتی بدون درخواست همسر، مانند پوشیدن لباس سبک در هنگام خواب (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۴) و پرهیز از تأخیر زمانی در رابطه جنسی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۸)، هرچند به بهانه عبادت (همان، ص ۵۰۸).

۳. **همکاری:** این آموزه‌ها، همکاری زن با همسرش را بیان می‌کند: اطاعت از خواسته‌های همسر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۸۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۷)، برقرار نگه‌داشتن همیشگی ارتباطات (قهر نکردن) (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۵۷؛ متقی‌هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۴۰۳)، انجام کارهای منزل (زمخشری، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۹۶)، خانه‌داری (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۱۱) و کوتاهی نکردن در خدمت به شوهر (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۳).

۴. **رعایت مرزها:** در رعایت مرزها، به این آموزه‌ها اشاره می‌شود: داشتن پوشش نامناسب (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، راه ندادن نامحرم به اتاق شخصی (همان)، کنترل نگاه به نامحرم (همان)، رازداری (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۲)، عدم بازگویی رابطه جنسی برای دیگر زنان

(متقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۳۵۵)، تعهد به رابطه با شوهر (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۲)، عدم شکایت از شوهر (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، عدم حرف‌شنوی از دیگران درباره رفتار با شوهر (متقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۴۰۳)، نوع ارتباط با خانواده اصلی (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۸)، تکبر در برابر نامحرم (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۹)، حفاظت از خود (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۹)، عفت جنسی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۴) و کنترل افکار در رابطه جنسی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴).

۵. امور مالی: آموزه‌های مالی توصیه‌شده به زنان، عبارتند از: جلوگیری از اسراف در خانواده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۴)، برقراری تعادل در هزینه‌های خانواده (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۹) و حفظ اموال همسر (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۹) و تعدیل توقعات مادی (همان، ص ۲۳۸).

۶. ارتباطات مؤثر: در برقراری ارتباط مؤثر به زنان، این آموزه‌ها بیان شده است: ارتباط عاطفی لمسی (جسمی - عاشقانه) (متقی‌هندی، ۱۳۹۷، ج ۱۶، ص ۲۷۶)، ارتباط عاطفی دیداری (همان)، ارتباطات کلامی برای التیام مشکلات دنیا (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۷)، ارتباط کلامی در ناراحتی (همان)، حاضر جوابی نکردن در برابر همسر (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، تحمل کلام همسر (همان)، مخالفت کلامی نکردن (همان)، ناامید نکردن همسر در ارتباط کلامی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، اجازه گرفتن از همسر به صورت کلی و در مواردی خاص مانند رفتن به عروسی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۰)، اجازه گرفتن برای مهمانی دادن (متقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۴۰۳)، خروج از منزل (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲؛ متقی‌هندی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۶، ص ۴۰۳)، نماز خواندن خارج از منزل (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، روزه مستحبی گرفتن (همان)، صدقه دادن (انفاق مستحب) (همو، ج ۱۳، ص ۱۹۹)، قرار دادن لباس‌های شخصی در غیرمنزل شوهر با اجازه او باشد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۸)، خوشبو کردن برای شوهر (همو، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸) و تهیه عطر (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۰۸)، خوشبو نکردن لباس هنگام خروج از منزل (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۱۸)، صبر بر فقر مالی همسر (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، صبر بر غیرت‌ورزی همسر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹)، صبر بر بداخلاقی (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۵)، صبر بر آزاررسانی شوهر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹)، بخشش مهریه (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۵)، سنگین نکردن مهریه (در موقع گرفتن مهریه سخت‌گیری نکردن) (نوری، ۱۴۰۸ق،

ج ۱۴، ص ۲۳۸)، تأخیر نیانداختن مهریه تا روز قیامت تا در آن موقع جلو همسر را بگیرد (همان)، گذشت و عذرپذیری در برابر همسر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۶)، غذا خوردن همراه با همسر و بدون حضور همسر، با نامحرم هم غذا نشود (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، هدیه دادن به همسر، بخصوص لباس (همان)، سیراب کردن همسر (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲)، ناسپاسی در حق همسر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۱۳)، وفای به عهد و پیمان با همسر در تمامی شرایط (همان)، فراهم نکردن اسباب خوار شدن همسر (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، آرایش کردن برای همسر و آرایش نکردن برای غیرشوهر (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸)، اظهار نکردن زینت و زیبایی‌ها برای غیرهمسر (تبرج) (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۸)، تواضع در برابر شوهر (همان)، مشایعت همسر هنگامی که از خانه خارج می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۷)، به استقبال همسر رفتن به هنگام ورود به منزل (همان)، فرزندآوری (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۳۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۸) و تقاضای طلاق نکردن (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۲، ص ۲۸۲).

آنچه در رابطه با این آموزه‌ها قابل اندازه‌گیری است، میزان پایبندی افراد به آن است. پایبندی، یعنی رفتارهای متعادل و هماهنگ با اعتقادات (آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸) یا به عبارتی، التزام عملی به آموزه‌های اسلام (پناهی، ۱۳۸۹) و تنظیم تمامی رفتارها بر اساس معیارهای مذهبی (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸)، منظور از پایبندی به آموزه‌های همسرداری در اسلام، التزام عملی و تنظیم تمام رفتارها براساس آموزه‌های اسلامی در ارتباط با همسر می‌باشد.

از آزمون‌هایی که برای سنجش خانواده با توجه به منابع اسلامی ساخته شده است، می‌توان به پرسش‌نامه رضایتمندی زناشویی اسلامی که دارای ابعاد ارتباط (ارتباط کلامی و ارتباط غیرکلامی)، پایبندی مذهبی، حل تعارض، مدیریت مالی و اقتصادی، فعالیت‌های اوقات فراغت، مدیریت روابط جنسی زوجین، مسائل شخصیتی، فرزند و فرزندپروری، نقش و وظیفه زن و مرد و صلح‌رحم است (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸) و پرسش‌نامه کارآمدی خانواده که دارای سه شاخص: ۱. بینشی: (ایمان به خدا؛ اعتقاد به رسالت و امامت؛ اعتقاد به معاد)؛ ۲. اخلاقی: (محبت؛ صداقت؛ تکریم؛ وفاداری؛ صبر)؛ و ۳. حقوقی: (حقوق زن؛ حقوق شوهر؛ حقوق فرزندان و حقوق والدین است) (صفورایی، ۱۳۸۸) می‌توان اشاره کرد. این ابزارها، بدون توجه به اصل تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد و برای سنجش زوجین و خانواده طراحی شده است. از آنجاکه برای

سنجش آموزه‌های اسلامی در خانواده، ابزار دیگری یافت نشد، با توجه به مبانی آموزه‌های اسلامی در خانواده و با توجه به آموزه‌های اسلام به زنان متأهل، پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام ساخته و روایی و اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین، این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال‌هاست:

- روایی محتوایی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام به چه میزانی است؟
- روایی سازه پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری به چه میزانی است؟
- اعتبار پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری به چه میزانی است؟

روش پژوهش

این تحقیق براساس هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی نظری است (دلاور، ۱۳۸۰) و از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با آموزه‌های همسرمداری اسلام به زنان به کار گرفته شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷). از سوی دیگر، از آنجاکه هدف نهایی این پژوهش، ساخت آزمون برای سنجش پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام است، ارزیابی روایی و اعتبار آن به صورت میدانی و به روش، «زمینه‌یابی» «پیمایشی» است (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۵).

جامعه آماری، زنان متأهل ساکن در شهرستان اصفهان می‌باشند. بنابر سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تعداد آنها ۱۲۴۳۹۶۸ نفر می‌باشند (درگاه ملی آمار ایران، ۱۳۹۱). حجم نمونه، ۴۰۰ آزمودنی با توجه به استفاده از روش تحلیل عاملی، نسبت ۱ به ۵ گویه‌ها و آزمودنی‌ها در نظر گرفته شد. در نهایت، ۳۷۴ نفر در تحلیل وارد شد. از آنجاکه فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه، در دسترس نبود، افراد جامعه در خوشه‌هایی دسته‌بندی شد. سپس از میان خوشه‌ها، نمونه‌گیری به عمل آمد. بدین‌منظور، فهرستی از این خوشه‌ها تهیه و به‌عنوان چارچوب نمونه‌گیری استفاده شد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). برای این کار، با توجه به بافت جمعیتی - فرهنگی، شهر اصفهان به ۵ دسته مجزا تقسیم شد و داده‌ها از آن مناطق جمع‌آوری شد.

ابزار پژوهش در این تحقیق، آزمون محقق‌ساخته‌ای است که در فرایند تحقیق اعتبار و روایی آن محاسبه شد.

مراحل ساخت پرسش نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام

مرحله اول: شناسایی منابع اسلامی که قلمرو جست‌وجوی موضوع را تعیین می‌کند. از آنجاکه جست‌وجو با کلیدواژه‌ها در منابع اسلامی، موجب نادیده گرفته شدن برخی روایات می‌شود و به دلیل استفاده از روایات جمع‌آوری شده به دست دیگران، دو کتاب **تحکیم خانواده** (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۷) و **بهشت خانواده** (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۷۰)، به صورت کامل مطالعه شد و ۲۹ موضوع روایی در ارتباط با آموزه‌های همسرمداری در اسلام به زنان جمع‌آوری شد. کلیدواژه‌هایی مانند الزوجه، الزوج، المرأة، النساء، نسائکم، اهل، النکاح، الزفاف و... در نظر گرفته شد که با هم، داده‌های اولیه و قلمرو جست‌وجو را تعیین می‌کنند. در مرحله بعد، جست‌وجو در نرم‌افزار جامع‌الاحادیث نور صورت گرفت. برای اطمینان بیشتر در هر بار جست‌وجو تمام باب مربوطه مطالعه شد. در این فرایند، ۵۱۱ روایت و حدیث از ۶۹ باب از ۵۶ جلد از ۳۸ عنوان کتاب روایی و تفاسیر روایی به عنوان منبع اصلی، جمع‌آوری شد.

مرحله دوم: برای انتخاب موضوعات اصلی، ملاک‌های انتخاب به این صورت در نظر گرفته شد: مخاطب روایات همسران باشند، نه به‌طورکلی انسان‌ها و نه زوجین به صورت مشترک، بیان‌کننده حق شوهر باشند، روایاتی که عملی را با وعده پاداش‌های اخروی نیکو می‌شمارد و یا با وعده عذاب عملی را تقیح می‌کند. روایاتی که آدابی از آداب همسرمداری را به زنان آموزش می‌دهد و روایاتی که دستوری اخلاقی را به زنان در ارتباط با همسر بیان می‌کند. درنهایت، ۸۰ موضوع روایی انتخاب و در هر موضوع، خانواده روایی تنظیم گردید.

مرحله سوم: براساس زمینه‌های روان‌شناسی موضوع، به طراحی سؤالات پرسش‌نامه پرداخته شد. در طراحی سؤالات، این نکات در نظر گرفته شد: محدود کردن هر گزاره به یک مفهوم، به کار بردن ساده‌ترین عبارات، پرهیز از به‌کار بردن گزاره‌های منفی مضاعف، معرف بودن هر گزاره برای یک احساس، طرز فکر، یا عقیده نه بیانگر یک واقعیت و پرهیز از توصیف‌کننده‌هایی که درجه یا مقدار را مبهم نشان می‌دهند (ثرندایک، ۱۳۷۵، ص ۲۷). از آنجاکه در مراحل تجدیدنظر در پرسش‌ها یا تجزیه و تحلیل آنها، احتمالاً برخی پرسش‌ها حذف خواهند شد (پاشاشریفی، ۱۳۷۴، ص ۱۸)، تعداد سؤالات اولیه بیش از سؤالات نهایی در نظر گرفته شد. درنهایت، ۱۲۳ گویه‌ها طراحی شد و روایی وابسته به محتوا از دیدگاه کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی بررسی شد. برای بررسی روایی سازه، از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی استفاده شد. برآورد اعتبار

اندازه‌گیری از روش‌های تکرار خود آزمون (روش بازآزمایی)، تقسیم آزمودن به دو بخش معادل (روش دونیمه‌سازی) و روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

مرحله چهارم: انتخاب ۶۹ سؤال، که بار عاملی کافی داشتند و اکتشاف شش عامل اصلی در این پرسش‌نامه (در ضمن، یک سؤال، به جهت مناسب نبودن با فضای فرهنگی جامعه حذف گردید).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو قسمت شواهد مربوط به روایی و شواهد مربوط به اعتبار پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام ارائه می‌شود.

الف. شواهد مربوط به روایی محتوایی پرسش‌نامه

برای بررسی روایی وابسته به محتوا از دیدگاه کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. برای این کار، جدولی مانند جدول (۱) تهیه شد و در یک درخواست رسمی و بیان توضیحات لازم، از ۹ نفر از کارشناسان اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد تا نظر خود را در زمینه میزان مطابقت هر گویه (پرسش) و سند دینی را در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای اعلام نمایند.

جدول ۱. نمونه ارائه مستندات و گویه‌ها به کارشناسان

میزان مطابقت گویه و سند				گویه‌ها	سند
خیلی کم ۱-۲۵٪	کم ۲۶-۵۰٪	زیاد ۵۱-۷۵٪	خیلی زیاد ۷۶-۱۰۰٪		
				همسر هرگاه مرا می‌بیند خشنودی از چهره‌اش نمایان است.	رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا أَفَادَ رَجُلٌ بَعْدَ الْإِيمَانِ خَيْرًا مِنْ امْرَأَةٍ ذَاتِ دِينٍ وَجَمَالَ تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَطَعِيمَهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحَفُّظَهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالَ إِذَا غَابَ عَنْهَا وَأَوْجِحَ إِلَيَّ مُوسَى ﷺ إِنِّي أُعْطِيتُ فُلَانًا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهِيَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ (نوری، ۱۴۰۸ق. ج ۱۴، ص ۱۶۹)
				همسر از دیدن من خشنود می‌شود.	
				پیشنهاد:	

از میان ۱۲۳ سؤال اولیه پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام، ۸۰ سؤال به اتفاق کارشناسان نمرات ۳ و ۴ (گزینه خیلی زیاد و زیاد) را به خود اختصاص داد. میانگین کل نمرات ۳۰۳۰۵۵ با انحراف استاندارد ۰/۲۴۰۱۵ و واریانس ۰/۵۸ می‌باشد. بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد مطلوبی (۸۳/۶۳ درصد) با مستندات تطبیق دارند. ضریب کندال برای این گویه‌ها، ۰/۱۲۵ و مقدار خی دو ۸۸/۹۹۹ با درجه آزادی ۷۹ و در سطح معناداری ۰/۰۲۷، بیانگر معناداری روایی محتوای گویه‌های آزمون از نظر کارشناسان است.

ب. شواهد مربوط به روایی سازه پرسش‌نامه

روایی سازه به روش تحلیل عاملی: پس از اجرای پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسررداری در اسلام و نمره‌گذاری آن، به منظور بررسی تعداد عوامل تشکیل‌دهنده پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی به روش مؤلفه اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO برابر ۰/۸۴۷ بود. نتیجه آزمون کفایت نمونه‌نشان داد، حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت، با درجه آزادی ۲۳۴۶ و مجذور کای ۱۰۳۶۳/۱۳۶ در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود. بنابراین، ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی دارای اطلاعات معنی‌داری است.

جدول ۲. آزمون بارتلت و کفایت نمونه‌برداری

۸۴۸.	آزمون کفایت نمونه‌برداری KMO	
۱۰۳۶۳/۱۳۶	خی دو	آزمون بارتلت
۲۳۴۶	درجه آزادی	
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری	

به‌منظور تعیین تعداد عامل‌ها، ابتدا از ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ استفاده شد. اما با توجه به تعداد بالای عوامل نمایان شده (۲۴ عامل) و اجتناب از دقت پایین در نتایج خروجی و از طرفی، با توجه به نمودار اسکری که ارزش ویژه در بخش نزولی با شیب تند و قبل از تبدیل شدن به سطح افقی را ۲ نشان می‌دهد، ارزش ویژه در مرحله دوم بزرگ‌تر از ۲ انتخاب شد. بنابراین، برای ساده‌تر ساختن و قابل فهم‌تر کردن ساختار عاملی، عامل‌های مذکور انتخاب و چرخش متعامد به شیوه واریماکس بر روی آن اجرا شد. از آنجاکه در تحلیل عاملی، بار عاملی ۰/۳ نشانگر آن است که ۹ درصد از واریانس، به‌وسیله عامل تبیین می‌شود، در تحلیل عاملی با حجم حداقل ۱۰۰ نفر، بار عاملی ۰/۳ ملاک مناسبی است و معنادار تلقی می‌شود (صدرالسادات و مینایی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷). از این رو، ده سؤال از سؤالات پرسش‌نامه که بار عاملی کمتر از ۰/۳ داشتند، حذف شدند. چرخش مجدد بر روی ۶۹ سؤال باقی‌مانده انجام شد. این چرخش‌ها، در ۷ مرتبه همگرا شدند که عامل اول ۱۹ سؤال، عامل دوم ۱۴ سؤال، عامل سوم ۱۲ سؤال و عامل چهارم ۱۲ سؤال، عامل پنجم ۵ سؤال و عامل ششم ۷ سؤال را تشکیل دادند (جدول (۳)).

جدول ۳. ماتریس عامل‌ها بعد از چرخش

عامل‌ها و بار عاملی هر سؤال						سؤال
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۵۹۳	سؤال ۱
					۰/۴۲۵	سؤال ۲
					۰/۴۳۲	سؤال ۳
					۰/۴۰۱	سؤال ۴
			۰/۶۲۵			سؤال ۵
			۰/۶۰۷			سؤال ۶
			۰/۶۳۸			سؤال ۷
			۰/۵۷۹			سؤال ۸
				۰/۵۳۷		سؤال ۹
					۰/۵۴۵	سؤال ۱۰
					۰/۶۸۰	سؤال ۱۱
					۰/۵۴۸	سؤال ۱۲
					۰/۴۶۱	سؤال ۱۳
		۰/۴۸۰				سؤال ۱۴
		۰/۵۱۳				سؤال ۱۵
		۰/۴۱۹				سؤال ۱۶
			۰/۵۲۶			سؤال ۱۷
				۰/۳۴۸		سؤال ۱۸
	۰/۳۱۱					سؤال ۱۹
				۰/۶۷۲		سؤال ۲۰
				۰/۶۶۸		سؤال ۲۱
				۰/۵۶۳		سؤال ۲۲
			۰/۳۵۱			سؤال ۲۳
				۰/۶۰۵		سؤال ۲۴
				۰/۴۷۵		سؤال ۲۵
				۰/۴۹۵		سؤال ۲۶
		۰/۵۹۸				سؤال ۲۷
		۰/۶۰۰				سؤال ۲۸
		۰/۶۱۴				سؤال ۲۹
		۰/۳۱۹				سؤال ۳۰
		۰/۶۳۲				سؤال ۳۱
		۰/۵۶۹				سؤال ۳۲
		۰/۳۸۱				سؤال ۳۳
					۰/۶۲۳	سؤال ۳۴
					۰/۵۶۲	سؤال ۳۵
			۰/۳۰۹			سؤال ۳۶
			۰/۶۸۲			سؤال ۳۷
۰/۶۳۹						سؤال ۳۸
۰/۵۷۵						سؤال ۳۹
۰/۴۰۹						سؤال ۴۰
۰/۳۰۱						سؤال ۴۱
				۰/۷۰۶		سؤال ۴۲

				۰/۶۵۴		سؤال ۴۳
	۰/۴۷۹					سؤال ۴۴
	۰/۶۰۸					سؤال ۴۵
	۰/۷۰۳					سؤال ۴۶
	۰/۶۶۰					سؤال ۴۷
				۰/۳۶۹		سؤال ۴۸
					۰/۵۴۷	سؤال ۴۹
					۰/۵۸۴	سؤال ۵۰
۰/۳۰۴						سؤال ۵۱
		۰/۳۵۹				سؤال ۵۲
۰/۴۴۲						سؤال ۵۳
۰/۶۱۳						سؤال ۵۴
			۰/۳۰۵			سؤال ۵۵
				۰/۵۴۰		سؤال ۵۶
					۰/۳۸۲	سؤال ۵۷
					۰/۵۰۶	سؤال ۵۸
				۰/۶۱۴		سؤال ۵۹
					۰/۳۷۸	سؤال ۶۰
				۰/۶۱۰		سؤال ۶۱
					۰/۵۶۱	سؤال ۶۲
		۰/۴۲۸				سؤال ۶۳
			۰/۴۳۹			سؤال ۶۴
					۰/۶۳۰	سؤال ۶۵
					۰/۶۵۷	سؤال ۶۶
					۰/۴۰۷	سؤال ۶۷
			۰/۴۸۳			سؤال ۶۸
			۰/۳۷۹			سؤال ۶۹

بر اساس جدول (۴)، ارزش ویژه عامل‌های مذکور ۲ و بزرگ‌تر از آن است و عامل اول ۹/۵۶۸ درصد کل واریانس پرسش‌نامه و عوامل دیگر به ترتیب ۷/۴۵۶ و ۷/۳۲۷ و ۶/۷۲۲ و ۴/۰۵۲ و ۳/۸۵۵ درصد واریانس کل پرسش‌نامه و شش عامل در مجموع، ۳۸/۹۸ درصد از واریانس کل پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرداری در اسلام را تبیین می‌کنند.

جدول ۴. مؤلفه‌ها و توصیف واریانس کل

عامل‌ها	ارزش ویژه اولیه			مجموع ضرایب عامل‌های گردش داده شده			مجموع ضرایب عامل‌های گردش داده شده		
	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۱۱/۹۲۱	۱۷/۲۷۷	۱۷/۲۷۷	۶/۶۰۲	۱۷/۲۷۷	۱۷/۲۷۷	۹/۵۶۸	۹/۵۶۸	۹/۵۶۸
۲	۴/۹۵۵	۷/۱۸۱	۲۴/۴۵۷	۵/۱۴۵	۷/۱۸۱	۲۷/۴۵۷	۱۷/۰۲۴	۷/۴۵۶	۲۴/۴۵۷
۳	۳/۲۸	۴/۷۵۳	۲۹/۲۱	۵/۰۵۶	۴/۷۵۳	۲۹/۲۱	۲۴/۳۵۱	۷/۳۲۷	۲۹/۲۱
۴	۲/۴۸۴	۳/۶	۳۲/۸۱	۴/۶۳۸	۳/۶	۳۲/۸۱	۳۱/۰۷۴	۶/۷۲۲	۳۲/۸۱
۵	۲/۲۳۲	۳/۲۳۵	۳۶/۰۴۵	۲/۷۹۶	۳/۲۳۵	۳۷/۰۴۵	۳۵/۱۲۵	۴/۰۵۲	۳۷/۰۴۵
۶	۲/۰۲۵	۲/۹۳۵	۳۸/۹۸	۲/۶۶	۲/۹۳۵	۳۸/۹۸	۳۸/۹۸	۳/۸۵۵	۳۸/۹۸

این نتایج، در مجموع نشان می‌دهد که روایی سازه پرسش‌نامه در حد مطلوبی است. در بررسی روایی سازه به روش همسانی درونی، به سنجش همبستگی هر سؤال با کل پرسش‌نامه پرداخته شد.

جدول ۵. همبستگی هر سؤال با نمره کل پرسش‌نامه

سؤال	همبستگی با نمره کل	سؤال	همبستگی با نمره کل	سؤال	همبستگی با نمره کل
۱	۰/۴۹**	۲۴	۰/۴۵۹**	۴۷	۰/۴۷۷**
۲	۰/۳۳۹**	۲۵	۰/۲۹۳**	۴۸	۰/۴۲۸**
۳	۰/۵۴**	۲۶	۰/۳۴۳**	۴۹	۰/۴۱۸**
۴	۰/۲۲۹**	۲۷	۰/۳۸۱**	۵۰	۰/۳۴۷**
۵	۰/۳۶۵**	۲۸	۰/۲۳۶**	۵۱	۰/۳۸۷**
۶	۰/۴۵**	۲۹	۰/۲۸۸**	۵۲	۰/۲۵۴**
۷	۰/۴۴۹**	۳۰	۰/۳۹۷**	۵۳	۰/۳۳۵**
۸	۰/۲۹۸**	۳۱	۰/۳۹۸**	۵۴	۰/۳۵۸**
۹	۰/۵۷۵**	۳۲	۰/۵۵**	۵۵	۰/۴۰۵**
۱۰	۰/۴۵۵**	۳۳	۰/۵۷۷**	۵۶	۰/۴۷۲**
۱۱	۰/۴۴۸**	۳۴	۰/۲۰۲**	۵۷	۰/۴۶۳**
۱۲	۰/۴۰۹**	۳۵	۰/۴۰۶**	۵۸	۰/۴۱۳**
۱۳	۰/۴۰۵**	۳۶	۰/۱۸۶**	۵۹	۰/۴۱۴**
۱۴	۰/۴۸۲**	۳۷	۰/۳۸۶**	۶۰	۰/۵۰۵**
۱۵	۰/۳۳۴**	۳۸	۰/۴۳۶**	۶۱	۰/۴۵۲**
۱۶	۰/۲۹۶**	۳۹	۰/۳۸**	۶۲	۰/۴۴۱**
۱۷	۰/۱۲۵**	۴۰	۰/۴۱۱**	۶۳	۰/۵۱۶**
۱۸	۰/۲۸۷**	۴۱	۰/۴۵۲**	۶۴	۰/۴۸۴**
۱۹	۰/۳۹۸**	۴۲	۰/۳۱۳**	۶۵	۰/۴۳**
۲۰	۰/۳**	۴۳	۰/۳۷۹**	۶۶	۰/۴۴۶**
۲۱	۰/۲۶۳**	۴۴	۰/۲۹۲**	۶۷	۰/۴۲۱**
۲۲	۰/۲۸۶**	۴۵	۰/۳۶۶**	۶۸	۰/۴۸۴**
۲۳	۰/۴۲۴**	۴۶	۰/۲۶۱**	۶۹	۰/۴۵۲**

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول (۵) نشان می‌دهد که همبستگی هر یک از سؤالات پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرداری در اسلام، با نمره کل پرسش‌نامه معنی‌دار است. بنابراین، از این جهت نیز روایی بالای پرسش‌نامه به اثبات می‌رسد.

جدول ۶. همبستگی میان عامل‌ها و کل پرسش‌نامه

کل پرسش‌نامه	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶
۱	**۰/۸۱۳	**۰/۶۳۵	**۰/۶۵۹	**۰/۶۵۰	**۰/۴۴۰	**۰/۳۴۴
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.						
* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.						

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین هریک از عامل‌ها و کل پرسش‌نامه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، روایی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرداری اسلام در حد بالایی است.

ج. بررسی اعتبار پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام

در این تحقیق، برای برآورد اعتبار پرسش‌نامه از روش ضریب آلفا، روش بازآزمایی و روش دونیمه‌سازی استفاده شد. پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام در دو مرحله آزمایشی و نهایی اجرا شد. در اجرای آزمایشی، تعداد ۵۰ نفر از افراد جامعه هدف و در اجرای نهایی ۳۷۴ نفر پرسش‌نامه را تکمیل نمودند. نتیجه آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی در مرحله آزمایشی و نهایی به شرح زیر است.

جدول ۷. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام در مرحله آزمایشی و نهایی

مراحل	تعداد آزمودنی	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
آزمایشی	۵۰	۸۰	۰/۸۲۷
نهایی	۳۷۴	۶۹	۰/۸۹۵

ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام، در مرحله آزمایشی و نهایی به ترتیب (۰/۸۲۷ و ۰/۸۹۵) است که نشان‌دهنده اعتبار بالای پرسش‌نامه است. روش دونیمه‌سازی:

جدول ۸. آماره‌های اعتبار پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام در مرحله آزمایشی

آلفای کرونباخ	نیمه اول ۱	
	مقدار	۰/۷۹۱
آلفای کرونباخ <th colspan="2">نیمه دوم ۲</th>	نیمه دوم ۲	
	تعداد گویه‌ها	*۴۰
آلفای کرونباخ <td>مقدار</td> <td>۰/۶۱۴</td>	مقدار	۰/۶۱۴
	تعداد گویه‌ها	**۴۰
مجموع تعداد گویه‌ها		
۸۰		
همبستگی بین دو فرم		
۰/۶۳۷		
ضریب همبستگی اسپیرمن - براون	تساوی تعداد گویه‌ها	
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها	
۰/۷۷۸		۰/۷۷۸
ضریب دونیمه سازی گاتمن		
۰/۷۶۹		

*نیمه اول، گویه‌های ۱-۴۰ **نیمه دوم، گویه‌های ۴۱-۸۰

جدول ۹. آماره‌های اعتبار پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام در مرحله نهایی

آلفای کرونباخ	نیمه ۱	
	مقدار	۰/۸۳۹
آلفای کرونباخ <th colspan="2">نیمه ۲</th>	نیمه ۲	
	تعداد گویه‌ها	*۳۵
آلفای کرونباخ <td>مقدار</td> <td>۰/۸۰۱</td>	مقدار	۰/۸۰۱
	تعداد گویه‌ها	**۳۴
مجموع تعداد گویه‌ها		
۶۹		
همبستگی بین دو فرم		
۰/۷۲۷		
ضریب همبستگی اسپیرمن - براون	تساوی تعداد گویه‌ها	
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها	
۰/۸۴۲		۰/۸۴۲
ضریب دونیمه سازی گاتمن		
۰/۸۴۲		

*نیمه اول، گویه‌های ۱-۳۵ **نیمه دوم، گویه‌های ۳۶-۶۹

ضریب اسپیرمن - براون در مرحله آزمایشی ۰/۸۷۷ و در مرحله نهایی ۰/۸۴۲ می‌باشد. میزان همسانی درونی براساس ضریب دونیمه‌سازی گاتمن در مرحله آزمایشی ۰/۷۶۹ و در مرحله نهایی ۰/۸۴۲ است. همچنین، همبستگی دو فرم در مرحله آزمایشی ۰/۶۳۷ و در مرحله نهایی ۰/۷۲۷ است. بر این اساس، در مرحله آزمایشی ضریب آلفای نیمه اول ۰/۷۹۱ و ضریب آلفای نیمه دوم ۰/۶۱۴ است و در مرحله نهایی، به ترتیب ۰/۸۳۹ و ۰/۸۰۱ است. بنابراین، پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام از اعتبار بالایی برخوردار است.

آزمون - بازآزمون: پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری، در این مرحله در نمونه ۳۱ نفری به فاصله زمانی یک ماه اجرا شد که همبستگی بین آزمون و باز آزمون ۰/۹۲۷ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون- بازآزمون پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام

مرحله باز آزمون	مرحله آزمون	مراحل اجرا	
۰/۹۲۷**	۱	همبستگی پیرسون	مرحله آزمون
۳۱	۳۱	تعداد	
۱	۰/۹۲۷**	همبستگی پیرسون	مرحله باز آزمون
۳۱	۳۱	تعداد	
	۰/۰۰۱		سطح معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسش‌نامه پابندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام بود. مواد این پرسش‌نامه، براساس آموزه‌های اسلامی طراحی شد که با مواد مقیاس رضایتمندی زناشویی اسلامی، که دارای ابعاد ارتباط (ارتباط کلامی و ارتباط غیرکلامی)، پابندی مذهبی، حل تعارض، مدیریت مالی و اقتصادی، فعالیت‌های اوقات فراغت، مدیریت روابط جنسی زوجین، مسائل شخصیتی، فرزند و فرزندپروری، نقش و وظیفه زن و مرد و صلح‌رحم است (جدیری و جان‌بزرگی، ۱۳۸۸) و مقیاس کارآمدی خانواده، در برخی مؤلفه‌ها همسو است؛ با این تفاوت که پرسش‌نامه حاضر به اصل تفاوت‌های زن و مرد توجه داشته و آموزه‌های مشترک را در نظر نگرفته است. بنابراین؛ موضوع این پرسش‌نامه جزئی‌تر است. نتایج روایی محتوایی، که توسط کارشناسان اسلامی و روان‌شناسی اعلام شد، نشان داد که توافق ۸۲/۶۳ درصدی در ۸۰ گویه وجود دارد. بنابراین،

این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد مطلوبی (۸۳/۶۳ درصد) با مستندات تطبیق دارند. ضریب توافقی کندانال برای این گویه‌ها ۰/۱۲۵ و مقدار خی دو ۸۸/۹۹۹ با درجه آزادی ۷۹ و در سطح معناداری ۰/۰۲۷، بیانگر معناداری روایی محتوای گویه‌های آزمون از نظر کارشناسان است.

در روایی سازه، به روش تحلیل عاملی، شاخص کفایت نمونه‌برداری نشان داد، حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت، معنادار بود. این امر بیانگر ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی دارای اطلاعات معنی‌داری است. به منظور تعیین تعداد عامل‌ها چرخش متعامد، به شیوه واریماکس بر روی آنها اجرا شد و ده سؤال از سؤالات پرسش‌نامه، که بار عاملی کمتر از ۰/۳ داشتند حذف شدند. چرخش مجدد بر روی ۶۹ سؤال باقی‌مانده انجام شد. این چرخش‌ها در ۷ مرتبه همگرا شدند که ۱۹ سؤال عامل اول، ۱۴ سؤال عامل دوم، ۱۲ سؤال عامل سوم و ۱۲ سؤال عامل چهارم، ۵ سؤال عامل پنجم و ۷ سؤال عامل ششم را تشکیل دادند.

در روایی سازه، به روش همسانی درونی، همبستگی هریک از سؤالات پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام، با نمره کل پرسش‌نامه معنی‌دار است. همچنین بین هریک از عامل‌ها و کل پرسش‌نامه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

در اعتبار پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام، ضریب آلفای کرونباخ در مرحله آزمایشی و نهایی به ترتیب (۰/۸۲۷ و ۰/۸۹۵) است. ضریب اسپیرمن - براون در مرحله آزمایشی ۰/۸۷۷ و در مرحله نهایی ۰/۸۴۲ می‌باشد. میزان همسانی درونی براساس ضریب دونیمه‌سازی گاتمن در مرحله آزمایشی ۰/۷۶۹ و در مرحله نهایی ۰/۸۴۲ است. همچنین همبستگی دو فرم در مرحله آزمایشی ۰/۶۳۷ و در مرحله نهایی ۰/۷۲۷ است. بر این اساس، در مرحله آزمایشی ضریب آلفای نیمه اول ۰/۷۹۱ و ضریب آلفای نیمه دوم ۰/۶۱۴ است و در مرحله نهایی، به ترتیب ۰/۸۳۹ و ۰/۸۰۱ است. بنابراین، پرسش‌نامه پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام از اعتبار بالایی برخوردار است. همبستگی آزمون - بازآزمون در نمونه ۳۱ نفری به فاصله زمانی یک ماه ۰/۹۲۷ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمد. بنابراین، این پرسش‌نامه از روایی و اعتبار لازم برای سنجش پایبندی زنان به آموزه‌های همسرمداری در اسلام برخوردار است.

هماهنگ نبودن برخی سؤالات با فضای فرهنگی جامعه زنان متأهل، محدود بودن جامعه آماری به زنان متأهل شهر اصفهان و فقدان ابزار دیگری در این قلمرو و به تبع، انجام نشدن روایی ملاکی از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق فیض الإسلام، قم، هجرت.
- ابن‌ال‌اثیر، مبارک‌بن محمد الجزری، ۱۳۳۷، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق طاهر احمد الزاوی، قم، اسماعیلیان.
- احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۴، «تفاوت زن و مرد از منظر روان‌شناسی و متون دینی»، *معرفت*، ش ۹۷، ص ۶۶-۷۶.
- آهنکوب‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، «مطالعه میزان پابیندی دینی جوانان شهر اهواز»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۳، ص ۱-۲۴.
- بروجردی، آفاحسین، ۱۳۸۶، *جامع‌أحادیث الشیعة*، تهران، فرهنگ سبز.
- پاشاشریفی، حسن، ۱۳۷۴، *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*، چ سوم، تهران، رشد.
- پناهی، علی‌احمد، ۱۳۸۹، «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»، *معرفت*، ش دوم، ص ۷۷-۹۶.
- ثرن‌دایک، رابرت ال، ۱۳۷۴، *روان‌سنجی کاربردی*، ترجمه حیدرعلی هومن، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی آزمون پابیندی مذهبی براساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۶.
- جدیری، جعفر و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی مقیاس رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۴، ص ۴۱-۷۰.
- حرعاملی، ۱۴۰۹ق، *وسائل‌الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- دیلمی، حسن‌بن ابی‌الحسن، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب*، قم، شریف رضی.
- حیدری، سیدحسین، ۱۳۹۳، *رابطه پابیندی مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام با رضایت زناشویی و کارآمدی خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دلاور، علی، ۱۳۸۰، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.
- ، ۱۳۸۴، *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، رشد.
- زمخشری، محمودبن عمر، ۱۴۱۰ق، *ربیع‌الأبرار و نصوص الاخبار*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۸۷، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- شریعتمداری، مهدی، ۱۳۸۸، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، کوهسار.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الأمالی*، قم، کتابخانه اسلامی.
- ، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- صدرالسادات، سیدجلال و اصغر مینایی، ۱۳۸۰، *راهنمای آسان تحلیل عاملی*، تهران، سمت.
- صفورایی، مهدی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی مقیاس کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۵، ص ۸۵-۱۰۸.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین.

- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۴۱۲ق، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی.
- متقی‌هندی، حسام‌الدین، ۱۳۹۷ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تصحیح صفوه السقا، بیروت، مکتبه التراث الإسلامی.
- فقیهی، علی‌نقی، ۱۳۸۶، «آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران»، *تربیت اسلامی*، ش ۴، ص ۸۹-۱۳۰.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۳۹ق، *تفسیر صافی*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۷، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، قم، مشعر.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰، *به سوی او*، نگارش محمد مهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ، ۱۳۹۱، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصطفوی، سیدجواد، ۱۳۷۰، *بهشت خانواده*، قم، دارالفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

Walsh, F, 2009, *Spiritual Resources In Family Therapy*, New York: The Guilford Press
New York, London, Second edition.

مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب

mahdeh1359@yahoo.com

m_safurayi@miu.ac.ir

beheshteh_niusha@yahoo.com

جعفر هوشیاری / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه‌المصطفی العالمیه

محمد مهدی صفورایی پاریزی / استادیار روان‌شناسی جامعه‌المصطفی العالمیه

بهشته نیوشا / استادیار روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۸ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۰

چکیده

این پژوهش، با هدف مقایسه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در میان دانشجویان و طلاب به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری، دانشجویان مرد و زن متأهل کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها و طلاب سطح ۲ و ۳ حوزه‌های علمیه شهر قم بود که تعداد ۳۹۱ نفر از آنان به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. برای انجام این پژوهش، از سه پرسش‌نامه بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده استفاده شد. داده‌ها توسط شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و آزمون مقایسه میانگین چند متغیره و با کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین میانگین نمره بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده دانشجویان و طلاب در سطح ($P \leq 0/05$) تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: بهزیستی معنوی، بهزیستی روان‌شناختی، کارآمدی، خانواده، دانشجویان، طلاب.

مقدمه

ویژگی مهم روانی که هر فرد سالم از آن برخوردار است، احساس بهزیستی و رضامندی است. بهزیستی عبارت است از: رضایت فرد از زندگی، شرایط فرهنگی و فکری، اهداف، انتظارات و دغدغه‌هایی که فرد بر اساس آنها زندگی می‌کند. در طول دهه‌ها، سلامتی بر اساس ابعاد خاص سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی تحلیل شده بود. پیشنهاد گنجاندن بُعد بهزیستی معنوی در مفهوم سلامت، از سوی برخی صاحب‌نظران داده شد که به مرور زمان مورد توجه سردمداران امر سلامت جامعه در دولت‌های گوناگون قرار گرفت (امیدواری، ۱۳۸۷). اهمیت بهزیستی معنوی از این جهت است که جزء مهمی از کیفیت زندگی و مرتبط با سلامت است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۱). در کنار ابعاد دیگر سلامتی، همچون سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، مهم‌ترین بُعد سلامتی است. بدون بهزیستی معنوی، ابعاد دیگر سلامت نمی‌توانند عملکرد مورد انتظار را داشته باشند و رسیدن به سطح بالای کیفیت زندگی، کارآمدی خانوادگی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست (عصارودی و جلیلود، ۱۳۹۰).

گرچه هیچ اجماعی در تعریف معنویت وجود ندارد (فری، ۲۰۰۳، ص ۶۹۹)، اما در این امر، اجماع عمومی وجود دارد که بهزیستی معنوی یک خرده‌مفهوم معنویت است (مراویجلا، ۱۹۹۹). مؤلفه‌های بهزیستی معنوی، با معنویت و دین‌داری هم‌پوشانی دارند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱). بهزیستی معنوی، یعنی برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق، حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود، که طی یک فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدی شخصی حاصل می‌آید (همان). بهزیستی معنوی از منظر قرآن و روایات عبارت است از: توجه و اهتمام به باطن تعالیم و آموزه‌های نظری و عملی دین، پیراستن نفس از تعلق به مادیات، آراستن آن به روحانیت احکام اسلامی در پرتو توجه و تدبیر خالصانه، زینت دادن آن به نورانیت جاری در نظام آفرینش از رهگذر طهارت و خلوص عارفانه (جعفری‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۶۰). نماز و دعا به عنوان مهم‌ترین شکل‌های عملی و نظری دین‌داری، از مؤثرترین اعمال شفابخش محسوب می‌شوند که نقش برجسته‌ای در تأمین و تقویت بهداشت جسمانی و روانی دارند (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۹).

ریف (۱۹۹۵)، بهزیستی روان‌شناختی را تلاش برای کمال در جهت تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد و دارای شش مقیاس می‌داند که عبارتند از: پذیرش خود (نگرش مثبت نسبت به خود و پذیرش جنبه‌های مختلف خود)، روابط مثبت با دیگران (رضایت از رابطه با دیگران و درک اهمیت این

وابستگی‌ها)، خودمختاری (احساس استقلال و تأثیرگذاری در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها)، تسلط بر محیط (کنترل فعالیت‌های بیرونی و بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌های پیرامونی)، زندگی هدف‌مند (داشتن هدف در زندگی و باور به اینکه زندگی حال، گذشته و آینده معنادار است)، رشد فردی (احساس رشد مداوم و دستیابی به تجربه‌های نو) (بیانی و همکاران، ۱۳۸۷).

بهزیستی روان‌شناختی، متغیری است که با عوامل زیادی از جمله معنویت، شناخت و نوع تحصیلات، وضعیت خانوادگی و اجتماعی همبستگی دارد. پژوهش وینهرن (Veenhiren) نشان داد، کسانی که بهزیستی روان‌شناختی بالایی دارند، از سلامت جسمی و رضایت خانوادگی بالاتری برخوردارند، روابط خوبی برقرار می‌کنند و دوستان زیادی دارند. مایرز و دینر (Myers & Diner)، گزارش کردند این افراد ارزیابی مثبت از خود و رویدادهای محیطی دارند، در نتیجه رضایت بیشتری از زندگی را گزارش می‌کنند و شادمان‌تر هستند. نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که افراد دارای بهزیستی روان‌شناختی، ویژگی‌های مثبت فراوانی دارا می‌باشند. مانند اینکه بیشتر درگیر فعالیت‌های معنادار، خودکارآمدی بالا، سبک تبیینی خوش‌بینانه، گزارش دادن هیجانات مثبت در طول روز، روابط بین‌فردی عمیق، رضایت از زندگی، گشودگی به تجربه، نمرات بالا در شاخص‌های عواطف مثبت و نمرات کم در شاخص‌های عواطف منفی، استقلال و برون‌گرایی (ملتفت، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

یکی دیگر از محورهای ارزیابی سلامت و کارآمدی افراد و جوامع مختلف در کنار بهزیستی، کارآمدی خانواده است. بی‌شک این دو مقوله نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی فرد و جامعه ایفا می‌کنند. خانواده سالم، بهترین بستر رشد و نمو شخصیت و مهم‌ترین عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه است (گیدنز و بردسال، ۲۰۰۳، ص ۲۵۴). بهنجاری یا نابهنجاری در هر جامعه‌ای، در گرو شرایط عمومی خانواده است و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی، فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید (حمیدی، ۱۳۸۳).

کارآمدی خانواده، به معنای پابندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی است. این امر، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). شاخص‌های خانواده کارآمد در منابع معتبر دینی، در مقوله‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی خلاصه می‌شوند. شاخص بینشی مهم‌ترین باورهای دینی را دربر می‌گیرد که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و آن را به خانواده‌ای کارآمد تبدیل می‌کند. از جمله ایمان به خدا، ایمان به رسالت، امامت و معاد. باورهای دینی از سه بعد بر

کارآمدی خانواده تأثیر می‌گذارد: ۱. معنادهی به زندگی؛ ۲. انجام وظایف و تکالیف توسط اعضای خانواده و ۳. مواجهه با مشکلات خانوادگی (حیدری، ۱۳۸۲ ص ۴۱).

پس از مسائل اعتقادی، دومین بخش معارف اسلام، مسائل اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. منابع دینی اسلام، توجه فوق‌العاده‌ای به رعایت اخلاق در اندیشه و عمل دارد و تهذیب نفس را که نتیجه رعایت مسائل اخلاقی است (ر.ک: مصباح، ۱۳۷۸)، یک مسئله اساسی و زیربنایی می‌داند که سایر برنامه‌های انسان‌ها از آن نشأت می‌گیرد و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. یکی دیگر از عوامل استحکام، آرامش و کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است. دقت و توجه به حقوق موجب شناخت بهتر آنها و برطرف کردن نواقص می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۵). در این شاخص، حقوقی مانند حقوق زن، شوهر، فرزندان و والدین جای می‌گیرند.

کارآمدی خانواده عوامل گسترده‌ای از جمله عوامل روانی و معنوی دارد که هریک می‌توانند به نوعی آن را تقویت یا تضعیف نمایند. فرهنگ دینی و معنویت، به‌واسطه تأثیر عمیقی که بر افراد با ایمان دارد، موجب می‌شود نگرش‌ها و ارزش‌های آنان به هم نزدیک‌تر شود. معنویت و باورهای دینی، به عنوان یک نگرش اصلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر همه ابعاد شخصیت فرد از جمله هدف زندگی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و دیدگاه‌های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه‌های جزئی‌تری مانند علایق اثرگذار است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱).

امروزه بیش از هر زمان دیگر، نیازمند پژوهش درباره معنویت و بهزیستی معنوی و تأثیر آن بر سایر امور انسانی مانند بهزیستی روان‌شناختی، کارآمدی خانواده و سایر مسائل جسمی، روانی و خانوادگی، به‌ویژه در میان دانشجویان و طلاب هستیم. در چند سال اخیر، تحقیقاتی در این زمینه‌ها انجام شده است که تعدادی از آنها، به مقایسه دانشجویان و طلاب در متغیرهای مختلف پرداخته‌اند. تعدادی نیز به بررسی رابطه و مقایسه معنویت، بهزیستی معنوی، روان‌شناختی و ابعاد مختلف خانواده در گروه‌های مختلف اختصاص دارند. برای تدوین فرضیات این پژوهش، به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

علیان‌سب (۱۳۸۹)، رابطه دین‌داری با اضطراب مرگ در بین دانشجویان و طلاب را بررسی و آنان را در متغیرهای مذکور مقایسه کرده است. نتایج نشان داد، کیفیت دلبستگی طلاب از دانشجویان منطقی‌تر است. محقق علت این یافته را نوع تحصیلات حوزوی و آشنایی کامل‌تر طلاب با مفاهیم دینی و شناخت بهتر خداوند بیان می‌کند. این نتیجه، با ادعای کرک پاتریک (Kirk Patrick)، که رفتارهای مذهبی را حاکی از دلبستگی ایمن به خدا می‌داند، قابل توجیه است؛ زیرا فراوانی این رفتارها در طلاب

بیش از سایر اقشار جامعه، همچنین دانشجویان است. نتایج تحقیقات نشان داد، نمره‌های طلاب در مقیاس قدردانی به‌طور معناداری از دانشجویان بالاتر است (آقابابایی و همکاران، ۱۳۸۹). نتایج تحقیق کوثری (۱۳۸۷) نشان داد، بین دینداری و رضامندی از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج هماهنگ با کوثری و همکاران (۱۹۹۷)، ویتز (Witzer) و همکاران (۱۹۸۵)، موسوی (۱۳۷۵) و حیدری (۱۳۸۲) می‌باشد. همچنین نتایج این تحقیق، نشان داد بین نوع تحصیل (حوزوی-دانشگاهی) و دین‌داری همبستگی مثبت ($r=21/564$) در سطح ($p=0/000$) معنادار است؛ بدین معنا که سطح دین‌داری طلاب بالاتر از دانشجویان است. رجبی نیز تفاوت معنادار بین نگرش دانشجویان و طلاب به حجاب را گزارش کرده است (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). طبق تحقیقی نشان داده شده که بین نوع تحصیلات و بازخورد نسبت به حقوق زن رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که بازخورد طلاب به حقوق زن مثبت‌تر از دانشجویان است. نویسنده، عامل اساسی این تفاوت در بازخورد را تفاوت در نوع شناخت و تحصیلات می‌داند (باقریان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵).

جانسون و همکاران (۲۰۱۱)، بهزیستی معنوی را به عنوان جزیی از سلامت وابسته به کیفیت زندگی بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که بین بهزیستی معنوی، کیفیت زندگی و شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت وجود دارد. فرناندو، ام و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه بین سلامت معنوی و جهت‌گیری اخلاقی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که سلامت معنوی، به‌ویژه در حوزه اجتماعی سلامت معنوی، با آرمان‌گرایی در تصمیم‌گیری ارتباط دارد. سوک سان (۲۰۰۸)، ارتباط معنویت و بهزیستی در سالمندان را بررسی کرد. نتایج نشان داد که معنویت در خانواده با تقویت روابط خانوادگی و بهزیستی خانواده ارتباط مثبت دارد. وی می‌نویسد: گالوپ در تحقیقی افراد با تعهدات مذهبی پایین را با افراد با تعهدات مذهبی بالا (کسانی که با این جمله موافقت می‌کنند که ایمان مهم‌ترین تأثیر را در زندگی من دارد)، مورد مقایسه قرار داد. این مقایسه، نشان داد که افراد با سطوح بالاتر، تعهدات مذهبی دو برابر شادتر از افراد با سطوح پایین‌تر از تعهدات مذهبی بودند. نظرسنجی دیگر گالوپ نشان داد که ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که روابط خانوادگی آنها با دین و معنویت تقویت شده است و بیش از ۸۰ درصد می‌گویند: مذهب در خانواده آنان مهم است (نجفی، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

غفاری (۱۳۹۲)، روابط بهزیستی معنوی، عدالت زناشویی و توانمندی خانواده را بررسی کرد. نتایج پژوهش نشان داد که مدل‌های مفهومی پیشنهادی برای تمام فرضیه‌های پژوهش، برآزش مناسبی با

داده‌های پژوهش دارد. مدل مفهومی نهایی ۸۵ درصد واریانس توانمندی خانواده را تبیین نمود. *مداح*، نقش تجارب معنوی در بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را بررسی کرد. نتایج حاکی از آن بود که تجارب معنوی پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان می‌باشد (*مداح*، ۱۳۹۲، ص ۱). نتایج پژوهش *خلیلی* و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد، میانگین نمره کل سلامت معنوی با متغیر وضعیت سلامت و بیماری ارتباط معنادار دارد. حسین‌دخت و همکاران (۱۳۹۲)، رابطه بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی را بررسی کردند، نتایج نشان داد که بین بهزیستی معنوی، کیفیت زندگی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

در بُعد بهزیستی روان‌شناختی، رابطه دنیاگرایی و سلامت روان دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان بررسی و مقایسه شده است. نتایج نشان داد، رابطه دنیاگرایی با سلامت روان منفی و با نوع تحصیلات مثبت و معنادار است. این امر، حکایت از بالاتر بودن دنیاگرایی دانشجویان در مقایسه با طلاب و بالاتر بودن سلامت روان‌شناختی طلاب دارد. محقق در تعلیل این نتیجه می‌نویسد: علم غذای روح است و علوم اسلامی موجب طهارت، نورانیت و سلامت روانی می‌شوند (اکبری، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲). نتایج تحقیق *رحمانی* (۱۳۷۹) نشان داد، سطح اضطراب طلاب به‌طور معناداری کمتر از سطح اضطراب دانش‌آموزان عادی است. *آی. آی* و همکاران (۲۰۱۱)، با برقرار کردن ارتباط بین دین و معنویت با بهزیستی روانی، به بررسی خود شکوفایی و معنا در زندگی پرداختند. نتایج نشان داد که دین و معنویت یک رابطه مثبت با بهزیستی روانی دارند؛ یعنی افراد با سطوح بالاتری از معنویت به سطوح بالاتری از خود شکوفایی و معنا در زندگی دست می‌یابند.

فرهمند (۱۳۹۱) و *احمدی* (۱۳۹۰)، پس از بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و بهزیستی روان‌شناختی، گزارش کردند که الگوهای ارتباطی خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. تحقیقات *کساورز* (۱۳۹۱)، *رستمی* (۱۳۹۱) و *فرزانه* (۱۳۹۱)، رابطه بهزیستی روان‌شناختی با کیفیت زندگی را مثبت و معنادار گزارش کردند. *بران* و همکاران گزارش کردند، کانون گرم و کارآمد خانواده نقش اساسی در تضمین سلامت روان دارد (*پویانفر*، ۱۳۸۱، ص ۵). *شریفی* (۱۳۹۰)، رابطه بین کیفیت زندگی با بهزیستی روان‌شناختی را بررسی کرده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بین بعضی خرده‌مقیاس‌های کیفیت زندگی و مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی کلی رابطه معناداری وجود دارد.

از آنجایی که بین بهزیستی روان‌شناختی و جنبه‌هایی از معنویت هم‌پوشی وجود دارد و پژوهش‌های همبستگی و مقایسه‌ای فوق، پژوهش هوشیاری و پژوهش‌های همسو با آن، همبستگی مثبت معنادار

بین معنویت، بهزیستی معنوی، روان‌شناختی و کارآمدی خانواده گزارش کرده‌اند، انتظار می‌رود هر جا معنویت و بهزیستی معنوی بالا است، بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده نیز به صورت معناداری بالا باشد. بنابراین، تفاوت دانشجویان و طلاب در متغیرهای مذکور، دور از انتظار نخواهد بود (هوشیاری، ۱۳۹۳، ص ۶۶).

اهمیت تعیین سطح بهزیستی معنوی، روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در دانشجویان و طلاب، به عنوان اقشار مؤثر و آینده‌سازان جامعه، کمبود پژوهش‌های بررسی همبستگی و همچنین مقایسه آن سه متغیر در دانشجویان و طلاب از ضرورت‌های این پژوهش است. نتایج این پژوهش، می‌تواند اهمیت بنیادین معنویت و بهزیستی معنوی، ضرورت پرداختن بیش از پیش به معنویت، بهزیستی معنوی و تعلیم و تربیت دینی در حوزه و دانشگاه، عملیاتی‌سازی مؤلفه‌های بهزیستی معنوی، روان‌شناختی و کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام و همچنین برنامه‌ریزی برای دستیابی به آنها را نمایان سازد.

فرضیه‌های پژوهش

- بین میزان بهزیستی معنوی دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.
- بین میزان بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.
- بین میزان کارآمدی خانواده دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع پیمایشی و جامعه آماری آن عبارت بود از دانشجویان مرد و زن متأهل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها و طلاب سطح ۲ (پایه‌های هفتم تا نهم - هم‌تراز با مقطع کارشناسی) و سطح ۳ (پایه دهم به همراه پایان‌نامه) حوزه‌های علمیه شهر قم، که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند. با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۸۴ دانشجو و ۲۰۵ طلبه انتخاب شد. داده‌ها توسط شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و آزمون مقایسه میانگین چند متغیره و با کمک نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات، از سه پرسش‌نامه «بهزیستی معنوی دهشیری»، «بهزیستی روان‌شناختی ریف» (RSPWB (Ryff's Scales of Psychological Well-being))، و «کارآمدی خانواده صفورایی پاریزی» استفاده شد.

با توجه به روشن شدن نقش کلیدی بهزیستی معنوی در پیشگیری از آسیب‌ها، ارتقای سلامت و کارآمدی، ابزارهای متعددی برای اندازه‌گیری آن طراحی شده است. همچون پرسش‌نامه بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون (۱۹۸۲)، گومز و فیشر (۲۰۰۳) و مقیاس بهزیستی الیسون (۱۹۸۳) (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲). به دلیل همپوشانی مؤلفه‌های بهزیستی معنوی با معنویت و سلامت روان، ابزارهای استفاده شده در پژوهش‌های مختلف، دقیقاً بهزیستی معنوی را نمی‌سنجند، بلکه مفاهیمی نظیر آگاهی معنوی، تجربه معنوی و غیره را می‌سنجد که هر یک علی‌رغم مؤلفه‌های مشترک، تعریف، مؤلفه‌ها و ابعاد منحصر به فردی نیز دارند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱).

بر اساس تعریف پیشنهادی، ائتلاف ملی بین مذاهب (۱۹۷۵) بهزیستی معنوی دارای چهار حیطه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت است که پژوهش‌های متعددی از آن حمایت می‌کند. بر مبنای همین تعریف، پرسش‌نامه ۴۰ سؤالی بهزیستی معنوی توسط دهشیری (۱۳۸۸) ساخته شد. در آخرین اعتباریابی دهشیری و همکاران (۱۳۹۲)، آن را بر روی ۳۰۵۲ دانشجوی دختر و پسر اجرا کردند. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه (۰/۹۴) و ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌های ارتباط با خدا (۰/۹۳)، ارتباط با خود (۰/۹۲)، ارتباط با دیگران (۰/۹۱) و ارتباط با طبیعت (۰/۸۵) بود. ضرایب آلفای بازآزمایی کل پرسش‌نامه (۰/۸۶)، و خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب (۰/۸۱)، (۰/۸۹)، (۰/۸۱) و (۰/۸۰) بود. همبستگی مثبت و معنادار نمرات پرسش‌نامه با نمرات مقیاس بهزیستی معنوی، رضایت از زندگی و آزمون دین‌داری معبد نشانگر روایی همگرایی پرسش‌نامه است. همچنین همبستگی منفی و معنادار نمرات پرسش‌نامه، با نمرات اختلال روانی نشانگر روایی واگرایی پرسش‌نامه است. شیوه پاسخ‌گویی به این پرسش‌نامه، به روش لیکرت پنج درجه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» است. حداقل نمره‌ای که آزمودنی در این پرسش‌نامه کسب می‌کند، ۴۰ و حداکثر نمره ۲۰۰ است (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲).

پرسش‌نامه ۸۴ سؤالی بهزیستی روان‌شناختی، در سال ۱۹۸۹ توسط ریف در مرکز علوم پزشکی دانشگاه ویسکانسین ساخته شد و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. ریف، ضریب همسانی درونی زیر مقیاس‌های این پرسش‌نامه را این‌چنین گزارش کرده است: خود مختاری (۰/۷۶)، تسلط بر محیط (۰/۹۰)، رشد فردی (۰/۸۷)، ارتباط مثبت با دیگران (۰/۹۱)، زندگی هدف‌مند (۰/۹۰) و پذیرش خود (۰/۹۳). پایایی حاصل از روش بازآزمایی زیرمقیاس‌ها نیز بین (۰/۸۱) تا (۰/۸۵) بوده است. این پرسش‌نامه دارای شش زیرمقیاس و هر زیرمقیاس دارای ۱۴ سؤال است. شیوه پاسخ‌گویی به سؤالات

به روش لیکرت شش درجه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» می‌باشد. حداقل نمره‌ای که آزمودنی در این پرسش‌نامه کسب می‌کند، ۸۴ و حداکثر نمره ۵۰۴ است.

پرسش‌نامه ۷۹ سؤالی سنجش کارآمدی خانواده، بر اساس دیدگاه اسلام توسط صفورایی پاریزی (S.FEQI) (Safurayi, Family Efficiency Questioner based on Islamic View) (۱۳۸۸) تهیه و اعتباریابی شده است. طبق گزارش صفورایی (۱۳۸۸)، ضریب همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه (۰/۸۹)، شاخص بینشی (۰/۸۵)، شاخص اخلاقی (۰/۸۹) و شاخص حقوقی (۰/۷۶) می‌باشد. همچنین اعتبار پرسش‌نامه از طریق دونیمه‌سازی بر اساس ضریب اسپیرمن براون (۰/۸۳) و بر اساس ضریب دونیمه‌سازی گاتمن (۰/۸۳) به دست آمده است. این پرسش‌نامه دارای سه شاخص بینشی، اخلاقی و حقوقی است. هریک از شاخص‌های سه‌گانه، دارای مؤلفه‌هایی هستند که مجموعاً ده مؤلفه را تشکیل می‌دهند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱. ازدواج و رضایت جنسی؛ ۲. خوش‌بینی و رضایت‌مندی؛ ۳. نقش‌ها و مرزها؛ ۴. مدیریت مالی؛ ۵. فرزند و فرزندپروری؛ ۶. واقع‌بینی و اعتماد متقابل؛ ۷. تعهد و مسئولیت‌پذیری؛ ۸. کنترل رفتار؛ ۹. جهت‌گیری مذهبی؛ ۱۰. صمیمیت، همدلی و هم‌فکری. شیوه پاسخ‌گویی به سؤالات به روش لیکرت چهار درجه‌ای از «بسیار کم» تا «بسیار زیاد» است. حداقل نمره‌ای که آزمودنی در این پرسش‌نامه کسب می‌کند، ۷۹ و حداکثر نمره ۳۱۶ است (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵).

یافته‌های پژوهش

بر اساس داده‌های جدول ۱، ۶۰ نفر (۱۵/۳٪)، از پاسخ‌گویان کمتر از ۲۵ سال سن داشته‌اند، ۲۳۲ نفر (۵۹/۴٪) بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۶۲ نفر (۱۵/۹٪) بین ۳۵ تا ۳۹ سال، ۳۷ نفر (۹/۵٪) بین ۴۰ و بالاتر بودند. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۳۰/۵۲ سال با انحراف معیار ۵/۷۹ است.

جدول ۱. توزیع سنی آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	
۱۵/۳	۶۰	کمتر از ۲۵ سال
۵۹/۴	۲۳۲	بین ۲۵ تا ۳۴ سال
۱۵/۹	۶۲	بین ۳۵ تا ۳۹ سال
۹/۵	۳۷	۴۰ سال و بیشتر
۱۰۰/۰	۳۹۱	کل

بر حسب مقطع تحصیلی پاسخ‌گویان، ۲۸۴ نفر (۷۲/۶٪)، کارشناسی و سطح دو حوزه و ۱۰۷ نفر (۲۷/۴٪) کارشناسی ارشد و سطح سه حوزه بودند که نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقطع تحصیلی آزمودنی‌ها

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
لیسانس و سطح دو	۲۸۴	۷۲/۶
فوق لیسانس و سطح سه	۱۰۷	۲۷/۴
کل	۳۹۱	۱۰۰/۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که از ۳۹۱ نفر حجم نمونه، ۱۸۶ نفر (۴۷/۶٪) آزمودنی‌ها در مراکز دانشگاهی و ۲۰۵ نفر (۵۲/۴٪) در مراکز حوزوی در حال تحصیل بودند.

جدول ۳. محل تحصیل آزمودنی‌ها

محل تحصیل	فراوانی	درصد
دانشگاه	۱۸۶	۴۷/۶
حوزه	۲۰۵	۵۲/۴
کل	۳۹۱	۱۰۰/۰

میانگین متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه آزمودنی‌ها و میانگین کل در جدول ۴ و شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول‌های ۵ تا ۱۳ آمده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه آزمودنی‌ها (N=۳۹۱)

کل آزمودنی‌ها	طلاب		دانشجویان		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
۱/۷۰	۱۷/۷۹	۱/۵۸	۱۸/۰۷	۱/۷۸	بهبودی معنوی
۳/۰۱	۲۵/۷۷	۲/۹۰	۳۷/۵۱	۲/۹۲	بهبودی روان‌شناختی
۰/۹۶	۱۰/۲۱	۰/۸۶	۱۰/۴۹	۰/۹۷	کارآمدی خانواده

فرضیه اول: بین میزان بهبودی معنوی دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی نمره‌های بهبودی معنوی به تفکیک گروه آزمودنی (دانشجویان-طلاب)

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معناداری
رابطه با خدا	دانشجویان	۴/۶۳	۰/۴۵۵	۵/۸۳	-۲/۰۶۲	۰/۷۶	۰/۰۰۰
	طلاب	۴/۷۷	۰/۴۱۵	۳۴/۳۵۴	-۴/۶۵۵	۰/۵۷۱	۰/۰۰۰
رابطه با خود	دانشجویان	۴/۰۹	۰/۶۷۲	۱/۷۷۴	-۱/۰۵۳	۰/۹۲۸	۰/۰۰۰
	طلاب	۴/۳۵	۰/۵۹۳	۳۳/۵۴	-۱/۴۷۲	۰/۸۷۷	۰/۰۰۰
رابطه با دیگران	دانشجویان	۴/۳۶	۰/۵۰۱	۲/۶۶۳	-۱/۰۷۲	۰/۹۱۹	۰/۰۰۰
	طلاب	۴/۵۲	۰/۴۰۱	۰/۹۲۳	-۰/۸۹۴	۰/۹۲۰	۰/۰۰۰
رابطه با طبیعت	دانشجویان	۴/۴۰	۰/۵۴۴	-۰/۳۵۹	-۰/۶۶۰	۰/۹۰۶	۰/۰۰۰
	طلاب	۴/۴۳	۰/۵۲۰	۴/۳۱۴	-۱/۴۰۲	۰/۸۸۰	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول ۵، سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک نشان می‌دهد که فرض نرمال در زیرمقیاس‌های بهبودی معنوی رعایت نشده است. با توجه به اینکه حجم نمونه در گروه‌ها بزرگ است، می‌تواند این تخطی از نرمال بودن، ناشی از این حجم بزرگ نمونه‌ها باشد. برای بررسی این موضوع، از شاخص‌های کجی و کشیدگی و نمودار احتمال نرمال استفاده شده است. از آنجایی که میزان کشیدگی برخی از زیرمقیاس‌ها از بازه ۲- تا ۲+ تجاوز کرده، نمی‌توان فرض نرمال بودن را پذیرفت.

جدول ۶. شاخص‌های آزمون چند متغیره MANOVA

اثرات	مقدار اثر فیلی	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه	۰/۰۶۵	۶/۵۵۱	۴	۳۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶۵

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد اثر گروه‌ها معنادار است و ۶/۵ درصد ($\eta^2=۰/۰۶۵$) واریانس تغییر در ابعاد بهزیستی معنوی توسط گروه‌ها تبیین می‌شود.

جدول ۷. مقایسه‌های زوجی (متغیرهای وابسته: ابعاد بهزیستی معنوی)

متغیرها	(I) گروه	(J) گروه	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
رابطه با خدا	دانشجویان	طلاب	-۰/۱۳۴*	۰/۰۴۴	۰/۰۰۳
	طلاب	دانشجویان	۰/۱۳۴*	۰/۰۴۴	۰/۰۰۳
رابطه با خود	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۵۹*	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۵۹*	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰
رابطه با دیگران	دانشجویان	طلاب	-۰/۱۵۷*	۰/۰۴۶	۰/۰۰۱
	طلاب	دانشجویان	۰/۱۵۷*	۰/۰۴۶	۰/۰۰۱
رابطه با طبیعت	دانشجویان	طلاب	-۰/۰۳۹	۰/۰۵۴	۰/۴۷۹
	طلاب	دانشجویان	۰/۰۳۹	۰/۰۵۴	۰/۴۷۹

$P \leq ۰/۰۵$ *

در بین چهار زیرمقیاس مرتبط با متغیر بهزیستی معنوی، سه زیرمقیاس به گروه آزمودنی‌ها وابسته است و نمره طلاب در زیرمقیاس‌های رابطه با خدا، رابطه با خود و رابطه با دیگران به صورت معناداری بیشتر از نمره دانشجویان است.

فرضیه دوم: بین میزان بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.
جدول ۸ شاخص‌های توصیفی نمره‌های بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک گروه آزمودنی (دانشجویان-طلاب)

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معناداری
پذیرش خود	دانشجویان	۴/۰۰	۰/۶۵۰	۰/۰۲۶	-۰/۱۸۶	۰/۹۹۲	۰/۴۴۷
	طلاب	۴/۲۱	۰/۷۲۳	۰/۰۴۳	-۰/۴۵۷	۰/۹۸۱	۰/۰۰۸
رابطه مثبت با دیگران	دانشجویان	۴/۳۱	۰/۷۰۴	-۰/۵۱۸	-۰/۱۸۷	۰/۹۸۱	۰/۰۱۵
	طلاب	۴/۵۵	۰/۷۰۷	-۰/۲۲۳	-۰/۲۸۲	۰/۹۸۵	۰/۰۳۴
خودمختاری	دانشجویان	۳/۸۳	۰/۵۳۹	۰/۴۷۸	-۰/۲۰۵	۰/۹۹۰	۰/۲۷۱
	طلاب	۴/۰۰	۰/۵۴۴	۰/۰۸۹	-۰/۲۲۸	۰/۹۹۲	۰/۳۰۸
تسلط بر محیط	دانشجویان	۴/۰۹	۰/۶۵۰	۰/۰۸۰	-۰/۰۳۱	۰/۹۹۵	۰/۸۶۲
	طلاب	۴/۴۵	۰/۶۸۴	-۰/۱۳۲	-۰/۴۳۷	۰/۹۸۲	۰/۰۱۰
زندگی هدف‌مند	دانشجویان	۴/۲۹	۰/۶۷۵	-۰/۳۹۱	-۰/۱۵۰	۰/۹۹۲	۰/۳۶۵
	طلاب	۴/۶۱	۰/۶۵۴	۰/۵۸۰	-۰/۱۹۰	۰/۹۶۸	۰/۰۰۰
رشد شخصی	دانشجویان	۴/۴۲	۰/۵۷۵	-۰/۴۲۷	-۰/۰۶۳	۰/۹۹۲	۰/۴۲۸
	طلاب	۴/۶۹	۰/۵۴۲	۰/۵۹۲	-۰/۴۹۶	۰/۹۸۱	۰/۰۰۸

بر اساس داده‌های جدول ۸، سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک نشان می‌دهد فرض نرمال در برخی از زیرمقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رعایت نشده است. با توجه به اینکه حجم نمونه در گروه‌ها بزرگ است، می‌تواند این تخطی از نرمال بودن، ناشی از این حجم بزرگ نمونه‌ها باشد. برای بررسی این موضوع از شاخص‌های کجی و کشیدگی و نمودار احتمال نرمال استفاده شده است. از آنجایی که میزان کشیدگی همه زیرمقیاس‌ها بین ۲- و ۲+ است و نقاط در نمودار احتمال نرمال در اطراف یک خط مستقیم پراکنده شده است، می‌توان فرض نرمال بودن را پذیرفت و تحلیل‌های پارامتریک را انجام داد.

جدول ۹. شاخص‌های آزمون چند متغیره MANOVA

اثرات	مقدار ویلکز لامبدا	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه	۰/۹۰۸	۶/۳۶	۶	۳۷۸	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد، اثر گروه‌ها معنادار است و $9/2$ درصد ($\eta^2=0/092$) واریانس تغییر در ابعاد بهزیستی روان‌شناختی توسط گروه‌های آزمودنی تبیین می‌شود.

جدول ۱۰. مقایسه‌های زوجی (متغیرهای وابسته: ابعاد بهزیستی روان‌شناختی)

متغیرها	(I) گروه	(J) گروه	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
پذیرش خود	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۰۴*	۰/۰۷۰	۰/۰۰۴
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۰۴*	۰/۰۷۰	۰/۰۰۴
رابطه مثبت با دیگران	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۴۷*	۰/۰۷۲	۰/۰۰۱
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۴۷*	۰/۰۷۲	۰/۰۰۱
خودمختاری	دانشجویان	طلاب	-۰/۱۶۹*	۰/۰۵۵	۰/۰۰۲
	طلاب	دانشجویان	۰/۱۶۹*	۰/۰۵۵	۰/۰۰۲
تسلط بر محیط	دانشجویان	طلاب	-۰/۳۶۲*	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۳۶۲*	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰
زندگی هدفمند	دانشجویان	طلاب	-۰/۳۳۳*	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۳۳۳*	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰
تسلط بر محیط	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۷۵*	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۷۵*	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰

* $P \leq 0/05$

هر شش زیر مقیاس مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی، به گروه آزمودنی‌ها وابسته‌اند و میانگین نمره طلاب در هر شش زیر مقیاس به صورت معناداری بزرگ‌تر از میانگین نمره دانشجویان است.

فرضیه سوم: بین میزان کارآمدی خانواده دانشجویان و طلاب تفاوت وجود دارد.

جدول ۱۱. شاخص‌های توصیفی نمره‌های کارآمدی خانواده به تفکیک گروه آزمودنی (دانشجویان-طلاب)

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آزمون شاپیرو ویلک	سطح معناداری
شاخص پیشی	دانشجویان	۳/۳۳۵	۰/۳۷۱	۰/۸۸۴	-۰/۶۶۶	۰/۹۶۸	۰/۰۰۰
	طلاب	۳/۵۵۸	۰/۳۱۵	۱/۸۴۲	-۱/۱۸۲	۰/۹۲۷	۰/۰۰۰
شاخص حقوقی	دانشجویان	۳/۲۴۹	۰/۳۴۱	-۰/۱۱۸	-۰/۳۴۱	۰/۹۸۵	۰/۰۴۵
	طلاب	۳/۴۵۱	۰/۲۸۹	-۰/۲۷۰	-۰/۳۶۶	۰/۹۸۲	۰/۰۱۰
شاخص اخلاقی	دانشجویان	۳/۳۰۴	۰/۳۵۰	-۰/۸۰۸	-۰/۲۸۴	۰/۹۷۳	۰/۰۰۱
	طلاب	۳/۴۸۴	۰/۳۲۱	۰/۱۶۵	-۰/۷۳۳	۰/۹۵۵	۰/۰۰۰

بر اساس داده‌های جدول ۱۱، سطح معناداری آزمون شاپیرو ویلک نشان می‌دهد فرض نرمال در هر سه زیرمقیاس کارآمدی خانواده رعایت نشده است. با توجه به اینکه حجم نمونه در گروه‌ها بزرگ است، می‌تواند این تخطی از نرمال بودن ناشی از این حجم بزرگ نمونه‌ها باشد. برای بررسی این موضوع از شاخص‌های کشیدگی و نمودار احتمال نرمال استفاده شده است. از آنجایی که میزان کشیدگی همه زیرمقیاس‌ها بین ۲- و ۲+ است و نقاط در نمودار احتمال نرمال در اطراف یک خط مستقیم پراکنده شده است، می‌توان فرض نرمال بودن را پذیرفت و تحلیل‌های پارامتریک را انجام داد.

جدول ۱۲. شاخص‌های آزمون چند متغیره MANOVA

اثرات	مقدار ویلکز لامبدا	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه‌ها	۰/۸۸۹	۱۵/۷۵	۳	۳۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۱

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد اثر گروه‌ها معنادار است و ۱۱ درصد ($\eta^2 = 0/11$) واریانس تغییر در ابعاد کارآمدی خانواده توسط گروه‌ها تبیین می‌شود.

جدول ۱۳. مقایسه‌های زوجی (متغیرهای وابسته: ابعاد کارآمدی خانواده)

متغیرها	(I) گروه	(J) گروه	(I-J)	انحراف معیار	سطح معناداری
شاخص پیشی	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۲۳*	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۲۳*	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰
شاخص حقوقی	دانشجویان	طلاب	-۰/۲۰۴*	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۲۰۴*	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
شاخص اخلاقی	دانشجویان	طلاب	-۰/۱۸۰*	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰
	طلاب	دانشجویان	۰/۱۸۰*	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰

* $P \leq 0/05$

هر سه زیرمقیاس مرتبط با کارآمدی خانواده، به گروه آزمودنی‌ها وابسته‌اند. میانگین نمره طلاب در هر سه زیرمقیاس به صورت معناداری بزرگ‌تر از میانگین نمره دانشجویان است.

بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه اول

اولین فرضیه این پژوهش، ناظر به وجود تفاوت بین میزان بهزیستی معنوی دانشجویان و طلاب است. نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۴) نشان می‌دهد که نمره کل بهزیستی معنوی طلاب (۱۸/۰۷)، بیشتر از همین نمره در بین دانشجویان (۱۷/۴۸) است. همچنین نتایج (جدول ۵) نشان می‌دهد، در بین چهار زیرمقیاس مرتبط با بهزیستی معنوی، نمره طلاب در زیرمقیاس‌های رابطه با خدا، رابطه با خود و رابطه با دیگران به صورت معناداری بیش از نمره دانشجویان است. اما نمره دو گروه دانشجویان و طلاب، در ارتباط با زیرمقیاس رابطه با طبیعت با هم تفاوت معناداری ندارد. بنابراین، اولین فرضیه پژوهش در نمره کل بهزیستی معنوی و در زیرمقیاس‌های ارتباط با خدا، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران تأیید شد. نتایج این پژوهش، همسو با تحقیقات علیان‌سب (۱۳۸۹)، آقابابایی و همکاران (۱۳۸۹)، کوثری (۱۳۸۷)، حیدری (۱۳۸۲)، اکبری (۱۳۸۲)، باقریان (۱۳۷۹)، کونینگ و همکاران (۱۹۹۷) و ویترو و همکاران (۱۹۸۵) می‌باشد.

در تفسیر و تحلیل این فرضیه می‌توان گفت: ایمان و باورهای دینی به عنوان یک نگرش اصلی و محوری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بر همه ابعاد شخصیت افراد اثرگذار هستند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). مذهب شامل رهنمودها و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هایی است که می‌تواند زندگی را متحول سازد. از لحاظ درون‌فردی، اعمال مذهبی فرد را قادر می‌سازند تا از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشم خود را کنترل کرده و مسئولیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد. از لحاظ بین‌فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می‌کند که فرد به هنگام خشم به خدا توجه کند (مارش و دالوس، ۲۰۰۰). معنویت بخش مهمی از زندگی مردم را تشکیل داده و تأثیر مهمی بر سلامت و بهزیستی آنان دارد (هارتز، ۲۰۰۵، ص ۴). نتایج پژوهشی با عنوان **آثار عبادت و تجارب آن بر بهزیستی عمومی**، در مطالعه ۵۶۰ خانواده نشان داد که بهترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی افراد، فراوانی عبادت و تجارب ناشی از آن است (بشلیده، ۱۳۸۲). همچنین عبادت منجر به راحتی، خوشحالی و انگیزه می‌شود که خلق را بالا برده و انگیزش و احساس هدف‌مندی را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش‌های مشابه بیانگر وجود ارتباط قوی میان انجام اعمال و رفتارهای مذهبی با بهزیستی است (ویلیامز، ۲۰۱۰).

در نهایت می‌توان گفت: ایمان و باورهای دینی، اعتقادات مذهبی، اهتمام به تعالیم و آموزه‌های

نظری و عملی دین، تهذیب نفس، طهارت و خلوص بیشتر در اعمال عبادی، فراوانی برگزاری درس‌های اخلاق و مراسمات مذهبی، همایش‌های دعا و نیایش، جشنواره‌های مرتبط با مسائل دینی و اعتقادی در حوزه‌های علمیه و در نهایت، ماهیت و نوع دروس حوزوی می‌تواند از عوامل افزایش سطح معنویت و بهزیستی معنوی در طلاب باشند.

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه دوم

دومین فرضیه این پژوهش، ناظر به وجود تفاوت بین میزان بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان و طلاب است. نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۴) نشان می‌دهد که نمره کل بهزیستی روان‌شناختی طلاب (۲۶/۵۱) بیش از همین نمره در بین دانشجویان (۲۴/۹۳) است. همچنین نتایج (جدول ۸) نشان می‌دهد، میانگین نمره طلاب در هر شش زیرمقیاس به صورت معناداری بزرگ‌تر از میانگین نمره دانشجویان است؛ بدین معنا که در نمونه مورد بررسی بهزیستی روان‌شناختی طلاب، بالاتر از دانشجویان است. بنابراین، دومین فرضیه پژوهش نیز تأیید شد.

نتایج این پژوهش، همسو با تحقیق اکبری (۱۳۸۲) و رحمانی (۱۳۷۹) می‌باشد که حکایت از بالاتر بودن سلامت روانی طلاب در مقایسه با دانشجویان دارد. گالوپ (۱۹۸۴) و آی. آی و همکاران (۲۰۱۱)، گزارش کردند افراد با تقیدات مذهبی بیشتر، در مقایسه با افراد با تقیدات مذهبی کمتر، از شادی و بهزیستی روانی بالاتری برخوردارند. همچنین نتایج این پژوهش، با پژوهش‌هایی که رابطه معنویت با بهزیستی روان‌شناختی را بررسی کرده‌اند، مانند نیوتن و مکین تاش (۲۰۱۰)، ویلیامز (۲۰۱۰)، کردی و همکاران (۲۰۱۰)، رودریگز و هندرسن (۲۰۱۰)، مک‌کالوگ و ویلوگیبای (۲۰۰۹)، مک‌گرگور (۲۰۰۸)، کوئینگ (۲۰۰۷)، مک‌کلاف (۱۹۹۵)، خلیلی و همکاران (۱۳۹۲)، ملداحی (۱۳۹۰)، همتی مسلک پاک (۱۳۸۹)، اژدری فرد (۱۳۸۹)، دادخواه و همکاران (۱۳۸۸) و آقایی‌چاوشی و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

به نظر می‌رسد، آنچه موجب بهبود بهزیستی روان‌شناختی در طلاب شده است، بالا بودن معنویت و بهزیستی معنوی در آنان است. در مورد چگونگی تأثیر معنویت در سلامت و بهزیستی روان‌شناختی سه دیدگاه مختلف وجود دارد:

۱. بسیاری از جوامع مذهبی رفتارهایی را تقویت و از رفتارهای مخرب نهی می‌کنند. پژوهش‌های تجربی فراوانی از این دیدگاه حمایت می‌کنند. مانند استر/بریج و همکاران (۲۰۰۱) و راینلد بنیامین و براون (۲۰۰۴):

۲. مراقبه و نقش مؤثر آن در سلامت جسم و روان است. برخی شواهد تحقیقاتی نشان می‌دهند مراقبه (یکی از عناصر کلیدی در آیین‌های مذهبی)، بر سیستم‌های فیزیولوژیک تأثیر گذاشته و استرس را کاهش می‌دهد (موریس، ۲۰۰۱؛ سیمن و همکاران، ۲۰۰۳)؛

۳. جنبه‌های اجتماعی دینداری از طریق فراهم نمودن حمایت اجتماعی و افزایش کارآمدی افراد، در مقابله با استرس‌های زندگی می‌تواند سلامتی را بهبود بخشد (تورسن و هریس، ۲۰۰۲؛ فلانلی و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین آنتنیر و همکاران (۲۰۱۰)، رابطه مثبت معنادار بین بهزیستی معنوی و روان‌شناختی گزارش کردند (هوشیاری، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹).

یانگ و همکاران (۲۰۰۰) گزارش کردند، معنویت در نقش یک سازه، اثر مهمی بر سازگاری روان‌شناختی دارد. مکانیسم ایجاد آرامش از طریق معنویت به این صورت است که رفتارهایی مانند توکل به خداوند و عبادت قادرند با ایجاد امید، ترغیب و تشویق به نگرش‌های مثبت، موجب آرامش درونی فرد شوند (یانگ و ماو، ۲۰۰۷). بنابراین، معنویت و دین با کارکردهای مهمی در زندگی افراد مانند آرامش‌بخشی، امیددهی، تولید شادابی، ارائه معنای زندگی و رضایت باطن در جهت دستیابی و یا ارتقای بهزیستی روان‌شناختی ثمربخش واقع می‌شوند (حاتمی، ۱۳۸۸).

نتایج تحقیق کوئینگ (۲۰۰۷)، نشان داد افرادی که اعتقادات مذهبی دارند، در سازش‌یافتگی با موقعیت‌های زندگی دارای موفقیت بیشتری می‌باشند. هیلز و همکاران (۲۰۰۴) نیز گزارش کردند افرادی که دارای اعتقادات مذهبی هستند، در آزمون‌های سلامت روان‌شناختی و جسمانی نمره‌های بالاتری کسب می‌کنند. جینا (۲۰۰۱) و *دادخواه* و همکاران (۱۳۸۸) گزارش کردند، میزان افسردگی در بین افراد دارای نگرش مثبت به نماز و بهزیستی معنوی، کمتر بود. *ابراهیمی* و *بهرامی‌احسان* (۱۳۸۹)، گزارش کردند هر چه نمرات افراد در مقیاس آخرت‌نگری بالاتر باشد، نمره سلامت عمومی و روان‌شناختی آنان نیز بالاتر خواهد بود (*ابراهیمی* و *بهرامی‌احسان*، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

تفسیر نتایج مربوط به فرضیه سوم

سومین فرضیه این پژوهش، ناظر به وجود تفاوت بین میزان کارآمدی خانواده دانشجویان و طلاب است. نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۴) نشان می‌دهد که نمره کل کارآمدی خانواده طلاب (۱۰/۴۹) بیش از همین نمره در بین دانشجویان (۹/۸۹) است. همچنین نتایج (جدول ۱۱) نشان می‌دهد که میانگین نمره طلاب در هر سه شاخص کارآمدی خانواده به صورت معناداری بزرگ‌تر از میانگین نمره دانشجویان است؛ بدین معنا که در نمونه مورد بررسی کارآمدی خانوادگی طلاب بالاتر از دانشجویان

است. بنابراین، سومین فرضیه پژوهش نیز تأیید شد. این نتایج، همسو با گزارش گالوپ (۱۹۹۶) و نتایج تحقیقات غفاری (۱۳۹۲) و حسین دخت و همکاران (۱۳۹۲) است.

در مورد تفاوت میانگین‌ها می‌توان گفت: طبق پژوهش هوشیاری (۱۳۹۳) و تحقیقات مذکور دیگر، بین کارآمدی خانواده، بهزیستی روان‌شناختی و معنوی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بهزیستی روان‌شناختی و معنوی، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کارآمدی خانواده باشند. از آنجاکه در دو فرضیه قبلی، میانگین نمره طلاب در بهزیستی معنوی و روان‌شناختی به صورت معناداری بالاتر از دانشجویان بود، بنابراین بالاتر بودن نمره طلاب در کارآمدی خانواده دور از انتظار نیست. همچنین طبق تعریفی که برای کارآمدی خانواده ارائه شد، بالاتر بودن نمره بهزیستی و به تبع آن کارآمدی خانواده در طلاب، می‌تواند به عواملی از این قبیل مربوط باشد. نوع تحصیلات و علومی که طلاب فرا می‌گیرند، پایبندی بیشتر آنان به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، روحیه و شخصیت خاص افرادی که متمایل به تحصیلات حوزوی می‌شوند، ماهیت دروس حوزوی، آشنایی طلاب با مبانی و دستورات اسلامی که موجب سعادت و بهزیستی می‌شوند، فضای معنوی حاکم، وجود الگوها و استادان اخلاق خودساخته و باتقوا و وجود درس‌های اخلاق منظم در حوزه علمیه. گرچه تفاوت در ماهیت دروس و فضای حاکم بر حوزه و دانشگاه قابل انکار نیست و از سوی دیگر، نگارنده وجود الگوهای الهی و درس‌های اخلاق در دانشگاه را انکار نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد نسبت آنها در حوزه علمیه به مراتب بیش از دانشگاه باشد. از سوی دیگر، پرسش‌نامه کارآمدی خانواده دارای پشتوانه نظری اسلامی است و شاخص‌های آن (بینشی، اخلاقی و حقوقی) از منابع اسلامی استخراج شده‌اند و طلاب نیز به مقتضای موارد مذکور، بیشتر با این مبانی آشنا هستند و تلاش می‌کنند تا خود را با آنها منطبق سازند. از این رو، خانواده‌های آنان بیشتر با شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام منطبق است. همین امر موجب بالاتر بودن نمره کارآمدی خانواده در آنان شده است.

بنابراین، طبق نتایج این پژوهش، سطح بهزیستی معنوی، روان‌شناختی و کارآمدی خانواده در طلاب نسبت به دانشجویان بالاتر بود. نتایج در راستای تحقیقات پیشین حاکی از نقش اساسی و بنیادین نوع شناخت و تحصیلات در بهزیستی معنوی، و تأثیر بهزیستی معنوی و اعمال عبادی در بهزیستی روان‌شناختی و کارآمدی خانواده می‌باشد. از این رو، توصیه می‌شود آشنایی با علوم اسلامی و مبانی دینی و عمل به آموزه‌های اسلام بیش از پیش مورد توجه همگان، بخصوص دانشجویان قرار گیرد.

منابع

- نهیج البلاغه**، ۱۳۸۴، ترجمه محمد دشتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابراهیمی، ابوالفضل و هادی بهرامی احسان، ۱۳۸۹، «رابطه آخرت‌نگری با سلامت در دانشجویان و طلاب و ساخت مقیاس اولیه سنجش آخرت‌نگری»، **روان‌شناسی و دین**، ش ۱۴، ص ۴۵-۶۲.
- احمدی، سعادت، ۱۳۹۰، **رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با نقش واسطه‌گری سبک پردازش هویت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ازدردی‌فرد، سیما، ۱۳۸۹، «بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش‌آموزان»، **اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**، ش ۵، ص ۱۰۵-۱۲۵.
- اکبری، الله‌رضا، ۱۳۸۲، **رابطه دنیاگرایی و سلامت روان دانش‌پژوهان علوم دینی و دانشجویان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- امیدواری، سپیده، ۱۳۸۷، «سلامت معنوی، مفاهیم و چالش‌ها»، **پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم**، دوره اول، ش ۱، ص ۱۷-۵۸.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران، ۱۳۸۲، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۹، «سنجش قدردانی در دانشجویان و طلاب و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه قدردانی»، **مطالعات اسلام و روان‌شناسی**، ش ۶، ص ۷۵-۸۸.
- آقایی چاوشی، اکبر و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه نماز با جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، **علوم رفتاری**، ش ۲، ص ۱۴۹-۱۵۶.
- باقریان، ابوالقاسم، ۱۳۷۹، **بازخورد دانشجویان و طلاب نسبت به حقوق زن در اسلام**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- بشلیده، کیومرث، ۱۳۸۲، «بررسی عوامل مؤثر درون مدرسه‌ای جذب دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز»، **علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز**، ش ۱۰، ص ۶۳-۹۰.
- بیانی، علی‌اصغر و همکاران، ۱۳۸۷، «روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف»، **روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران**، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۱۴۶-۱۵۱.
- پویانفر، آریتا، ۱۳۸۱، **بررسی رابطه بین کارائی خانواده با سلامت عمومی زوجین دانشجو در شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه الزهراء ع.
- جعفری‌زاده، اسما، ۱۳۹۰، **بررسی جایگاه سلامت معنوی در تعلیم و تربیت از منظر قرآن و روایات**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- حاتمی، حمیدرضا، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر میزان دین‌داری بر رضایت زناشویی»، **روان‌شناسی نظامی**، ش ۲۲، ص ۱-۱۳.

حسین‌دخت، آرزو و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۲، ص ۵۷-۷۴.

حمیدی، فریده، ۱۳۸۳، «تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۵۹-۱۷۹.

حیدری، مجتبی، ۱۳۸۲، *رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی زناشویی در خانواده‌های معلمان مرد شهرستان قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

خلیلی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۲، «وضعیت سلامت معنوی در سالمندان شهر اصفهان»، *سالمندی ایران*، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۱۶-۲۲.

دادخواه، بهروز و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه نماز با میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل»، *طب و ترکیه*، ش ۲۷، ص ۲۳-۷۵.

دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس بهزیستی معنوی در میان دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، دوره چهارم، ش ۳، ص ۱۲۹-۱۴۴.

دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه بهزیستی معنوی در میان دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، دوره نهم، ش ۴، ص ۷۳-۹۸.

دیباچ‌نیا، پروین و مریم بختیاری، ۱۳۸۱، «وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشکده توان‌بخشی دانشگاه شهید بهشتی»، *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*، سال اول، ش ۴، ص ۲۷-۳۱.

رحمانی، حجت‌الله، ۱۳۷۹، *مقایسه سطوح اضطراب و افسردگی دانش‌آموزان مدارس دینی (طلاب) و مدارس عادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

رستمی، مریم، ۱۳۹۱، *بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر بهزیستی روان‌شناختی و رضایت زناشویی زوجین ناسازگار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

زنجانی طبعی، رضا، ۱۳۸۳، *ساخت و هنجاریابی مقدماتی آزمون بهزیستی روان‌شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، سروش.

شریفی، کبیر، ۱۳۹۰، *رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی با کیفیت زندگی معلمان متأهل مقطع متوسطه شهر لردگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، *شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

عباسی، محمود و همکاران، ۱۳۹۱، «تعریف مفهومی و عملیاتی‌سازی سلامت معنوی»، *اخلاق پزشکی*، سال ششم، ش ۲۰، ص ۱۱-۴۴.

عصاروردی، عبدالقادر و محمدرضا جلیلووند، ۱۳۹۰، «ارتباط سلامت معنوی و رضایت از زندگی در کارکنان پرستاری بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد»، *مراقبت‌های نوین*، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره نهم، ش ۲، ص ۱۵۶-۱۶۲.

علیانسب، حسین، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه دین‌داری با اضطراب مرگ در بین دانشجویان و طلاب شهر قم»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۱، ص ۵۵-۶۸.

غفاری، مجید، ۱۳۹۲، *تأثیر بهزیستی معنوی، عدالت زناشویی و عوامل محافظ خانواده بر توانمندی خانواده*، پایان‌نامه دکتری تخصصی روان‌شناسی، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

فرزانه، شاهین، ۱۳۹۱، *رابطه میزان سرسختی روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

فرهمند، صدف، ۱۳۹۱، *رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری تاب‌آوری در بیماران ام‌اس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

کشاوری، صدیقه، ۱۳۹۱، *رابطه سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی سالمندان آموزش و پرورش شهرستان داراب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

کوثری، یدالله، ۱۳۸۷، *بررسی رابطه میزان دین‌داری و سطح رضامندی از زندگی در دانش پژوهان علوم دینی و دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.

گیدنز، آنتونی و کارن بردسال، ۲۰۰۳، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی.

مداح، زهرا، ۱۳۹۲، *نقش شوخ طبعی و تجارب معنوی در تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، زنجان، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

مداحی، ابراهیم، ۱۳۹۰، «بررسی ارتباط میان جهت‌گیری مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان، *روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، ش ۲، ص ۵۳-۶۳.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۸، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، *نظام حقوق زن در اسلام*، قم، صدرا.

ملفت، قوام، ۱۳۹۰، *ارائه مدلی برای بهزیستی روان‌شناختی با توجه به ادراک دانش‌آموزان از والدین، همسالان، و معلمان با نقش واسطه‌گری باورهای انگیزشی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی، شیراز، دانشگاه شیراز.

نجفی، محمود، ۱۳۸۹، *ارائه الگوی پیش‌بین رضامندی زندگی بر اساس روابط ساختاری سازه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا در کارکنان جوان و میانسال دانشگاه‌های تهران*، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

همتی مسلک پاک، معصومه، ۱۳۸۹، «اعتقادات معنوی و کیفیت زندگی: یک مطالعه کیفی از دیدگاه دختران نوجوان مبتلا به دیابت»، *کومش*، ش ۱۲، ص ۷۴-۱۰۲.

هوشیاری، جعفر، ۱۳۹۳، *رابطه کارآمدی خانواده با بهزیستی روان‌شناختی و معنوی در دانشجویان و طلاب متأهل دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه شهر قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

- Fernando, M. & et al, 2010, The relationship between spiritual well-being and ethical orientations in decision making: an empirical study with business executives in Australia, University of wollongong research online, *Journal of business ethics*, v. 95 (2), p. 211-225.
- Fry, Iw. (2003). Toward a theory of spiritual leadership, *The leadership quarterly*, v. 14, p. 693-727.
- Ganson, M, & et al, 2011, Spiritual well-being as a component of health-related quality of life: the functional assessment of chronic illness therapy-spiritual well-being scale (facit-sp), *Religions*, v. 2, p. 77-94; doi:10.3390/rel2010077.
- Genia, V, 2001, Evaluation of Spiritual Well-being scale in a sample of college students, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. 11 (1), p. 25-33.
- Hartz, G.W, 2005, *Spirituality and Mental Health: Clinical Application*, New York: Haworth prees.
- Itai ivtzan, christine p. L. Chan, hannah e. (2011). Gardner & kiran prashar journal of religion and health, linking religion and spirituality with psychological well-being: examining self-actualisation, meaning in life, and personal growth initiative. *Journal of religion and health*, doi 10.1007/s10943-011-9540-2.
- Kézdy, A, & et al, 2010, Religious doubts and mental health in adolescence and young adulthood: the association with religious attitudes, *Journal of adolescence*, v. 11, p. 1-9.
- Koenig, H. G, 2007, Spirituality and depression: a look at the evidence, *southern medical journal*, v. 100, 7, p. 737-739.
- Macgregor, C. A, 2008, Religious socialization and children's prayer as cultural object: boundary work in children's 19th century sunday school books, *Poetics*, v. 36, p. 435-449.
- Marsh, R, & Ddallos, R, 2000, Religious beliefs and practices and catholic couples' management of anger and conflict, *Clinical psychology and psychotherapy*, v. 7, p. 22-36.
- Mccullough me, 1995, Prayer and health: conceptual issues, research review, and research agenda, *Journal of psychology and theology*, v. 23, p. 15-29.
- Mccullough, m. E, & willoughby, b. L. B, 2009, Religion, self-regulation, self-control: associations, explanations, and implications, *Psychological bulletin*, v. 135, p. 69-63.
- Meraviglia, M g, 1999, Critical analysis of spirituality and its empirical indicators: prayer and meaning in life, *Journal of holistic nursing*, v. 17 (1), p. 18 -33.
- Newton, A, T, & Mcintosh, D, N, 2010, Specific religious beliefs in a cognitive appraisal model of stress and coping, *International journal for the psychology of religion*, v. 20, 1, p. 39-58.
- Rodriguez, C, M, & Henderson, R.C, 2010, Who spares the road? Religious orientation, social conformity, and child abuse potential, *Child abuse & neglect*, v. 34, p. 84-94. Doi. 10.1016/j.chiabu.2009.07.002.

- Ryff, c.d., (1995). Psychological well-being in adult life, *current directions in psychological science*, 4:99–104 -ryff, c.d. & keyes, c.l.(1995). The structure of psychological well-being revisited, *Journal of personality and social psychology*, 69: 719-727.
- Suk-sun, kim, 2008, *Interdependence of spirituality and well-being among korean elders and family caregivers, The university of Arizona*, In partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy.
- Unteainer, H,F, & et all, 2010,Dimensions of Religious/ Spiritual Will-bing and their relation to Personality and Psychological, *J of Oersonality and Individual Differences*. v 46,(3), 192-197.
- Williams, A, 2010,Spiritual therapeutic landscapes and healing: a case study of st, Anne de beaupre, quebec, *Canada, Social science & medicine*; v. 70, p. 1633–160.
- Yang, ke-ping, & Mao, xiu-ying, 2007, A study of nurses' spiritual intelligence: a cross-sectional questionnaire survey, *international journal of nursing studies*; v. 44, p. 999– 1010.
- Young, G. S, et al, 2000, The moderating relationship of spirituality on negative life events and psychological adjustment, *Journal of counseling and value*, v. 45 (1), p. 49-58.

بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند

عباسعلی هراتیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 سیدعباس ساطوریان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉
 محمد زارعی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 مسعود جان‌بزرگی / دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 مژگان آگاه‌هریسی / استادیار دانشگاه پیام نور واحد گرمسار
 دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۲
 a.haratiyan@gmail.com
 sabbas61@gmail.com
 mohammad358z@yahoo.com
 janbo@rihu.ac.ir
 agah.mojgan@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، از نوع علی-مقایسه‌ای است که به‌منظور بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند انجام شده است. اطلاعات پژوهش (۴۶۹ فرد متأهل)، از میان افراد متأهل ساکن شهر سمنان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای گردآوری شد. شرکت‌کنندگان به گویه‌های پرسش‌نامه‌های تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی پاسخ دادند. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه، حاکی از معناداری تفاوت نمرات متغیرهای مذکور در میان دو گروه والدین دارای یک فرزند و چند فرزند بود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت: افراد با پایبندی مذهبی بیشتر و روان‌بنه‌ها و باورهای غیرمنطقی کمتر، تمایل بیشتری به تعدد فرزند دارند. علاوه بر این، والدین فرزندان متعدد، نسبت به والدین دارای تک فرزند، تجربه تعارض زناشویی کمتری دارند.

کلیدواژه‌ها: تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، پایبندی مذهبی و تعداد فرزند.

مقدمه

«خانواده» به عنوان یک ساختار اجتماعی اساسی، نهادی است که در قالب آن وظیفه اجتماعی جایگزینی و تجدید نسل تحقق می‌یابد (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰). کارکرد تولیدمثل، که گاهی از آن با عنوان «جایگزینی» یاد می‌شود، اساساً یک کارکرد زیست‌شناختی است که همواره بقای جوامع و به‌طور کلی بقای نسل بشر را تضمین کرده است (بستان و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۸). در قرن بیستم به دنبال تغییرات گوناگون اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، خانواده نیز تحت تأثیر قرار گرفته و این تأثیر به نحوی به کم و کیف فرزندان نیز منتقل شده است (شیخی، ۱۳۸۳، ص ۷۶). می‌توان گفت: از میان تغییرات صورت گرفته در دهه‌های اخیر در جامعه غرب، چه بسا تغییرات به عمل آمده در نهاد خانواده، استثنایی‌ترین آنها بوده است (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲). بر اثر تغییرات مهم در اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پیدایش مفاهیم نوین راجع به آزادی خصوصی و تجدیدنظر در خصوص عقاید مذهبی دیرین، درباره تولد و تناسل، وسعت خانواده به سرعت رو به نقصان گذاشته است (همان). در حال حاضر، میزان باروری در بیشتر کشورهای اروپایی به زیر حد جایگزین رسیده است؛ ۸۵ درصد از کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تنظیم خانواده را رسماً پذیرفته، یا عملاً رویه‌هایی همگام با این سیاست‌ها اتخاذ کرده‌اند (بستان و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۸). برای نمونه در ایران میانگین اعضای خانواده‌ها از ۶ نفر در دهه ۱۳۴۰، به ۳ نفر در سال ۱۳۷۵ (امانی، ۱۳۷۷، ص ۸۴) و در سال ۹۱ به ۱/۳ (مرکز آمار، ۱۳۹۱) نفر کاهش یافته است.

زان و شوهران جوان، عمدتاً به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند؛ برخی نیز به دلیل مشکلات تربیتی از داشتن فرزند بیشتر اکراه دارند. بیماری‌ها، مشکلات و اختلالات روانی و بزه‌کاری‌های اجتماعی از دیگر عوامل روی‌گردانی والدین از داشتن فرزند است (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۳). علاوه بر این، در سال‌های اخیر، با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که در زمینه کاهش تعداد فرزند صورت گرفته، و نیز نتایج برخی از پژوهش‌ها که بیانگر ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندها در زمینه عاطفی - رفتاری بوده است، برخی والدین، به داشتن یک فرزند بسنده و برخی دیگر، تمایل به داشتن تنها یک فرزند دارند. در حالی که، نتیجه برخی تحقیقات دیگر (رایکمن، ۲۰۰۸؛ زانگ، ۲۰۰۰)، بعکس بوده و ویژگی‌های نامطلوبی را برای تک‌فرزندان نشان می‌دهند (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱، ص ۷۲۸).

روانشناسان رشد (کمبل، ۲۰۰۶، ص ۱۴۷)، معتقدند: رابطه همشیرگی یک تجربه اجتماعی مشخصاً متفاوت است و عملکردی متفاوت با رابطه همسالان در اجتماعی شدن کودکان دارد. آگاهی فزاینده‌ای

در این باره وجود دارد که درک اجتماعی، رفتار جامعه‌پسند و رشد اخلاقی کودکان، تحت تأثیر روابط همشیره‌ها و در زمینه‌ای از نظام خانواده و روابط والدین - کودک قرار دارد (همان، ص ۱۴۸). کمبل معتقد است: برخی از مطالعات (مانند دان و کندریک، ۱۹۸۳؛ استوارت و همکاران، ۱۹۸۷)، ویژگی‌های رابطه‌ای را که در دوره اولیه کودکی بین همشیره‌ها شکل می‌گیرد، به دست آورده‌اند و جوانب مثبت و منفی آن را روشن نموده‌اند. این محققان می‌گویند اگر فقط بر روی رقابت برای جلب محبت و توجه والدین تأکید کنیم، بسیاری از وجوه رابطه بین همشیره‌ها را که بر روی رشد اجتماعی - هیجانی کودکان و نظام خانواده تأثیرگذارند، از دست می‌دهیم. آنها معتقدند: علاوه بر رنجش، یک پیوند دوستی، و همدمی عاطفی نیز بین همشیره‌ها خردسال به وجود می‌آید و آنها درباره احساسات، رقابت سازنده و الگوهای قابل قبول رفتار اجتماعی، چیزهایی از یکدیگر می‌آموزند (همان، ص ۱۵۰).

با وجود اینکه مشکل ساز بودن تک‌فرزندها، در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر کاملاً ثابت شده فرض می‌شود، همچنان تصویر ناهماهنگ و مبهمی از این افراد وجود دارد (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱، ص ۷۲۷). در برخی تحقیقات (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱، ص ۷۲۹)، تک‌فرزندها به‌عنوان دارنده برخی ویژگی‌های نامطلوب مانند لوس بودن، خودگرایی، ناسازگاری، سمج بودن و ناپختگی توصیف می‌شوند (همان). این امر خود موجب نگرانی بسیاری از والدین تک‌فرزند می‌شود (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۲).

پژوهش‌های بسیاری در چین، پس از اجرای سیاست تک‌فرزندی در این کشور، به‌منظور بررسی و شناخت خصوصیات این کودکان انجام گرفته است. برخی از این تحقیقات، در اوایل دهه ۱۹۸۰ نشان داد که تک‌فرزندان چینی، خودخواه، غیراجتماعی، ناسازگار، متکبر و ترسو هستند (زانگ و همکاران، ۲۰۰۱). بی‌ریا و همکاران (۱۳۸۳، ص ۸۷۰) بیان کرده‌اند که از تک‌فرزند، معمولاً به‌عنوان «بچه لوس» یاد می‌کنند؛ چون در او تلفیقی از نشانه‌های نامطلوب مانند وابستگی، خودستایی، ناخویش‌انداری و اختلالات عاطفی به چشم می‌خورد. نتایج تحقیقات جیائو و همکاران (۱۹۸۶) نیز نشان داد که تک‌فرزندان بیشتر خود محورند، درحالی‌که کودکان دارای خواهر یا برادر، دارای خصوصیات مثبتی مانند استقلال فکری، روحیه همکاری، تعاون و منزلت بیشتری در میان هسالان خود بودند (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۸۰). برخی محققان مانند میلوسکی (۲۰۰۵)، در تحقیقات خود دریافته‌اند که کودکان دارای خواهر یا برادر که از سوی همشیران خود حمایت می‌شوند، گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند، به لحاظ اجتماعی آسان‌تر با دیگران درآمیخته می‌شوند، نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی

گزارش می‌کنند، ارتباط بیشتری با همسالانشان داشته و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری می‌کنند (عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). *آدلر* معتقد است: تک‌فرزندها خودخواه‌تر از دیگران‌اند و در دوران بزرگسالی نیز همانند کودکی خود، شدیداً در پی آن هستند که کانون توجه باشند. به همین دلیل، به احتمال زیاد ضربات شدید روانی را تجربه می‌کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). از نظر رشد عاطفی، شواهدی وجود دارد که هم نتایج مثبت و هم نتایج منفی را مبتنی بر روابط خواهر و برادری نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، همشیران، دارای روابط مثبت‌تر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند (آقامحمدی، ۱۳۹۱، ص ۳۰). همچنین در نمود بیرونی آنان، مشکلات رفتاری کمتری دیده می‌شود. علاوه بر اینکه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر و عملکرد شناختی بهتری دارند، ارزش بیشتری برای خود قائلند، استقلال بالاتری دارند و اجتماعی‌ترند (همان). از سوی دیگر، دعوای همشیره‌ها با افزایش افسردگی در کودکان همراه است. درحالی که صمیمیت همشیران با افزایش کارایی در میان همسالان (برای دختران) و کاهش افسردگی در آنان (برای هر دو جنس) همراهی دارد (همان). کمپبل معتقد است: بی‌تردید تولد فرزند جدید، موجب ایجاد تغییراتی در نظام خانواده می‌شود. این تغییر می‌تواند بر روی رابطه هر یک از والدین با فرزند بزرگتر، و حتی بر روی روابط زناشویی والدین تأثیر گذارد (۲۰۰۶، ص ۱۴۷).

با وجود این، تحقیقاتی دیگر نیز ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندان را در برخی زمینه‌ها گزارش کردند. برای نمونه، پوستون و یو (۱۹۸۶) نشان داد که در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر، تک‌فرزندان از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند، میزان همکاری آنان بیشتر و درجه خصومت آنها کمتر است. همچنین سازگاری بیشتری را از خود نشان داده‌اند (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۲). *سردارپور* و همکاران (۱۳۸۲) نیز بیان کردند که فراوانی اختلال‌های رفتاری سلوک، کمبود توجه-بیش‌فعالی و سایر اختلال‌های رفتاری در کودکان تک‌فرزند، در مقایسه با چند فرزند، به مراتب کمتر است. *ویلیکینسون* و *راولیا* (۱۹۹۷) و *وانگ* (۱۹۹۸) در بررسی‌های خود در کشور هلند نشان داده‌اند که تک‌فرزندان، نسبت به بچه‌های دارای خواهر یا برادر، از نظر هوش و کارایی و میزان سازگاری در سطح مطلوب‌تری قرار دارند (بیاتی، ۱۳۸۳، ص ۸۲). *بیاتی* در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که میزان سازگاری تک‌فرزندان، بیشتر از کودکانی است که خواهر یا برادر دارند (همان، ص ۱۱). برخی نیز اذعان می‌کنند که هر چند تک‌فرزندی به‌خودی‌خود مشکل نیست، ولی در غیاب روش‌های آموزشی مناسب، ممکن است نتایج بدی داشته باشد (ناصری و رئیس، ۱۳۸۶).

اگر کاهش تولیدمثل در دهه‌های اخیر، مستند به ضرورت‌های اجتماعی-اقتصادی باشد، نباید آن را یک معضل اجتماعی تلقی کرد؛ اما نمی‌توان تأثیر ایدئولوژی‌های جدید راجع به خانواده و حیات زن و ارزش‌های فرهنگی نوظهور در این جهت را نادیده گرفت. دخالت ایدئولوژی‌های افراطی مروج خودمداری و آسایش‌طلبی می‌تواند رشد منفی جمعیت را که اینک بسیاری از کشورهای اروپایی با آن مواجهند، در پی داشته باشد (بستان و همکاران، ۱۳۸۸). حال آنکه در فرهنگ دینی، داشتن فرزند بیشتر مورد توصیه و تشویق قرار گرفته است. دین، به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۰) از حقایقی است که در عرصه‌های گوناگون انسانی حضور جدی دارد (آیین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۶۷). دین می‌تواند به‌عنوان یک نظام پیچیده اجتماعی، بر رفتار و بازخوردهای مهم از جمله برنامه‌ریزی، خانواده، کار، چگونگی تفسیر زندگی روزانه و برداشت از امور گوناگون تأثیر بسزایی داشته باشد (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲).

اگرچه خودداری از داشتن فرزند، گرایشی است که با تأثیرپذیری از فرهنگ غرب به‌جود آمده و متأسفانه در جوامع اسلامی نیز رواج یافته است، اما با نگاهی به آموزه‌های دینی، به‌طور قطع فرزندان می‌توانند تأثیرات مثبت و سازنده‌ای در زندگی والدین داشته باشند. از نظر اسلام، فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند. به همین دلیل «ولود» بودن (شهیدثانی، بی‌تا، ص ۲۳)، از ویژگی‌های مهم در انتخاب همسر دانسته شده است. «ولود» به معنای بسیار زاینده (زیات و همکاران، ۱۳۸۳، ذیل الولود؛ معین، ۱۳۸۷، ذیل ولود)، زنی که فرزندان بسیار آرد (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل ولود) آمده است. در قرآن و کلمات و سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، از فرزند با تعبیری چون میوه دل (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۱۳)، نور دیده (همان)، مایه خوشبختی (حراملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۵۷)، کسی که انسان را یاری می‌کند (همان)، و نیز مایه رحمت و غفران الهی یاد شده است (همان). از این‌رو، در روایات به فرزندآوری توصیه فراوان شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰). در اینجا این نکته قابل پیش‌بینی است که وجود باورهای قوی دینی و پایبندی مذهبی در میان زوجین، می‌تواند زمینه‌ساز میل به داشتن فرزند بیشتر باشد.

برخی پژوهش‌ها در بررسی تأثیر تعداد فرزند، به متغیرهای حوزه زناشویی پرداخته و به سنجش این متغیرها با توجه به تعداد فرزندان پرداخته‌اند. عطاری و همکاران، (۱۳۸۵، ص ۸۱)، توانگ و دیگران (۲۰۰۳) و رحیمی (۱۳۸۸، ص ۱۲۴)، رابطه منفی و معناداری ($P < 0.05$) بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی یافتند. از سوی دیگر، برخی تحقیقات (توانگ و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۵۸۰؛

اکبرزاده و خزائی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴) نیز رابطه مثبت تعداد فرزند با رضایت زناشویی را مورد تأیید قرار داده‌اند ($P < 0/05$). برخی دیگر (الماسی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۳) نیز رابطه معناداری بین این دو متغیر نیافتند. ضمن اینکه مولوی (۱۳۸۱، ص ۱۹۰) و ازخوش و عسگری (۱۳۸۶، ص ۱۳۷) نشان دادند که تعداد فرزندان، همبستگی معناداری با تعارض زناشویی ندارد. برخی دیگر (صلاحیان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲؛ شاهمرادی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۳) نیز رابطه تعارض زناشویی و تعداد فرزندان را مثبت اعلام کردند ($P < 0/05$).

درمانگران سیستمی از جمله یونگ و لانگ (۱۹۹۸)، تعارض را هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت، که در جهت اخذ امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند، می‌دانند. روشن است که طرفین نزاع قصد دارند به طرف مقابل خود آسیب برسانند، تاکتیک‌های او را ختسا و بالاخره، از صحنه بیرون کنند (افخمی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۳۲). امونز و کینگ (۱۹۸۸، ص ۱۰۴۰) از تعارض بین اهداف مختلف در زندگی به‌عنوان عامل تعارض زناشویی یاد می‌کنند. محققان و نظریه‌پردازان بسیاری از جمله الیس (۱۹۷۸) و برنز (۱۹۸۴)، علت اصلی تعارضات زناشویی را در باورهای غیرمنطقی می‌جویند (فلاتنگان و فلاتنگان، ۲۰۰۴، ص ۲۵۹؛ اپشتاین، ۱۹۸۶، ص ۶۸). به همین دلیل، متغیر باورهای غیرمنطقی، در بسیاری از پژوهش‌های حوزه زناشویی، مورد توجه بوده است. الیس (۱۹۷۸، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱) باورهای غیرمنطقی را باورهایی اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی می‌داند که بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید دارند و مانع سلامت فکر و روان و سالم‌سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شوند (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۶۰). هرچند نتیجه تحقیقات نشان داده است که باورهای غیرمنطقی، رابطه مثبت و معناداری با برخی از متغیرهای زناشویی از جمله تعارض زناشویی (مهمین‌ترابی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مولر و دیگران، ۲۰۰۱، ص ۲۵۹)، دلزدگی زناشویی (بختیارپور و عامری، ۱۳۸۸، ص ۵۳)، ناسازگاری زناشویی (ادیس و برنارد، ۲۰۰۲، ص ۳)، پاسخ‌های مخرب فعال در روابط (متز و کاپاچ، ۱۹۹۰، ص ۱۷۰)، برداشت‌ها و هیجانات منفی هنگام اختلاف‌نظرهای زناشویی (اپستین و دیگران، ۱۹۷۹، ص ۶۰۸) دارد، اما ازخوش و عسگری (۱۳۸۶، ص ۱۳۷) در پژوهش خود، بین تعداد فرزندان با باورهای غیرمنطقی رابطه‌ای به دست نیاوردند. اسلام، تلاش می‌کند زمینه ایجاد هرگونه باور غیرمنطقی را از بین برده یا آن را ناکارآمد جلوه دهد. برای نمونه، کشتن فرزندان، به دلیل تنگنای اقتصادی را خطای بزرگ شناختی و رفتاری قلمداد می‌کند (انعام: ۱۵۱). حتی پرهیز از فرزندآوری به دلیل دشواری تربیت فرزندان را نیز رد می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳).

فری (۲۰۰۷، ص ۴۰) معتقد است: ریشه خطاهای منطقی را می‌توان در روان‌بنه‌ها جست. از نظر یانگ و دیگران (۲۰۰۳، ص ۵۶)، روان‌بنه‌ها همیشه موجب ایجاد سوگیری در تفسیر انسان از وقایع می‌شوند. این سوگیری‌ها به صورت سوء تفاهم، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست و هدف‌ها و انتظارات غیرواقعی‌بینانه تجلی می‌یابند. به باور یانگ (۱۹۹۰)، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی عمیقی، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط هستند که از ارضاء نشدن نیازهای اولیه سرچشمه می‌گیرند (دائمی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶). از این رو، می‌توان انتظار داشت این فیلتر عمیق شناختی، بر تمام شناخت‌ها و رفتارها از جمله نگرش نسبت به تعداد فرزندان تأثیر داشته باشد.

این پژوهش، در پی مباحثات اخیر اجتماعی و رسانه‌ای پیرامون تعداد فرزندان و مطالعات انجام‌شده درباره نقش باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پابندی مذهبی در حوزه زناشویی شکل گرفته و هدف آن، بررسی تفاوت باورهای هسته‌ای (روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه)، باورهای واسطه‌ای (باورهای غیرمنطقی)، وضعیت روابط زناشویی (تعارض زناشویی) و میزان دین‌داری (پابندی مذهبی)، دو گروه والدین دارای یک و چند فرزند و آزمون این فرضیه‌هاست که:

۱. تفاوت تعارض زناشویی والدین دارای یک و چند فرزند، معنادار است.
۲. تفاوت باورهای غیرمنطقی والدین دارای یک و چند فرزند، معنادار است.
۳. تفاوت روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه والدین دارای یک و چند فرزند، معنادار است.
۴. تفاوت پابندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند، معنادار است.

روش پژوهش

در این پژوهش، در بخش اول، از روش پیمایشی استفاده شده است. در این روش، به توصیف وضعیت جامعه آماری از نظر متغیرهای خاص توجه شده است. تعداد فرزندان به‌عنوان عاملی که می‌تواند بر متغیرهای وابسته (تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پابندی مذهبی) تأثیر گذارد، به‌منابه متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شوند. در بخش دوم، با کاربرد طرح علی-مقایسه‌ای، تفاوت هر یک از متغیرهای وابسته در میان والدین دارای فرزند و بدون فرزند بررسی می‌شود.

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری، زوجین ساکن در شهر سمنان است که سن ازدواج آنها بیش از ۱ سال باشد. با توجه به آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران،

(۱۳۹۱)، از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای شهر سمنان، ۴۸۳۵۶ است که با توجه به جدول کرجسی - مورگان (۱۹۷۰)، نمونه‌ای با حجم ۳۸۱ نفر، به عنوان نمونه کافی انتخاب شدند. نمونه مورد پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای گردآوری شده است. در مرحله اول، چهار منطقه متفاوت جغرافیایی شهر، به صورت تصادفی انتخاب شده، سپس در هر منطقه، با انتخاب تصادفی منازل، از میان داوطلبان، افرادی جهت شرکت در پژوهش انتخاب گردید. پس بعد از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص، اطلاعات ۴۶۹ فرد متأهل مورد تحلیل قرار گرفتند. از جمله معیارهای ورود، می‌توان به سن ازدواج بین ۱ تا ۱۵ سال، تأهل فعلی، امضای رضایت‌نامه جهت شرکت در پژوهش اشاره کرد. ابتلا به بیماری‌های مزمن جسمی (مانند دیابت، بیماری قلبی یا معلولیت) نیز به عنوان معیار خروج مدنظر بود. در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار و...) و استنباطی (تحلیل واریانس یک‌راهه) استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از نسخه بیستم نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

الف. فرم تجدیدنظرشده «پرسش‌نامه تعارض‌های زناشویی»: ابزار گردآوری اطلاعات، مربوط به متغیر تعارض زناشویی است که یک ابزار ۵۴ سؤالی می‌باشد. این پرسش‌نامه، هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۷). برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ برای «هرگز» تا ۵ برای «همیشه» نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسش‌نامه، ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. در این ابزار، نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. آلفای کرونباخ، برای کل پرسش‌نامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد (همان، ص ۵۸ و ۵۹). آلفای کرونباخ، برای کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۷ به دست آمد.

ب. پرسش‌نامه باورهای غیرمنطقی جونز: این پرسش‌نامه، مناسب‌ترین ابزار برای اندازه‌گیری شدت و نوع باورهای غیرمنطقی است؛ زیرا به گونه‌ای دقیق، ده خرده‌مقیاس مرتبط را در زمینه باورهای غیرمنطقی تعیین می‌کند که دارای ۱۰۰ سؤال پنج گزینه‌ای است که براساس مفروضات طیف لیکرت به گونه‌ای عینی و در دامنه یک تا پنج نمره‌گذاری می‌شود (آینه‌چی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). جونز (۱۹۶۹)، پایایی آزمون به روش بازآزمایی را ۰/۹۲ گزارش نمود. پایایی این آزمون در پژوهش تقی‌پور (۱۳۷۳) نیز نشان داد

که پایایی این آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ است (همان). آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۶۶ به‌سخت آمده است.

ج. فرم کوتاه «پرسش‌نامه روان‌بنه‌های یانگ» (YSQ-SF): این پرسش‌نامه به بررسی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه می‌پردازد. نسخه اصلی پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، دارای ۲۰۵ سؤال بود که توسط یانگ (۱۹۹۴)، برای اندازه‌گیری روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه ساخته شده است. فرم کوتاه آن، در سال ۱۹۹۸ توسط یانگ برای اندازه‌گیری ۱۵ روان‌بنه ناسازگار اولیه ساخته شد که از ۷۵ ماده دارای بیشترین بار عاملی در فرم ۲۰۵ ماده‌ای تشکیل شده است (شایقیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۲؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹ الف، ص ۳۰). در پژوهش /سمیت و دیگران (۱۹۹۵)، ضریب آلفای روان‌بنه‌ها از ۰/۸۳ (برای روان‌بنه خود تحول نیافته/ گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای روان‌بنه نقص / شرم) به‌دست آمد. همچنین آنها نشان دادند که این پرسش‌نامه، با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی، احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری شناختی نسبت به افسردگی و نشانه‌شناسی اختلالات شخصیت، روایی همگرا و افتراقی خوبی نشان داده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۰). در پژوهش والر و دیگران (۲۰۰۱)، اعتبار مقیاس براساس آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ به‌دست آمد. در ایران، پژوهش آهی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که اعتبار پرسش‌نامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹ ب، ص ۱۸۵). آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۹۴ به‌دست آمده است.

د. پرسش‌نامه پایبندی مذهبی جان‌بزرگی: این پرسش‌نامه آزمونی است که برای سنجش رفتارهای انسانی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی ساخته شده است (آیینه‌چی، ۱۳۹۰، ص ۹۰). این پرسش‌نامه، براساس گزاره‌های قرآن کریم و **نهج البلاغه** (خطبه همام) دربارهٔ ویژگی‌های مؤمنان ساخته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). از نظر جان‌بزرگی، نمرات بالای پایبندی مذهبی به این معناست که فرد بی‌تردید براساس معیارهای مذهبی، رفتار خود را تنظیم می‌کند، تلاش می‌کند که همه رفتارهایش را براساس مذهب طراحی کند، مناسک مذهبی را به جا می‌آورد، از اشتباهاتش توبه می‌کند، روابطش را براساس اصول اسلامی تنظیم می‌کند و اهل ذکر و مناجات است (همان). جان‌بزرگی، با استفاده از روش تحلیل عاملی مشاهده کرد که روایی سازه این آزمون معادل ۰/۸۱۶ است (سیف، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲). پاسخ‌ها به شکل لیکرتی است که ضمن ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی نیز قابل محاسبه است که با معکوس

کردن سؤال‌های گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. نمرات همه گویه‌ها، به صورت مستقیم بوده و تنها گویه ۳۵ به صورت معکوس، نمره‌گذاری می‌گردد (آیین‌چی، ۱۳۹۰، ص ۹۴). آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۸ به دست آمده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، توصیف جمعیت‌شناختی ارائه شده است. دامنه سنی افراد شرکت‌کننده، بین ۱۸ تا ۴۰ است (با میانگین کل ۲۹/۸ سال، میانگین سنی زنان ۲۷/۸ و مردان ۳۱/۸ سال). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تحصیلات دیپلم (۳۸/۲ درصد) و لیسانس (۲۳/۰ درصد) دارای بیشترین و دکتری (۰/۴) دارای کمترین فراوانی در میان شرکت‌کنندگان است. اغلب افراد (با تفاوت کم)، زن هستند (۵۰/۵ درصد). اغلب شرکت‌کنندگان (۶۸/۷ درصد) دارای تک‌فرزند بوده و از وضعیت اقتصادی متوسطی (۸۰/۰ درصد) برخوردارند.

جدول ۱. توصیفات جمعیت‌شناختی پژوهش (n=۴۶۹)

درصد	تعداد	متغیر	
۲۲/۴	۱۰۵	زیر دیپلم	تحصیلات
۳۸/۲	۱۷۹	دیپلم	
۱۲/۲	۵۷	فوق دیپلم	
۲۳/۰	۱۰۸	لیسانس	
۳/۸	۱۸	فوق لیسانس	
۰/۴	۲	دکتری	
۴۹/۵	۲۳۲	مرد	جنسیت
۵۰/۵	۲۳۷	زن	
۶۸/۷	۳۲۲	والدین تک فرزند	وضعیت فرزندداری
۳۱/۳	۱۴۷	والدین دارای چند فرزند	
۹/۲	۴۳	ضعیف	وضعیت اقتصادی
۸۰/۰	۳۷۵	متوسط	
۱۰/۹	۵۱	خوب	
۱۰۰	۴۶۹	کل	

در جدول ۲، میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان، در مقیاس‌های تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پابندی مذهبی، به تفکیک وضعیت فرزنددار بودن ارائه شده است. به نظر می‌رسد، میانگین و پراکندگی نمرات والدین دارای تک‌فرزند و والدین دارای چند فرزند، از میزان متفاوتی برخوردار است.

جدول ۲. نمرات تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی، به تفکیک وضعیت فرزنددار بودن

متغیر	تعداد فرزند	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
تعارض زناشویی	تک‌فرزند	۳۲۲	۱۰۷/۹۳	۲۲/۳۷	۶۷	۱۶۷
	چند فرزند	۱۴۷	۹۹/۴۶	۱۴/۱۱	۶۷	۱۳۶
	کل	۴۶۹	۱۰۵/۲۸	۲۰/۵۱	۶۷	۱۶۷
باورهای غیرمنطقی	تک‌فرزند	۳۲۲	۲۹۲/۰۳	۱۹/۰۹	۲۳۹	۳۶۱
	چند فرزند	۱۴۷	۲۸۵/۸۵	۲۰/۵۸	۲۴۲	۳۴۷
	کل	۴۶۹	۲۹۰/۰۹	۱۹/۷۵	۲۳۹	۳۶۱
روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	تک‌فرزند	۳۲۲	۱۸۷/۸۲	۴۳/۱۲	۱۰۷	۳۲۵
	چند فرزند	۱۴۷	۱۷۵/۴۰	۳۷/۷۲	۷۹	۲۹۴
	کل	۴۶۹	۱۸۳/۹۳	۴۱/۸۷	۷۹	۳۲۵
پایبندی مذهبی	تک‌فرزند	۳۲۲	۱۷۲/۴۴	۱۸/۹۶	۱۲۶	۲۱۶
	چند فرزند	۱۴۷	۱۷۹/۹۷	۱۷/۴۲	۱۲۹	۲۱۹
	کل	۴۶۹	۱۷۴/۸۰	۱۸/۸۰	۱۲۶	۲۱۹

برای بررسی فرضیه پژوهش، یعنی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی در میان والدین دارای یک و چند فرزند، با توجه به روایی مفروضه‌های آماری برای تحلیل واریانس یک‌راهه (نظیر نرمال بودن توزیع نمرات براساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف ($P > 0/05$))، همگنی واریانس متغیرها در دو گروه والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند، براساس آزمون لون ($P > 0/05$)، فاصله‌ای بودن نمرات و تصادفی بودن انتخاب شرکت‌کنندگان (هومن، ۱۳۸۹، ص ۳۸۴ و ۳۸۵) از این آزمون برای مقایسه نمرات دو گروه استفاده شده است.

در جدول ۳، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه نمرات تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی، با توجه به وضعیت فرزنددار بودن ارائه شده است. با توجه به سطح معناداری، تفاوت نمرات تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی، در میان والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند، معنادار است. به طوری که والدین دارای چند فرزند، نسبت به والدین دارای یک فرزند، نمرات کمتری در متغیرهای تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و نمرات بیشتری در پایبندی مذهبی کسب نموده‌اند (جدول ۱).

جدول ۳. آزمون تحلیل واریانس یکراهه برای مقایسه نمرات تعارض زناشویی،

باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی، با توجه به وضعیت فرزنددار بودن

متغیر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری	PES
تعارض زناشویی	a۷۲۴۴/۲۳۵	۷۲۴۴/۲۳۵	۱	۱۷/۸۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۳۷
باورهای غیرمنطقی	b۳۸۵۵/۴۷۵	۳۸۵۵/۴۷۵	۱	۱۰/۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۲۱
روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	c۱۵۵۶۴/۶۶۳	۱۵۵۶۴/۶۶۳	۱	۹/۰۳۲	۰/۰۰۳	۰/۰۱۹
پایبندی مذهبی	d۵۷۲۰/۵۶۸	۵۷۲۰/۵۶۸	۱	۱۶/۷۲۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۵

یافته‌های جانبی پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت نمرات این دو گروه، با توجه به تحصیلات والدین آنها، تنها در سطح دیپلم معنادار است ($P < ۰/۰۵$) و در سطح لیسانس، تنها در مورد متغیرهای تعارض زناشویی و باورهای غیرمنطقی تفاوت معنادار ($P < ۰/۰۵$) مشاهده شد. در سایر مقاطع تحصیلی، تفاوت‌ها معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). یافته دیگر اینکه، این تفاوت در میان زن‌ها معنادار بوده ($P < ۰/۰۵$)، اما در میان مردها نسبت به متغیرهای باورهای غیرمنطقی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). نتایج بررسی معناداری تفاوت‌ها، با توجه به وضعیت اقتصادی نیز نشان داد که در وضعیت اقتصادی ضعیف، تفاوت‌ها معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$)؛ در وضعیت اقتصادی متوسط، تفاوت معنادار بوده ($P < ۰/۰۵$) و در وضعیت اقتصادی خوب، تفاوت در متغیرهای پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی معنادار است ($P < ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی تفاوت تعارض زناشویی، باورهای غیرمنطقی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و پایبندی مذهبی والدین دارای یک و چند فرزند انجام شده است. آزمون فرضیه اول (جدول ۳)، نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات تعارض زناشویی والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد؛ بدین معنا که والدین دارای یک فرزند، نمرات بالاتری در تعارض زناشویی کسب نمودند (جدول ۲). این یافته، با پژوهش‌های کاردرک (توانگ و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۵۸۰) و اکبرزاده و خزائی (۱۳۹۱، ص ۱۵۴) همسو و با تحقیقات عطاری و همکاران (۱۳۸۵، ص ۸۱)، توانگ و دیگران (۲۰۰۳، ص ۵۷۴)، مولوی (۱۳۸۱، ص ۱۹۰) و ازخوش و عسگری (۱۳۸۶، ص ۱۳۷)، رحیمی (۱۳۸۸، ص ۱۲۴) و الماسی و همکاران (۱۳۸۹، ص ۷۳) ناهمسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: کودکان والدین را از تنهایی رهایی می‌بخشند و موجب نشاط و شادابی، افزایش کارآمدی و پختگی شخصیت والدین می‌گردند (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱). این امر موجب افزایش ظرفیت هیجانی و شناختی مثبت بین والدین می‌شود. از همین رو، فریدمن و همکاران (۱۹۹۴) معتقدند: فرزند موجب افزایش وابستگی زوجین به همدیگر و افزایش اعتماد در زندگی می‌شود و انگیزه آنان را برای کسب موفقیت در زندگی دوچندان می‌سازد. از سوی دیگر، از آنجاکه بخشی از تعارض زناشویی حاصل اختلاف زوجین در اهداف زندگی است (امونز و کینگ، ۱۹۸۸، ص ۱۰۴۰)، حضور فرزندان، موجب همگرایی اهداف زوجین و در نتیجه، کاهش تعارضات آنها می‌گردد. نظریه ساختاری نیز معتقد است که در سال‌های اول ازدواج، تعارض از آنجا شروع می‌شود که هریک از زوجین، سعی دارد قواعد و اصول و الگوهای مرزهای خانوادگی خود را به خانواده جدید منتقل نماید (قادری و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۷۳). تولد فرزندان، موجب تغییر در ساختار خانواده شده و بر هویت و استقلال آن می‌افزاید؛ این بدان معناست که تأثیر عوامل خطر بیرونی، به شدت کاهش می‌یابد.

آزمون فرضیه دوم (جدول ۳) نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات باورهای غیرمنطقی والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد؛ بدین معنا که والدین دارای یک فرزند، نمرات بالاتری در باورهای غیرمنطقی کسب نمودند (جدول ۲). این یافته، با گزاره‌های دینی (انعام: ۱۵۱؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳) همسو و با پژوهش/زحوش و عسگری (۱۳۸۶، ص ۱۳۷) ناهمسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت: از آنجاکه باورهای غیرمنطقی، باورهایی واسطه‌ای و حاصل درونی‌سازی تجربیات منفی دوران کودکی (فری، ۲۰۰۷، ص ۴۰) و نوجوانی است (روان‌بندهای ناسازگار)، در تعارض با واقعیت‌های موجود رابطه والد-کودک، ضعیف یا ناکارآمد می‌شوند. تلاش تربیتی والدین، برای از بین بردن خطاهای فکری فرزندان، موجب تضعیف باورهای غیرمنطقی آنها نیز می‌شود. در تبیینی دیگر می‌توان گفت: حضور فرزندان در خانواده بر حالات روانی والدین، جامعه‌پذیری، اعتماد به نفس و تقویت حرمت خود، احساس مثمر بودن و کارآمدی و تداوم حیات خانواده تأثیر مثبت دارد (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۳). از سوی دیگر، رابطه منفی و معنادار باورهای غیرمنطقی با عملکرد اجتماعی (هایرش و دیگران، ۲۰۰۳)، عزت نفس (تنن بام و همکاران، ۲۰۰۷)، رضایت از زندگی (همان) و بلوغ عاطفی (مهبین‌ترابی و همکاران، ۱۳۹۰) مورد تأیید واقع شده است.

آزمون فرضیه سوم (جدول ۳) نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد؛ بدین معنا که والدین دارای یک فرزند، نمرات بالاتری در روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه کسب نمودند (جدول ۲). در این زمینه، مطالعه همسو و غیرهمسوی بومی و غیربومی‌ای یافت نشد. در تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که حضور فرزندان در خانواده، موجب ایجاد نوعی امنیت روانی و اعتماد نسبت به خود و محیط و البته آینده می‌گردد. افزون بر این، حرمت خود والدین را افزایش می‌دهد (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۳). از سوی دیگر، همبستگی منفی و معنادار روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و احساس امنیت، اعتماد، حرمت‌خود مورد تأیید قرار گرفته است (پانس و دیگران، ۲۰۰۴). حوزه اول روان‌بنه‌های ناسازگار (بریدگی و طرد)، توصیف‌کننده افرادی است که معتقدند: نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد (یانگ، ۱۹۹۹، ص ۳۴). حال آنکه بازخورد رابطه مثبت آنها با فرزندان و دریافت محبت، عشق و تعلق خاطر ثابت، روان‌بنه‌های این حوزه را تضعیف خواهد نمود. افرادی که روان‌بنه‌هایشان در حوزه دوم (خودگردانی و عملکرد مختل) قرار دارد، از خودشان و محیط اطرافشان، انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقلانه مانع ایجاد می‌کند (یانگ و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۴۲). احساس توانایی این افراد برای جدا شدن از خانواده، بقا و عملکرد مستقل و موفقیت‌آمیز مختل است (همان). همان‌گونه که بیان شد، افزایش تعداد اعضای خانواده به‌وسیله فرزندان و ایجاد تغییرات ساختاری، به احساس هویت و استقلال خانواده کمک می‌کند. بدین ترتیب، زوجینی که بقای خود را در فرزندان می‌بینند، عملکرد متناسب‌تری از خود نشان می‌دهند. این دریافت‌ها و بازخوردها، روان‌بنه‌های این حوزه را تضعیف می‌کند. افراد دارای روان‌بنه‌های حوزه سوم (محدودیت‌های مختل)، اغلب خودخواه، لوس، بی‌مسئولیت یا خودشیفته به نظر می‌رسند (همان). حال آنکه فرزندپروری و مشکلات آن، مستلزم دیگرخواهی و پذیرش مسئولیت است.

آزمون فرضیه چهارم (جدول ۳) نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات پایبندی مذهبی والدین دارای یک فرزند و والدین دارای چند فرزند وجود دارد؛ بدین معنا که والدین دارای چند فرزند، نمرات بالاتری در پایبندی مذهبی کسب نمودند (جدول ۲). در این زمینه، تحقیق همسو یا ناهمسوئی با این یافته، به‌دست نیامد. اما در تبیین آن می‌توان به تأکید و تشویق‌های گزاره‌های دینی برای ازدیاد نسل و فرزندآوری اشاره نمود که افراد پایبند به مذهب را تحت تأثیر قرار خواهد داد. علاوه بر اینکه، کارکردهای فردی (مانند معرفت‌زایی (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹)، معنا و نشاط‌بخشی به زندگی دنیایی

(همان، ص ۱۶۸-۱۷۰)، ارائه راهکارهای کنار آمدن (مقابله) (همان، ص ۱۹۸-۲۰۰)، پدیدآیی احساس معنا و هدف در زندگی (همان، ص ۲۰۰-۲۰۸)، تعالی انگیزه‌ها و اهداف رفتاری، خوش‌بینی و امید (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۰)، کاهش و معنایابی رنج‌ها (شرح: ۶؛ شوری: ۳۰؛ انبیاء: ۳۵؛ بقره: ۱۵۵؛ زمر: ۸)، توکل (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۰، ص ۵۷)، افزایش حرمت‌خود (منظری توکلی و عراقی‌پور، ۱۳۸۹)، شادکامی (هادیانفرد، ۱۳۸۴) و کارکرد اجتماعی (مانند حمایت و انسجام‌بخشی (کامتور تامسون، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶)، تحکیم گروه [خانواده] (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۸)، دل‌بستگی ایمن (قیامی، ۱۳۸۴)، افزایش ثمربخشی (کامتور تامسون، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸)، زمینه‌ساز عدم تأثیر تبلیغات و باورهای غیرمنطقی درباره تعدد فرزند می‌شود.

محدودیت: از محدودیت‌های این پژوهش، اجرا و بررسی متغیرهای پژوهش در شهر سمنان است. از این رو، به‌واسطه تفاوت‌های فردی و فرهنگی - اجتماعی برای تعمیم نتایج به سایر مناطق، باید جانب احتیاط را رعایت کرد. محدودیت دیگر این پژوهش، عدم بررسی ابتلای شرکت‌کنندگان به مشکلات روانی محور I و II بود.

پیشنهادها: در این پژوهش، نقش متغیرهای تأثیرگذار بر متغیرهای چهارگانه مورد بررسی قرار نگرفت. بنابراین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، اثر تعاملی این متغیرها را نیز مورد مطالعه قرار دهند. ابتلای شرکت‌کنندگان به مشکلات روانی محور I و II، می‌تواند در پژوهش‌های بعدی به‌عنوان یکی از معیارهای خروج در نظر گرفته شود.

منابع

- ازخوش، منوچهر و علی عسگری، ۱۳۸۶، «اندازه گیری باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی: استانداردسازی پرسش‌نامه باورهای ارتباطی»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۳۷-۱۵۳.
- افخمی، ایمانه و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد»، *خانواده پژوهی*، سال سوم، ش ۹، ص ۴۳۱-۴۴۲.
- آقامحمدی، سوده، ۱۳۹۱، *اثر آموزش مدیریت روابط همسیران به والدین بر بهبود روابط همسیران و کاهش استرس والدگری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- اکبرزاده، مژگان و کامیان خزائی، ۱۳۹۱، *ارتباط بین باورهای غیرمنطقی با رضایت زناشویی در زنان بالای ۲۳ سال شهرستان چالوس در: نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین*.
- امانی، مهدی، ۱۳۷۷، *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، سمت.
- ایرانپور، چنگیز، ۱۳۷۹، *بررسی مقایسه‌ای اختلالات رفتاری بین خانواده‌های پرآلود و کم‌آلود در: چهارمین سمینار بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان*، زنجان.
- آیینچی، عباس، ۱۳۹۰، *رابطه سبک‌های والدینی و باورهای غیرمنطقی والدین و تأثیر آن بر پابندی مذهبی فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- بختیارپور، سعید و زینب عامری، ۱۳۸۸، «رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی با دلزدگی زناشویی در دبیران متأهل اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۵۳-۷۰.
- بستان، حسین و همکاران، ۱۳۸۸، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین، ۱۳۹۰، *خانواده در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیاتی، فاطمه، ۱۳۸۳، *مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، تهران، دانشگاه الزهراء (ع).
- بی‌ریا، ناصر و همکاران، ۱۳۸۳، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.
- ثانی، باقر و همکاران، ۱۳۸۷، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران، بعثت.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی آزمون پابندی مذهبی براساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۶.
- حاتمی، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی»، *روان‌شناسی نظامی*، ش ۱، ص ۱۳-۲۲.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
- دائمی، فاطمه و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۹۰، «تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت‌خود کودکان»، *علوم رفتاری*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۷۲-۱۶۵.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

رایموری، غیاث‌الدین محمد، ۱۳۸۸، *غیاث‌اللغات*، تهران، امیرکبیر.

رایکمن، ریچارد، ۲۰۰۸، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ نهم، تهران، ارسباران.

رحیمی، روح‌الله، ۱۳۸۸، *بررسی روابط بین صفات شخصیتی، عوامل فردی - خانوادگی و شیوه‌های همسرگزینی با رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش شهر دلفان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

رشیدی، فرنگیس و همکاران، ۱۳۸۹، «نقش باورهای غیرمنطقی بر سلامت روان دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۶۵-۴۹.

روحانی، عباس و داود معنوی‌پور، ۱۳۸۷، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.

زیات، احمدحسن و همکاران، ۱۳۸۳، *المعجم الوسیط*، قم، برهان.

سردارپور گودرزی، شاهرخ و همکاران، ۱۳۸۲، «اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر تهران»، *اندیشه و رفتار*، سال نهم، ش ۱، ص ۲۶-۲۰.

سیف، علی اکبر، ۱۳۸۷، *اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی*، تهران، دوران.

شاهمردادی، سمیه و همکاران، ۱۳۹۰، «پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوجها»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال دوازدهم، ش ۱، ص ۴۴-۳۳.

شایقیان، زینب و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی، چاق و یا دارای علائم بی‌اشتهایی عصبی»، *پژوهنده*، ش ۱، ص ۳۸-۳۰.

شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۶، *نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده* در: همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞

شهید ثانی، بی‌تا، *مسکن الفؤاد*، قم، بصیرتی.

شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز، ۱۳۸۵، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.

شیخی، محمدتقی، ۱۳۸۳، *جمعیت و تنظیم خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۹۰، «نقش اعتقادات، بینش‌ها و باورهای دینی در کارآمدی خانواده»، *معرفت*، سال بیستم، ش ۱۶۳، ص ۶۵-۵۳.

صلاحیان، افشین و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی»، *مطالعات روان‌شناختی*، سال ششم، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۴۰.

عزیزی، الهه، ۱۳۹۰، *بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به اختلال ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

عطاری، یوسفعلی و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی-خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش ۳، ص ۸۱-۱۰۸.

- فری، مایکل، ۲۰۰۷، **شناخت درمان‌گری گروهی**، ترجمه مسعود جان‌بزرگی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قادری، زهرا و همکاران، ۱۳۸۸، «اثربخشی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک‌های مقابله با تعارض زناشویی»، **اندیشه و رفتار**، سال سوم، ش ۱۱، ص ۶۷-۷۶.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۹، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، **قبسات**، ش ۲۸، ص ۱۶۱-۱۸۸.
- قیامی، زهرا، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله مذهبی»، **روان‌شناسی و علوم تربیتی**، سال سی و پنجم، ش ۱، ص ۲۲۱-۲۳۳.
- کامتور تامسون، ویلیام سی، ۲۰۰۵، «بهبودی از دیدگاه دین و روان‌شناسی»، ترجمه و نقد مبین صالحی و مهدی عباسی، **روان‌شناسی و دین**، سال دوم، ش ۲، ص ۱۸۹-۲۴۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، **کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- الماسی، نفیسه و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی»، **مدیریت ورزشی**، ش ۵، ص ۷۳-۸۷.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، **بحار الانوار**، بیروت، الوفاء.
- محدث نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
- محمودیان، حسین و محمدرضا پوررحیم، ۱۳۸۱، «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)»، **جمعیت**، ش ۴۱، ص ۸۹-۱۰۳.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، نشر مرکز آمار ایران، در: <http://www.amar.org.ir>.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰، **پرسش‌ها و پاسخ‌ها**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، **فرهنگ فارسی**، تهران، دبیر.
- منظری توکلی، علیرضا و نجمه عراقی پور، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین دینداری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸»، **روان‌شناسی تربیتی**، سال ششم، ش ۱۹، ص ۱۹-۴۵.
- مهبین‌ترابی، سمیه و همکاران، ۱۳۹۰، «تاثیر آموزش‌های شناختی - رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی، بلوغ عاطفی و نارضایتی زناشویی در زنانی»، **علوم رفتاری**، سال پنجم، ش ۱۶، ص ۱۲۷-۱۳۳.
- مولوی، حسین، ۱۳۸۱، «شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج»، **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء**، سال دوازدهم، ش ۴۲، ص ۱۸۹-۲۰۸.
- ناصری، عباس‌علی و فیروزه رئیسی، ۱۳۸۶، «مروری بر نظریات آدلر»، **تازه‌های علوم شناختی**، سال نهم، ش ۱، ص ۶۶-۵۵.
- هادیانفرد، حبیب، ۱۳۸۴، «احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان»، **روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)**، سال یازدهم، ش ۲، ص ۲۲۴-۲۳۲.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۹، **استنباط آماری در پژوهش‌های رفتاری**، تهران، سمت.
- ورسلی، پستر، ۱۳۷۳، **جامعه‌شناسی مدرن**، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.

یانگ، جفری و دیگران، ۲۰۰۳، *طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران، ارجمند.

یانگ، جفری، ۱۹۹۹، *شناخت درمانی اختلالات شخصیت*، ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور، تهران، ارجمند.
یوسفی، رحیم و همکاران، ۱۳۸۹ الف، «اثر بخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقا رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی بالینی*، سال دوم، ش ۷، ص ۲۵-۳۷.
یوسفی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۹ ب، «بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس روان‌بندهای سازش‌نا یافته اولیه»، *روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۸۲-۲۰۳.

- Addis, J, & Bernard, M.E, 2002, Marital adjustment and irrational beliefs, *Journal of Rational Emotive Cognitive Behavior Therapy*, v. 20, p. 3-13.
- Anderson, E. R, 1999, Sibling, half sibling, and step sibling relationships in remarried families, *Monographs for the Society for Research in Child Development*, v. 64 (4), P. 101-126.
- Campbell, S.B, 2006, Behavior Problems in Preschool Children, Second Edition: Clinical and Developmental Issues, Guilford Press.
- Dunn, J, & et al, 1995, The development of children's moral sensibility: Individual differences and emotional understanding, *Developmental Psychology*, v. 31 (4), p. 649-659.
- Dunn, J., & Kendrich, C, 1982, Sibling: Love, envy, and understanding. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ellis, A, 1978, Treating the Abrasive client with Rational – Emotive Therapy, *Journal of Psychotherapy*, v. 1.
- Ellis, A, 1991, The Philosophical basis of rational emotive therapy (RET), *Psychotherapy in Private Practice*, v.8, p. 97-106.
- Ellis, A, 2001, Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors. Amherst, New York: Prometheus Books.
- Emmons, R.A, & King, L.A, 1988, Conflict among personal striving: Immediate and long term implications for psychological and physical well being, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 64, p. 1040-1048.
- Epstein, N, 1986, Cognitive Marital Therapy: Multi level assessment and intervention, *Journal of Rational-Emotive Therapy*, v. 4, p. 68-81.
- Epstein, N, & et al, 1979, Irrational beliefs and perception of marital conflict, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. 47, p. 608-610.
- Flanagan, J, & Flanagan, R, 2004, *Counseling and psychotherapy theories in context and practice*, New York: Wiley.
- Fridman, D, & et al, 1994, A theory of the value of children Demography, v. 31 (3), p. 375-401.
- Hartup, W.W, 1983, Peer relations. In P.H. Mussen (series Ed.) & E. M. Hetherington, Handbook of child psychology: v 4. Socialization, personality, and social development. (pp. 103-196). New York: Wiley.
- Hirsch, C. R, & et al, 2003, Self-images play a causal role in social phobia, *Behavior Research and Therapy*, v. 41, p. 909-921.

- Jones, R. G, 1969, A factored measure of Ellis's irrational belief system, *Dissertation Abstracts International*, v. 29, p. 4379-4380.
- Kerjcie, R.V, & Morgan, D.W, 1970, Determining sample size for research, *Activities, Educational and Psychological Measurements*, 30.
- Kim, J., & et al, 2007, Longitudinal linkages between sibling relationships and adjustment from middle childhood through adolescence, *Developmental Psychology*, v. 43 (4), p. 960-973.
- Lisen, C.R, & Blanton, P.W, 2001, Experience of only children, *Journal of Individual Psychology*, v. 57 (2), p. 725-740.
- Metts, S, & Cupach. W.R, 1990, The influence of relation beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships, *Journal of Human Communication Research*, v. 17, p. 170-185.
- Muller, A.T, & et al, 2001, Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and nondistressed married individuals, *Journal of Rational-Emotive and Cognitive Behavior Therapy*, v. 19, p. 259-270.
- Nachman, P, & Thompson, A, 1998, *You and Your Only Child: The Joys, Myths, and Challenges of Raising an Only Child*. Harper Collins.
- Ponce, A.N, & et al, 2004, Experience of maltreatment as a child and acceptance of violence in adult intimate relationships: mediating effects of distortions in cognitive schemas, v. 19, p. 97-108.
- Schmidt NB, Joiner TE, Young JE, Telch MJ. (1995). The Schema Questionnaire: Investigation of Psychometric Properties and the Hierarchical Structure of a Measure of Maladaptive Schemas, *Cognitive Research and Therapy*, 19:295-321.
- Sherman, A. M, & et al, 2006, Sibling relationships and best friendships in young adulthood: Warmth, conflict, and well being personal relationships, v. 13 (2), p. 151-165.
- Tannenbaum, C, & et al, 2007, What drives older women's perceptions of health-related quality of life? *Quality of Life Research*, v. 16 (4), p. 593-605.
- Twenge, J.M, & et al, 2003, Parenthood and marital satisfaction: a meta – analytic review, *Journal of Marriage and Family*, v. 65, p. 574-583.
- Waller G, & et al, 2001, Psychometric Properties of the Long and Short Versions of the Young Schema Questionnaire: Core Beliefs among Bulimic and Comparison Women, *Cognitive Therapy and Research*, v. 25 (2), p. 137-147.
- Young, J.E, 1998, *Young Schema Questionnaire. Short form (1st ed.)*. New York: Cognitive Therapy Center.
- Zhang, Y, & et al, 2001, A new look at the old little emperor; developmental changes in the personality of only children in China, *Social Behavior and personality*, v. 29 (7), p. 725-732.

نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت‌های هیجانی منفی

یوسف رضاپور / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

Shalchi.b@gmail.com

بهزاد شالچی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

مهرناز دادخواه / کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تبریز

یوسف زینی‌وند / کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی نقش ابعاد هوش هیجانی و هوش معنوی در تبیین حالت‌های هیجانی منفی انجام شده است. این مطالعه، از نوع تحقیقات همبستگی بوده و در نمونه‌ای متشکل از ۵۸۹ نفر دانشجو (۲۹۲ نفر دختر و ۲۹۷ نفر پسر) صورت گرفته است. دانشجویان از طریق پاسخ‌گویی به مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس، مقیاس رگه فراخلفی و مقیاس هوش معنوی کینگ در پژوهش شرکت نمودند. نتایج مطالعه حکایت از آن دارد که ابعاد هوش هیجانی و هوش معنوی، قادر به تبیین حالت‌های هیجانی منفی می‌باشند. برای بررسی برازش مدل پیشنهادی با داده‌های گردآوری شده شاخص‌های X^2 ، X^2/df ، RMSEA، CFI، AGFI، GFI و RMR محاسبه گردیده و نشان دادند، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، هوش معنوی، حالت‌های هیجانی منفی.

اگرچه امروزه علم و فناوری به‌واسطه افزایش امکانات بهداشتی و رفاهی، چهره زندگی انسان را دگرگون کرده است، اما این امر نه‌تنها به آرامش روانی او منجر نشده، بلکه بیش از پیش، وی را با عواطف و هیجان‌های ناخوشایند درگیر ساخته است. افسردگی، اضطراب و استرس را می‌توان از جمله رایج‌ترین مشکلات روان‌شناختی افراد جوامع بشری امروز دانست. به‌طوری‌که تقریباً شش درصد از افراد در طول عمر خود، به افسردگی و اضطراب دچار می‌شوند. این حالت‌های هیجانی منفی علاوه بر اینکه موجب رخوت، کاهش احساس قدرت و تسلط بر زندگی می‌شوند، عاملی مهم در بروز برخی مشکلات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی نیز محسوب می‌شوند (سومر (Sommer) و همکاران، ۲۰۰۶). چگونگی کنار آمدن با نشانگان افسردگی، اضطراب و استرس به عوامل متعدد و پیچیده‌ای وابسته است. از این میان، می‌توان هوش هیجانی و هوش معنوی را از جمله عواملی دانست که در دو دهه اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است.

بر اساس مدل توانایی می‌یر (Mayer) و همکاران (۲۰۰۰)، هوش هیجانی به مجموعه‌ای از توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که پردازش اطلاعات درباره‌ی هیجان‌های فرد و دیگران را امکان‌پذیر می‌کند (کار (Garr)، ۲۰۰۴، ص ۱۱۱). می‌یر و سالوی معتقدند: اگرچه گاهی اوقات در کاربرد عملی هوش هیجانی به عنوان یک سازه واحد مطرح می‌شود، اما تحلیل آن بر اساس چهار مؤلفه اصلی درک مطلوب‌تری را فراهم می‌آورد. ادراک و بیان هیجان، به عنوان اولین مؤلفه هوش هیجانی شامل بازشناسی و وارد نمودن اطلاعات کلامی و غیرکلامی به سیستم هیجانی می‌شود. تسهیل تفکر به‌واسطه هیجان، دومین مؤلفه هوش هیجانی است که به کارگیری هیجان‌ها را به عنوان قسمتی از جریان‌شناختی، مانند خلاقیت و حل مسئله دربر می‌گیرد. مؤلفه سوم، فهم یا شناخت هیجانی می‌باشد که به پردازش شناختی هیجان و معلومات به‌دست آمده در خصوص احساسات خود یا دیگران مربوط می‌شود. آخرین مؤلفه در مدل می‌یر و سالوی، مدیریت یا تنظیم هیجان است که از توانایی تنظیم هیجان‌ها، هیجان‌پذیری و کنترل روشی که این هیجان‌ها بیان می‌شود، تشکیل شده است (می‌یر و سالوی، ۱۹۹۰).

بدین ترتیب، هوش هیجانی سازه‌ای چند بُعدی است که تعامل بین هیجان و شناخت را در بر گرفته و از کارکردی سازشی برخوردار است (سالوی، ۲۰۰۵). سازگاری و انطباق بهتر با محیط پیرامون، فرد را در نیل به اهداف شخصی و اجتماعی خود یاری رسانده، و به احساس رضایت بیشتر او از زندگی

متنهی می‌شود. در این زمینه، تحقیقات نشان می‌دهند که هوش هیجانی از ارتباط محکمی با سلامت روانی برخوردار است (مارتین (Martin) و همکاران، ۲۰۱۰).

دیویس و هومفری (Davis & Humphrey) (۲۰۱۲)، دریافتند که هوش هیجانی در رویدادهای استرس‌زا همچون مواجهه با حوادث ناخوشایند زندگی و مشکلات خانوادگی، نقشی تعدیل‌کننده ایفا می‌کند. یی هو (Yee Ho) و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهش خود نقش هوش هیجانی را به عنوان عامل تعدیل‌کننده در ارتباط با اضطراب و افسردگی ناشی از قرار گرفتن در معرض خشونت، مورد تأیید قرار دادند. سی‌یو (Siu) (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان هنگ‌کنگ دریافت که بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و اختلالات رفتاری، از جمله پرخاشگری، اضطراب و افسردگی رابطه‌ای منفی وجود دارد.

نتایج حاصل از پژوهش بوساکو (Boussiakou) و همکاران (۲۰۰۸)، حکایت از این دارد که هوش هیجانی عاملی مؤثر در کاهش سطح اضطراب و ناامیدی بوده، و موجب افزایش میزان اعتماد به نفس و شجاعت می‌شود. این محققان، بین میزان بدبینی و هوش هیجانی پایین ارتباط معناداری را گزارش کرده‌اند. مارتین و همکاران (۲۰۱۰)، در فراتحلیلی به این نتیجه رسیدند که نادیده انگاشتن هیجان‌ات و عدم برخورد مناسب با آنها، سلامت روانی افراد را به مخاطره انداخته، هوش هیجانی به عنوان عاملی مهم در پیش‌بینی سلامت روانی می‌باشد. یافته‌های قوم (Gohm) و همکاران (۲۰۰۵)، در خصوص ارتباط هوش هیجانی با استرس نشان می‌دهد، هوش هیجانی به‌طور بالقوه در کاهش استرس مؤثر بوده، مانع از بروز واکنش‌های پر تنش در برابر رویدادهای منفی زندگی می‌شود.

پس از طرح مفهوم هوش هیجانی در روان‌شناسی، ایمونز (Emmons) سازه جدیدی را تحت عنوان هوش معنوی عنوان کرد که حکایت از پیدایش رویکردی نو در روان‌شناسی، یعنی توجه به بعد معنوی انسان دارد. وی هوش معنوی را چارچوبی برای شناسایی و سازمان‌دهی مهارت‌ها و توانمندی‌های فرد برای استفاده از معنویت در افزایش میزان انطباق‌پذیری تعریف می‌کند. بین هوش معنوی، هوش هیجانی و سلامت روانی همبستگی بالایی وجود دارد. هوش معنوی به رشد، غنا و افزایش هوش هیجانی کمک می‌کند و هوش هیجانی نیز موجب تقویت هوش معنوی می‌شود. از این‌رو، هوش هیجانی و هوش معنوی لازم و ملزوم یکدیگر بوده، هر دو در برخورداری از سلامت روان و کاستن از تجارب هیجانی منفی ایفای نقش می‌کنند (الکینز و کاوندیش (Elkins & Cavendish)، ۲۰۰۴).

در مدلی که کینگ (King)، برای تبیین ابعاد هوش معنوی تدوین کرده است، به چهار عامل تفکر وجودی انتقادی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و توسعه سطوح هشیاری اشاره شده است. نخستین مؤلفه هوش معنوی، مربوط به ظرفیت ژرف‌اندیشی انتقادی در خصوص معنا، هدف و سایر مسایل وجودی یا متافیزیکی (مانند واقعیت، عالم، فضا، زمان و مرگ) می‌باشد. دومین مؤلفه، بر توانایی ساخت معنا و هدف شخصی در تمام تجارب جسمی و روحی دلالت دارد که شامل برخورداری از توان خلق هدف در زندگی و نیل بدان می‌شود. سومین مؤلفه، به توانایی ادراک ابعاد متعالی خود (مانند خویش‌تن متعالی)، دیگران و جهان مادی (مانند غیرمادی‌گرایی و به هم پیوستگی)، در حالت بهنجار و فعال هشیاری مربوط می‌شود. در نهایت، آخرین مؤلفه هوش معنوی در مدل کینگ توانایی ورود به حالت‌ای معنوی هشیاری (مانند هشیاری ناب، هشیاری کیهانی، یگانگی) به میل و اختیار خود می‌باشد (کینگ و همکاران، ۲۰۰۹).

مطالعات بسیاری حاکی از وجود ارتباط در بین مفاهیم معنویت، مذهب و سلامت روانی می‌باشند. برای نمونه، تحقیقات نشانگر ارتباطی معنا‌دار بین سطوح بالای مذهبی بودن و سطوح پایین افسردگی هستند (ماسکو (Maselko) و همکاران، ۲۰۰۹؛ کونینگ (Koenig)، ۲۰۰۹)، به‌ویژه در افرادی که نسبت به افسردگی آسیب‌پذیرتر به‌شمار می‌روند (میلر (Miller) و همکاران، ۲۰۱۲). در چندین مطالعه، که بر روی جمعیت‌های مختلف از جمله دختران نوجوان (دروسایرز (Desrosiers) و میلر، ۲۰۰۷) و بیماران غیرقابل علاج مبتلا به سرطان و ایدز (نلسون (Nelson) و همکاران، ۲۰۰۲). صورت گرفت، ارتباط سطوح بالای معنویت و سطوح پایین نشانگان افسردگی مورد تأیید قرار گرفته است. دولیتل (Doolittle) و همکاران (۲۰۰۴)، با مطالعه ارتباط باورهای معنوی و افسردگی در بین بیماران افسرده به این نتیجه دست یافتند که توجه به باورهای معنوی بیماران افسرده را می‌توان عاملی تسهیل‌گر در فرایند درمان آنان تلقی نمود.

اگرچه مطالعاتی که به بررسی ارتباط بین معنویت، مذهب و اختلالات اضطرابی و خودکشی پرداخته‌اند، چندان زیاد نیستند (گلاس (Glas)، ۲۰۰۷)، اما مطالعات موجود نشان می‌دهند که سطوح بالای معنویت در بیماران مبتلا به بیماری‌های سخت با سطح اضطراب پایین‌تر (جانسون (Johnson) و همکاران، ۲۰۱۱) و با نشانگان استرس، پس از سانحه کمتری در بین قربانیان خشونت (کانور (Connor) و همکاران، ۲۰۰۳) همراه است.

کرجسی (Krejci) و همکاران (۲۰۰۴)، دریافتند افزایش بهزیستی معنوی در بین قربانیان سوءاستفاده جنسی با کاهش نشانگان اختلال استرس، پس از سانحه ارتباط دارد. باتنز (Baetz) و همکاران (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای که ارتباط ارزش‌های معنوی و میزان عبادت را با اختلالات روان‌پزشکی مورد مطالعه قرار داده بودند، معنویت و مذهب را به عنوان دو عامل حفاظتی در برابر ابتلاء به افسردگی و انواع دیگر اختلالات روان‌پزشکی معرفی کرده‌اند. این محققان، رابطه ارزش‌های معنوی با خلق، اضطراب و اختلالات عاداتی را پیچیده دانسته و احتمال می‌دهند ارتباط مذکور، بیانگر نقش معنویت در چارچوب‌بندی مجدد دشواری‌های زندگی از جمله اختلالات روانی باشد. عبدالرانی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی با استفاده از روش کیفی به این نتیجه دست یافتند که هوش معنوی در کاهش استرس شغلی مؤثر بوده، برخورداری از احساساتی با غنای معنوی موجب فایده‌آمدن افراد بر استرس‌های محل کار می‌شود. با توجه به شیوع بسیار حالت‌های هیجانی منفی، پرداختن به عوامل محافظتی و توانمندسازی افراد در برابر آن، نقشی بسزایی در ارتقا سطح بهداشت روانی جامعه خواهد داشت. این پژوهش، در پی بررسی نقش دو عامل محافظتی اثرگذار، یعنی هوش هیجانی و هوش معنوی، در میزان حالت‌های هیجانی منفی و ارائه مدلی در این زمینه می‌باشد.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به چگونگی گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات همبستگی بوده و بر مبنای هدف، در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار دارد. این پژوهش، بر اساس زیربنای نظری، از جمله تحقیقات کمی شمرده می‌شود. جامعه آماری، کلیه دانشجویان ۱۸-۳۵ ساله دانشگاه پیام‌نور تبریز می‌باشد که به صورت داوطلبانه مورد مطالعه قرار گرفته است. با استفاده از فرمول تاباخنیک و فیدل (Tabachnick & Fidell) (۲۰۰۱) که عبارت است از: $N > 50 + 8M$ ، در این پژوهش، باید حداقل ۱۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب می‌شد که به منظور اطمینان بیشتر، نمونه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفت. از این میان، با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، اطلاعات مربوط به ۵۸۹ نفر برای تحلیل نهایی معتبر تشخیص داده شد. تحلیل آماری داده‌های به‌دست آمده در این پژوهش، با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شده است.

ابزارهای پژوهش

الف. مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS) (Depression, Anxiety, Stress Scale (DASS): این مقیاس، مجموعه‌ای از سه مقیاس خودگزارش‌دهی برای ارزیابی حالات عاطفی منفی در افسردگی،

اضطراب و استرس بوده و از ۲۱ ماده تشکیل شده است (فحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵). آنتونی (Antony) و همکاران، با تحلیل عاملی مقیاس مذکور، مجدداً وجود سه عامل افسردگی، اضطراب و استرس را مورد تأیید قرار دادند (همان). نتایج مطالعه اخیر نشان داد که ۶۸ درصد از واریانس کل مقیاس توسط این سه عامل مورد سنجش قرار گرفته و ضرایب آلفا برای این عوامل به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۲ و ۰/۹۵ می‌باشد. سامانی و جوکار با بررسی مختصات روان‌سنجی این مقیاس در ایران، ضرایب آلفای مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس را به ترتیب، برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۴ و ۰/۷۸ گزارش کردند (همان، ص ۳۴۶).

ب. مقیاس رگه فراخلقی (TMMS) (Trait Meta-Mood Scale (TMMS): این مقیاس توسط سالووی و همکاران طراحی گردیده است. یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های خودگزارش‌دهی هوش هیجانی است (خدایی و همکاران، ۱۳۹۰). TMMS از ۳۰ ماده تشکیل شده و شامل سه خرده‌مقیاس توجه به احساسات، تمایز احساسات و بازسازی خلق می‌باشد. سالووی و همکاران (۲۰۰۲)، در سه مطالعه پیمایی، ضرایب آلفای کرونباخ مطلوبی را برای مؤلفه‌های این مقیاس به دست آوردند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۰). خدایی و همکاران (۱۳۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را در جامعه ایرانی ۰/۷۰ به دست آورده‌اند. در مطالعه قربانی و همکاران (۲۰۰۲)، ضرایب آلفای توجه به احساسات، تمایز احساسات و بازسازی خلقی در نمونه ایرانی، به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۷۲ و ۰/۶۵ و در نمونه آمریکایی، به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۵ و ۰/۷۵ بوده است.

ج. مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI) (Spiritual Intelligence Self-Report Inventory (SISRI): این مقیاس، ۲۴ ماده‌ای، توسط کینگ (۲۰۰۸) تدوین گردیده و چهار خرده‌مقیاس تفکر وجودی انتقادی، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هشپاری را می‌سنجد. کینگ، به ترتیب برای خرده‌مقیاس‌های مذکور ضرایب آلفای ۰/۷۸، ۰/۷۸، ۰/۸۷ و ۰/۹۱ را به دست آورده است. ضرایب آلفای کرونباخ، خرده‌مقیاس‌های هوش معنوی در این پژوهش، به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۳، ۰/۶۶ و ۰/۷۴ به دست آمده و نتیجه تحلیل عاملی تأییدی، حکایت از روایی مطلوب آن در جامعه ایرانی دارد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، دامنه سنی افراد مطالعه‌شده از ۱۸ سال تا ۳۵ سال متغیر بوده و از میانگین ۲۲/۶۸ و انحراف استاندارد ۲/۷۸ برخوردار می‌باشد.

در جدول ۱، نتایج حاصل از محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون، بین خرده‌مقیاس‌های حالت‌های هیجانی منفی، هوش هیجانی و هوش معنوی آورده شده است. به طوری که در این جدول مشاهده

می‌شود، افسردگی با بازسازی خلقی ($r = -0/41$ و $P < 0/01$) و معناسازی شخصی ($r = -0/28$ و $P < 0/01$)، بیشترین میزان ارتباط را دارا می‌باشد. اضطراب نیز با تمایز احساسات ($r = -0/28$ و $P < 0/01$)، بازسازی خلقی ($r = -0/28$ و $P < 0/01$) و معناسازی شخصی ($r = -0/17$ و $P < 0/01$)، بالاترین میزان ارتباط را نمودار ساخته است. در این پژوهش، استرس قوی‌ترین ارتباط را با تمایز احساسات ($r = -0/21$ و $P < 0/01$)، بازسازی خلقی ($r = -0/21$ و $P < 0/01$) و معناسازی شخصی ($r = -0/10$ و $P < 0/05$) نشان داده است.

برای برآورد مدل از روش حداکثر احتمال و برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های مجذور خی (X^2)، شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) و باقیمانده مجذور میانگین (RMR) استفاده شده است.

اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد، بیانگر برازش بسیار مناسب است، اما از آنجاکه این شاخص غالباً در نمونه‌های بزرگ‌تر از ۱۰۰ معنادار به دست می‌آید، شاخص مناسبی برای سنجش برازش مدل محسوب نمی‌گردد. چنان‌که شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی، کوچک‌تر از ۳ باشد، برازش بسیار مطلوب را نشان می‌دهد. در صورتی که شاخص‌های GFI، AGFI، CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص‌های RMSEA و RMR، کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، بیانگر برازش بسیار مطلوب و بسیار مناسب به شمار آمده و کوچک‌تر از ۰/۰۸ بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد.

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های حالت‌های هیجانی منفی، هوش هیجانی و هوش معنوی

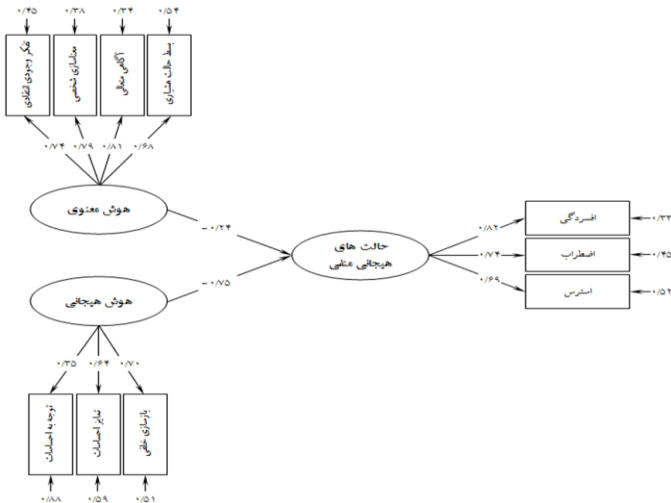
متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
افسردگی												
اضطراب	۰/۵۹**											
استرس	۰/۵۶**	۰/۵۵**										
حالت‌های جانی منفی	۰/۸۶**	۰/۸۴**	۰/۸۳**									
تفکر وجودی انتقادی	-۰/۰۹*	-۰/۰۳*	۰/۰۲	-۰/۰۳*								
معناسازی شخصی	-۰/۲۸**	-۰/۱۷**	-۰/۱۰*	-۰/۲۲**	۰/۵۷**							
آگاهی متعالی	-۰/۲۰**	-۰/۱۴**	-۰/۰۹*	-۰/۱۷**	۰/۶۱**	۰/۶۲**						
بسط حالت هشیاری	-۰/۱۰*	-۰/۱۰*	-۰/۰۶*	-۰/۱۰*	۰/۴۷**	۰/۵۵**	۰/۵۶**					
کل مقیاس هوش معنوی	-۰/۲۰**	-۰/۱۲**	-۰/۰۶*	-۰/۱۵**	۰/۸۳**	۰/۸۲**	۰/۸۶**	۰/۷۷**				
توجه به احساسات	-۰/۱۷**	-۰/۱۱**	-۰/۰۴*	-۰/۱۳**	۰/۸۸**	۰/۸۸**	۰/۱۷**	۰/۰۷*	۰/۱۹**			
تمایز احساسات	-۰/۳۳**	-۰/۲۸**	-۰/۲۱**	-۰/۳۴**	۰/۲۱**	۰/۲۷**	۰/۳۰**	۰/۲۱**	۰/۳۳**	۰/۲۶**		
بازسازی خلقی	-۰/۴۱**	-۰/۲۹**	-۰/۲۱**	-۰/۳۶**	۰/۳۳**	۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۲۸**	۰/۴۲**	۰/۳۳**	۰/۴۵**	
کل مقیاس هوش هیجانی	-۰/۴۰**	-۰/۲۹**	-۰/۱۹**	-۰/۳۵**	۰/۳۱**	۰/۴۳**	۰/۳۴**	۰/۲۲**	۰/۴۰**	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۲۹**

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل ارائه شده در پژوهش

شاخص می‌جذور خمی (X2)	۱۰۶/۲۷
شاخص می‌جذور خمی (X2)	۱۰۶/۲۷
شاخص نسبت می‌جذور خمی بر درجه آزادی (X2/df)	۳/۴۲
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۷
شاخص نیکویی برازش تطبیقی (AGFI)	۰/۹۴
شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۶
خطای ریشه می‌جذور میانگین تقرب (RMSEA)	۰/۰۶
باقیمانده برازش یافته (RMR)	۱/۸۴
باقیمانده استاندارد شده برازش یافته (Standardized RMR)	۰/۰۴

همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است، شاخص‌های GFI، AGFI، CFI و RMR استاندارد شده بر برازش بسیار مطلوب و بسیار مناسب دلالت داشته و شاخص‌های RMSEA و RMR برازش مطلوب و مناسب مدل برآورد شده را تأیید می‌کنند. بر مبنای شاخص نسبت می‌جذور خمی بر درجه آزادی، برازش مدل چندان رضایت‌بخش تفسیر نمی‌شود. در مجموع، می‌توان برازش مدل ارائه‌شده را مطلوب ارزیابی کرد.

شکل ۱. بارهای استاندارد شده مدل مسیر برای کل نمونه



در شکل ۱، بارهای استاندارد شده مدل مسیر برای کل نمونه آمده است. مدل‌های مسیر به‌طور خلاصه نشان می‌دهند که، در مجموع، هوش معنوی ($t = -2/91$ و $\gamma = -0/24$) و هوش هیجانی ($t = -6/23$) و $t = -0/75$) با حالات هیجانی منفی ارتباط معکوس دارند.

نتیجه‌گیری

اهمیت نشانگان افسردگی، اضطراب و استرس به عنوان رایج‌ترین حالات هیجانی ناخوشایند، به گونه‌ای ملموس قابل تصور بوده و علی‌رغم پیشرفت‌های سبب‌شناختی و درمانی صورت گرفته، همچنان شواهد پژوهشی و بالینی از وجود آمار ابتلاء بالا در این زمینه حکایت دارند. اگرچه حوزه پژوهش در زمینه، اختلالات خلقی و اضطرابی همواره فعال بوده است، اما برای فاصله گرفتن از وضعیت موجود و برداشتن گامی رو به جلو در قلمرو بهداشت روانی، بررسی چیدمان‌ها و ترکیب‌های مختلفی از عوامل اثرگذار بر نشانگان مذکور و واکاوی آنها در قالب مدل‌های نظری پویاتر، ضرورت پیدا می‌کند. این پژوهش، با همین هدف به مدل‌یابی در خصوص نقش دو عامل هوش هیجانی و هوش معنوی در میزان حالات هیجانی منفی پرداخته است.

در این پژوهش، مدل فرضی تدوین شده در حد مطلوبی با داده‌های تجربی برازش داشته و با یافته‌های حاصل از مطالعات دیگر در یک راستا قرار دارد. مسیرهای مربوط به ارتباط هوش هیجانی و هوش معنوی، با حالات هیجانی منفی معنادار بوده و از جهتی معکوس برخوردار می‌باشد. چنان‌که الکینز و کاوندیش (۲۰۰۴) عنوان می‌کنند، هوش هیجانی و هوش معنوی لازم و ملزوم یکدیگر بوده و برخورداری از سطوح بالاتر آنها، موجب مقابله و کنار آمدن کارآمد با هیجان‌های ناخوشایند می‌شود.

هوش هیجانی، که با مقیاس رگه‌های فراخلقی اندازه‌گیری می‌شود، شامل مؤلفه‌های توجه به احساسات، تمایز احساسات و بازسازی خلق می‌باشد. در این پژوهش، ارتباط توجه به احساسات با هر دو دسته از نشانگان افسردگی و اضطراب معنادار به دست آمده است. افرادی که از توانایی اندکی در توجه به احساسات برخوردارند، در برخورد با دیگران و شناخت عواطف خود و دیگران دچار خطای شناختی بیشتری شده و عواطف منفی بیشتری را تجربه می‌کنند. این افراد، با احتمال بیشتری دچار حالت‌های هیجانی منفی مانند خشم، اضطراب و افسردگی می‌شوند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۰).

واتسون و پروسر (Prosser) (۲۰۰۷)، اعتقاد دارند توجه به احساسات گامی حیاتی و حساس در تنظیم عاطفی محسوب می‌شود؛ زیرا به منظور مدیریت (مثلاً تشدید، تحمل، مهار یا احتراز) هیجان‌ها، در ابتدا باید از آنها آگاهی یافت. بدون آگاهی، شخص امکان دسترسی به هیجان‌های خود را نداشته و در نتیجه، نمی‌تواند به گونه‌ای انطباقی آنها را مدیریت نماید.

تمایز احساسات، دومین مؤلفه هوش هیجانی معکوس و معناداری با نشانگان افسردگی، اضطراب و استرس نشان داده است. مهم‌ترین ویژگی این مؤلفه، تسهیل هیجانی می‌باشد. تسهیل هیجانی شامل توسعه عواطف جهت تسهیل در امر تصمیم‌گیری، تسهیل روند حل مسئله و خلاقیت است. در این شاخه، هیجان‌ها به عنوان منابع اطلاعاتی و انگیزشی وارد نظام شناختی شده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب، افراد می‌توانند از حالات هیجانی و اثرات آن جهت رسیدن به اهداف مطلوب استفاده کنند. بنابراین، افراد با سبک پردازش اطلاعاتی غمگین محیط را بیشتر خصمانه ارزیابی کرده و در نتیجه، بیشتر دست‌خوش افسردگی، یاس و ناامیدی می‌شوند (خدایی و همکاران، ۱۳۹۰).

اسوینکلز و گیولیانو (Swinkels & Giuliano) (۱۹۹۵)، طی مطالعه‌ای دریافتند، افرادی که قادر به تعریف دقیق خلق خود هستند، در مقایسه با افرادی که بیشتر بر شدت خلق خود نظارت دارند، به لحاظ شخصیت، عاطفه و تنظیم خلق متفاوت می‌باشند. آنها به این نتیجه دست یافتند، افرادی که خلق خود را برچسب زنی می‌کنند، در مقایسه با افرادی که به نظارت‌گری خلق خود می‌پردازند، تمایل بیشتری به جست‌وجو و دریافت حمایت اجتماعی داشته، برون‌گراتر بوده، تجارب عاطفی مثبت بیشتری به دست آورده، از سطوح عزت‌نفس بالاتری برخوردار بوده، اضطراب اجتماعی کمتری تجربه کرده و در نهایت، از زندگی خود رضایت بیشتری دارند. در مقابل، افرادی که نظارت‌گر خلق خود هستند، حالت‌های عاطفی شدیدتری را نسبت به آنان که خلق خود را برچسب زنی می‌کنند، گزارش کرده‌اند. افزون بر این، این مطالعه حاکی از این است، رفتارهای افرادی که در گروه «خلق نظارت‌گر» قرار گرفته بودند، بیشتر از رفتارهای گروه «خلق برچسب زن» تحت تأثیر نامطلوب خلق‌هایشان قرار داشته و این افراد در تنظیم خلق خود نسبت به هم‌تایانشان موفقیت کمتری را تجربه کرده‌اند.

در مطالعه *بارت (Barrett)* و همکاران (۲۰۰۱) نیز به بررسی ارتباط بین تمایز هیجانی و تنظیم عاطفی پرداخته شده است. محققان با بررسی دفترچه یادداشت رویدادهای روزانه شرکت‌کنندگان، به تعیین سطوح تمایز هیجانی آنها پرداخته و این سطوح را با میزان تنظیم هیجانی گزارش شده از سوی شرکت‌کنندگان مقایسه کردند. نتایج حکایت از این دارد که تمایز هیجانی با افزایش تنظیم هیجان‌های منفی در اثر استفاده از راهبردهای تنظیم‌گری ارتباط دارد. اگرچه یافته‌های این پژوهش در مورد هیجان‌های مثبت چشم‌گیر نیست، اما گویای آن

است که هیجان‌های منفی بیشتر از هیجان‌های مثبت مورد تنظیم قرار می‌گیرند. به هر حال نتایج پژوهش بارت و همکاران نشان می‌دهد که تمایز هیجانی به گونه‌ای مثبت با توانایی تعدیل عواطف در ارتباط است.

در این مطالعه، حالت‌های منفی هیجان از میان رگه‌های فراخلی، قوی‌ترین روابط را با بازسازی خلق نشان داده است. افرادی که قادر به بازسازی خلق خود هستند، می‌توانند با تأمل بر تجارب هیجانی خود، به طرح و حل پرسش‌هایی در پیرامون تجارب هیجانی و روشن‌سازی معنای تجارب عاطفی خود بپردازند (واتسون و پروسر، ۲۰۰۷). افراد به دلیل بررسی توأم با تفکر، می‌توانند احساسات و رفتارهای هیجانی خود را مورد کنکاش قرار داده و در نتیجه، ادراکات و پاسخ‌های جدیدی برای خود، سایر افراد و موقعیت‌های استرس‌زا به دست آورند (واتسون و رنی (Rennie)، ۱۹۹۴).

یک نکته کلیدی که درباره نقش تفکر در فرایند تنظیم هیجان وجود دارد، این است که تفکر دانش خود تجربی عمیقی را پرورش می‌دهد. به ویژه تعمق به تجارب هیجانی این اجازه را می‌دهد که بسیار آسان‌تر جذب دیدگاه‌های فرد از خود و جهان شده و در نتیجه، تلاش‌های تنظیم عاطفی را تسهیل می‌کند (واتسون، ۱۹۹۶). به طور خلاصه، داشتن ظرفیت بازسازی خلق فرد را پس از تجربه رویدادهای ناخوشایند زندگی در بازگشت به شرایط عادی یاری می‌رساند. این توانایی، موجب احساس تسلط بیشتر فرد بر امورات تنش‌زا شده و گذار سریع و کم‌هزینه او از دشواری‌ها را ممکن می‌سازد.

این پژوهش نشان می‌دهد، ارتباط حالت‌های هیجانی منفی و هوش معنوی، از مسیر معناداری برخوردار است. این یافته با نتایج مطالعات دیگر نیز همسو می‌باشد. با توجه به اینکه هوش معنوی توانایی بهره‌برداری از سرمایه‌ها و منابع معنوی برای حل مشکلات و افزایش کیفیت زندگی محسوب می‌شود، می‌توان نقش آن را در غلبه بر حالت‌های هیجانی ناخوشایند توجیه کرد.

اولین مؤلفه هوش معنوی، به تعبیری که در مدل کینگ مطرح است، تفکر وجودی انتقادی می‌باشد. در این پژوهش، تفکر وجودی انتقادی با نشانگان افسردگی رابطه معناداری داشته است. افرادی که از نظر بعد تفکر وجودی انتقادی در سطحی بالا قرار دارند، با درک بهتر مبدأ و مقصد حیات بشر و جهان، موقعیت‌های استیصال‌آور را با رویکردی منطقی‌تر تحلیل می‌کنند. برخوردار از چنین تفکری، به هدف‌گزینی متعالی‌تر در زندگی منجر شده، مقاومت فرد را در برابر ناملایمات روزمره زندگی بالا می‌برد.

از بین ابعاد چهارگانه هوش معنوی، بُعد معناسازی شخصی قوی‌ترین ارتباط را با نشانگان افسردگی، اضطراب و استرس نشان داده است. یافته اخیر، با تبیین کینگ (۲۰۰۸) همسویی دارد. یافتن معانی ژرف در پس ظواهر مادی، درک حقیقت پایدار در ورای حقیقت‌های ناپایدار، درک این رسالت مهم که شخص باید در جهت حقیقت پایدار گام بردارد، فرد را از جهت‌گیری مطلوب‌تری در زندگی برخوردار می‌سازد. افرادی که از ظرفیت بالایی در معناسازی شخصی برخوردارند، با گذار منطقی از ظواهر رویدادها و اجتناب از جزم‌اندیشی، حالت‌های ناخوشایند هیجانی را انطباقی‌تر پشت سر می‌گذارند. یافتن و داشتن معانی عمیق در زندگی، از غرق‌شدن فرد در پوچی و روزمرگی ممانعت کرده و او را در مسیر فعالیت‌های سازنده، هدفمند و استوار نگاه می‌دارد.

در این پژوهش، دو بعد دیگر هوش معنوی یعنی آگاهی متعالی و بسط حالت هشپاری هر دو با اضطراب و افسردگی ارتباط معناذاری نشان می‌دهند. این نتیجه، در مطالعات دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته است. تجربه اوج و داشتن حالات هشپاری متعالی، از جمله مواردی است که در روان‌شناسی انسان‌گرا، بخصوص در کارهای راجرز و مازلو مورد توجه واقع شده است. به طور خلاصه، چنین استنباط می‌شود که داشتن ظرفیت معنوی بالا، به معنای برخورداری از توان ادراک جنبه‌های متعالی و فرامادی خود و دیگران و توان دستیابی به تجارب اوج در انسان، میزان آسیب‌پذیری او را در برابر نشانگان افسردگی و اضطراب کاهش می‌دهد.

به‌طورکلی، در این مطالعه علی‌رغم اینکه هوش هیجانی و هوش معنوی از مسیر معناذاری در ارتباط با حالات هیجانی منفی برخوردار بودند، اما نقش هوش هیجانی در تبیین میزان نشانگان بررسی شده قوی‌تر از هوش معنوی به دست آمد. به نظر می‌رسد، در این خصوص توجه به دو متغیر سن و جنس لازم است. تمایل به معنویت با افزایش سن رشد می‌کند و جنس نیز می‌تواند هوش معنوی را تحت تأثیر قرار دهد. یونگ معتقد است: در بسیاری از افراد پس از ۳۵ سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در فرایند معنویت و هوش معنوی اثرگذار باشند. همچنین بعضی از محققان از جمله یونگ معتقدند: در زنان این تحولات با مردان ممکن است متفاوت باشد (حسینیان و همکاران، ۱۳۹۰). ازاین‌رو، در این پژوهش، می‌توان علت کم‌رنگ بودن نقش هوش معنوی در تبیین حالات هیجانی منفی را در پایین بودن سن افراد شرکت‌کننده دانست.

یافته‌های این مطالعه از برازش مطلوب مدل فرضی با داده‌های تجربی حکایت داشته و نشان می‌دهد که هوش هیجانی و هوش معنوی نقشی قابل اعتماد در تبیین حالات هیجانی منفی ایفا می‌کنند. بر این اساس، با توجه به محدودیت‌هایی که یافته‌های حاصل از این مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پیشنهاد می‌شود مدل بررسی شده در بازه سنی بالای ۳۵ سال نیز مورد مطالعه قرار گرفته و با مدل مربوط به افراد زیر ۳۵ سال مقایسه گردد. علاوه بر این، در مطالعه هوش معنوی و هوش هیجانی به عنوان عوامل محافظتی در برابر اختلالات عاطفی و هیجانی، استفاده از روش‌های عمقی تر مؤثر به نظر می‌رسد.

منابع

- حسینیان، سیمین و همکاران، ۱۳۹۰، «پیش‌بینی کیفیت زندگی معلمان زن بر اساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی»، *مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره سوم، ش ۹، ص ۴۲-۶۰.
- خدایی، علی و همکاران، ۱۳۹۰، «پنج عامل شخصیت و هوش هیجانی در مردان معتاد و غیر معتاد»، *روان‌شناسی*، سال پانزدهم، ش ۵۷، ص ۴۰-۵۷.
- فتحی آشتیانی، علی و محبوبه داستانی، ۱۳۸۸، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- Abdul Rani, & et al, 2013, The Impact of Spiritual Intelligence in Reducing Job Stress: Case Studies in Malaysia University of East Coast of Malaysia, *The Macrotheme Review*, v. 2 (4), p. 183-192.
- Baetz, & et al, 2006, How Spiritual Values and Worship Attendance Relate to Psychiatric Disorders in the Canadian Population, *Can J Psychiatry*, v. 51 (10), p. 654-661.
- Barrett, L. F, & et al, 2001, Knowing what you're feeling and knowing what to do about it: Mapping the relation between emotion differentiation and emotion regulation, *Cognition & Emotion*, v. 15 (6), p. 713-724.
- Boussiakou, L.G, & et al, 2006, Student development using emotional intelligence, *World Transaction on Engineering and Technology Education*, v. 5 (1), p. 54-58.
- Carr, A, 2004, *Positive Psychology: The science of happiness and human strength*, New York: Brunner-Rutledge.
- Connor, K. M, & et al, 2003, Spirituality, resilience, and anger in survivors of violent trauma: a community survey, *Journal of Traumatic Stress*, v. 16, N. 5, p. 487-494.
- Davis, K.S, & Humphrey, N, 2012, Emotional intelligence as a moderator of stressor-mental health relations in adolescence: Evidence for specificity, *Personality and Individual Differences*, v. 52, p. 100-105.
- Desrosiers, A, & Miller, L, 2007, Relational spirituality and depression in adolescent girls, *Journal of Clinical Psychology*, v. 63, N. 10, p. 1021-1037.
- Doolittle, & et al, 2004, The association between spirituality and depression in an Urban clinic, *Primary Care Companion to the Journal of Clinical Psychiatry*, v. 6, N. 3, p. 114-118.
- Elkins, M, & Cavendish, R, 2004, Developing a plan for pediatric spiritual care, *Holistic Nursing practice*, v. 18 (4), p. 179-186.
- Ghorbani, N, & et al, 2002, Emotional intelligence in cross-cultural perspective: Construct similarity and functional dissimilarity in higher order processing in Iran and the United States, *International Journal of Psychology*, v. 37 (5), p. 297-308.
- Glas, G, 2007, Anxiety, anxiety disorders, religion and spirituality, *Southern Medical Journal*, v. 100, N. 6, p. 621-625.
- Gohm, C.L, & et al, 2005, Emotional intelligence under stress: Useful, unnecessary or irrelevant? *Personality and Individual Differences*, v. 39, p. 1017-1028.

- Johnson, K.S, & et al, 2011, Which domains of spirituality are associated with anxiety and depression in patients with advanced illness? *Journal of General Internal Medicine*, v. 26, N. 7, p. 751–758.
- King, D.B, 2008, *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model, and measure*, Unpublished Master's Thesis, Trent University, Peterborough, Ontario, Canada.
- King, & et al, 2009, A Viable Model and Self-Report Measure of Spiritual Intelligence, *International Journal of Transpersonal Studies*, v. 28, p. 68-85.
- Koenig, H. G, 2009, Research on religion, spirituality, and mental health: a review, *Canadian Journal of Psychiatry*, v. 54, N.5, p. 283–291.
- Krejci, M.J, & et al, 2004, Sexual trauma, spirituality, and psychopathology, *Journal of Child Sexual Abuse*, v. 13, N. 2, p. 85–103.
- Martin, S.A, & et al, 2010, A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional Intelligence and health, *Personality and Individual Differences*, v. 49, p. 554–564.
- Maselko, J.S, & et al, 2009, Religious service attendance and spiritual well-being are differentially associated with risk of major depression, *Psychological Medicine*, v. 39, N. 6, p. 1009–1017.
- Mayer, J. D, & Salovey, P, 1990, Emotional intelligence, *Imagination, cognition and personality*, v. 9, p. 185-211.
- Mayer, J. D, & et al , 2000, *Emotional intelligence as zeitgeist, as personality, and as a mental ability*, In R, Bar-on., & J. D. A, Parker, The handbook of emotional intelligence: theory, development, assessment, and application at home, school, and in the work place (pp.92-117), San Francisco: Jossey-Bass.
- Miller, L, & et al, 2012, Religiosity and major depression in adults at high risk: a ten-year prospective study, *American Journal of Psychiatry*, v. 169, N. 1, p. 89–94.
- Nelson, C.J, & et al, 2002, Spirituality, religion and depression in the terminally ill, *Psychosomatics*, v. 43, N. 3, p. 213–220.
- Salovey, P & Grewal, D, 2005, The science of emotional intelligence, *Curr Dir Psychol Sci*, v. 14, p. 281-25.
- Siu, Angela F.Y, 2009, Trait emotional intelligence and its relationships with problem behaviour in Hong Kong adolescents, *Personality Individual Different*, v. 47, p. 553-557.
- Sommer, j. M, & et al, 2006, Prevalence and incidence studies of anxiety disorders, a systematic literature. Canadian, *Journal of psychiatry*, v. 5 (2), p. 100-113.
- Swinkels, A, & Giuliano, T. A, 1995, The measurement and conceptualization of mood awareness: Monitoring and labelling one's mood states, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 21 (9), p. 934-949.
- Tabachnick, B, & Fidell, L, 2001, *Using multivariate statistics*, Boston, MA: Allyn and Bacon.

- Watson, J. C, 1996, The relationship between vivid description, emotional arousal, and in-session resolution of problematic reactions, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. 64 (3), p. 459-464.
- Watson, J. C, & Prosser, M, 2007, *Beyond rapport: How therapist empathy contributes to outcome in the treatment of depression*, Paper presented at the Society for Psychotherapy Research Conference, Madison, Wisconsin.
- Watson, J. C, & Rennie, D. L, 1994, A qualitative analysis of client's subjective experience of significant moments during the exploration of problematic reactions, *Journal of Counselling Psychology*, v. 41, p. 500-509.
- Yee Ho, & et al, 2013, The moderating role of emotional stability in the relationship between exposure to violence and anxiety and depression, *Personality and Individual Differences*, v. 55, p. 634-639.
- Carr, A, 2004, *Positive Psychology: The science of happiness and human strength*, New York: Brunner-Routledge.
- Salovey, P & Grewal, D, 2005, The science of emotional intelligence, *Curr Dir Psychol Sci*, v. 14, p. 281-25.
- Martin, S.A, & et al, 2010, A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional Intelligence and health, *Personality and Individual Differences*, v. 49, p. 554-564.

پیش‌بینی بلوغ شغلی بر اساس سبک‌های هویت و دین‌داری در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

t.madanifar@gmail.com

کتب طیبیه مدنی‌فر / کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه علامه طباطبائی
کیومرث فرح‌بخش / استادیار مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی
محمود گلزاری / استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی
مرزبیه مدنی‌فر / کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه علامه طباطبائی
دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و دین‌داری با بلوغ شغلی در میان دانشجویان بود. بدین منظور، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه سبک‌های هویت (ISI-6G) برزونسکی (۱۹۹۸)، عمل به باورهای دینی (معد) گلزاری (۱۳۷۹) و بلوغ شغلی ساویکاس و پرفلی (۲۰۱۱) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سبک‌های هویت و دین‌داری، با بلوغ شغلی در سطح $p < 0/01$ رابطه مثبت معنادار وجود دارد. تعهد هویت پیش‌بینی‌کننده اصلی (به‌صورت مثبت) و سبک هویت سردرگم/اجتنابی پیش‌بینی‌کننده (به‌صورت منفی) برای بلوغ شغلی است. دین‌داری در بعد انجام واجبات، بلوغ شغلی را پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، سبک هویت هنجاری و تعهد هویت، سهم بالایی در پیش‌بینی دین‌داری و ابعاد آن به‌صورت مثبت دارند. از یافته‌های این تحقیق می‌توان راهبردهایی جهت غنابخشی به وضعیت هویتی جوانان از طریق تعمیق باورهای دینی و نیز آموزش و کمک به ارتقای سطح بلوغ شغلی آنان استخراج نمود.

کلیدواژه‌ها: بلوغ شغلی، دین‌داری، سبک‌های هویت، دانشجویان.

هویت و تشکیل آن، یکی از مسائل مهم در زندگی هر انسانی است که معمولاً از سن نوجوانی با آن روبه‌رو می‌شود. هویت یعنی کسب شناخت از خود و پذیرفتن خویش از طریق تلاش برای پاسخ به سؤالاتی چون من کیستم، از کجا آمده‌ام، جایگاهم کجاست، چه هدفی در این دنیا دارم و غیره. بنابراین، بخشی از «خود»، که به این پرسش پاسخ می‌دهد، هویت فرد است (امیدیان، ۱۳۷۸، ص ۱۹). سونسس و همکاران (۲۰۰۵)، مفهوم هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌دانند و معتقدند هر فرد، فرضیاتی دربارهٔ خودش دارد که آنها را در تعامل با جهان فیزیکی و اجتماعی تجربه‌شده، ادغام کرده و یک ساختار مفهومی از خود ترسیم می‌کند. براساس دیدگاه برزونسکی (۱۹۹۰)، انسان‌ها به شیوه‌های متفاوتی به نظریه‌پردازی راجع به خویشتن می‌پردازند؛ یعنی در چگونگی مواجهه و پردازش اطلاعات، اتخاذ تصمیم‌ها و حل تعارضات مرتبط با هویت، با هم تفاوت دارند و به شیوه‌های گوناگون به تشکیل هویت می‌پردازند. این شیوه‌ها، به سبک‌های هویت معروف، و عبارتند از: سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، و سبک سردرگم/اجتنابی.

افرادی که از شیوه اطلاعاتی استفاده می‌کنند، اطلاعات مدار هستند و همواره به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود پرداخته، و آنها درگیر یک فرایند خودکاو‌شگری فعال هستند. این افراد دارای سطوح بالایی از پیچیدگی شناختی، آمادگی برای تصمیم‌گیری، نیاز بالا به کسب شناخت و اطلاعات، استفاده از راهبرد مقابله مسئله‌مدار و استقلال هستند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۳).

سبک هویت هنجاری را جوانانی به کار می‌گیرند که انتظارات و ارزش‌های مراجع قدرت و دیگر افراد مهم زندگی خود (مثل والدین) را درونی می‌کنند و با آن هماهنگ می‌شوند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۷). آنها دائماً تلاش می‌کنند تا ساختارهای مربوط به خود را که از قبل موجود است، حفظ کنند و در مقابل تهدید این ساختارها، از طریق پاسخ‌های قالبی به دفاع بپردازند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). تحقیقات نشان می‌دهد که جوانان با سبک هویت هنجاری، دارای تعهد پایدار و محکمی هستند و از سطوح بالای وظیفه‌شناسی برخوردارند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۳).

جوانان با سبک سردرگم/اجتنابی، برای اجتناب از تعارض‌های شخصی در حیطه هویتی‌شان، مرتب در تلاش هستند و تصمیم‌گیری‌ها را تا زمان فرارسیدن یک الزام موقعیتی به تأخیر می‌اندازند. به‌طور مداوم رفتارها و نظرات خود را مطابق با تقاضا و الزامات اجتماعی تغییر می‌دهند، بدون اینکه ساختار هویت خود را اصلاح کنند. اصلاحاتی هم که به‌صورت فعالیت‌های رفتاری و یا حتی هم‌نوایی شفاهی

انجام می‌دهند، آنی و زودگذر است. چنین راهبردهایی احتمالاً به یک ساختار هویت پراکنده منجر می‌شود که به صورت بی‌هدف و ناپایدار یا اتفاقی یکپارچه شده است (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۷).

از مسائل اساسی تشکیل‌دهنده هویت هر انسانی، داشتن تعریفی از خود، معنای وجودی و داشتن هدف در زندگی است. با نگاهی اجمالی به معارف دینی، مشاهده می‌شود که یکی از کارکردهای اصلی دین در زندگی، ارائه جهان‌بینی الهی و تبیین معنا و هدف نهایی زندگی است؛ رویکردی که غایت مسیر حرکت انسان را نشان می‌دهد (جوادزاده، ۱۳۸۳، ص ۶۰). باورها و اعمال دینی از قبیل توکل به خداوند، دعا و زیارت، احساس تعلق و توسل بر ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و ترسیم مبدأ و مقصد زندگی یک انسان کامل، ارزش مثبتی در ایجاد معنی در زندگی افراد دارد (حمید و همکاران، ۱۳۹۲).

قرآن در باب معنای زندگی، همانند سایر ادیان توحیدی، بر هدفداری آفرینش انسان و جهان تأکید می‌کند. آیات فراوانی از قرآن بیانگر این موضوع است (بقره: ۱۶۴؛ آل‌عمران: ۱۹۰-۱۹۱؛ یونس: ۶۷؛ ذاریات: ۵۶-۵۷؛ انشقاق: ۶؛ طور: ۳۵؛ حدید: ۲۱ و احقاف: ۳). برای نمونه، در آیه ۵۶ سوره ذاریات خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». در این آیه، هدف از آفرینش انسان، عبادت و دینداری دانسته شده است. در نگاه اسلام، عبادت معبود، هدف اصلی زندگی است و اهداف دیگر برای این هدف جنبه مقدماتی دارند. در واقع، هدف از آفرینش انسان، رسیدن به مرتبه عبودیت الهی و رها شدن از ظلمت‌ها و تاریکی‌هاست. در این راستا، کسب علم و دانش، تلاش برای کسب و کار، و تحقق سایر اهداف زندگی، همگی در سایه این هدف بزرگ معنا و جهت می‌یابد.

انسان دیندار با ایمان به معناداری زندگی، ابتدا هدف و معنای زندگی را درمی‌یابد، سپس برای دستیابی به آن می‌کوشد. در نتیجه، هیچ‌گاه به پوچی و بطلت نمی‌رسد و دچار سردرگمی و اضطراب نمی‌شود و می‌کوشد هنگام لقای پروردگار، نتیجه خوبی را برداشت کند (نظرنژاد و تادوانی، ۱۳۸۹). بنابراین، برای یک فرد مسلمان، پاسخ به پرسش‌های اساسی هویت و دریافت معنا و هدف زندگی توسط دین فراهم می‌شود و فرد بر اساس همان نگاه پیش‌رفته و سایر مسائل هویتی خود را حل می‌کند. از سوی دیگر، دین اسلام به دلیل جامعیت خود، این امتیاز را دارد که به‌طور دقیق و روشنی در ابعاد گوناگون زندگی انسان وارد شده و رهنمودها و توصیه‌هایی را ارائه دهد تا مسیر کلی حرکت انسان مشخص شده و دستیابی به پاسخ‌های مسائل هویت را جهت می‌بخشد (مدنی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

از این‌رو، می‌توان گفت: دین‌داری و عمل به باورهای دینی، غیر از آنکه بیانگر میزان تعهد افراد است، به آنان کمک می‌کند تا از بحران هویت نجات یابند و با تعیین سبک هویتی مطلوب، در

تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله تصمیمات شغلی موفق ظاهر شوند. همچنین از آنجا که اغلب افراد مقید به مسائل مذهبی از تعهد بالایی نسبت به وظایف و مسئولیت‌های دینی و اجتماعی خود برخوردارند، انتظار می‌رود در برابر سایر جنبه‌های زندگی خویش نیز مانند انتخاب شغل، متعهد و احساس مسئولیت نمایند.

از لحاظ مفهومی، بلوغ شغلی، تحقق موفقیت‌آمیز وظایف رشدی در حین زنجیره مداومی از مراحل زندگی است. بر این اساس، سویر معتقد است: افراد مشاغل متناسب با عقاید و پندارشان درباره خویشتن را انتخاب می‌کنند (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۴). زمانی که تجارب مربوط به آگاهی از دنیای کار گسترده‌تر می‌شود، خودپنداره شغلی پخته‌تری شکل می‌گیرد که این مفهوم متناظر با سبک هویت اطلاعاتی در دیدگاه برزونسکی است (زونکر، ۲۰۰۶، ص ۹۵). از این رو، می‌توان گفت: یکی از عوامل مؤثر در دستیابی بلوغ شغلی، شکل‌گیری هویت و خودپنداره است. به عبارت دیگر، افراد با توجه به شناختی که از خود، توانایی‌ها، اهداف و به‌طور کلی خودپنداره خویشتن دارند، اقدام به بررسی و انتخاب شغل می‌کنند.

ساویکاس (۲۰۰۱)، بلوغ شغلی را آمادگی افراد برای انتخاب شغل، تصمیمات شغلی متناسب با سن و برآمدن از عهده تکالیف رشدی می‌داند. وی نظریه ساختار حرفه‌ای را به‌عنوان یک مدل سازگاری شغلی ارائه کرده است. این نظریه، سازگاری شغلی را به‌عنوان یک سازه چندبعدی تعریف می‌کند که مشخصه اصلی آن، آمادگی روانی افراد و کسب توانمندی برای کنار آمدن با وظایف بهبود شغل در زمان حال یا آینده، کنار آمدن با تحولات شغلی و نیز آسیب‌هایی است که محیط کار ممکن است به افراد وارد آورد (ساویکاس و پرفلی، ۲۰۱۱).

براساس این نظریه، چهار عامل اساسی برای اندازه‌گیری بلوغ شغلی وجود دارد: دغدغه برای انتخاب شغل، مشورت‌خواهی، کنجکاوی و اعتماد به نفس که نمره افراد در این مقیاس‌ها، تعیین‌کننده میزان بلوغ شغلی و پختگی آنان در انتخاب شغل مناسب است. افراد در این مرحله باید وظایف انتخاب شغل خود را بر عهده گیرند؛ نسبت به آینده خود دغدغه داشته؛ همراه با یک سبک تصمیم‌گیری مبتنی بر مشورت‌خواهی و یا مستقل، کنجکاوانه به آزمایش ظرفیت‌های شخصی، کشف فرصت‌های اجتماعی پرداخته، همواره در طی این مسیر، اعتماد به نفس کافی برای طرح‌ریزی شغلی در آینده و واقعی ساختن برنامه‌های خود داشته باشند (همان).

با بررسی‌های اجمالی در میان تحقیقات صورت‌گرفته تاکنون، موردی که به بررسی ارتباط هر سه متغیر پژوهش حاضر بپردازد، مشاهده نشد. اما از جمله تحقیقات صورت‌گرفته در حوزه دین‌داری و

مسائل شغلی، می‌توان به پژوهش‌های بین‌برنج و هاج (۱۹۸۲)، رسولی و همکاران (۱۳۹۲)، لاین و همکاران (۲۰۰۹) اشاره نمود که همگی مؤید نقش مثبت معنویت و دین‌داری در محیط کار و کسب مهارت‌های شغلی است. در این میان، مرتبط‌ترین این تحقیقات، پژوهشی کیفی است که دافی (۲۰۰۶) پیرامون معنویت، دین و رشد شغلی انجام داده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد، علی‌رغم تفکر غالب در جامعه، که مشاور نباید در فرایند مشاوره، جهت‌گیری خاصی نسبت به باورهای دینی و مذهبی مراجع داشته باشد، بهتر است مشاور نسبت به رویکرد و عقاید دینی مراجع برخوردی باز داشته باشد و در صورت مواجهه با مراجع دارای عقاید مذهبی قوی، باورهای وی را در فرایند مشاوره مهم شمارد. کنستانتین و همکاران (۲۰۰۶) نیز با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، به پژوهش پیرامون بررسی نقش دین و معنویت بر روی رشد شغلی دانشجویان پرداختند و بیان می‌کنند که عقاید دینی و معنوی دانشجویان و انجام مشاوره با رویکرد استفاده از این مفاهیم، نه‌تنها می‌تواند آنها را برای هدف‌گذاری رهیافت‌های فعلی‌شان به‌منظور انتخاب شغل کمک کند، بلکه می‌تواند آنها را در مفهوم‌بخشی به تصمیم‌سازی شغلی در همه دوران‌های زندگی یاری رساند.

در حوزه ارتباط هویت و بلوغ شغلی نیز تحقیقات زیادی صورت گرفته است؛ از جمله، مرتبط‌ترین آنها می‌توان به پژوهش سلامی (۲۰۰۸) اشاره نمود. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که وضعیت هویت به‌طور معناداری بر روی بلوغ شغلی دانشجویان مؤثر است. برای نمونه، نمرات بالاتر در سبک‌های هویت موفق و دیررس، نمرات بالاتر در بلوغ شغلی را نشان دادند و نمرات بالاتر در وضعیت هویت معشوش، نمرات پایین‌تری را در بلوغ شغلی نتیجه می‌دهد. سلیمانیان و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی که بر روی دانشجویان انجام دادند، دریافتند که بین سبک هویت اطلاعاتی و رشد شغلی ارتباط مثبت و معنادار و بین سبک هویت سردرگم و رشد شغلی، ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. همچنین سبک هویت اطلاعاتی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای رشد شغلی محسوب می‌شود. علاوه بر این، نتایج تحقیقات دیگر نیز مؤید وجود رابطه بین سبک‌های هویت و بلوغ شغلی است.

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهشگران و مشاوران عرصه شغلی، باید بکوشند تا با توجه به وضعیت فعلی جامعه، نرخ آمار بیکاری، نارضایتی بسیاری افراد از موقعیت شغلی که در آن قرار گرفته و احساس می‌کنند متعلق به آن جایگاه نیستند و جوانانی که مدام شغل خود را عوض می‌کنند، هرچه بیشتر جهت کمک به آمادگی افراد برای انتخاب شغل مدبرانه تلاش و تحقیق کنند. از این‌رو، توجه به موضوع بلوغ شغلی و عوامل مؤثر در آن، یکی از ضرورت‌های انجام این پژوهش است.

در راستای این اهداف، این پژوهش درصدد بررسی تعیین سهم هریک از سبک‌های هویت و مؤلفه‌های دین‌داری بر پیش‌بینی بلوغ شغلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی است. از این‌رو، سؤال‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. سهم نسبی هریک از سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم/اجتنابی) و تعهد هویت در پیش‌بینی بلوغ شغلی دانشجویان چقدر است؟
۲. سهم نسبی هریک از مؤلفه‌های دین‌داری (عمل به مستحبات، انجام واجبات و در نظر گرفتن دین در تصمیم‌گیری‌های زندگی)، در پیش‌بینی بلوغ شغلی دانشجویان چقدر است؟
۳. سهم دین‌داری و سبک‌های هویت در بلوغ شغلی، با استفاده از روش تحلیل مسیر چیست؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، همبستگی بوده و از نوع تحقیقات کاربردی به حساب می‌آید. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، جامعه آماری این پژوهش است. این جامعه با این هدف انتخاب شد که دانشجویان به لحاظ سنی و موقعیتی، در مقطعی قرار گرفته‌اند که انتظار می‌رود در مسائل شغلی، هویتی و دینی تا حدی بالغ شده و به ثبات رسیده باشند. طبق آمار سایت دانشگاه علامه طباطبائی، تعداد کل دانشجویان این دانشگاه، حدود ۱۵۰۰۰ نفر است. بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه برای جامعه‌ای با این تعداد، ۳۷۵ نفر می‌باشد. البته با توجه به احتمال وجود برخی پرسش‌نامه‌های مخدوش و یا ناقص، حجم نمونه ۴۰۰ نفر انتخاب شد. نمونه آماری، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد؛ به این طریق که از بین دانشکده‌های مختلف، پنج دانشکده انتخاب شد. در مرحله بعد، از هر دانشکده چند کلاس به‌طور تصادفی انتخاب گردید. پس از هماهنگی و در صورت پذیرش و همکاری استاد کلاس انتخابی، پرسش‌نامه‌ها با حضور محقق در بین دانشجویان توزیع شد. حجم نمونه، پس از بررسی و حذف موارد ناقص یا پرشده توسط آزمودنی‌هایی که با معیارهای ورود منطبق نبودند، به ۳۸۳ پرسش‌نامه تقلیل یافت.

لازم به یادآوری است معیارهای ورود در نمونه‌گیری عبارت بود از: دانشجوی مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد باشد، دارای شغل رسمی نبوده و مسلمان باشد. این معیارها از طریق خودگزارش‌دهی در پرسش‌نامه‌ها سنجیده شد. اجرای پژوهش با رعایت کامل مسائل اخلاقی و حقوقی شرکت‌کنندگان همراه بود. دانشجویان با اختیار خود، به‌صورت داوطلبانه و با فرصت کافی به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

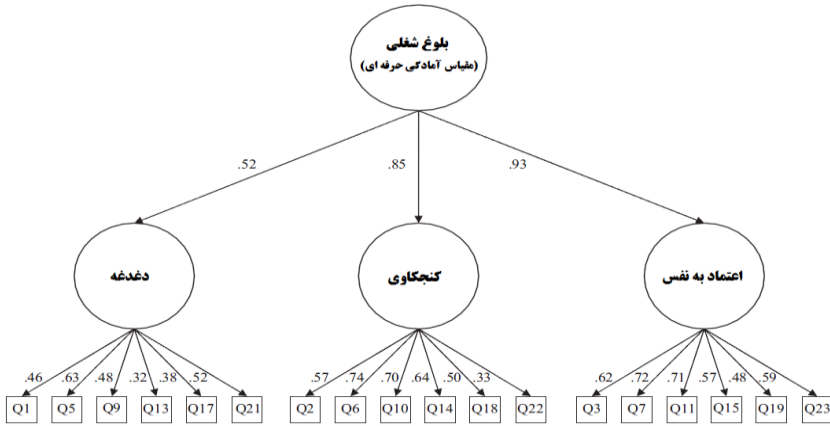
پرسش‌نامه بلوغ شغلی (CMI-C): ساویکاس و پرفلی (۲۰۱۱)، بر مبنای نظریه ساختار حرفه‌ای ساویکاس، به تجدیدنظر پرسش‌نامه بلوغ شغلی کرایتز (CMI-C) پرداختند. این پرسش‌نامه دارای ۲۴ سؤال است. برای هریک از چهار مقیاس، دغدغه برای انتخاب شغل، مشورت‌خواهی، کنجکاوی و اعتماد به نفس، شش سؤال طراحی نموده تا میزان آمادگی و سازگاری افراد برای انتخاب شغل را مورد سنجش قرار دهد. ساویکاس و پرفلی (۲۰۱۱)، پایایی این نسخه را به روش تحلیل عاملی برای مؤلفه دغدغه ۰/۵۲، کنجکاوی ۰/۸۵ و اعتماد به نفس ۰/۹۳ به دست آورده‌اند (شکل ۱). لازم به یادآوری است از آنجاکه بعد مشورت‌خواهی، در محاسبه نمره کلی بلوغ شغلی اعمال نمی‌شود و تنها بیانگر دو نوع سبک تصمیم‌گیری مستقل یا وابسته است، در این مدل بیان نشده است. در ایران، این پرسش‌نامه برای اولین بار در این پژوهش به کار گرفته شده، پس از ترجمه پرسش‌نامه، تحت نظر یک مترجم و با تأیید دو متخصص زبان انگلیسی، جهت تعیین میزان قابل فهم و روان بودن سؤالات ترجمه شده، ده نفر از دانشجویان کارشناسی، ضمن پرکردن پرسش‌نامه‌ها، به بیان برداشت خود از معنای هر سؤال پرداختند. پرسش‌نامه ترجمه شده، مجدداً به زبان انگلیسی ترجمه شد، البته به دلیل آنکه ترجمه با توجه به فرهنگ ایرانی و اصطلاحات رایج فارسی صورت گرفته بود، تفاوت‌هایی بین نسخه ترجمه شده و نسخه اصلی وجود داشت، اما با تأیید و اعمال نظر ۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه تهران، این دو نسخه معنای واحدی را منتقل می‌کند و قابل قبول است.

برای تعیین پایایی، پس از اجرای آزمایشی (پایلوت)، پرسش‌نامه بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی پرسش‌نامه‌ها با مقادیر مناسبی تأیید شد که در جدول (۱) ارائه شده است. همچنین مقادیر به دست آمده در این پژوهش، پس از اجرای نهایی بر روی ۳۸۳ نفر از دانشجویان نیز آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این نتایج به ترتیب برای مقیاس دغدغه ۰/۶۳، کنجکاوی ۰/۶۶، اعتماد به نفس ۰/۷۳ و در کل ۰/۸۱ می‌باشد که با توجه به مقادیر فرم اصلی قابل قبول و مناسب است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون بلوغ شغلی

بلوغ شغلی	اعتماد به نفس	کنجکاوی	دغدغه	
۰/۷۸	۰/۶۴	۰/۶۹	۰/۶۱	نمونه پایلوت (۵۰ نفر)
۰/۸۱	۰/۷۳	۰/۶۶	۰/۶۳	پژوهش اصلی (۳۸۳ نفر)

شکل ۱: نتایج بررسی پایایی در نمونه ساویکاس و پرلی (۲۰۱۱) با استفاده از روش تحلیل عاملی



پرسش‌نامه سبک‌های هویت (ISI-6G): این پرسش‌نامه اولین بار توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد. وایت و همکارانش (۱۹۹۸)، برای اجرای این مقیاس در میان گروه‌های جوان‌تر، با سطح تحصیلات پایین‌تر، به تجدیدنظر در پرسش‌نامه ISI با دستور زبان و ساختاری ساده‌تر پرداختند و نسخه جدید آن را با نام (ISI-6G) ارائه نمودند. بر این اساس، سه سبک هویت و خرده‌مقیاس تعهد، از طریق چهل گویه سنجیده می‌شود. یازده گویه به سبک هویت اطلاعاتی، نه گویه به سبک هویت هنجاری، ده گویه به سبک هویت سردرگم/اجتنابی و ده گویه به خرده‌مقیاس تعهد اختصاص دارد. وایت و همکارانش (۱۹۹۸)، به منظور بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تجدیدنظر شده، آن را بر روی یک نمونه ۳۶۱ نفری از دانشجویان اجرا کردند. آنان برای بررسی ضریب قابلیت اطمینان، از روش همسانی درونی استفاده کردند و ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آورده‌اند. این پرسش‌نامه در ایران، توسط فارسی‌نژاد (۱۳۸۳)، زیر نظر برزونسکی مورد تحلیل عاملی قرار گرفت و نتایج بسیار نزدیکی به نسخه اصلی به دست آمد.

پرسش‌نامه عمل به باورهای دینی (معبد ۱): این آزمون توسط گلزاری (۱۳۷۸)، برای سنجش عمل به باورهای دینی تهیه شده است. سؤالات آزمون، با توجه به رفتارهای دینی رایج در جوانان متدین به دین اسلام انتخاب شده است. فرم کوتاه این آزمون، دارای ۲۵ سؤال و هر سؤال دارای ۵ گزینه است که در مقیاس لیکرت از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود. کمترین نمره کل، در آن صفر به معنای این است که هیچ‌گونه عمل به باورهای دینی وجود ندارد و بیشترین نمره صد است که بیانگر عمل به تمامی باورهای دینی

است. مواد آزمون در سه حوزه اصلی عمل به مستحبات، انجام واجبات و دوری از محرمات، در نظر گرفتن دین در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی (جنبه‌های اجتماعی) دین قرار دارد.

پایایی این آزمون از طریق بازآزمایی ۰/۷۶، از طریق دونیمه‌کردن ۰/۹۱ و ضریب کرونباخ ۰/۹۴ بوده است. پایایی زیرمقیاس‌های عمل به مستحبات، انجام واجبات و نقش جنبه‌های اجتماعی دین، به روش ضریب کرونباخ به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۶۱ و ۰/۹۴ گزارش شده است. آزمون دارای اعتبار محتوا (صوری و منطقی) بالایی است. اعتبار وابسته به ملاک آن از طریق مقایسه افراد مذهبی و غیرمذهبی با ضریب اعتبار ۰/۸۴ و ۰/۷۸ و اعتبار سازه در سطح ۰/۹۵ اطمینان به دست آمده است (گلزاری، ۱۳۷۹).

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو روش آماری، شامل ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام، با استفاده از نرم‌افزار SPSS.20 صورت گرفت. ضریب همبستگی پیرسون، برای بررسی رابطه سبک‌های هویت و دین‌داری با بلوغ شغلی مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین سهم نسبی هریک از سبک‌های هویت و مؤلفه‌های دین‌داری در پیش‌بینی بلوغ شغلی، از تحلیل رگرسیون گام به گام و برای تحلیل مسیر از نرم‌افزار AMOS.22 استفاده شد.

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی مؤلفه‌های اصلی پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، بین بلوغ شغلی با تعهد هویت در سطح $p < 0/01$ رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = 0/462$). همچنین بین بلوغ شغلی با سبک هویت سردرگم/اجتنابی در سطح $p < 0/01$ رابطه معکوس معنادار وجود دارد ($r = -0/259$). اما با دو سبک دیگر هویتی، رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین طبق نتایج، بلوغ شغلی با مؤلفه عمل به واجبات (از پرسش‌نامه دین‌داری) در سطح $p = 0/01$ همبستگی مثبت معناداری دارد ($r = 0/128$) و با دو مؤلفه دیگر دین‌داری، ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. آمار توصیفی و ضرایب همبستگی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	همبستگی
بلوغ شغلی تعداد: ۳۶۳ میانگین: ۱۰/۸۲ انحراف معیار: ۳/۸۹	تعهد هویت	۳۶۳	۳۶/۷۹	۵/۸۰	۰/۴۶۲**
	سردرگم/اجتنابی	۳۶۳	۲۵/۸۵	۶/۵۰	-۰/۲۵۹**
	هنجاری	۳۶۳	۳۲/۳۳	۴/۵۷	۰/۱۰۱
	اطلاعاتی	۳۶۳	۴۱/۰۳	۵/۴۶	۰/۰۳۰
	عمل به واجبات	۳۶۳	۸/۵۲	۳/۳۹	۰/۱۲۸**
	عمل به مستحبات	۳۶۳	۴/۵۴	۳/۰۱	۰/۰۱۲
	تصمیم‌گیری‌ها	۳۶۳	۴۱/۷۵	۱۸/۱۳	۰/۰۰۹

نتایج جدول ۳ بیانگر تأثیر هریک از سبک‌های هویت در پیش‌بینی بلوغ شغلی است و همان‌طور که مشاهده می‌شود، در گام اول، تعهد هویت، وارد معادله رگرسیون شده است و به میزان ۰/۲۱ واریانس را برای بلوغ شغلی تبیین کرده و در گام دوم، سبک هویت سردرگم/اجتنابی، وارد معادله شده و ۰/۲۳ از واریانس را برای متغیر ملاک تبیین کرده است. به عبارت دیگر، با متغیرهای پیش‌بین تعهد هویت و سبک هویت سردرگم/اجتنابی، می‌توان ۱/۲۳٪ از کل واریانس نمرات بلوغ شغلی را پیش‌بینی نمود. مقایسه مقادیر بتا نشان می‌دهد که با ورود سبک سردرگم/اجتنابی در گام دوم، ضریب بتای تعهد هویت تفاوت زیادی نکرده است. همین امر بیانگر این است که مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی بلوغ شغلی، تعهد هویت بوده و سایر عوامل نقش کمتری را در مقایسه با آن دارند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای بررسی پیش‌بین بودن سبک‌های هویت

متغیر پیش‌بین	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری	نسبت F	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱ تعهد هویت	۰/۳۱۶	۰/۴۶	۹/۸۹	۰/۰۰	۹۷/۸۰	۰/۰۰	۰/۲۱	۰/۲۱
۲ تعهد هویت	۰/۲۸۹	۰/۴۲	۸/۷۵	۰/۰۰	۵۳/۹۶	۰/۰۰	۰/۲۳	۰/۲۳
سردرگم/اجتنابی	-۰/۰۸۷	-۰/۱۴	-۲/۸۶	۰/۰۰				
متغیر ملاک: بلوغ شغلی								

جدول ۴ بیانگر پاسخ به سؤال دوم پژوهش، یعنی تعیین تأثیر هریک از مؤلفه‌های دین‌داری در پیش‌بینی بلوغ شغلی است. نتایج رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد، معادله تا یک گام پیش رفته و تنها خرده‌مقیاس انجام واجبات به‌عنوان متغیر پیش‌بین ۱/۶۰٪ از کل واریانس نمرات بلوغ شغلی را پیش‌بینی می‌کند. ضریب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که اگر خرده‌مقیاس انجام واجبات ۱ انحراف استاندارد تغییر کند، بلوغ شغلی ۰/۱۳ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای بررسی پیش‌بین بودن مؤلفه‌های دین‌داری

متغیر پیش‌بین	ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری	نسبت F	سطح معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱ انجام واجبات	۰/۱۵	۰/۱۳	۲/۴۵	۰/۰۲	۶/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۱
متغیر ملاک: بلوغ شغلی								

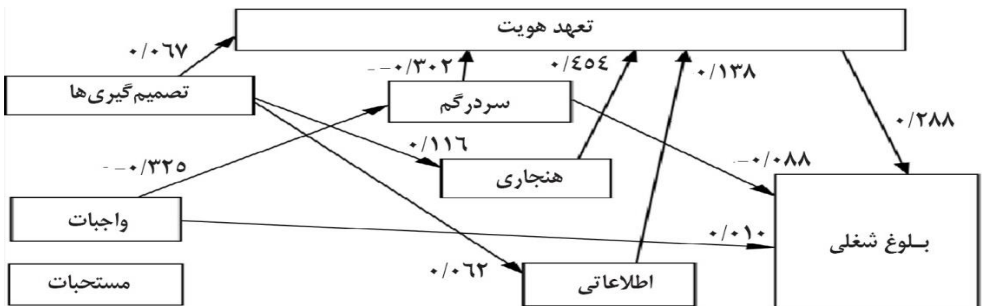
در پاسخ به سؤال سوم، سهم هریک از دو متغیر دین‌داری و سبک‌های هویت در بلوغ شغلی، با روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار Amos بررسی شده است. این نرم‌افزار، با استفاده از

یک مدل گرافیکی، که محقق را در نحوه بررسی روابط علی یا همبستگی بین مؤلفه‌ها یاری می‌رساند، تحلیل‌های کمی دقیقی ارائه می‌دهد. با توجه به شاخص‌های برازش و اصلاحاتی که ارائه می‌دهد، مسیر تحلیل را ساده می‌سازد (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱، ص ۹۰). با این توضیح، مدل نهایی که برای این پژوهش ارائه می‌گردد، به صورت شکل ۲ خواهد بود. برای برازش این مدل، از شاخص‌های متعددی استفاده شده و در مراحل مختلف، با توجه به فرضیات و پیشینه پژوهش، نتایج همبستگی و رگرسیون‌ها و نیز پیشنهادهای ارائه‌شده توسط نرم‌افزار اصلاحات لازم صورت گرفته است. شاخص‌های برازش این مدل را می‌توان به صورت جدول ۵ فهرست نمود که نتایج حاکی از برازش بهینه و مناسب مدل موجود است.

جدول ۵: نتایج برازش مدل تحلیل مسیر

شاخص	شاخص کیفیت برازش GFI	شاخص توکر-لویس TLI	شاخص CMIN/DF	شاخص برازش هنجار شده NFI	شاخص برازش تطبیقی CFI	ریشه میانگین مجذورات تقریب RMSEA	شاخص برازش افزایشی IFI	سطح معناداری P
مقدار	۰/۹۷۹	۰/۹۱۵	۳/۰۳۷	۰/۹۶۳	۰/۹۷۲	۰/۰۹	۰/۹۷۲	۰/۰۰
بازه مجاز	بزرگتر از ۰/۹۵	بزرگتر از ۰/۹۰	۱ - ۴	بزرگتر از ۰/۹۵	بزرگتر از ۰/۹۵	کمتر از ۰/۱	بزرگتر از ۰/۹۵	کمتر از ۰/۰۱

شکل ۲ مدل مسیر پژوهش در نرم‌افزار AMOS



همان‌طور که در مدل تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، تعهد هویت $B = ۰/۲۹$ بیشترین تأثیر را بر بلوغ شغلی می‌گذارد. دومین متغیر تأثیرگذار سبک هویت سردرگم/اجتنابی، $B = -۰/۰۹$ به صورت منفی است. در نهایت، عمل به واجبات دینی $B = ۰/۰۱$ سومین متغیر اثرگذار در بلوغ شغلی است. این نتایج، مطابقت زیادی با نتایج تحلیل رگرسیون دارد. علاوه بر این، این مدل نشان می‌دهد سبک‌های هویت، به‌ویژه تعهد هویت به‌عنوان یک متغیر میانجی بین دین‌داری و بلوغ شغلی عمل می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش، پاسخ به این سؤال بود که «آیا سبک‌های هویت و دینداری، می‌توانند بلوغ شغلی را پیش‌بینی کنند»، نتایج پژوهش حاکی از این است که تعهد هویت (به‌صورت مثبت) و سبک هویت سردرگم/مغشوش (به‌صورت منفی)، با هر سه بعد (دغدغه، کنجکاوی، اعتماد به نفس) از بلوغ شغلی همبستگی دارد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که بلوغ شغلی را به ترتیب، تعهد هویت (با ضریب مثبت) و سبک هویت سردرگم/اجتنابی (با ضریب منفی) تبیین می‌کنند. این بدان معناست که تعهد هویت، بیش از سه سبک هویتی می‌تواند تغییرات مربوط به بلوغ شغلی را پیش‌بینی کند.

برزونسکی (۲۰۰۳) معتقد است که چارچوب «تعهد»، به کنترل، ارزیابی و نظم‌دهی رفتار می‌پردازد. تعهد موجب وضوح ملاک‌ها، اهداف، عقاید و ارزش‌هایی می‌شود که افراد به آنها علاقه داشته و خواستار حفظ آنها هستند. از این رو، می‌توان گفت: تعهد بیشتر موجب هدفمندی بیشتر می‌گردد. طبیعی است که دانشجویان با میزان تعهد بالاتر، از بلوغ شغلی بیشتری برخوردار باشند؛ چراکه به اعتقاد سوپر، مهم‌ترین ویژگی افراد دارای بلوغ شغلی، داشتن برنامه هدفمند برای زندگی و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر اطلاعات و شناخت است (تمبا، ۲۰۱۰). این افراد، توانایی و ویژگی‌های شخصی و ارزش‌های خود را شناخته و اولویت‌بندی نموده‌اند. با مقایسه ویژگی افراد دارای تعهد هویتی بالا و افراد با پختگی و بلوغ شغلی، متوجه اشتراکات آنها خواهیم شد. همین مسئله دلیل روشنی بر همبستگی و رگرسیون بالای این دو متغیر است.

سبک سردرگم/اجتنابی، پیش‌بینی‌کننده مناسب به صورت منفی برای بلوغ شغلی بوده و با همه ابعاد بلوغ شغلی نیز دارای همبستگی منفی و معنادار است. افراد با این سبک هویت، از تعارض‌های شخصی در حیطه مسائل و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود (از جمله انتخاب شغل)، اجتناب می‌ورزند؛ آنها تصمیم‌گیری‌ها را تا زمان فرارسیدن یک الزام موقعیتی به تأخیر می‌اندازند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۷) و اساساً خود را درگیر فرایند اکتشاف و تصمیم‌گیری شغلی نمی‌کنند (سالامی، ۲۰۰۸). در نتیجه، همان‌طور که انتظار می‌رفت، جوانان دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی، نمرات پایینی در مقیاس بلوغ شغلی کسب کرده‌اند. این یافته‌ها، با نتایج تحقیقات هاوس (۱۹۷۸)، ولش و همکاران (۲۰۱۳) و سالامی (۲۰۰۸) مطابقت دارد. نتایج تحقیق سالامی (۲۰۰۸)، حاکی از این است که وضعیت هویت به‌طور معناداری بر روی بلوغ شغلی بزرگسالان مؤثر است. نمرات بالاتر در وضعیت هویت سردرگم/اجتنابی، نمرات پایین‌تری را در بلوغ شغلی نتیجه دادند. همچنین نمرات بالاتر در سبک‌های هویت موفق و دیررس، نمرات بالاتر در بلوغ شغلی را نشان دادند.

سلیمانیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی نشان دادند که بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و رشد شغلی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. در مقابل، سبک هویت اطلاعاتی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای رشد شغلی محسوب می‌شود. در نهایت، همان‌طور که ساویکاس و همکاران (۲۰۰۹) تأکید می‌کنند، وظیفه اصلی مشاوران شغلی، کمک به مراجع برای ایجاد یک ساختار حرفه‌ای از طریق کمک به شکل‌دهی هویت مراجعان است.

از سوی دیگر، در بررسی ارتباط دینداری و بلوغ شغلی، طبق نتایج به‌دست‌آمده، نمره کلی و تمامی خرده‌مقیاس‌های دینداری، همبستگی مثبت و معناداری با بعد مشورت‌خواهی (از بلوغ شغلی) دارند؛ دینداری در بعد انجام واجبات و دوری از محرّمات با دو بعد (کنجکاوی، اعتماد به نفس) از بلوغ شغلی، همبستگی معناداری دارد.

معمولاً اغلب افراد مقید به مسائل دینی، از تعهد بالایی برخوردارند و انتظار می‌رود در سایر جنبه‌های زندگی خویش نیز مانند انتخاب شغل، احساس تعهد و مسئولیت نمایند؛ همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، افراد مقید به انجام واجبات دینی، با کنجکاوی و اعتماد به نفس به کنکاش مسائل شغلی می‌پردازند و در این مسیر از مشورت دیگران نیز استفاده می‌کنند. متغیر مشورت‌خواهی، در افراد ملتزم به هر سه بعد دینداری در حد بالایی است. این موضوع، احتمالاً از این جهت است که این افراد طبق آموزه‌های دینی، احترام زیادی برای والدین یا افراد مهم زندگی خود (الگوها) و نظرات آنها قائلند و سعی می‌کنند در تصمیم‌گیری، نظرات آنان را مدنظر قرار دهند. نتایج تحقیقات عبداللّه‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد بین دینداری افراد با میزان مشورت‌خواهی و طلب حمایت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. وی معتقد است: از آنجاکه دین در جامعه ما به‌عنوان پایگاهی اجتماعی برای افراد به‌شمار می‌رود، افراد هنگام رویارویی با مسائل گوناگون، نه‌تنها از خود آموزه‌های دینی یاری می‌گیرند، بلکه با دیگر افراد مذهبی (از جمله خانواده و دوستان) نیز به مشورت و تبادل نظر می‌پردازند. با این حال، باید توجه داشت که متأسفانه گاهی افراد مذهبی، دین و عمل به باورهای دینی را با تعقل شخصی و شناخت کافی به‌دست نیاورده‌اند، بلکه این آموزه‌ها صرفاً از طریق والدین به آنها منتقل شده است. در این حالت، نمی‌توان انتظار داشت که لزوماً افراد با سطح دینداری بالاتر، از بلوغ و رسش بیشتری در دیگر عرصه‌های زندگی نیز برخوردار باشند.

آنچه از نتایج مدل ارائه شده از طریق تحلیل مسیر به نظر می‌رسد، این است که سبک‌های هویت و تعهد هویت، نوعی عامل میانجی در شکل‌گیری بلوغ شغلی و نیز سطح دین‌داری افراد است؛ چراکه در

این نمودار، مؤلفه‌های دین‌داری با سبک‌های هویت دارای ارتباط معنادار و سبک‌های هویت با بلوغ شغلی مرتبط است. می‌توان گفت: دین‌داری از طریق تأثیر در سبک‌های هویت و به‌طور غیرمستقیم در میزان بلوغ شغلی اثرگذار است. این نتیجه، با نظریه /ریکسون هماهنگ است. وی بیان می‌کند که جوانان در فرایند جست‌وجو برای شکل‌دهی هویت خود، به دیدگاهی فردی درباره مسائل سیاسی، شغلی، فلسفی و دینی می‌رسند (مغانلو و همکاران، ۱۳۸۸).

با توجه به جایگاه هویت و ایفای نقش واسطه‌ای در جهت افزایش بلوغ شغلی و تعمیق باورهای دینی، به نظر می‌رسد لازم است مراکز مشاوره دانشگاه‌ها خدماتی در جهت کسب شناخت بیشتر دانشجویان نسبت به خود و سبک تشکیل هویت فردی ارائه نمایند تا از این طریق، دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی به سبک هویت هنجاری ارتقاء و در نهایت، به هویت اطلاعاتی دست یابند.

دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی - پژوهشی می‌توانند با در نظر گرفتن برنامه‌هایی جهت ارزیابی و ارتقاء این سه مؤلفه اساسی در دانشجویان، تأثیر مهمی در آینده نسل جوان برجای گذارند. برای نمونه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی طرح‌ریزی شغلی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و آمادگی انتخاب شغل جهت افزایش بلوغ شغلی دانشجویان، آموزش مهارت‌های زندگی از قبیل مهارت‌های بین فردی، احساس کنترل و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال زندگی و تصمیم‌گیری‌های آن، پرورش خودپنداره شخصی و شغلی جهت اصلاح و ارتقاء سبک‌های هویت و در نهایت، تدوین برنامه‌های مدبرانه برای افزایش شناخت عمیق دینی دانشجویان و کمک به فهم باورهای دینی و عمل به آن در راستای افزایش تعهد و موفقیت در زمینه‌های مختلف زندگی از جمله مسائل هویتی و شغلی.

دین‌داری سازه‌ای پیچیده و چندبعدی است. سنجش آن با محدودیت‌هایی از قبیل عدم صداقت در پاسخ‌گویی، محافظه‌کاری و آمیختگی پاسخ‌ها با اغراض سیاسی روبه‌رو است. از آنجاکه در این پژوهش، عمل به باورهای دینی سنجیده می‌شود، برخی از افراد نسبت به پاسخ دادن به سؤالات در مورد انجام اعمال عبادی چون نماز، روزه و یا انجام برخی از محرّمات، واکنش نشان می‌دادند و آن را قلمرو شخصی زندگی خویش بیان می‌کردند. از این‌رو، در پژوهش‌های آینده می‌توان در کنار این سازه، از ابزارهای دیگر سنجش دین‌داری نظیر نگرش‌سنج‌ها و پرسش‌نامه‌های غیرمستقیم نیز استفاده شود. در این پژوهش، برای سنجش متغیرها در نمونه آماری با حجم بالا (۴۰۰ نفر)، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده که ممکن است همراه با برخی محدودیت‌های پژوهش کمی باشد. پیشنهاد می‌شود در آینده از روش‌های تحقیق کیفی و یا انجام مصاحبه در کنار پرسش‌نامه استفاده گردد.

منابع

- امیدیان، مرتضی، ۱۳۷۸، *هویت از دیدگاه روان‌شناسی*، یزد، دانشگاه یزد.
- ابارشی، احمد و سید یعقوب حسینی، ۱۳۹۱، *مدل‌سازی معادلات ساختاری*، تهران، جامعه‌شناسان.
- جوادزاده شهشهانی، افسانه، ۱۳۸۳، *بررسی هویت دینی و تفکر انتقادی و رابطه این دو در دانشجویان ۲۰-۲۲ ساله*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، تهران، دانشگاه الزهراء.
- حمید، نجمه و دیگران، ۱۳۹۲، «رابطه ساده و چندگانه هویت دینی، سلامت روان و خوش‌بینی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱، ص ۷۷-۹۰.
- رسولی، رویا و دیگران، ۱۳۹۲، «نقش معنویت و دینداری در کار، بر مهارت‌های کارآفرینی کارآفرینی کارکنان دانشگاه»، *مشاوره شغلی و سازمانی*، ش ۱۵، ص ۷۲-۸۸.
- زونکر، ورنون، ۲۰۰۶، *مشاوره مسیر شغلی با رویکرد کل‌نگر*، ترجمه زهرا یوسفی و محمدرضا عابدی، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- سلیمانیان، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی رشد شغلی براساس سبک‌های هویت در دانشجویان مراکز آموزش عالی شهر بجنورد»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۶۸، ص ۱۶۱-۱۷۵.
- شفیع‌آبادی، عبدالله، ۱۳۹۱، *راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل*، تهران، رشد.
- عبدالله‌پور، نازی و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه بین دینداری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، *تربیت اسلامی*، ش ۶، ص ۱۵۳-۱۶۱.
- گلزاری، محمود، ۱۳۷۹، «مقیاس عمل به باورهای دینی»، در: خلاصه مقاله اولین همایش نقش دین در بهداشت روانی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- _____ ۱۳۷۸، *تهیه ابزارهایی جهت سنجش: عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دینداری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روان*، پژوهش موجود در کتابخانه دانشگاه علامه طباطبائی.
- مغانلو، مهناز و همکاران، ۱۳۸۸، «رابطه سبک‌های هویت و دین‌داری در دانشجویان»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ش ۴، ص ۳۷۷-۳۸۷.
- مدنی‌فر، طیبه و همکاران، ۱۳۸۹، *بررسی رابطه تفکر انتقادی و هویت دینی در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تهران*، پایان‌نامه کارشناسی علوم تربیتی و معارف اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نظرنژاد، نرگس و لیلا شرف تادوانی، ۱۳۸۹، «توجیه باورهای دینی براساس کارکرد روان‌شناختی آنها در قرآن کریم»، *فلسفه دین*، ش ۸، ص ۴۷-۶۶.

Bainbridge, W. S, & Hatch, L. RT, 1982, "Women's access to elite careers: in search of a religion effect", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N 3, p. 242-255.

Berzonsky, M. D, 1990, "Self-Construction over the life span: A process perspective on identity formation . In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer ,Ed", *Advances in personal psychology*, N. 1, p. 155-186.

- Berzonsky, M. D, 2003, "Identity style and well-being: does commitment matter Identity?" *An International Journal of Theory and Research*, N. 3, p. 131-142.
- Berzonsky, M. D, & Kuk, L. S, 2000, "Identity status, identity processing style, and the transition to university", *Journal of adolescent research*, N. 1, p. 81-98.
- Berzonsky, M. D, & et al, 2007, "Identity-Processing Style, Psychosocial Resources, and Adolescents' Perceptions of Parent-Adolescent Relations", *Journal of Early Adolescence*, N. 27, p. 324-345.
- Berzonsky, M. D, & et al, 2013, Development and Validation of the Revised Identity Style Inventory .ISI-5: Factor Structure, Reliability, and Validity", *Psychological Assessment*, N. 25, p. 893-904.
- Constantine, M. G, & et al, 2006, "Religion, Spirituality, and Career Developmental in African American College Students: A Qualitive Inquiry", *The Career Development Quarterly*, N. 54, p. 227-241.
- Duffy, R, 2006, "Spirituality, Religion, and Career Development; Current Status and Future Directions", *The Career Development Quarterly*, N. 55, p. 52-63.
- Hawes, F, 1978, "A Relationship Between Adolescent Identity Resolution and Vocational Maturity" M. Sc. Thesis, University of Ottawa, Canada.
- Lynn, M. L, & et al, 2009, "Faith at work scale ,FWS,: Justification, development, and validation of a measure of Judaeo-Christian religion in the workplace", *Journal of Business Ethics*, N. 2, p. 227-243.
- Salami, S, 2008, "Gender, Identity Status and Career Maturity of Adolescents", *Journal of Social Sciences*, N. 1, p. 35-49.
- Savickas, M. L, 2001, "A developmental perspective on vocational behavior, Career patterns, salience, and themes", *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, N. 2, p. 49-57.
- Savickas, M, & Porfeli, E, 2011, "Revision of the Career Maturity Inventor: The Adaptability Form", *Journal of Career Assessment*, N. 4, p. 355-374.
- Savickas, M. L, & et al, 2009, "Life designing: A paradigm for career construction in the 21st century", *Journal of Vocational Behavior*, N. 3, p. 239-250.
- Soenens, B, & et al, 2005, "Identity Styles and Causality Orientations: In Search of the Motivational Underpinnings", *European Journal of Personality*, N. 19, p. 427-442.
- Themba, M, 2010, "Career Maturity across Career Stages in the South African Military. M.Sc. Thesis, Faculty of Industrial and Organizational Psychology" University of South Africa, South Africa.
- Welsh, M, & Schmitt-Wilson, S, 2013, "Executive function, identity, and career decision-making in college students", *SAGE Open*, N. 3, p. 2-9.
- White, J, & et al, 1998, "The Identity Style Inventory: A revision with a Sixth-Grade Reading Level (ISI-6G)", *Journal of Adolescent Research*, N. 2, p. 223-245.

رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دانشجویان دختر

hoseinsabet@atu.ac.ir

فریده حسین ثابت / استادیار گروه روان‌شناسی بالینی و عمومی دانشگاه علامه طباطبائی
مهرنوش مومی‌پور / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبائی
دریافت: ۱۳۹۳/۲/۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۲

چکیده

هدف پژوهش، بررسی رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی، با شادکامی در دانشجویان دختر بود. برای دستیابی به اهداف پژوهش، ۲۴۷ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی تهران، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. هر دانشجو پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد، جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس و عمل به باورهای دینی (معبد ۱) را تکمیل کرد. بررسی رابط متغیرها با ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین شادکامی و میزان عمل به باورهای دینی و تمامی خرده‌آزمون‌های آن، بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی درونی، رابطه مثبت و معنی‌داری و بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی، رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. در تحلیل رگرسیون چندمتغیری، به روش ورود فقط خرده‌آزمون‌های عمل به واجبات با شادکامی رابطه مثبت و عمل به فعالیت‌های مذهبی با شادکامی رابطه منفی داشتند. به نظر می‌رسد، مذهب احساس معنی‌دار بودن زندگی را به انسان داده و مروج زندگی سالم است.

کلیدواژه‌ها: عمل به باورهای دینی، جهت‌گیری مذهبی، شادکامی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، برخی از محققان روان‌شناسی، قلمرو تاریک بیماری‌های روانی را به شادکامی و شفای روانی تبدیل کردند. روان‌شناسان مثبت‌نگر معتقدند: علم و عمل کامل روان‌شناسی باید درک رنج کشیدن و شادکامی، تعامل آنها و مداخلات معتبری که هم رنج را کاهش دهد و هم شادمانی را افزایش دهد، دربرگیرد (قمری، ۱۳۸۹). روان‌شناسان و پژوهشگران جدید، به اشکال گوناگون شادکامی را تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه، *آرجیل* (۲۰۰۱ ص ۳۵۳-۳۷۳)، شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، فقدان عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند. جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف شادکامی را *وینه‌وون* (۱۹۹۸) ارائه می‌دهد. به نظر وی، شادکامی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی اطلاق می‌گردد. به عبارت دیگر، شادکامی به این معناست که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد. شادکامی و نشاط به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام، مجموعه زندگی انسان دارد، همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. مهم‌ترین نکته در این زمینه، چگونگی حصول شادکامی، تقویت آن و عوامل تأثیرگذار بر دستیابی به این نیاز حیاتی است. شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت و... از جمله عواملی هستند که بر این پدیده تأثیر به‌سزایی دارند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر، دین حقیقتی است که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی انسان حضور جدی دارد. تحقیق در باب دین یا دین‌پژوهی نیز عرصه‌ها و شاخه‌های متعددی یافته است، به گونه‌ای که رشته‌های علمی بسیاری در زمینه‌های مختلف معارف بشری تدوین و تکوین پیدا کرده‌اند. در این میان، می‌توان به روان‌شناسی دینی اشاره کرد (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص ۳۵-۳۶). مطالعه و نظریه‌پردازی در زمینه‌های گوناگون مذهبی، قدمتی بس طولانی دارد. اما مطالعه مذهب از دیدگاه روان‌شناختی، از حدود تقریباً یکصد سال پیش آغاز شده است. توسعه مطالعات دینی-مذهبی در حوزه روان‌شناسی علمی را می‌توان محصول مطالعات فروید و یونگ، به‌عنوان روان‌تحلیل‌گر در این زمینه دانست که هر یک دید متفاوتی نسبت به دین داشته‌اند. فروید در اغلب آثار خود، دین را پندار یا توهم تلقی می‌کند. در صورتی که یونگ معتقد است: همه پدیده‌ها از جمله رؤیاها و توهمات، واقعیت هستند. به اعتقاد او، مفاهیم دینی بهترین توضیح درباره انسان است و روان‌شناسی تحقق پیدا نمی‌کرد، مگر با دین (ولف، ۱۹۹۷).

به اعتقاد آلپورت، افرادی که فعالیت‌های دینی‌شان بیرونی است، دین را به‌عنوان ابزاری برای اهداف شخصی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین، دین‌داری بیرونی «عبارت است از: دین آسایش و قرارداد اجتماعی، رویکردی خودخواهانه و ابزاری که منافع برای فرد به ارمغان می‌آورد». به‌عنوان نمونه، افراد دارای دین‌داری بیرونی ممکن است برای مشاهده شدن توسط دیگران، برای افزایش اعتبار در جامعه، یا برای انطباق با انتظارات جامعه در مراسم‌های مذهبی حاضر شوند. اما دین‌داری درونی، سبکی از دین‌داری است که فرد برای به‌دست آوردن احساس معنی و هدف در زندگی بدان تمایل دارد، بدون اینکه منافع اجتماعی را، که به واسطه دین‌داری برایش حاصل می‌شود، در نظر بگیرد. به اعتقاد آلپورت، تنها دین‌داری درونی با سلامت روانی ارتباط مثبت دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶).

از نظر وی، مذهب طیفی است که از یک‌سو، برای افراد معنایی ابزاری دارد و از سوی دیگر، نوعی معنا و معنایابی است که خود‌انگیزه اصلی زندگی است و ارزش درونی دارد. برای بسیاری از مردم، مذهب عادت‌های ملال‌آور، تشریفاتی، صرفاً فرهنگی، برای جشن‌ها و مراسم سنتی می‌باشد که برای آرامش خانوادگی و شخصی و مسایلی از این قبیل، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای برخی، دیگر مقام در پی دارد و اعتماد به نفس آنها را تقویت کرده، اهداف و نتایج آنها را به پیش می‌برد، به وسیله آن بر دوستانشان فایق می‌آیند، در دیگران نفوذ می‌کنند و قدرتی برای خود دست و پا می‌کنند. گاهی نیز در این راستا مذهب، دفاعی است در برابر واقعیت. این افراد، دارای جهت‌گیری بیرونی مذهبی هستند. کسانی که مذهب بیرونی دارند، از نظر فلسفه الهی، به خداوند روی می‌آورند، ولی از خود دور نمی‌شوند. به همین دلیل، مذهب آنها اساساً به سپری برای آنها تبدیل می‌شود. این همان خودمیان‌بینی مذهبی است که از نظر فروید، به روان‌آزردگی منتهی می‌شود. در اینجا، مذهب به عنوان دفاعی در برابر اضطراب عمل می‌کند. از نظر انگیزشی، این مذهب برانگیزاننده نیست، ولی به دیگر انگیزه‌ها مانند نیاز به امنیت، نیاز به مقام و قدرت، نیاز به حرمت خود، خدمات می‌رساند (آلپورت، ۱۹۶۸، ص ۱۲۵-۱۲۷).

مذهب درونی به‌خودی‌خود، برای فرد جنبه انگیزشی دارد و به سایر محرک‌ها نیازی ندارد. مذهب درونی، به شکل ابزاری سازمان نمی‌گیرد و وسیله‌ای برای کنترل ترس‌ها و کسب آسایش و راحتی و یا تلاشی برای والایی‌گرایی مسایل جنسی یا آرزوهای کمال‌جویانه نیست. مسایل اخیر، ممکن است در چارچوب نیازهای اولیه ما باشند، ولی مذهب وسیله‌ای برای ارضاء آنها نیست، بلکه

یک تعهد همه‌جانبه است. این تعهد، علاوه بر اینکه هوشمندانه است، اساساً انگیزشی است. چنین مذهبی هر آنچه را که در تجربه خود قرار گیرد، پوشش می‌دهد و هر آنچه که فراتجربی باشد نیز از دایره آن خارج نیست. این مذهب، خانه‌ای برای حقایق علمی و حقایق عاطفی و مشتاق تعهد به یک وحدت‌یافتگی و یکپارچگی ایده‌آل در زندگی شخصی است (همان، ص ۲۳۰-۲۳۲). بنابراین، او معتقد بود که تنها مذهب با جهت‌گیری درونی است که سلامت روانی را تضمین می‌کند.

از دیدگاه برگین (۱۹۹۱)، مذهب تأثیر مثبتی بر سلامت روانی افراد، با گرایش مذهب درونی دارد. درحالی‌که افراد با مذهب بیرونی، نه تنها سودی از مذهب نمی‌برند، بلکه نتایج منفی دامنگیر آنها می‌شود. به دلیل سبک زندگی خاصی که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، آنها رویدادها را کمتر استرس‌زا ارزیابی می‌کنند، یا پس از بروز استرس، آن را به‌منزله فرصتی برای رشد و تقویت معنوی و روحی خود می‌دانند و یا آن را برنامه و تدبیر الهی‌گریزناپذیر تعبیر می‌کنند. می‌توان گفت: باورهای دینی می‌توانند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه، سلامت روانی هدایت کنند، به‌گونه‌ای که فرد به‌طور خودانگیخته و با بصیرت و شناختی منطقی، به اعتقادات و باورهای دینی ملتزم گردد. اما، افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، به علت اینکه احتمال دارد گرایش ابزاری به دین در آنها رشد نماید، استرس‌های بیشتری را در مواجهه با مشکلات تجربه می‌کنند.

عمل به باورهای دینی، اشاره به اعمال و مناسک و رفتارهایی دارد که مخصوص یک دین یا مذهب می‌باشد. برای نمونه، در مذهب شیعه و دین اسلام، خواندن نماز، گرفتن روزه، پرداخت خمس و زکات و غیره از جمله اعمال دینی می‌باشند. عمل به باورهای دینی از اعتقادات دینی جداست؛ به این معنا که فرد می‌تواند به اصولی معتقد باشد، ولی به هر دلیلی اعمال مربوط به آن اعتقاد را به انجام نرساند. چنین فردی عمل به باورهای دینی ندارد (گلزاری، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود در مورد بیماران مبتلا به فلج چندگانه (Multiple sclerosis)، به رابطه منفی معنی‌دار بین جهت‌گیری مذهبی درونی و افسردگی دست یافتند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری نیز وجود رابطه چندگانه را بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی و باورهای غیرمنطقی، با افسردگی در بیماران مورد تأیید قرار داد. در یک پژوهش نشان داده شد که معنویت کودکان (نه فعالیت دینی)، قویاً با شادکامی آنها رابطه داشت. کودکان معنوی‌تر شادتر بودند. *علوی و رنجبر شورآبادی (۱۳۸۹)*، پژوهشی به منظور شناسایی

میزان تأثیر دیانت (دانش، نگرش و رفتار دینی) بر شادی دانش‌آموزان انجام دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که دانش دینی بر شادی دانش‌آموزان مؤثر نیست، اما نگرش و رفتار دینی دانش‌آموزان بر شادی آنها تأثیر دارد. *حیدری رفعت و عنایتی‌نوین‌فر (۱۳۸۹)*، *صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹)* و *کاظمیان‌مقدم و مهربانی‌زاده هنرمند (۱۳۸۸)*، بین نگرش دینی و شادکامی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار به دست آوردند. *قمری (۱۳۸۹)* و *روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷)*، بین دین‌داری با شادکامی همبستگی مثبت معناداری به دست آوردند. *مالپر، در پژوهش خود رابطه میان معنویت، دین و شادکامی را بررسی کرده است. نتایج نشان داد که میان معنویت، دین و سلامت روانی شخص و دین و رضایت از زندگی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، ولی میان رضایت از زندگی و سلامت شخص، و دین و معنویت رابطه معنادار وجود دارد (مالپر، ۲۰۱۰، ص ۱۴۸). عقیلی و ونتاش‌کومار (۲۰۰۸، ص ۶۶-۶۹)*، در پژوهشی گزارش نمودند که بین تمام خرده‌مقیاس‌های نگرش مذهبی و شادکامی رابطه مثبت وجود دارد.

در اکثر مطالعات انجام‌شده، بین مذهب و شادکامی رابطه مثبت معناداری گزارش شده است. دیدگاه‌های متناقض و متعارض در ادبیات نظری و تجربی در زمینه «تأثیر مذهب بر سلامت روان»، بسیار رایج است. برخی تحقیقات، حامی ارتباط بین پیامدهای مثبت روانی و مذهب می‌باشد. برخی دیگر، در اثبات وجود ارتباط بین «مذهب» و «سلامت روانی» شکست خورده‌اند. برای نمونه، *نوفری و غلامی (۱۳۸۹)*، بین التزام عملی به اعتقادات و سلامت روان رابطه منفی و معنی‌داری را گزارش کردند. همین نتایج ضد و نقیض در زمینه ارتباط بین مذهب و شادکامی پیدا شده است. برای نمونه، *پولوما و باندلتون (۱۹۹۰)*، یک ارتباط مثبت را بین مذهبی بودن و شادکامی فراگیر پیدا کردند. *امالویس و همکاران (۱۹۹۷)*، هیچ ارتباطی بین مذهبی بودن و شادکامی نیافتند. یکی از دلایل این یافته‌های متفاوت، می‌تواند علاوه بر شرایط فرهنگی و ارزشی متفاوت در جوامع مختلف، استفاده از ابزارهای گوناگون توسط محققان جهت سنجش شادکامی و نیز مذهب باشد.

استاورو و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود، شادکامی افراد مذهبی را براساس هنجارهای اجتماعی در کشورهای مختلف بررسی کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند در صورتی که دین در بافت ملی کشوری باشد، دین‌داری موجب افزایش سلامت روانی می‌شود؛ زیرا در چنین کشورهایی که دین ارزش به حساب می‌آید، به کسانی که مسایل دینی را رعایت می‌کنند، احترام بیشتری گذاشته می‌شود. این امر، موجب شادکامی بیشتر آنهاست.

شناخت رابطه میزان عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی، می‌تواند به اولیا، مربیان، روان‌شناسان و مشاوران در حوزه‌های بالینی، رفتاری، دینی، اجتماعی و فرهنگی یاری رساند (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). اثرات دین در زندگی موجب گشته تا عده‌ای از روان‌شناسان به این نتیجه‌گیری برسند که برای تشخیص و ارزیابی دقیق‌تر بیماران، بهتر است یک طبقه تشخیص جدید به فهرست راهنمای تشخیص و آماری اضافه گردد. در این طبقه جدید، مسایل و مشکلات دینی از قبیل استرس ناشی از فقدان ایمان، تغییر فرقه دینی، افراط در باورها و اعمال دینی، پیوستن به یک جریان دینی جدید و مسایل معنوی دیگر مطرح شود (آزموده و همکاران، ۱۳۸۶). به‌رغم پژوهش‌های بسیار زیاد و شناسایی بسیاری از همبسته‌ها و تعیین‌کننده‌های شادکامی، به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های بیشتر در این حوزه لازم و ضروری است. بنابراین، با توجه به پژوهش‌های قبلی و نیز نقش گسترده مذهب در زندگی بشر و نیز آنچه که در مورد رابطه مهم بین مذهب و شادکامی بیان شد، مسئله اصلی این تحقیق این است که چه رابطه‌ای بین میزان عمل به باورهای دینی و اجزای آن و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در دختران وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در شهر تهران می‌باشند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است؛ بدین‌صورت که از میان دانشگاه‌های مختلف شهر تهران، چهار دانشگاه علامه طباطبایی تهران، شهید بهشتی و الزهراء به صورت تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها در بین دانشجویان دختر خوابگاهی و همچنین در محیط دانشگاه پخش شد. افراد به صورت داوطلبانه به پرسش‌نامه پاسخ دادند. برای انجام این پژوهش، هر دانشجو پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد، جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) آلپورت و راس و عمل به باورهای دینی (معبد ۱) گلزاری را تکمیل کرد. در مجموع ۲۴۷ نفر پرسش‌نامه را تکمیل کردند.

ابزار پژوهش

مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد ۱)

آزمون معبد توسط گلزاری (۱۳۷۷) هنجار شده، دارای ۲۵ ماده است که عمل به باورهای دینی را اندازه می‌گیرد. آزمون معبد در آخرین فرم خود، دارای ۶۵ سؤال است که عمل و نه

اعتقاد و انگیزش، به باورهای اسلامی را اندازه می‌گیرد. مواد آزمون در چهار حوزه عمل به واجبات (خواندن نمازهای واجب و گرفتن روزه‌های واجب)، به مستحبات (خواندن نماز در مسجد، خواندن نمازهای مستحبی، مطالعه در مورد موضوعات دینی)، فعالیت‌های مذهبی (عضویت در گروه‌های مذهبی، مخالفت جدی با کسی که علیه دین و مذهب فرد مبارزه کند، پرداخت کمک‌های مالی منجر به پیشرفت دین و...) و در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی (اهمیت دادن به مذهبی بودن همسر و پابندی او به اعتقادات دینی، اهمیت دادن به مذهبی بودن دوستان صمیمی، تربیت فرزندان پایبند دین) قرار دارد. سؤالات آزمون با توجه به رفتارهای دینی رایج در جوانان متدین در اسلام انتخاب شده است. هر سؤال پنج گزینه دارد که از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ این آزمون، توسط مؤلف ۰/۹۴ گزارش شده است. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ آزمون معبد در حالت کلی ۰/۹۶۵ به دست آمد. ضریب آلفای هر یک از مؤلفه‌ها به ترتیب عبارتند از: مؤلفه عمل به واجبات ۰/۷۷۰، عمل به مستحبات ۰/۷۴۸، فعالیت‌های مذهبی (عضویت در گروه‌های مذهبی و...) ۰/۸۴۲ و در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های زندگی ۰/۹۴۰ به دست آمد.

مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس

این مقیاس دارای ۲۰ سؤال می‌باشد که ۱۲ سؤال آن به جهت‌گیری بیرونی و ۹ سؤال آن به جهت‌گیری درونی اشاره می‌کند (دوناهو، ۱۹۸۵). در تحقیقات انجام گرفته در ایران، پایایی این آزمون (آلفای کرونباخ) حدود ۰/۷ بوده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶؛ مختاری و همکاران، ۱۳۷۹). در این پژوهش، اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضریب آلفای معادل ۰/۷۰۲ به دست آمد.

مقیاس شادکامی

این ابزار در ۱۹۸۹ توسط آرجیل و لو تهیه شده است. این پرسش‌نامه، دارای ۲۹ ماده می‌باشد. مؤلفان ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۹ گزارش کردند (علی‌پور و نوربالا، ۱۳۷۸). در ایران تحقیقات انجام گرفته نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه، بیش از ۰/۹ می‌باشد (علی‌پور و نوربالا، ۱۳۷۸؛ ثابت و لطفی کاشانی، ۱۳۸۹). در این پژوهش، اعتبار این مقیاس به روش آلفای

کروناخ محاسبه گردید که ضریب آلفا معادل ۰/۹۲۷ به دست آمد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS18 و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری، به روش ورود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

میانگین سن نمونه حاضر، $23/27 \pm 3/36$ بود. همچنین ۲۲۴ نفر (۹۰/۷ درصد)، از نمونه مجرد و ۲۳ نفر (۹/۳ درصد) متأهل بودند. میانگین و انحراف معیار آزمون‌های انجام گرفته در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات جهت‌گیری درونی و بیرونی، عمل به باورهای دینی و شادکامی

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری متغیرها
۶/۰۶	۲۹/۷۸	جهت‌گیری درونی
۸/۲۸	۳۶/۲۴	جهت‌گیری بیرونی
۲۲/۰۵	۴۳/۳۷	عمل به باورهای دینی
۱۳/۵	۴۲/۲۳	شادکامی

نتایج بررسی ارتباط بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین شادکامی و عمل به باورهای دینی ($r = 0/23, p < 0/05$) و بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی درونی ($r = 0/27, p < 0/05$)، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی، ارتباط معنی‌دار و منفی وجود دارد ($r = -0/20, p < 0/05$). بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و عمل به باورهای دینی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد ($r = -0/537, p < 0/05$). بین جهت‌گیری مذهبی درونی با میزان عمل به باورهای دینی ارتباط معنی‌داری دیده نشد. بین کلیه مؤلفه‌های عمل به باورهای دینی و شادکامی، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲. ماتریس همبستگی میزان مؤلفه‌های عمل به باورهای دینی با شادکامی

متغیرها	عمل به واجبات	عمل به مستحبات	عمل به فعالیت‌های مذهبی	در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها	شادکامی
عمل به واجبات	۱	**۰/۷۱۶	**۰/۷۱۶	**۰/۸۲۳	**۰/۲۳۶
عمل به مستحبات		۱	**۰/۷۳۲	**۰/۷۱۴	**۰/۲۸۹
عمل به فعالیت‌های مذهبی			۱	**۰/۸۶۱	**۰/۱۶۵
در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها				۱	*۰/۱۵۰
شادکامی					۱

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مؤلفه‌های چهارگانه عمل به باورهای دینی با شادکامی، با استفاده از روش ورود

متغیر ملاک	شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	F	ضرایب رگرسیون			همبستگی نیمه‌تفکیکی
					P	t	β	
شادکامی	عمل به واجبات	۰/۲۸۹	۰/۰۸۴	۷/۰۰۸ ۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۳/۱۵۳	۰/۳۵۹	۰/۱۹۹
	عمل به مستحبات	۰/۲۹۶	۰/۰۸۷					۰/۰۲۳
	عمل به فعالیت‌های مذهبی	۰/۳۱۱	۰/۰۹۷					۰/۱۳۴
	در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها	۰/۳۲۲	۰/۱۰۴					۰/۰۹۰

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه جهت‌گیری بیرونی و درونی مذهبی و عمل به باورهای دینی با شادکامی، با استفاده از روش ورود

متغیر ملاک	شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	F	ضرایب رگرسیون			همبستگی نیمه‌تفکیکی
					P	t	β	
شادکامی	جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۰/۲۷۳	۰/۰۷۴	۱۴/۶۴۲ ۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۵/۱۱۳	۰/۳۰۵	۰/۳۱۲
	جهت‌گیری مذهبی درونی	۰/۳۷۰	۰/۱۳۷					۰/۱۵۳
	عمل به باورهای دینی	۰/۳۹۱	۰/۱۵۳					۰/۱۳۸

بر اساس آنچه که در جدول ۳ نشان داده شده است، متغیر عمل به واجبات پیش‌بینی‌کننده مستقل، معنادار و مثبت شادکامی است؛ متغیر عمل به مستحبات و در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌ها در

حضور عمل به واجبات پیش‌بینی‌کننده مستقل شادکامی نیستند. عمل به باورهای مذهبی در حضور عمل به واجبات پیش‌بینی‌کننده مستقل، معنادار و منفی شادکامی است، بدین معنا که با افزایش عمل به فعالیت‌های مذهبی، میزان شادکامی در افراد کاهش می‌یابد. متغیر در نظر گرفتن مذهب در تصمیم‌گیری‌های مذهبی رابطه معناداری با شادکامی ندارد.

براساس آنچه که در جدول ۴ دیده می‌شود، متغیر جهت‌گیری بیرونی و درونی مذهبی در حضور عمل به باورهای دینی به‌طور مثبت و معناداری شادکامی را پیش‌بینی می‌کنند دارد و عمل به باورهای دینی در حضور جهت‌گیری بیرونی و درونی به صورت منفی و معنادار شادکامی را پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه میزان عمل به باورهای دینی و اجزای آن و جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) با شادکامی در دانشجویان دختر بود. این تحقیق نشان داد که در تحلیل دو متغیری بین میزان عمل به باورهای دینی و شادکامی، ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین کلیه خرده‌آزمون‌های عمل به باورهای دینی با شادکامی ارتباط در بررسی دو متغیری ارتباط مثبت و معناداری دارند. این نتایج، با تحقیقات قمری (۱۳۸۹)، علوی و رنجبر شوآبادی (۱۳۸۹)، حیدری رفعت و عنایتی نوین‌فر (۱۳۸۹)، صحرائیان و همکاران (۱۳۸۹)، روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷)، استاورو (۲۰۱۳)، استینر و همکاران (۲۰۱۰)، مالپر (۲۰۱۰)، علی (۲۰۱۰)، هولدر و همکاران (۲۰۱۰) و ناهمسو بانوذری و غلامی (۱۳۸۹) است. به‌طورکلی، با توجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، به نظر می‌رسد که باورهای مذهبی یکی از عوامل تأثیرگذار بر احساس شادکامی است. در تبیین این رابطه، چندین امکان را باید مورد توجه قرار داد: ۱. مذهب احساس معنی‌دار بودن زندگی را به انسان می‌دهد و موجب امیدواری می‌شود؛ ۲. مذهب به عنوان مروج رفتار مثبت، یک سبک سالم برای زندگی پیشنهاد می‌کند، هنجارهای شایسته اجتماعی را تشویق و رفتارهای ناپسند را زشت می‌شمرد؛ ۳. از آنجاکه بسیاری از آیین‌های مذهبی در گردهمایی‌های مذهبی رخ می‌دهند، مذهب موجب پدیدآمدن روابط نزدیک و صمیمی با افراد دیگر می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فراوانی روابط نزدیک با دیگران، یکی از همبسته‌های احساس شادکامی است (سلیگمن و کیکزنت میهالی، ۲۰۰۰).

حضور و شرکت در امور مذهبی، می‌تواند برای افراد حمایت اجتماعی ایجاد می‌کند. این خود بر خوشحالی و روحیه و خلق بالای افراد اثر دارد. ضمن اینکه، تجربه و اعمال دینی می‌تواند موجب

ایجاد احساس ارتباط فرد با خدا می‌شود. این ارتباط از جهاتی شبیه ارتباط با انسان‌هاست که موجب خشنودی از زندگی زناشویی می‌شود. از این‌رو، کسانی که در زمینه دین به اعتقاد رسیده باشند و در عمل به باورهای دینی خود موفق باشند، ممکن است در همدلی، مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری توفیق بیشتری داشته باشند. به همین دلیل، چنین افرادی احتمالاً توانایی بالایی برای بهبود در روابط و تعاملات خود دارند. در نتیجه، سازگاری و رضایت‌مندی بیشتری از زندگی خود داشته و افرادی شادکام هستند.

بسیاری از مطالعات، شواهدی برای رابطه مثبت بین دین‌داری و سلامتی فراهم کرده‌اند. بیشتر مطالعات موجود در ادبیات جامع، دست‌کم یک ارتباط مثبت بین درگیری مذهبی و شاخص‌های سلامتی (شادکامی، رضایت از زندگی و...) گزارش کرده‌اند (آزموده و همکاران ۱۳۸۶؛ احتشام‌زاده و همکاران ۱۳۹۰؛ جان‌بزرگی، ۱۳۸۶؛ صادقی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). مذهب، نظام‌های معنا و ساختارهای اجتماعی فراهم می‌کند و رفتار را تنظیم می‌کند. مذهب با نسبت دادن ارزش به رفتارهای خاص به مردم کمک می‌کند تا اهدافی را برای درگیر شدن در رفتارهای خاص (مانند کم کردن وزن) و اجتناب از رفتارهای دیگر (مانند مصرف الکل) ایجاد کنند که می‌تواند سلامت جسمانی و روانی را ارتقا دهد. در حقیقت، به نظر می‌رسد دین‌داری، درگیر شدن در رفتارهای ارتقادهنده سلامتی، مانند ورزش و غیره را افزایش می‌دهد. درگیری مذهبی، تعداد رفتارها و نگرش‌هایی را که تأثیر مثبتی بر سلامتی دارند، ارتقا می‌دهد. افراد مذهبی، در مقایسه با افراد غیرمذهبی، از نظر اجتماعی فعال‌تر هستند و سطوح بالای حمایت اجتماعی را دارند. همچنین مذهبی بودن، با سطوح بالای خوش‌بینی و امید همراه است که هر دو ویژگی اشخاص دارای سلامتی و رضایت از زندگی است. بنابراین، ارتباط بین مذهبی بودن و سلامتی به نظر می‌رسد، هم توسط منابع روانی اجتماعی میان‌فردی محور، مانند حمایت اجتماعی، و منابع روانی اجتماعی درون‌فردی محور، مانند امید و خوش‌بینی تعدیل می‌شود (کوئینگ و لارسون، ۲۰۰۱؛ میلر و تورسن، ۲۰۰۳؛ میرز، ۲۰۰۰).

اما در تحلیل رگرسیون چندمتغیری تنها خرده‌آزمون‌های عمل به فعالیت‌های مذهبی و عمل به واجبات، به طور مستقل شادکامی را پیش‌بینی می‌کردند. عمل به واجبات، به‌طور مثبت و عمل به فعالیت‌های مذهبی، به‌طور منفی شادکامی را پیش‌بینی می‌کردند. عمل به واجبات، معیار معتبری برای دین‌ورزی است. از این‌رو، می‌توان گفت: تنها پیش‌بینی‌کننده آماری مثبت شادکامی این خرده‌آزمون می‌باشد. به عبارت دیگر، در حضور خرده‌آزمون عمل به واجبات سایر خرده‌آزمون‌ها (عمل به

مستحبات و در نظر گرفتن مذهب در فعالیت‌های مذهبی)، به‌طور مستقل نمی‌توانند میزان شادکامی را تبیین نمایند. با توجه به اینکه در روش آماری رگرسیون چندمتغیری، همبستگی بین ماده‌ها موجب می‌شود تنها موادی وارد تحلیل شوند که پس از حذف اثر سایر متغیرهای پیش‌بین قبلی با متغیر وابسته، هنوز همبستگی نشان می‌دهند، از این‌رو، حذف شماری از مواد در نتایج همبستگی چندمتغیری بدین معنا نیست که این مواد با احساس شادکامی همبستگی ندارند، بلکه به این معناست که آنها قدرت پیش‌بینی بیشتری، افزون بر متغیرهای پیش‌بین ندارند. در این پژوهش، در تحلیل رگرسیون چندمتغیری میزان عمل به فعالیت‌های مذهبی به‌طور مستقل و منفی شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر، در حضور خرده‌آزمون‌هایی چون عمل به واجبات این خرده‌آزمون، به‌طور منفی شادکامی پیش‌بینی می‌کند. درحالی‌که در تحلیل دومتغیری آن ارتباط مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

به نظر می‌رسد، با توجه به توضیحات داده‌شده، آنچه مهم است این است که متغیر عمل به باورهای دینی ارتباط معنی‌دار و مثبتی با شادکامی، در حضور متغیر عمل به واجبات ندارد. بررسی مواد خرده‌آزمون عمل به فعالیت‌های مذهبی، نشان می‌دهد که حدود ۴۰٪ موارد مطرح‌شده مربوط به پرداخت‌های مالی دینی می‌باشد که در جامعه ما بانوان دانشجوی، کمتر درگیر آن می‌باشند. از سوی دیگر، پژوهش ما اولین پژوهشی بود که به واری ارتباط خرده‌آزمون‌های عمل به باورهای دینی با شادکامی پرداخت. از این‌رو، برای تفسیر نتایج آن لازم است مطالعات بیشتری در این‌باره صورت گیرد. بنابراین، تحقیق ما نشان داد که بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی درونی، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیق ما با نتایج تحقیق ملتفت و همکاران (۲۰۱۰)، احتشام‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، آزموده و همکاران (۱۳۸۶) و عقیلی و کومار (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق ما نشان داد که بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد که با تحقیقات وارد (۲۰۱۰، ص ۱۱۵)، بیانی و همکاران (۱۳۸۷) همسو و با تحقیق عقیلی و کومار (۲۰۰۸) ناهمسو می‌باشد.

دین‌داری درونی، سبکی از دین‌داری است که فرد برای به‌دست آوردن احساس معنی و هدف در زندگی بدان تمایل دارد. بدون اینکه منافع اجتماعی را - که به واسطه دین‌داری برایش حاصل می‌شود- در نظر بگیرد. این افراد، به دین نگاه ابزاری ندارند و وسیله‌ای برای ارضای نیازهای آنها نمی‌باشد. به اعتقاد آلپورت، تنها دین‌داری درونی با سلامت روانی ارتباط مثبت دارد. برای افرادی که جهت‌گیری مذهبی آنها بیرونی است، به مذهب به‌عنوان عادت‌ی تشریفاتی می‌نگرند که برای آرامش شخصی،

خانوادگی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. دین برای این افراد مقام، اعتماد به نفس، نفوذ و قدرت را به همراه می‌آورد. این افراد، به خدا روی می‌آورند، ولی از خود دور نمی‌شوند (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶). از دیدگاه برگین نیز، همچنان‌که در مقدمه به آن اشاره شد، افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، به علت نوع تعبیر و تفسیری که از وقایع دارند استرس کمتری را تجربه می‌کنند، اما افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، به علت نگاه ابزاری به دین، استرس بیشتری را تجربه می‌کنند.

نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که بین عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری بیرونی ارتباط معنی‌داری دیده نشد و بین عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری درونی ارتباط معنی‌دار و منفی دیده شد. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت: عمل به باورهای دینی از اعتقادات دینی جدا می‌باشد؛ به این معنا که فرد می‌تواند به اصولی معتقد باشد، اما به هر دلیلی اعمال مربوط به این اعتقاد را به انجام نرساند. این فرد اعتقاد دینی دارد، ولی عمل به باورهای دینی ندارد (گلزاری، ۱۳۷۷، ص ۷۵). به عبارت دیگر، بسیاری از افراد اعتقادات دینی دارند، اما این اعتقاد در سطح شناختی باقی مانده است و به سطح رفتاری آنان سرایت نکرده است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه هر دو آزمون مورد اشاره، درصد سنجش دینداری می‌باشند، ارتباط منفی و معنی‌دار بین عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری درونی، می‌تواند به صورت عدم ارتباط مثبت و معنی‌دار تعبیر شود. با توجه به آنچه گفته شد و نتایج تحقیق ما، می‌توان گفت: عمل به باورهای دینی و جهت‌گیری مذهبی جنبه‌های متفاوتی از دین‌داری را تحلیل می‌کنند.

تحلیل رگرسیون چندمتغیری، نشان داد که جهت‌گیری درونی و بیرونی به‌طور مستقل و مثبت، و باورهای دینی به صورت منفی و مستقل شادکامی را تبیین می‌کنند. در توضیح نتایج فوق، می‌توان گفت: جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی، به جنبه‌های متفاوتی از دینداری توجه می‌کنند و آنها را مورد سنجش قرار می‌دهند. از این رو، به نظر می‌رسد، در حضور جهت‌گیری درونی و بیرونی مذهبی، که صورت مثبت شادکامی را پیش‌بینی می‌کنند، عمل به باورهای دینی تعدیل‌کننده این پیش‌بینی می‌باشد.

از سوی دیگر، افرادی وجود دارند که هم با جهت‌گیری مذهبی بیرونی و هم با جهت‌گیری مذهبی درونی موافق هستند. به عبارت دیگر، مذهبشان هم جهت‌گیری بیرونی دارد و هم درونی. این افراد از نظر جهت‌گیری مذهبی، نامتمایز می‌باشند (هود، ۱۹۷۶). به نظر بعضی از محققان، داشتن همراه بودن هر دو جهت‌گیری بیرونی و درونی در فرد، دارای مزایای بیشتری نسبت به جهت‌گیری درونی صرف می‌باشد؛ زیرا فرد از مزایای ترکیب این دو جهت‌گیری مذهبی بهره‌مند می‌شود (میلوسکی، ۲۰۰۲).

محدودیت‌های پژوهش

۱. پژوهش حاضر به ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق وابسته بود. از این رو، کیفیت نتایج تابع ویژگی‌های پرسش‌نامه‌های عمل به باورهای دینی *گل‌زاری*، جهت‌گیری مذهبی (درونی و بیرونی) *آلپورت* و شادکامی آکسفورد می‌باشد.

۲. نتایج این پژوهش، منوط به پاسخ‌های آزمودنی‌ها می‌باشد؛ چراکه ممکن است آزمودنی در پاسخ‌گویی به سؤالات اصل صداقت را رعایت نکرده باشد. چه بسا پاسخ‌گویان، به صراحت باورهای خویش را نگویند یا بکوشند خود را بهتر از آنچه هستند نشان دهند. این امر، می‌تواند بر یافته‌های به دست آمده در این پژوهش تأثیر بگذارد. از این رو، تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام شود.

۳. چون طرح مطالعه حاضر از نوع همبستگی است، نه آزمایشی، ادعای روابط علی در میان متغیرهای مورد مطالعه ممکن نیست؛ زیرا می‌توان گفت: بین دین‌داری و میزان شادکامی رابطه وجود دارد، اما نمی‌توان ادعا کرد دین‌داری علت شادکامی است. این محدودیت‌ها ارزش یافته‌های فعلی را نمی‌کاهد، اما نتایجی را که می‌توان درباره متغیرهای مورد مطالعه گرفت، محدود می‌کند.

منابع

- آزموده، پیمان و همکاران، ۱۳۸۶، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان»، *روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۱، ص ۶۰-۷۴.
- احتشام‌زاده، پروین و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و باورهای غیرمنطقی با افسردگی بیماران MS»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۲۰، ص ۵۵-۶۷.
- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیانی، علی اصغر و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان»، *اصول بهداشت روانی*، سال دهم، ش ۳، ص ۲۰۹-۲۱۴.
- ثابت، مهرداد و فرح لطفی کاشانی، ۱۳۸۹، «هنجاریابی آزمون شادکامی آکسفورد»، *اندیشه و رفتار*، دوره چهارم، ش ۱۵، ص ۷-۱۸.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۶، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *پژوهش در پزشکی*، دوره سی‌ویکم، ش ۴، ص ۳۴۵-۳۵۰.
- حیدری‌رفع، ابوذر و علی عنایتی‌نویں‌فر، ۱۳۸۹، «رابطه بین نگرش دینی و شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس»، *روان‌شناسی دین*، سال سوم، ش ۴، ص ۶۱-۷۲.
- روحانی، عباس و داود معنوی‌پور، ۱۳۸۷، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.
- صادقی، سمیه، ۱۳۸۸، *رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت از زندگی در دانش‌آموزان شهر قم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صحرائیان، علی و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، *افتق دانش*، دوره هفدهم، ش ۱، ص ۶۹-۷۵.
- علوی، سیدحمیدرضا و زهرا رنجبر شورآبادی، ۱۳۸۹، «تأثیر دیانت بر شادی دانش‌آموزان مدارس دخترانه مقاطع راهنمایی و دبیرستان ناحیه ۲ شهر کرمان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۷، ص ۶۵-۷۸.
- علی‌پور، احمد و احمدعلی نوربالا، ۱۳۷۸، «بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *اندیشه و رفتار*، سال پنجم، ش ۱ و ۲، ص ۵۵-۶۵.
- علی‌محمدی، کاظم و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۷۸، «بررسی رابطه بین شادکامی با جهت‌گیری مذهبی و شادکامی روان‌شناختی و افسردگی در دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی قم سال تحصیلی ۸۶-۸۵»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۴۶.
- قمری، محمد، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۳، ص ۷۵-۹۱.
- کاظمیان‌مقدم، کبری و مهناز مهرایی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه نگرش مذهبی با شادکامی و سلامت روانی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان»، *روان‌شناسی و دین*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۵۷-۱۷۴.

گلزاری، محمود، ۱۳۷۷، *ساخت و اعتباریابی مقیاس عمل به باورهای دینی*، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

مختاری، عباس و همکاران، ۱۳۷۹، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی»، *روان‌شناسی*، ش ۱۷، ص ۵۶-۶۷.
میرشاه جعفری، ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۱، «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۵۰-۵۸.

نوذری، جمشید و یونس غلامی، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و التزام عملی به اعتقادات اسلامی با سلامت روان دانشجویان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۷، ص ۲۵-۴۲.

Aghili, M, & Kumar, GV, 2008, Relationship between religious attitudes and happiness among professional employees, *Journal of Indian Academy of applied psychology*, v. 34 (Special issue), p. 66-69.

Allport ,G, 1968, *The person in psychology*, Boston, Beacon Press.

Aly, HA, 2010, *Spirituality and psychological well-being in muslim community: an exploration study*, PH.D dissertation, University of LA verna.

Argyl, M, 2001, *Causes and correlates of happiness, The foundation of hedonic psychology*, New York: Russell Sage Foundation.

Bergin, AE, 1991, Values and Religious Issues in Psychotherapy and Mental Health, *American Psychologist*, v. 46(4), p. 394-403.

Donahue, MJ, 1985, Intrinsic and extrinsic religiousness: Review and meta analysis, *Journal of personality and Social psychology*, v. 48, p. 224-235.

Holder, MD, & et al, 2010, Spirtudity, Religiousness and Happiness in Children aged 8-12 years, *The journal of Happiness Studies*, v. 11, p. 131-150.

Hood, RW, 1976, The usefulness of indiscriminately pro and anticategories of religious orientation, *Journal of scientific study of religion*, v. 17, p. 419-431.

Koenig, HG, & Larson, D, 2001, Religion and mental health:evidence for an association, *International review of psychiatry*, v. 13(2), p. 67-78.

Lewis, C.A, & et al, 1997, Religiosity and happiness: No evidence for an association among undergraduates, *Personality & Individual Differeness*, v. 22, p. 119-122.

Malpere, S, 2010, *The correlation between religion, spirituality and happiness*, M.S, Thesis, Kean University.

Miller, W. R, & Thoresen, C. E, 2003, Spirituality, religion, and health: An emerging research field, *American psychologist*, v. 58, p. 24-35.

Milevskc, A, 2002, *Religion well being in adult and older adults*, Florida internatinal university. WWW.flu.edu.

Myers, D. G, 2000, The funds, friends, and faith of happy people, *American psychologist*, v. 55(1), p. 56-67.

Moltafet,G, & et al, 2010, Personality traits, Religion Orientation and happiness, *Social and Bihavioural Science*, v. 9, p. 63-69.

- Paloma, MM, & Pendleton, BF, 1991m, The effects of prayer and prayer experiences on measures of general well-being, *Journal of Psychology and Theology*, v.19, p. 71-83.
- Seligman, MEP,& Csikszentmihalyi, M, 2000, Positive psychology: An introduction, *American Psychologist*, v. 55, p. 5-14.
- Steiner, L, & et al, 2010, Economics, Religion and Happiness, *Journal for business, economics & ethics*, v. 11(1), p. 9-24.
- Stavrova, O, & et al, 2013, Why are religious people happy? The effect of the social norm of religiosity across countries, *Social Science Research*, v. 42(1), p. 90-105.
- Ward, AM, 2010, *The relationship between religiosity and religious coping to stress reactivity and psychological well being*, PH.D. dissertation, Georgia State University.
- Wulff, DM, 1997, *Psychology of religion*, 2th, Jhon wiley&sons Inc, p. 56-67.
- Veenhoven, R, 1984, *Conditions of happiness*, Kluwer Academic.

راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آونمان پذیرفته می‌شود: ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید: ۳. در صورت تغییر نشانی، اداره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید: ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید: ۵. بهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشد: ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید.

http://eshop.iki.ac.ir فروشگاه الکترونیک

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	تک شماره (ریال)	یکساله (ریال)	از شماره تا شماره
۱.	دو فصل نامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۲.	دو فصل نامه «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۳.	دو فصل نامه «قرآن شناخت»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۴.	دو فصل نامه «معرفت سیاسی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۵.	دو فصل نامه «معرفت کلامی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۶.	فصل نامه «روان‌شناسی و دین»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۷.	فصل نامه «معرفت ادیان»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۸.	فصل نامه «معرفت فرهنگی اجتماعی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۹.	فصل نامه «معرفت فلسفی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۱۰.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی - پژوهشی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۱.	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۲.	دو فصل نامه «معارف عقلی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۳.	دو فصل نامه «معرفت اخلاقی»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۴.	ماهنامه «معرفت»	علمی - ترویجی	۳۵,۰۰۰	۴۲۰,۰۰۰	
۱۵.	دو فصل نامه «عیار پژوهش در علوم انسانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۶.	دو فصل نامه «حکمت عرفانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۷.	دو فصل نامه «معارف منطقی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۸.	دو فصل نامه «اندیشه‌های حقوق عمومی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	
۱۹.	فصل نامه «بوی‌ی در علوم انسانی»	علمی - تخصصی	۳۵,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰	
۲۰.	Semiannual «Horizons of Thought»	علمی - تخصصی	۱۵ دلار	۳۰ دلار	

نام نشریه:

مدت اشتراک:

مبلغ واریزی:

فرم درخواست اشتراک

اینجانستب: استان: شهرستان:

خیابان / کوچه / پلاک:

کد پستی: صندوق پستی: تلفن: (ثابت) (همراه) ۰۹.....

متقاضی دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.

لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت به آدرس فوق ارسال فرمایید.

در ضمن فیش بانکی به شماره: مبلغ: ریال به پیوست ارسال می‌گردد.

ملخص المقالات

أ نموذج مفهومي حول أبعاد تصوّر الله تعالى على أساس الأسماء الحسنى:
دراسةً بنيويةً للبحوث التي تجرى حول نمط الحياة الإسلامية وعلم النفس الديني

كحسين أحمد بربادى / استاذ مساعد فى فرع الاستشارة - بجامعة بنجورد
معصومة إسماعيلى / أستاذة فى فرع الاستشارة - جامعة العلامة الطباطبائى
حسين سليمى بجستانى / أستاذ مساعد فى فرع الاستشارة - جامعة العلامة الطباطبائى
السيد محمد كلانتر كوشه / أستاذ مساعد فى فرع الاستشارة - جامعة العلامة الطباطبائى
الوصول: ١٩ محرم ١٤٣٥ - القبول: ٢٦ جمادى الثانى ١٤٣٥

الملخص

تمّ تدوين هذه المقالة وفق منهج بحث نوعى وعلى أساس تحليل المضمون بهدف تعيين أبعاد تصوّر الله عزّ وجلّ من زاوية الأسماء الحسنى، وكذلك بغية طرح أنموذج مفهومي للدراسات المتعلقة بنمط الحياة الإسلامية وعلم النفس الديني، لذلك قام الباحثون بدراسة وتحليل الآيات القرآنية والحديث الشهير المروى عن النبي ﷺ الذى ذكر فيه ٩٩ اسماً. أمّا النتائج فقد أثبتت أنّ تصوّر الله تعالى وفق دلالات الأسماء الحسنى يشير إلى بُعدين أساسيين، أحدهما الأسماء التى منشؤها ملاحظة ذاته المقدّسة دون لحاظ غيره، والآخر الأسماء التى تشير إلى ارتباطه تبارك شأنه بعالم الخلق، وهذا الارتباط إنّما يتحقّق فى مجالين، هما: ١. مجال الخلقة: الأسماء ذات الصلة بالخلق والهيكل العامّ لها، وهى تدلّ على أبعاد العلم والقدرة والفاعلية والخبرة والحفظ والهداية والسيطرة. ٢. مجال الأمر: الأسماء التى تشير إلى ربوبيته تعالى وعلاقته بمخلوقاته، وهى تدلّ على الأبعاد التى تلبّي المصالح وتوفّر الإمكانيات وتزيل العقبات والأضرار وتدلّ على السيطرة والحساب والاستعانة والغوث.

كلمات مفتاحية: تصوّر الله تعالى، الأسماء الحسنى، نمط الحياة.

تصميم مقياس للهوية الأخلاقية - الإسلامية للمراهقين ودراسة خصائصه السيكومترية

مهناز على أكبرى دهكردى / أستاذ مشارك فى قسم علم النفس بجامعة بيام نور- طهران
فرهاد شقافى / أستاذ مشارك فى قسم علم النفس بجامعة آزاد الإسلامية- أهر
زهراء مردانى ولندانى / طالب دكتوراه ومدرس علم النفس بجامعة بيام نور
مرضية عزيزيان / طالب دكتوراه فى علم النفس التربوى بجامعة العلّامة الطباطبائى
زهراء عاصمى / طالب دكتوراه فى علم النفس بجامعة بيام نور
الوصول: ٦ ربيع الثانى ١٤٣٥ - القبول: ١٥ رمضان ١٤٣٥

الملخص

تتطرق المقالة التى بين يدى القارئ الكريم إلى دراسة الصدق والثبات لمقياس "الهوية الأخلاقية-الإسلامية فى التلامذة المراهقين" المصمم بواسطة الباحثين. وبادئ ذى بدء، فقد تمّ توفير بنك من الأسئلة بالنظر إلى الفضائل التى جاء ذكرها فى آى القرآن مباشرةً، وبعد التأكد من الصدق الصورى للاستبيان بواسطة الأساتذة، تمّ تحضير النموذج النهائى منه لإجراء الاختبار. أمّا عينات البحث، فقد اختير ٧٠٠ طالب من بين طلاب المرحلة الثانوية بمدينة إصفهان، وذلك باستعمال المنهج العشوائى العنقودى. تشير النتائج المتحصّلة من معامل ألفا كرونباخ فى المقاييس الفرعية إلى ثبات مطلوب لمقياس الهوية الأخلاقية-الإسلامية للمراهقين. وتكشف نتائج التحليل العاملى الاستكشافى من أجل دراسة هيكل العوامل السبعة للمقياس عن تباين يساوى ٤٩/٠٧. كما تدلّ مؤشرات التحليل العاملى التوكيدى على الاتساق الداخلى المطلوب لنموذج الهوية الأخلاقية-الإسلامية. ويعدّ مقياس الهوية الأخلاقية المذكور أنفأ أداة فاعلة لقياس الخصال الأخلاقية الحميدة فى إطار الديانة الإسلامية الحنيفة، وذلك لكون جميع أسئلته معتمدة على آى الذكر الحكيم.

كلمات مفتاحية: القياس النفسى، الهوية الأخلاقية-الإسلامية، المراهقون.

تصميم استبيان "التزام النساء بتعاليم المعاشرة الزوجية في الإسلام" وقياس مدى صدقه وثباته

السيد أبو الفضل القدوسي / ماجستير علم النفس الأسرى بمؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحث
معمّد رضا أحمدي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بمؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحث
صادق كريم زاده / أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية بمؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والبحث
الوصول: ٢١ ذى القعدة ١٤٣٥ - القبول: ٢٢ جمادى الأولى ١٤٣٥

الملخص

كُتبت سطور هذه المقالة في محاولة لتصميم استبيان "التزام النساء بتعاليم المعاشرة الزوجية في الإسلام" ودراسة مدى صدقه وثباته، حيث استخرجت التعاليم المتعلقة بحسن تبعل النساء في الإسلام اعتماداً على منهج تحليل المضمون، كما تمّ تقييم صدق مضمون الاختبار وصدقه التركيبي وثباته عبر المنهج الاستقصائي. أما عينة البحث، فقد شملت ٣٧٤ امرأة من النساء المتزوجات في مدينة إصفهان الإيرانية، حيث تمّ اختيارهن عبر المنهج العنقودي. وكشفت نتائج الدراسة عن إحراز ٨٠ فقرة من بين ١٢٣ فقرة أولية مقترحة لقصص السبق في ارتفاع صدقها المضموني على حسب رأى المتخصّصين. كما حصلنا بعد إجراء التحليل العاملي لقياس الصدق التركيبي على ستة عوامل، حيث كان يساوي مؤشر إكتفاء أخذ عيناتها ٠/٨٤٧، ومن جانب آخر تشير نتائج اختبار بارنليت إلى كفاية حجم العينات لإجراء التحليل العاملي. إنّ الترابط الإيجابي وذات الدلالة الإحصائية بين أسئلة الاستبيان وبين الدرجة النهائية له وكذلك الترابط بين كلّ من العوامل وبين الاستبيان بصورة عامة، يشيران إلى الصدق التركيبي والاتساق الداخلي للاستبيان المذكور آنفاً. إنّ مدى الاتساق الداخلي الذي حصلنا عليه عبر معامل سبيرمان - براون ومعامل التجزئة النصفية لغاتمان والترابط بين الاستمارتين في المرحلة التجريبية والمرحلة النهائية يشير إلى وجود دلالة إحصائية. أمّا نتائج معامل ألفا للجزء الأول للاستبيان تساوى ٠/٨٣٩ وللجزء الثاني تساوى ٠/١٠٨، حيث يمكن القول على هذا الأساس أنّ الاستبيان يحظى بصدق وثبات مطلوبين.

كلمات مفتاحية: التزام النساء، تعاليم المعاشرة الزوجية، الاستبيان، الصدق والثبات.

التحسين الروحي للحياة والتحسين السيكولوجي لها وفاعلية الأسرة بين طلاب الجامعة وطلاب العلوم الدينية: دراسة مقارنة

جعفر هوشيارى / طالب دكتوراه فى فرع القرآن و علم النفس بجامعة المصطفى العالمية
معمدمهدى صفوراى باريزى / أستاذ مساعد فى جامعة المصطفى العالمية
بهشته نيوشا / أستاذ مساعد فى جامعة آزاد الإسلامية فرع ساوه
الوصول: ٥ محرم ١٤٣٥ - القبول: ١٨ جمادى الثاني ١٤٣٥

الملخص

جاءت المقالة التى بين يدى القارئ الكريم بهدف المقارنة بين التحسين الروحي للحياة والتحسين السيكولوجي لها، ومن ثم دراسة مدى فاعلية الأسرة بين طلاب الجامعة وطلاب العلوم الدينية، اعتماداً على المنهج الاستقصائي. أما عينات البحث، فقد شملت ٣٩١ طالباً من بين الطلاب المتزوجين والطلبات المتزوجات الذين يدرسون فى مرحلتى البكالوريوس والماجستير فى الجامعات، كما تشمل أيضاً طلاب المستوى الثانى والثالث فى حوزات العلوم الدينية بمدينة قم المقدسة، حيث اختيروا على أساس منهج أخذ العينات العرضية، وأجابوا عن الأسئلة الموجودة فى استبيان التحسين الروحي للحياة واستبيان التحسين السيكولوجي لها واستبيان فاعلية الأسرة. أما البيانات، فتم تحليلها ودراستها بواسطة المؤشرات المركزية والمؤشرات المتفرقة واختبار مقارنة المعدل متعدد الاتجاه وبمساعدة برنامج SPSS الإحصائي. وتشير النتائج المتحصلة إلى وجود اختلاف ذات دلالة إحصائية على مستوى $(P \leq 0.05)$ بين معدل التحسين الروحي للحياة والتحسين السيكولوجي لها وكذلك فاعلية أسرة طلاب الجامعة وطلاب العلوم الدينية.

كلمات مفتاحية: التحسين الروحي للحياة، التحسين السيكولوجي للحياة، الفاعلية، الأسرة، الطلاب الجامعية، طلاب العلوم الدينية.

دراسة الاختلاف بين الوالدين اللذين رزقا طفلاً واحداً واللذين رزقا عدّة أطفال فى مشاكلهما الزوجية، والمعتقدات اللاعقلانيّة، والصور الإجماليّة الأولى، وإلتزامهما بالدين

عباس على هراتيان / طالب دكتوراه فى فرع علم النفس بمركز أبحاث الحوزة والجامعة
السيد عباس ساطوريان / طالب دكتوراه فى فرع علم النفس بمؤسسة الإمام الخمينيؑ للتعليم والبحث
محمد زارعى / طالب دكتوراه فى فرع علم النفس بمركز أبحاث الحوزة والجامعة
مسعود جان بزرجى / أستاذ مشارك بمركز دراسات الحوزة والجامعة
مجان آگاه هريس / أستاذ مساعد بجامعة بيام نور فرع غرمسار
الوصول: ١٠ صفر ١٤٣٥ - القبول: ٣ شعبان ١٤٣٥

الملخص

تهدف المقالة التى بين يدى القارئ الكريم إلى دراسة الاختلاف بين الوالدين اللذين رزقا طفلاً واحداً
والذين رزقا عدة أطفال فى التعارض القائم بينهما، والمعتقدات اللاعقلانيّة، والصور الإجماليّة الأولى،
وإلتزامهما بالدين، وتعتمد على المنهج العلىّ - المقارن. أمّا عينات البحث، فقد شملت ٤٦٩ شخصاً متزوجاً
من بين المتزوجين بمدينة سمنان الإيرانية، حيث اختيروا باستعمال المنهج العشوائى لأخذ العينات وفى عدّة
مراحل، حيث نتجت عن المجتمع الإحصائى الإجابة عن الأسئلة الموجودة فى استبيانات التعارض بين
الزوجين، والمعتقدات اللاعقلانيّة، والصور الإجماليّة الأولى، والالتزام الدينى. أمّا النتائج المتحصّلة من تحليل
النتائج الأحادى تشير إلى اختلاف ملحوظ فى درجة المتغيرات المذكورة آنفاً بين مجموعة الوالدين اللذين
رزقا طفلاً واحداً واللذين رزقا عدّة أطفال. وبناءً على ما تقدم (عليه - تأسيساً على ما مرّضى)، فيمكن القول
أنّ المتزوجين الذين يحظون بالالتزام دىنى أكثر ويتمتعون بالحد الأدنى من الصور الإجماليّة والمعتقدات
اللاعقلانيّة، يرغبون فى عدد أكثر من الأطفال. ناهيك عن أنّ الوالدين اللذين رزقا عدة أطفال، فإنّهما يجربان
اختلافاً زوجياً طفيفاً، مقارنةً بالوالدين اللذين رزقا طفلاً واحداً.

كلمات مفتاحية: المشاكل الزوجية، المعتقدات اللاعقلانية، الصور الإجماليّة الأولى، الالتزام الدينى، عدد الأطفال.

دور الذكاء العاطفي والذكاء الروحي في بيان الحالات العاطفية السلبية

يوسف رضا بور / أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية بجامعة تبريز

Shalchi.b@gmail.com

بهزاد شالجي / أستاذ مساعد في قسم علم النفس بجامعة شهيد مدني أذربيجان

مهرياز دادخواه / ماجستير علم النفس من جامعة تبريز

يوسف زيني وند / ماجستير دراسات المرأة من جامعة طهران

الوصول: ١٣ جمادى الأولى ١٤٣٥ - القبول: ٢٤ رمضان ١٤٣٥

الملخص

جاءت هذه الدراسة بهدف التعرف على دور الجوانب المختلفة للذكاء العاطفي والذكاء الروحي في بيان الحالات العاطفية السلبية، وتعدّ من الأبحاث الترابطية. أما عينات البحث، فقد شملت ٥٨٩ طالباً جامعياً، حيث أجابوا عن مقياس الإكتئاب والقلق، ومقياس TMS ومقياس الذكاء الروحي إعداد كنج. وكشفت نتائج الدراسة عن دور الأبعاد المختلفة للذكاء العاطفي والذكاء الروحي في بيان الحالات العاطفية السلبية. أما لدراسة مدى الاتساق الداخلي للنموذج المقترح، فقد تمّ حساب المؤشرات RMSEA, CFI, AGFI, GFI, X2, X2/df و RMR وفقاً للبيانات التي جمعت، حيث كشفت نتائج الدراسة عن اتساق النموذج مع البيانات اتساقاً مطلوباً.

كلمات مفتاحية: الذكاء العاطفي، الذكاء الروحي، الحالات العاطفية السلبية.

التكهّن بالنضج المهني بين طلباء جامعة العلامّة الطباطبائي، اعتماداً على أنماط الهوية والتدين

كلمة طيبة مدني فر / ماجستير الاستشارة المهنية بجامعة العلامّة الطباطبائي

كيومرث فرح بخش / أستاذ مساعد بجامعة العلامّة الطباطبائي

محمود جلزاري / أستاذ مساعد بجامعة العلامّة الطباطبائي

الوصول: ٢٧ جمادى الثاني ١٤٣٥ - القبول: ٧ ذيقعد ١٤٣٥

الملخص

نهدف في هذه المقالة إلى دراسة العلاقة بين أنماط الهوية والتدين والنضج المهني عند طلباب جامعة العلامّة الطباطبائي في الفصل الدراسي ١٣٩٣-١٣٩٢، حيث اخترنا ٤٠٠ طالب كعينات للبحث اعتماداً على المنهج العنقودي وفي عدة مراحل. ومن ثمّ خرج المجتمع الإحصائي للدراسة بالإجابة عن استبيان أنماط الهوية (ISI-6G) إعداد برزونسكي (١٩٩٨)، والعمل بالمعتقدات الدينية (المعروف باسم "معبد" اختصاراً) إعداد جلزاري (١٣٧٩) والنضج المهني إعداد سافيكاس وبرفلي (٢٠١١). حيث تدلّ نتائج الدراسة على علاقة إيجابية ذات دلالة إحصائية بين أنماط الهوية والتدين وبين النضج المهني على مستوى $p < 0.01$. فإنّ تعهّد الهوية هو المتكهّن الرئيسي (إيجابياً) ونمط الهوية المشوّه-الاجتنابي هو المتكهّن الأساسى للنضج المهني (سلبياً)، كما يقدرّ التدين النضج المهني في بعد العمل بالواجبات. ناهيك عن أنّ الهوية المعيارية وتعهد الهوية يسهمان إسهاماً كبيراً في تكهّن التدين وأبعاده المختلفة إيجابياً. وفي نهاية المطاف يمكن استنباط بعض الاستراتيجيات من نتائج هذه الدراسة لإثراء هوية الشباب من خلال ترسيخ معتقداتهم الدينية وتعليمهم والمساعدة على ارتفاع مستوى نضجهم المهني.

كلمات مفتاحية: النضج المهني، التدين، أنماط الهوية، الطلاب.

علاقة مدى العمل بالمعتقدات الدينية أو التوجه الديني بالابتهاج عند الطالبات

كهد فريده حسين ثابت / أستاذ مساعد في قسم علم النفس السريري والعام بجامعة العلّامة الطباطبائي farideh_hosseinsabet@yahoo.com
مهرونوش مومي بور / ماجستير علم النفس العام من جامعة العلّامة الطباطبائي
الوصول: ٢٧ ربيع الثاني ١٤٣٥ - القبول: ٢٩ شوال ١٤٣٥

الملخص

تهدف المقالة التي بين يدي القارئ الكريم إلى دراسة العلاقة بين مدى العمل بالمعتقدات الدينية أو التوجه الديني بالابتهاج عند الطالبات. أما عينات البحث، فقد شملت ٢٤٧ شخصاً من الطالبات في الجامعات الحكومية بطهران، حيث تم اختيارهم على أساس منهج أخذ العينات العرضية. وأجاب المجتمع الإحصائي عن الاسئلة الموجودة في استبيان أو كسفورد للابتهاج واستبيان التوجه الديني حسب مبادئ (ألبورت وراس ١٩٥٠) واستبيان العمل بالمعتقدات الدينية (المعبد ١). وتشير دراسة علاقة المتغيرات باختبار معامل الارتباط لبيرسون إلى أنّ هناك صلة ملحوظة وملموسة بين الابتهاج وبين مدى العمل بالمعتقدات الدينية وجميع الاختبارات الفرعية له، وأنّ هناك علاقة إيجابية ملحوظة بين الابتهاج وبين التوجه الديني الباطني، كما توجد علاقة سلبية ملحوظة وملموسة بين الابتهاج والتوجه الديني الخارجي. تدلّ نتائج اختبار تحليل الانحدار المتعدّد اعتماداً على منهج الدخول فقط، على أنّ هناك علاقة إيجابية بين الاختبارات الفرعية للعمل بالواجبات وبين الابتهاج، كما توجد علاقة سلبية بين العمل بالنشاطات الدينية وبين الابتهاج. ويبدو أخيراً أنّ الدين يضيء على الحياة بهاءً ويجعلها هادفةً ويروّج الحياة الطيبة.

كلمات مفتاحية: العمل بالمعتقدات الدينية، التوجه الديني، الابتهاج

The Relationship of the Degree of Adherence to Religious Beliefs and Religious Orientation with Happiness among Female Students

✉ **Farideh Hossaein Sabet** / Assistant professor of the general and clinical psychology department, University of Allamah Tabatabai

Mehrnosh Mo'meni poor / MA Student of general psychology, University of Allamah Tabatabai

Received: 2014/02/28 - **Accepted:** 2014/08/26

Abstract

The aim of this research is to investigate the relationship of adherence to religious beliefs and religious orientation with happiness among female students. To achieve the research purpose, 247 female students were chosen from the public universities in Tehran on the basis of the common sampling method. Every student completed Oxford questionnaire about happiness, religious orientation of Allport and Ross and adherence to the religious beliefs (temple 1). An investigation of the relationship between the variables and Pearson correlation coefficient shows that there is a positive and meaningful relation between happiness and degree of adherence to religious beliefs and all their tests and between happiness and inner religious orientation and that there is a negative and meaningful relation between happiness and outer religious orientation. The multi variate regression analysis based on inter method, shows that the mini tests performing duties has a positive relationship and adherence to religious activities has a negative relationship with happiness. It seems that religion gives meaning to man's life and directs him towards an agreeable life.

Key words: adherence to religious beliefs, religious orientation, happiness.

Prediction of Professional Maturity Based on Identity and Religiosity Styles of Students at Allameh Tabatabaai University

✉ **Tayyeb Madanyfar** / MA in Career Counseling, Allameh Tabatabaai University

Kiyoomars . farahbakhsh / assistant professor at Allameh Tabatabaai University

Mahmoud Golzari / assistant professor at Allameh Tabatabaai University

Received: 2014/04/28 - Accepted: 2014/09/03

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between identity and religiosity and professional maturity among students. Using multistage cluster sampling, 400 students of Allameh Tabatabaai University were selected in the academic year 93-92. They responded to the three questionnaires of Berzonsky's identity styles inventory (ISI-6G) (1998), upholding religious beliefs (temple) Golzari (1379), and Savykas and Porfeli's professional maturity (2011).

Results showed that there is a significant positive relationship between identity and religiosity styles and professional maturity at $p < 0.01$. Commitment of identity is the main predictor (positive) and disoriented / avoiding identity styles are the negative predictors of professional maturity. Religiosity in the obligatory duties predicts professional maturity. In addition, the normative identity style and commitment of identity play a significantly positive role in the prediction of religiosity and its dimensions. The results of this study can be used for finding strategies for enrichment of the youth's identity through deepening their religious beliefs, as well as training and improving their professional maturity.

Key words: professional maturity, religiosity, identity styles, university students.

The Role of Emotional and Spiritual Intelligence in Explaining Negative Emotional Modes

Yosef Reza Poor / Assistant professor of education department, Tabriz University

✉ **Behzad Shalchi** / Assistant professor of psychology department, Shahid Madani University, Azarbayjan

Mehrnaz Dadkhah / MA Student of psychology, Tabriz University

Yosef Zaeinivand / MA Student of Women studies, Tehran University

Received: 2013/03/16 - **Accepted:** 2014/07/23

Abstract

The aim of this research is to investigate the role of emotional and spiritual intelligence in explaining negative emotional modes. This study is a kind of a correlation kind which has been conducted on a sample of 589 students. The students were taken apart in research by answering the scale of depression, anxiety and stress, the trait meta mood scale, and spiritual Intelligence Scale of King. The results show that, the dimensions of emotional and spiritual intelligence are able to interpret the negative emotional modes. To investigate the extent to which of the suggested model fit to the collected data, AGFI, CFI, RMSEA, X/df, X, GFI and RMR were calculated and shown that the suggested model has is of acceptable degrees of fit to the data.

Key words: emotional intelligence, spiritual intelligence, negative emotional modes.

A Survey on the Difference between Marital Conflict, Illogical Beliefs, Early Maladaptive (Primary Non-adaptation) Schemas and Religious Fidelity of Parents Who have One and Multi-Child

✉ **Abbas Ali Haratiyan** / PhD student of psychology, Hauzah & University Research Center
Seyyed Abbas Satorian / PhD student of psychology, IKI
Mohammad Zare'i / PhD student of psychology, Hauzah & University Research Center
Mas'ood Janbozorgi / Associate professor of Hauzah & University Research Center
Mozhgan Agah Haris / Assistant Professor of Payam Noor University, Garmsar
Received: 2013/12/14 - Accepted: 2014/06/02

Abstract

This is a research work of a causal-comparative kind which was accomplished in order to investigate the difference between marital conflict, illogical beliefs, early maladaptive (primary non- adaptational) schema and religious fidelity of parents of single child and multi-children. The research information (469 married subjects) was collected among the married people from Semnan on the basis of the multi-stage random-sampling. The participants have answered questionnaires' items of marital conflict, illogical beliefs, early maladaptive (primary non-adaptational) schema and religious fidelity. The test's results of the only way analytical variance test (ANOVA) suggest that the difference between degrees of above variations among two groups of parents of one child and multi-children is meaningfully significant. Therefore, it can be said the people with more religious fidelity and less illogical items and beliefs have more tendencies toward having multi children. Furthermore, multi child's parents have a less marital conflict experience than those who have only one child.

Key words: marital conflict, illogical beliefs, early maladaptive (primary non-adaptational) schemas, religious fidelity and multi children.

Comparing Spiritual Well-Being, Psychological Well-Being and Family Efficiency among University and Seminary Students

✉ **Ja'far Hushyari** / Phd student of Quran and psychology Al_Mostafa university

Mohammad Mahdi Safooraii Parizi / Assistant professor at Jame'at al-mostafa Al-alamieh

Beheshteh Newsha / assistant professor at Azad University of Saveh

Received: 2014/10/30 - **Accepted:** 2015/04/09

Abstract

This study was a survey aimed at comparing the spiritual well-being, psychological well-being and efficiency of family among university and seminary students. The statistical population consisted of male and female, married graduate and postgraduate students of universities and Level 2 and 3 seminaries in Qom. 391 participants were selected through convenient sampling. In this study, three questionnaires of spiritual well-being, psychological well-being and family efficiency were used. Data were analyzed through measures of central tendency, measures of dispersion and multivariate analysis of compare means test using SPSS software. The results showed that there is a significant difference in the mean score of spiritual well-being, psychological well-being and family efficiency of university and seminary students ($P \leq 0.05$).

Key words: spiritual well-being, psychological well-being, efficiency, family, university students, seminary students.

Development and Validation of a Questionnaire to Measure Women's Adherence to the Teachings of Islam about Treatment of Spouses

✉ **Seyed Abolfazl Ghodousi** / MA in Family Psychology/ IKI

Mohammad Reza Ahmadi / assistant professor of Psychology, IKI

Sadeq Karimzadeh / Assistant professor of Education department, IKI

Received: 2014/09/17 - Accepted: 2015/03/14

Abstract

This study aims to develop and validate a questionnaire to measure Women's adherence to the teachings of Islam about treatment of spouses. Using content analysis, the teachings of Islam about treatment of spouses (related to women) were extracted. Evaluation of content validity, construct validity and reliability tests were carried out through survey research via cluster sampling of a statistical population consisting of 374 married women from Isfahan. According to experts, 80 out of 123 originally proposed items had high content validity. In construct validity, using factor analysis, six factors were extracted. The index of sampling adequacy (0.847) and Bartlett test results showed that the sample size is appropriate for factor analysis. Positive and meaningful correlation of each item of the questionnaire with the total score on the questionnaire as well as positive and meaningful correlation between each factor and the whole questionnaire indicated acceptable construct validity through internal consistency. Based on Spearman - Brown coefficient, Guttman split-half coefficient and parallel forms correlation, internal consistency in the experimental stage and the final stage is meaningful. Alpha coefficient of the first half and the second half in the final stage was 0.839 and 0.018 respectively. In a sample of 31 participants, the correlation coefficient of test - retest at an interval of one month was 0.927 at a significance level of 0.001. Hence the questionnaire has good reliability and validity.

Key words: adherence of women, teachings on treatment of spouses, questionnaire, reliability and validity.

Construction and Investigation of Psychometric Characteristics Scale of Teenagers' Moral-Islamic Identity

Mahnaz Ali Akbari Dehkordi / Associate Professor of Psychology department, Payam Noor University, Tehran

Farhad Shaghghi / Associate Professor of Psychology department, Azad University, Abhar

✉ **Zahra Mardani Valendani** / PhD student and instructor of Psychology, Payam Noor University

Marziyeh Aziziyan / PhD student of educational Psychology, Allamah Tabatabai University

Zahra Asemi / PhD student of Psychology, Payam Noor University

Received: 2014/02/07 - Accepted: 2014/07/14

Abstract

This research is dealing with the validity and reliability of researcher's made "moral-Islamic identity scale in teenage students". Bearing in mind the moral virtues about which one can find a verse or verses in the holy Qur'an, at first a collection of 150 questions were provided. Having achieved the formal validity of the questioner by teachers, the final sample was prepared and put to use 700 students of a high school and art schools in Isfahan were chosen on the basis of cluster sampling. The Cronbach's Alpha coefficient subscales show that teenagers' moral-Islamic identity is of significant reliability. The results obtained by factorial probatory analyses in investigating the factorial design of measurement show that the seven factors show the variance 49.07. Also the indexes of factorial analysis show how well this model fits to moral-Islamic identity. Regarding the fact that all the questions of moral identity scale are based on certain verses of the holy Qur'an, they are the suitable means for measuring the established moral traits in Islam.

Key words: psychometric, moral-Islamic identity, teenager

Abstracts

The Conceptual Model of the Aspects of Forming a Conception of God through the Most Beautiful Names, as a Basis for the Studies on Islamic Lifestyle and Religious Psychology

✉ **Hossein Ahmadi Barabadi** / Assistant Professor in counseling Bojnord university

Masumeh Esmaili / Associate professor of consulting department, Allamah Tabatabai University

Hossein Salimi Bejestani / Assistant professor of consulting department, Allamah Tabatabai University

Sayyed Mohammad Kalantar Kusheh / Assistant professor of consulting department, Allamah Tabatabai University

Received: 2013/11/24 - Accepted: 2014/04/27

Abstract

The present research, which is a qualitative study based on content analysis, aims to determine the aspects of forming a conception of God through The Most Beautiful Names and present a conceptual model for studies on Islamic lifestyle and religious psychology. For this purpose, the Quranic verses and the well-known prophetic hadith which mentions 99 Names of God have been investigated. The results show that forming a conception of God by referring to The Most Beautiful Names considers two general aspects: first, the names which are realized by observing the Divine Essence taking into consideration none other than Him. Second, the names that refer to relation of God with the world of creation. This relation covers two areas: 1. the area of creation. 2. the area of Divine Command. The first includes the names that are related to creation and general structure of creation. These names are grouped under the headings: knowledge, ability, efficiency, savvy, protection, guidance and dominance. 2. The second includes the names that refer to the lordship of God and the relation between God and creation. These names are grouped under the headings: provider of facilities and interests, remover of obstacles and harms, control and auditing, aid seeking and aid-giving.

Key words: forming a conception of God, The Most Beautiful Names, lifestyle.

Table of Contents

The Conceptual Model of the Aspects of Forming a Conception of God through the Most Beautiful Names, as a Basis for the Studies on Islamic Lifestyle and Religious Psychology / Hossein Ahmadi Barabadi / Masumeh Esmaili / Hossein Salimi Bejestani / Sayyed Mohammad Kalantar Kushesh	5
Construction and Investigation of Psychometric Characteristics Scale of Teenagers' Moral-Islamic Identity / Mahnaz Ali Akbari Dehkordi / Farhad Shaghaghi / Zahra Mardani Valendani / Marziyeh Aziziyan / Zahra Asemi.....	27
Development and Validation of a Questionnaire to Measure Women's Adherence to the Teachings of Islam about Treatment of Spouses / Seyed Abolfazl Ghodousi / Mohammad Reza Ahmadi / Sadeq Karimzadeh	53
Comparing Spiritual Well-Being, Psychological Well-Being and Family Efficiency among University and Seminary Students / Ja'far Hushyari / Mohammad Mahdi Safooraii Parizi / Beheshteh Newsha	71
A Survey on the Difference between Marital Conflict, Illogical Beliefs, Early Maladaptive(Primary Non-adaptation) Schemas and Religious Fidelity of Parents Who have One and Multi-Child / Abbas Ali Haratiyan / Seyed Abbas Satorian / Mohammad Zare'I / Mas'ood Janbozorgi / Mozghan Agah Haris	93
The Role of Emotional and Spiritual Intelligence in Explaining Negative Emotional Modes / Yosef Reza Poor / Behzad Shalchi / Mehrnaz Dadkhah / Yosef Zaeinivand	113
Prediction of Professional Maturity Based on Identity and Religiosity Styles of Students at Allameh Tabataba'ii University / Tayyebe Madanyfar / Kiyoomars . farahbakhsh / Mahmoud Golzari.....	129
The Relationship of the Degree of Adherence to Religious Beliefs and Religious Orientation with Happiness among Female Students / Farideh Hossaein Sabet / Mehrnosh Mo'meni poor	145

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol.8, No.3

Fall 2015

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Translation of Abstracts: *Language Department of IKI*

Editorial Board:

☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*

☐ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Arafai:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

☐ **Dr. Qulam Ali Afroz:** *Professor, Tehran University*

☐ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*

☐ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

☐ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*

☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*

☐ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*

☐ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir
